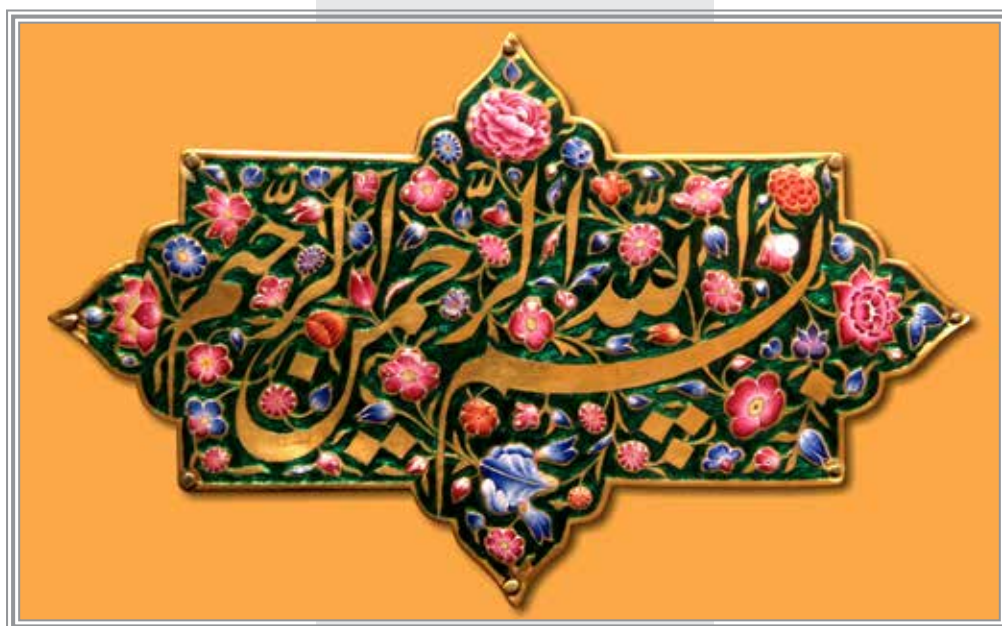




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِفْتَاحُ كُلِّ كِتَابٍ:
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، کلید هر نوشته‌ای است.

مکتب الرسول ج ۱، ص ۵۶

۱۴



زمان فراغت زمینه ظهور ظرفیت‌های
مثبت انسانی است | ۳۶

همت، بلند دار! | ۳۹

سیاحتی که عبادت است | ۴۰

سرمنزل رشد | ۴۲

در پرتو معنا

اولِ وصف تو | ۴۴

راه و رسم سپاس | ۴۷

کلید همه خیرات | ۴۸

خدمت خالصانه | ۵۰

خودشناسی
مقدمه خداشناسی است | ۵۲

عشق پیدا شد و
آتش به همه عالم زد | ۵۴

پیشنهاد ایرانی، مکر بهودی | ۵۶

فرهنگ و هنر

روایت وحشتناک مسخ | ۶۰

یک عاشقانه ناآرام | ۶۱

طنز تلخ حنظله | ۶۲

۲۰



راه‌برد

حج، سیاسی است | ۶

احیای روح مناسک | ۸

کانون تعامل و همدلی | ۱۱

حجاج، سفیران انقلاب | ۱۲

غفلت‌زدایی از خویشتن | ۱۴

منظور امام و رهبری از تقیه
پرهیز از اختلاف است | ۱۸

هجرت از خودپرستی | ۲۰

شوقی مشتعل | ۲۲

۲۶



اندیشه

فراغت از تو
می‌سر نمی‌شود ما را | ۲۴

پس چون فراغت یافتی
به طاعت در کوش | ۲۵

دوری از مدار تکرار | ۲۶

کاین سفر توشه همی خواهد و
این ره دور است | ۳۰

حرکت صعودی
در زنجیره هستی | ۳۲

ملالی نیست جز گم شدن
گاه به گاه خیالی دور | ۳۴

۳۴



زیر نظر شورای سیاست‌گذاری

● سردبیر:

یاسر احمدوند

● معاون سردبیر:

محمد مهدی بیگلری

● همکاران:

مجید صالحی، محمد جواد کسمایی، شایان ضیایی
محمد رضا بختیاری، فرناز رخشنده، حمید پورصمیمی
محمد جهان شاهی، نازنین رشیدبیگی، محمود اورعی
مehتاب هاشم‌زاده، فریده خان محمدی، علی پورمحسنی
حمید جواد، بهرام جلال‌وند، بهاره فرج‌پور



جمعیت هلال احمر
جمهوری اسلامی ایران
حوزه نمایندگی ولی فقیه

مروارید
هلال

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی و تاریک‌دینی
دوره جدید. شماره ۹. تیر ۹۸. سال پنجم
شماره پیاپی ۴۵
شوال - ذی القعدة ۱۴۴۰. جون - جولای ۲۰۱۹

۳۸



پیروز نهایی، ملت ایران است | ۸۶
جشن زیر سایه خورشید برگزار شد | ۸۹
توانمندسازی کانون‌های طلاب در
خراسان جنوبی | ۸۹

کار هلال احمر با کرامت و احسان
گره خورده است | ۹۰

دیدار با اعضای کانون‌های طلاب،
جوانان و دانشجویی | ۹۱

دوره آموزشی
مربیان نماز سراسر کشور | ۹۱
همه بخش‌ها در جهت حرکت در مسیر
بیانیه گام دوم تلاش کنند | ۹۲

برگزاری جلسه هم‌اندیشی دبیران
کانون‌های طلاب استان مرکزی | ۹۳
جوانان انقلابی ایران را حفظ کردند | ۹۴

تولید ۱۸ مستند از
زندگی شهدای امدادگر | ۹۷
ایران در مناسک حج الگو است | ۹۸

انتشار محتوای دوره آموزشی
زندگی بهتر | ۹۹

طلبه باید ملجأ مردم باشد | ۱۰۰
فعالیت هشت کانون طلاب
در استان ایلام | ۱۰۱

مسابقه کتابخوانی «دعبل و زلفا» | ۱۰۲

۴۸



دویدن تا مردی که جلوتر است | ۶۴
کت ولیعهدی | ۶۵
دلتنگ نباش | ۶۶
اوسنه گوهرشاد | ۶۷
ایستادگی علیه استعمار | ۶۸
قصه‌هایی دور از پایتخت | ۷۰
کوچه پس‌کوچه‌های یزد | ۷۱
غوطه‌وری در واژه‌ها | ۷۲
کدام بهتر است؟
کتاب کاغذی یا صوتی؟ | ۷۴

۷۳



هلال

کرامت مرد، دین اوست | ۷۶
به نمایندگی از همه کریمان | ۷۷
با کریمان کارها دشوار نیست | ۷۸
عملیات نجات انجیرستان | ۸۰

کرامت انسانی را در کمک‌رسانی
رعایت کردیم | ۸۱

خدمات خالصانه طلاب
در مناطق سیل‌زده | ۸۲

خدمت به انسان و ادبیات داستانی | ۸۴

۸۲



مهروماه از نوشته‌ها، پیشنهادها و انتقادهای شما استقبال می‌کند.
لطفاً مطالب خود را به نشانی
mehromah.helal@gmail.com ارسال فرمائید.
سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۶۶۴۴
تلفن: ۸۸۲۰۱۱۳۶

● مسئول پشتیبانی: فیروز شیخی
● مسئول توزیع: علی اصغر خلیج رحیمی
● باسپاس از همراهی:
حامد جبلی، فاطمه صادقی، فرزین صالحی
و مسئولان محترم دفاتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان‌ها

● مدیر هنری:
روح اله یاقوتی
● صفحه‌آرایی:
دفتر مشكاة هنر
● عکس جلد:
روح الله خسروی نژاد

گرامیداشت انسان و معرکه کریمان

سیل امسال، صحنه طراز یاری‌گری در ایران بود و حدّ اعلای یاری‌گری، امدادِ کریمانه است. بارانی که به جان مردم ایران بارید بارانِ بی‌امانِ کرامت بود و آنچه به بار آورد، شد معرکه کریمان.

کریمان، نشانه‌های بارزتر خداوند بر روی زمین هستند و مظهر عزت و سخاوت پروردگار؛ جایی که آنان منزل می‌کنند محل بخشندگی است و آنجا مجال مطالبه‌گری و منت و توقع نخواهد بود.

انسان به نمایندگی از خداوند بر روی زمین گرامی داشته شده و این گرامیداشت به موهبت اعطای عقل و خرد به اوست. کرامت از آن خداست و از کرامت کریمانه او بنی آدم تکریم شده است. اما اقتضای رسم بندگی، تعالی و کسب کرامت نیز هست. اکتساب کرم در پاسداشت آن است و فرزندان آدم موظفند به عنوان یک وظیفه متقابل و متعامل، کرامت یکدیگر را پاسداری کنند. کسب کرامت در رفتار متجلی خواهد شد و کسی که اکرام بیشتری داشته باشد «کریم» می‌شود. که از مظاهر آن، سودرسانی و خدمت به خلق است.

«کار خوب انجام می‌دهد و به مردم خدمت می‌کند و این امر را وظیفه خودش می‌داند.» این توصیف امیر مؤمنان (ع) است از انسان کریم.

نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست
عاشقی شیوه مردان بلاکش باشد
کریمان، حضورشان برکت دارد و عملشان نافع است. به خدا توکل می‌کنند و خوب دریافته‌اند که زمام اختیار هر جنبنده‌ای در دست اوست.

در گرفتاری‌ها دست و پایشان را گم نمی‌کنند بلکه دست به کار می‌شوند برای دست‌گیری از بندگان خدا و در این راه پایدارند. آنان در معرکه یاری‌گری حداقل یک گام از دیگران پیش هستند؛ بی‌منت فراتر از توانشان مایه می‌گذارند و هر موجودی که حیات دارد را عزیز و گرامی می‌دارند.

کسی که کریم است فقط به دیگری فکر می‌کند و برای او همین که دیگری بنده تکریم شده خداست کافیت تا حق بندگی را به جا آورد. ذهنش معطوف مدد رسانی و نجات جان و مال و رزق و آبروست و همین توجه انسان به دیگری و گره‌گشایی خالصانه، گرامیداشت انسان است.

کریمان، آدم‌های عجیب و غریب، فرازمینی و یا کسانی که کمک مادی قابل توجهی کرده‌اند نیستند. آنها آدم‌های معمولی هستند که درست سر جایی قرار گرفته‌اند که باید باشند و در آن موقعیت تلاش می‌کنند مسئولیتشان را به نحو احسن انجام دهند.

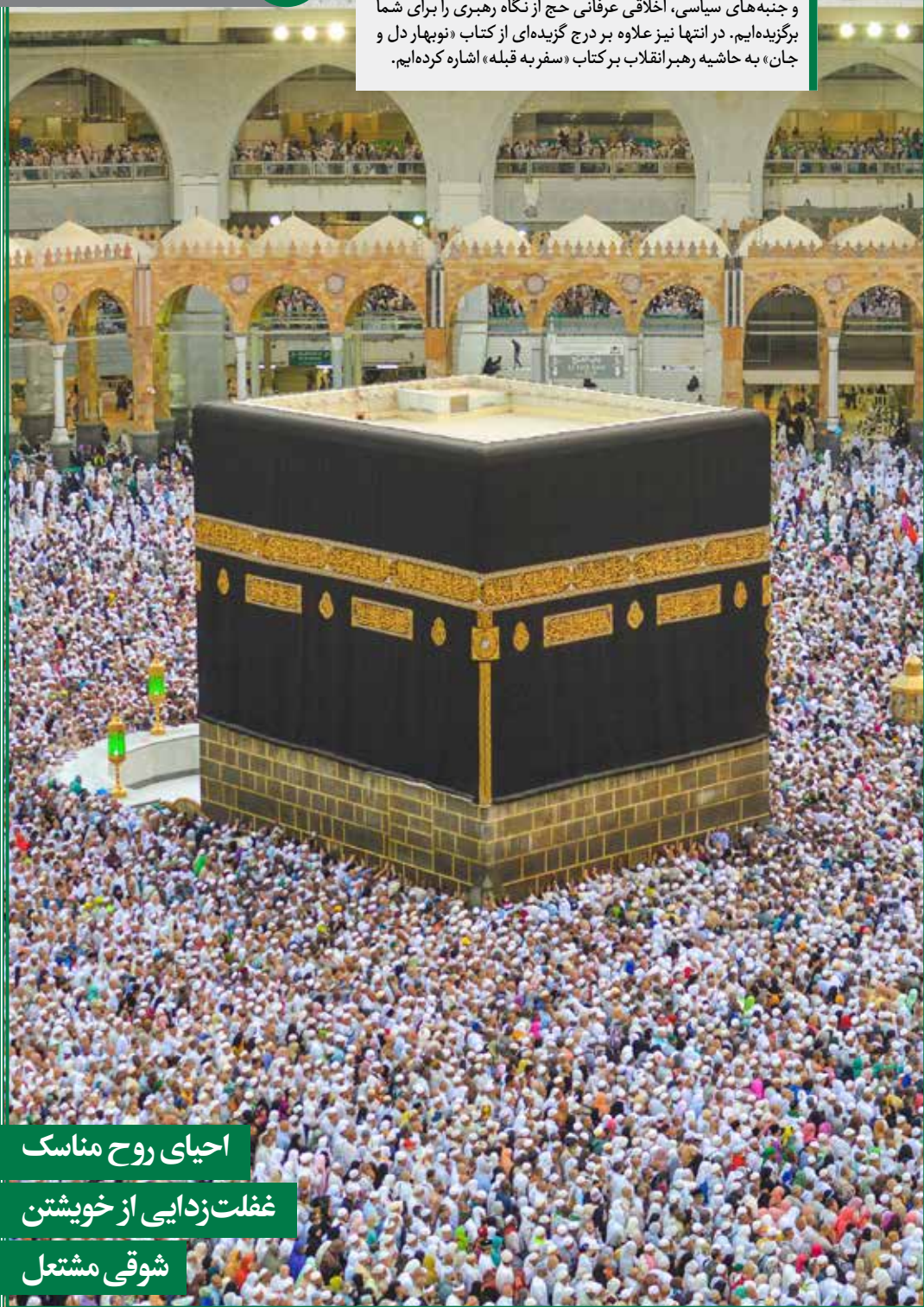
ماهیت هلال‌احمر و جانمایه این جمعیت، اکرام و کرامت انسان است. بنابراین وظیفه نهادهای بشردوستانه‌ای از این نوع به عنوان واسطه امداد، تقدیر از یاری‌گران است و البته در درجه مهم‌تر، کرامت انسانی حکم به تکریم کریمان می‌کند.

لازمه این امر اما تعریف کرامت و تبیین شاخصه‌های آن است و می‌طلبد هلال‌احمری‌ها با تعمق و توجه بیشتری این مفهوم را دنبال کنند تا معنای کرامت و منش کریمان، خط‌مشی یاری‌گران باشد. آنچه امسال در نخستین آیین تکریم کریمان محقق شد گام اول بود در قدردانی نمادین از کریمان سیل امسال. با این امید که این آیین، هر ساله شود و این سیره، سرلوحه.



این بخش از مهر و ماه به موضوع حج اختصاص پیدا کرده است. ابتدا گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران حج را می‌خوانیم و پس از آن در مقاله‌ای به بررسی مولفه‌های حج ابراهیمی از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری پرداخته‌ایم. در ادامه گفتگو، مقالات و مطالبی درخصوص ایجاد وحدت در حج، نقش حج در همدلی مسلمانان و جنبه‌های سیاسی، اخلاقی عرفانی حج از نگاه رهبری را برای شما برگزیده‌ایم. در انتها نیز علاوه بر درج گزیده‌ای از کتاب «نوبهار دل و جان» به حاشیه رهبرانقلاب بر کتاب «سفر به قبله» اشاره کرده‌ایم.

« راهبرد



احیای روح مناسک

غفلت‌زدایی از خویشتن

شوقی مشتعل



۱ سیاستی عین تعالیم اسلام

از جمله خطاهای بزرگی که همیشه می‌شنفتیم، حالا هم گاهی از بعضی از زبان‌های بی‌مبالات نسبت به حقایق اسلامی صادر می‌شود این است که «حج را سیاسی نکنید»؛ یعنی چه سیاسی نکنید؟ آنچه ما در حج لازم داریم از امور سیاسی، عین تعالیم اسلام است؛ ایجاد وحدت یک امر سیاسی است، این امر اسلام است، این عبادت است؛ و اعتصوم به حبل الله جمیعاً و لا تقربوا. ما اگر در حج از ملت فلسطین یا مظلومین دنیای اسلام مثل مظلومین یمن و دیگران دفاع می‌کنیم و حمایت می‌کنیم، این البته یک کار سیاسی است اما سیاستی است عین تعالیم اسلامی؛ دفاع از مظلوم خودش یک فریضه است، یک واجب است؛ این [واجب] اتفاق می‌افتد. یا برائت از مشرکین؛ اگر چنانچه روی مسئله برائت تکیه می‌کنیم و اصرار می‌ورزیم و آن را انجام می‌دهیم - که باید به بهترین وجهی ان شاء الله همه ساله انجام بگیرد - این به خاطر این است که یک فریضه اسلامی است؛ اِنَّ اللَّهَ بَرٌّ مِنَ الْمُشْرِكِینَ وَ رَسُولُهُ مُؤْمِنِینَ هُمْ «بُرء» از مشرکینند؛ اِنَّا بُرْءُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَّلْنَا وَبَتَّكُمْ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ اَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ حَدِّهِ؛ همه اینها مال دین است. بله، سیاست است، در عمل حج کار سیاسی هست، اما این کار سیاسی عیناً همان تکلیف دینی است، عیناً همان عبادت است؛ ببینید که اینها جزو نکات مهمی است. بله، اینکه بیایند منع کنند از این حرکات سیاسی این جوری، آن هم یک عمل سیاسی است، منتها سیاست غیر دینی، سیاست ضد دینی؛ اینکه بگویند در حج حق ندارید به آمریکا بگویید بالای چشم‌ت ابرو است، این [هم] یک حرکت سیاسی است، منتها حرکت سیاسی شیطانی است، حرکت سیاسی غیر اسلامی است. اما اینکه شما آنجا ابراز برائت کنید از هر مشرکی، از هر ضد اسلامی، این هم حرکت سیاسی است، منتها سیاستی که عین دین است؛ این سیاست دینی است. این هانکاتی است که باید مادر مورد حج بدانیم.

۱ الفت و برادری

یکی از چیزهایی که در حج خیلی مهم است، همین مسئله

رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران حج:

حج، سیاسی است

در آستانه اعزام کاروان‌های حجاج بیت‌الله الحرام به سرزمین وحی کارگزاران حج با رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دیدار کردند. ایشان در این دیدار علاوه بر تبیین جنبه‌های مختلف سیاسی و عبادی حج، توصیه‌های مهمی به حج‌گزاران داشتند. در ادامه برگزیده بیانات رهبر معظم انقلاب را می‌خوانیم.

«در حج مجموعه‌ای از ارزش‌های اسلامی جمع شده است که در هیچ واجب دیگری، در هیچ فریضه دیگری این همه خصوصیات از خصوصیات مورد تمجید اسلام و مورد تعریض اسلام وجود ندارد. در واقع حج یک نمودار کوچکی از جامعه اسلامی برتر و در واقع یک نمونه‌ای از آن چیزی است که ما در تمدن اسلامی، مورد نظر داریم؛ تمدن اسلامی، این را باید به بشریت اهدا کند. در تمدن نوین اسلامی، معنویت در کنار مادیّت، عروج اخلاقی و معنوی و روحی و تضرع و خشوع، در کنار پیشرفت زندگی مادی [است]؛ حج مظهر یک چنین تمدنی است.

همین طور که شما به طور واضح مشاهده می‌کنید، در حج، هم نمایش بندگی و خشوع وجود دارد - از اوّل تا آخر اعمال حج خشوع است، بندگی است، تضرع است - هم در عین حال در کنار این عامل صدور صد معنوی، یک عامل اجتماعی وجود دارد و آن وحدت است، برادری است، یکرنگی است؛ فقیر و غنی، اقوام گوناگون، ملت‌های گوناگون، نژادهای گوناگون، در کنار هم، با یک انگیزه، با یک هدف، یک عمل را انجام می‌دهند؛ ما دیگر کجا چنین چیزی را سراغ داریم؟ چه در بین فرایض اسلامی و چه در آنچه ما از ادیان گوناگون اطلاع داریم، چنین چیزی وجود ندارد. در عین حال خود حج حامل عنصر تحرّک است؛ عبادت است اما در این عبادت انسان مشاهده می‌کند حرکت هست، طواف هست، سعی هست، رفت و آمد هست؛ در عین حال نمایش تجمّع است. این تجمّعات عجیب مردمی در کنار هم که در عرفات با در مشعر الحرام یا در ایام منا انجام می‌گیرد هم یکی از مظاهر حیات اجتماعی اسلام است؛ همه اینها در حج وجود دارد. [حج] نمایش اخلاق است؛ فَلَا رَفْتَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ؛ آنجا جای برادری است، جای اخلاق است، جای گذشت است، جای دعا کردن با یکدیگر نیست، جای جدال کردن نیست. می‌بینید همه این عناصر عجیب و سازنده و درس‌آموز در حج جمع شده است؛ فریضه حج یک چنین فریضه‌ای است.



.....

یکی از چیزهای

مهمی که حجاج

ایرانی باید به

آن توجه کنند،

این است که

حاجی ایرانی

باید به ملت

ایرانی و هویت

ایرانی و جمهوری

اسلامی ایران آبرو

پبخشد؛ کونوا

لنا زینا. رفتار

حاجی ایرانی

-چه رفتاری که با

دوستانش دارد،

در سلوک طبیعی

زندگی اش دارد،

با وقار، با متانت،

با رفتار عاقلانه،

خردمندانه؛ چه

رفتاری که با بقیه

فرقه ها و ملت ها

و مانند اینها دارد،

محبت، منطق،

استدلال، رفتار

محترمانه؛ در همه

اینها- باید نشان

بدهد برجستگی

خُلُقِیات

اجتماعی ملت

ایران را

الف و برادری است. در روایات صادره از ائمه هدی (علیهم السلام) تأکید شده است، تحریض شده است که در مسجد الحرام، یا مسجد النبی با کسانی که شیعه نیستند نماز بخوانید، در نماز آنها شرکت کنید، به آنها اقتدا کنید؛ [این ها] روایات ما است؛ این الف است، این ایجاد الف بین برادران مسلمان است. اینکه من شنیده ام حالا بعضی اصرار دارند که در محل کاروان ها و هتل ها و غیره نماز جماعت برگزار کنند، سیاست درستی نیست، روش درستی نیست؛ بروند داخل مردم، با بقیه مسلمان ها در مسجد الحرام، در صفوف منظم نماز در مسجد النبی شرکت کنند. تشکیل امت اسلامی در اجتماعات بزرگ مسلمین، جزو آن چیزهایی است که در حج وجود دارد.

یکی از چیزهای مهمی که حجاج ایرانی باید به آن توجه کنند، این است که حاجی ایرانی باید به ملت ایرانی و هویت ایرانی و جمهوری اسلامی ایران آبرو ببخشد؛ کونوا لنا زینا. رفتار حاجی ایرانی - چه رفتاری که با دوستانش دارد، در سلوک طبیعی زندگی اش دارد، با وقار، با متانت، با رفتار عاقلانه، خردمندانه؛ چه رفتاری که با بقیه فرقه ها و ملت ها و مانند اینها دارد، محبت، منطق، استدلال، رفتار محترمانه؛ در همه اینها- باید نشان بدهد برجستگی خُلُقِیات اجتماعی ملت ایران را؛ این واقعاً یک چیز مهمی است. باز در روایات ما از طرف ائمه (علیهم السلام) به شیعیان تأکید زیادی شده است که رفتارشان را، گفتارشان را، برخوردشان را، مداراتشان را با بقیه مسلمان ها جوری کنید که مایه آبرو باشید، مایه عزت باشید.

آن کسانی هم که متصدی امور این مناطق حج، مکه و مدینه و امثال اینها هستند- [یعنی] دولت سعودی- وظایف سنگینی به عهده دارند؛ جزو وظایف اینها هم هست که امنیت حجاج را تأمین کنند، حرمت و کرامت حجاج را تأمین بکنند. کرامت حاجی [مهم است]؛ ضیوف الزحمان هستند، اینها مهمانان خدای متعالند؛ باید احترام اینها محفوظ باشد. رفتاری که به کرامت اینها صدمه می زند و به معنای اهانت به حاجی است حتماً باید برداشته بشود. البته محیط را نباید امنیتی کنند؛ امنیت حجاج را رعایت کنند اما محیط را یک محیط امنیتی نکنند؛ محیط آرام، محیط زندگی خوب. در این مدتی که حجاج در مکه و مدینه و بقیه مناطق و مراکز هستند- حالا یک ماه کمتر، بیشتر- باید رفتار آنها یک رفتار مناسبی باشد.

❑ فرصت حضور

به دعا و نماز و خشوع و توسل خیلی اهمیت بدهید؛ واقعاً فرصت حضور در مسجد الحرام و مسجد النبی یک فرصت مغتنمی است که برای انسان عادی به آسانی به دست نمی آید؛ حالا برای شما، برای آن حجاج محترم ایرانی حاصل شده، توانسته اند، توفیق پیدا کرده اند به اینجا رسیده اند. دعای در مسجدین، نماز در مسجدین، طواف در مسجد الحرام، تضرع، توجه، این ها را از دست نباید داد. اینکه بیفتند داخل بازارها و از اینجا به آنجا و خرید و مانند اینها، خلاف شأن یک مؤمن قدردان حج ابراهیمی است. حاصل مطلب این است که حج یک فریضه استثنائی

و ممتاز است و آیاتی که در باب حج هست و روایاتی که در باب حج هست، همه نشان دهنده این است که بایستی این فریضه درس های گوناگون فردی و اجتماعی بدهد به آن کسی که موفق شده است این فریضه را انجام بدهد. اگر بخواهیم که به معنای واقعی کلمه این امر را، این فریضه بزرگ را اطاعت کنیم و به جا بیاوریم، باید این نکات را توجه کنیم و رعایت کنیم.

و برائت از مشرکین یکی از کارهای مهم و لازم است، همچنان که نمازهای جماعت در مسجدین شریفین- که عرض کردیم- و همچنین دعا [لازم است]. دعای ندبه خوبی را، دعای کمیل خوبی را حجاج ایرانی معمولاً اقامه می کردند و می کنند؛ بسیار کار خوبی است؛ تلاش بشود تا انجام بگیرد ان شاء الله؛ [چون] این یک تضرع دسته جمعی است در بهترین مکان ها و توجه به خدای متعال است. از خدای متعال بخواهید که مشکلات و گرفتاری های امت اسلامی را، گرفتاری های جوامع اسلامی را برطرف کند، شر دشمنان را از سر دنیای اسلام کم کند.

امروز همین معارف اسلامی، همین حقایق اسلامی، مورد دشمنی شدید دشمنان اسلام است. دشمنی واقعی همین مستکبرین، همین آمریکا که ملاحظه می کنید این جو روحشانه به فضای اسلامی و محیط اسلامی و مردم مسلمان در زمینه های مختلف فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و امنیتی و غیره، تهاجم می کنند، با همین حقایق اسلامی است؛ اگر مسلمان ها این حقایق اسلامی را کنار بگذارند و به رنگ آنها دریابند و به شکل آنها زندگی بکنند، این دشمنی ها برداشته می شود. با این حقایق دشمنند، چون این حقایق اسلامی بر ضد منش ظالمانه آنها است. وقتی شما با تضرع و خشوع نماز می خوانید، میگویید: اَیَاکَ تَعْبُدُ و اَیَاکَ تَسْتَغِیثُ، در مقابل خدا خضوع و خشوع می کنید و معنایش این است که در مقابل غیر خدا، قدرت های مادی، خضوع و خشوع ندارید، تسلیم آن ها نمی شوید؛ و همین مایه دشمنی آنها است و همین مایه پیروزی و پیشرفت و صلاح و نجات امت اسلامی است. پایبندی به مبانی اسلام، پایبندی به شریعت اسلام، آن چیزی است که ملت اسلام را نجات خواهد داد.

آنچه در جامعه خود ما محسوس است، این است که ما هر چه و در هر جایی که پایبندی خودمان را به مبانی اسلامی و حدود اسلامی بیشتر نشان دادیم، خدای متعال کمکش را بیشتر شامل حال ما کرد و توانستیم بر مشکلات فائق بیاییم؛ آنجایی که غفلت کردیم، چوب غفلت خودمان را خوردیم. و من آنچه برای آینده این کشور و حتی آینده امت اسلامی احساس می کنم و مشاهده می کنم، این است که دشمنان وحشی و درنده خو و ظالم عالم اسلام و ملت ایران و امت اسلامی، بالاخره مجبور خواهند شد در مقابل اسلام زانو بزنند؛ و آنچه در آینده به توفیق الهی پیش خواهد آمد، عزت اسلام و مسلمین و پیشرفت جوامع اسلامی است. این آینده حتمی است، منتها تلاش لازم دارد؛ هیچ مقصودی و هیچ محصولی بدون تلاش، بدون مجاهدت، بدون گذشت، بدون همکاری به دست نخواهد آمد. □



امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و اقامه حج ابراهیمی

احیای روح مناسک

ایشان در بخش دیگری می‌گویند: «یکی از موارث عظیم و یادگارهای جاودان حضرت امام راحل (ره) اقامه حج ابراهیمی و احیاء مراسم برائت از مشرکین است لذا باید کاری را که آن حضرت در این زمینه انجام داد نیز بازگو شود». و اضافه می‌کند: «...پیش از این نیز هر ساله دورخانه خدا طواف می‌کردند و کنار مقام ابراهیم نماز می‌خواندند و سعی صفا و مروه داشتند و همه این مناسک بود. اما در مناسک حج دو کار مهم که ابراهیم خلیل (ع) به فرمان ذات اقدس اله انجام داد، مورد غفلت بود: تطهیر مراسم حج و زیارت و سرزمین حجاز از لوث شرک (تبری از شرک و مشرکین) و تنزیه جامعه اسلامی از نزاع و اختلاف (ایجاد وحدت)».

ایجاد وحدت

یکی از نشانه‌های حج ابراهیمی دوری جامعه اسلامی از نزاع و اختلاف و ایجاد وحدت است. هر کس کمترین نگاهی به یادگارهای حضرت ابراهیم از لیبیک و لباس احرام، طواف، سعی و صفا و حضور در عرفات و منی داشته باشد تمام آن راتجلی وحدت می‌یابد. امام راحل نیز که در ایجاد وحدت در جهان اسلام و تأکید بر آن نقش اساسی داشت در مراسم حج بر این امر به شدت تکیه می‌کرد، به نمونه‌هایی از کلام معظم‌له در این باره توجه کنیم: «عموم برادران و خواهران اسلامی باید توجه داشته باشند که یکی از مهمات

حج به خاطر اوصاف برجسته حضرت ابراهیم، و نقش کلیدی او در بنیانگذاری کعبه و آبادی آن، و اعلام حج به مردم، به حج ابراهیمی معروف و مشهور شده است و در منابع دینی، اعم از قرآن و روایات و تاریخ به زنده نگهداشتن یاد ابراهیم و حج ابراهیمی سخت تأکید و پافشاری شده است. نشانه‌های حج ابراهیمی را می‌توان ایجاد وحدت بین مسلمانان، حج با معرفت و تسلیم و خلوص نیت همراه امنیت جاذبه دانست. امام راحل در تحقق این نشانه‌ها و تحقق حج ابراهیمی تلاش خستگی ناپذیری انجام داد و بر اقامه حج ابراهیمی موفق شد و مقام معظم رهبری نیز بر پیمودن آن مسیر تأکید دارند. در این مطلب به بیان برخی از جنبه‌های حج ابراهیمی از منظر امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌پردازیم.

آیت الله جوادی آملی در خصوص تلاش امام خمینی (ره) برای اقامه حج ابراهیمی می‌گوید: «اکنون حج قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن را مقایسه کنید، مردم ایران سال‌های متمادی به مکه مشرف می‌شدند چنان‌که «یطوفون حول تلک الاحجار الّتی لاتضرّ ولا تنفع» اما این فرزند برومند نبی اکرم (ص)، حضرت امام خمینی (ره) حج را به عنوان گوشه‌ای از اسلام ناب شناخت، اصل اصیل «من تمام الحجّ لقاء الامام» را شناخت. مسئله تولی و تبری حج را شناخت و تبیین کرد و حج ابراهیمی را تشریح نمود، او حج منهای برائت را «جاهلی» دانست و حج همراه با برائت از شرک و مشرکین را حج ابراهیمی معرفی نمود. گرچه در این راه عده‌ای نثار و ایثار کردند و با انبیاء و اولیاء محشور شدند، اما او حج را اقامه کرد.»

۱. خلوص نیت

نشانه دیگر حج ابراهیمی خلوص نیت است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَذِّنْ فِرْعَانَ إِبْرَاهِيمَ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلَ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.» (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند (و می‌گفتند) پروردگارا! از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی.»

امام راحل (ره) درباره اخلاص می‌گوید: «وظیفه‌ای که از همه وظائف بالاتر است این که اخلاص داشته باشیم برای کارهایی که می‌کنیم.» از مهمات در همه عبادات، اخلاص در عمل است که اگر خدای نخواستہ کسی عملی را برای خودنمایی و عرضه به دیگران انجام دهد و خوبی عملش را به رخ دیگری بکشد، عمل او باطل است. همچنین تأکید می‌فرمایند: «مواظب باشید که اعمالتان، اعمال صالح باشد، قیامت‌ان برای خدا باشد، اعمالتان برای خدا باشد.»

مقام معظم رهبری نیز آنجا که درباره نقش اسلام در سرزمین مکه می‌گویند به این نکته اشاره می‌نمایند: «خاطرات اسلامی در این سرزمین برای هر مسلمان متدبر، در حکم داروی شفا بخشی است که او را از ضعف و زبونی نجات می‌دهد... اینجا بود که اخلاص و جهاد پیروزی آفرید، و مال دوستی و غنیمت طلبی ناکامی آورد»

۱. تسلیم و معرفت

حج ابراهیمی حجتی است که همراه با تسلیم در مقابل اوامر الهی باشد و تسلیم هم وقتی کامل خواهد بود که معرفت و شناخت عمیق در کنار خود داشته باشد. «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَتَكَ وَتَبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده، و از دودمان ما امتی که تسلیم فرمانت باشند، (به وجود آور) و طرز عبادت‌مان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر که تو توبه پذیر و مهربانی.»

حضرت ابراهیم نبی صد درصد تسلیم امر الهی بود «اذ قال له رَبِّهِ اسْلِمْ قَالَ اسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ وقتی پروردگارش به او گفت تسلیم باش گفت: تسلیم پروردگار جهانیان هستم.» و در آیه دیگر می‌خوانیم: «فَلَمَّا اسْلَمَا وَتَلَّه لِلْجَبِينِ.» علامه طباطبائی می‌گوید: منظور از مناسک (در ارنا مناسکنا) افعال عبادی و اعمالی است که انجام می‌دادند و با تعبیر «ارنا» می‌خواستند که حقیقت آن اعمال به آن‌ها نشان داده شود، نه تعلیم تکالیف، مانند آنچه در «و اوحینا الیهم فعل الخیرات؛ وحی کردیم به او انجام کارهای نیک را.» آمده است ارنا یعنی همان شناخت عمیق و آن حقیقت اعمال است.

امام راحل (ره) می‌گوید: «لازم است حجاج مسائل حج را از واجبات و محرمات نزد علمای اعلام به خوبی یاد گیرند تا خدای نخواستہ تخلفاتی حاصل نشود که موجب هدر رفتن زحمات آنان گردد یا موجب مُجَلَّ نشدن آنان شود و برای خودشان اشکالاتی پیش آید.»

همچنین ایشان می‌فرمایند: «در میقات‌های الهی و مقامات مقدس... حجاج عزیز از تمام وابستگی‌های به



.....

خاطرات

اسلامی در این

سرزمین برای هر

مسلمان متدبر،

در حکم داروی

شفا بخشی

است که او را از

ضعف و زبونی

نجات می‌دهد...

اینجا بود که

اخلاص و جهاد

پیروزی آفرید،

و مال دوستی و

غنیمت طلبی

ناکامی آورد

فلسفه حج، ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است.» و «یکی از فلسفه‌های مهم اجتماعی عظیم، در سراسر جهان در این مقام مقدس و مهبط وحی، به هم پیوستن مسلمانان جهان و تحکیم وحدت بین پیروان پیامبر اسلام و پیروان قرآن کریم در مقابل طغوت‌های جهان است.»

در کلام مقام معظم رهبری نیز می‌خوانیم: «ما... همواره اصرار بر وحدت فرق مسلمین داشته که یکی از آخرین آن‌ها تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است.» و همچنین «طواف و سعی و نمازهای جماعت و همه حرکات و سکنات دسته جمعی در حج این درس وحدت را به حج‌گزار می‌رساند و آن را در اعماق وجود او نفوذ می‌دهد.»

۱. شهرام

دیگر نشانه حج ابراهیمی وجود امنیت همه جانبه است، چرا که هم ابراهیم (ع) از خداوند خواست «و اذ قال ابراهیم رب اجعل هذا بلداً آمناً؛ (به یاد آر) زمانی را که ابراهیم گفت: خدایا این شهر را، شهر امن قرار ده.» که مکه را امن قرار دهد و هم خداوند اعلام کرد که «فیه آیات بَیِّنَات مقام ابراهیم و من دخله کان آمناً؛ در آن نشانه‌های روشنی است (از جمله) مقام ابراهیم و کسی که داخل آن (خانه خدا) شود در امان خواهد بود.»

امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر کس داخل حرم شود از مردم و بر آن پناه برد در امنیت است و کسی از گناهکاران که داخل بیت شود و به آن پناه برد از خشم الهی در امنیت است، و خوش و درندگان و پرندگانی که داخل حرم شوند در امنیت هستند.»

امام راحل بر مسئله امنیت همه جانبه خانه خدا سخت تأکید داشت. لذا بعد از حج خونین فریاد او بلند شد که: «جنایت تاریخی شکستن احترام حرم امن الهی که دل مسلمانان متعهد جهان را آتش زد چیزی نیست که تا ابد بشود آن را فراموش کرد و یا ساکت بود.»

همچنین ایشان اشاره فرمود: «امروز حرم، حرم است اما نه برای ناس، که برای آمریکا و کسی که به آمریکالایک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد.»





.....

حج... هم معطر به
نفس نیایشگران
و جای سجده
متعبدان و دست
نیازشناگویان، هم
مطلع خورشید
اسلام در آغاز
و هم مشرق
طلوع مهدی
موعود (عج)
در انجام، هم
پناهگاه دل‌های
ریمیده و هم
امیدبخش
جان‌های به ستوه
آمده است

حج ندارد... این سخن حضرت امام باقر(ع)... از آیه کریمه «الיום اکملت لکم دینکم، و اتممت علیکم...» که در حجه الوداع نازل شده، الهام و مدد گرفته است. خداوند سبحان، اسلام همراه با ولایت و رهبری را برای ما پسندیده است. دین خدا پسند، دینی است که با «کمال نعمت» و «تمام ولایت» آمیخته باشد، پس نه تنها «من تمام الحج لقاء الامام» بلکه «من تمام الاسلام لقاء الامام» است.

در روایات نیز بر این مسئله تأکید شده، که حج کامل و حج ابراهیمی همراه با ولایت اهل بیت(ع) است. علی(ع) فرمود: «خداوند با این سنگ‌ها که در تقرب و تعبد آن‌ها را سود و زبانی نیست، مردم را امتحان کرده است. بوسیدن احجار کعبه برای آن نیست که این حجر سود و زبانی دارد.» و در جای دیگر فرمود: «حضور الحاضر و قیام الحجه به وجود الثاصر؛ اگر حضور فراوان بیعت کننده نبود و یاران، حجت بر من تمام نمی‌کردند.»

و حضرت باقر(ع) نیز فرمود: «اتما امروا ان یطوفوا بها ثم ینفروا الینا فیعلمونا بولایتهم و مودتهم و یعرضوا علینا نصرتهم، ثم قرء قوله سبحانه و تعالی فاجعل افئدة من الناس تهوی الیهیم؛ همانا امر شده است (مردم) که طواف کنند دور آن احجار پس کوچ کنند به سوی ما پس ما را به ولایتشان و محبتشان خبر دهند و یاری خود را بر ما عرضه کنند پس سخن خدا را تلاوت کرد که می‌فرماید: پروردگارا دل‌های گروهی از مردم را به فرزندان من مشتاق کن.» ذیل همان دعا و درخواست ابراهیم علیه السلام است.

امام صادق(ع) نیز در روایتی فرمود: مراد از حرم امن الهی، معرفت ما اهل بیت(ع) است «من ام هذا البیت و هو یعلم انه البیت الذی امره الله عز و جل به و عرفنا اهل البیت حق معرفتنا کان آمناً فی الدنیا و الآخرة؛ کسی که قصد این خانه (خدا) کند و بداند که این خانه است که خدا امر به (طواف) آن کرده است و ما اهل بیت را آنچنان که حق ماست بشناسد، در دنیا و آخرت در امنیت خواهد بود.»

امام راحل می‌فرماید: «بزرگ‌ترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده‌اند و حج با آن همه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بی حاصل و بی‌ثمر باقی مانده است.»

یکی از مسائلی که در ایام حج به آن بی‌توجهی می‌شود، مسئله ولایت اهل بیت است، مردم نماز و زکات و روزه و حج را مورد توجه قرار می‌دهند، ولی ولایت مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد. امام باقر(ع) فرمود: «مردم چهار رکن اول را می‌گیرند و ولایت را ترک می‌کنند.»

امام خمینی (ره) می‌گوید: «از ملت مسلمان می‌خواهم که از ائمه اطهار(ع) و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راهنمایان عالم بشریت به طور شایسته و به جان و دل و جان فشانی و نثار عزیزان، پیروی کنند. حج... هم معطر به نفس نیایشگران و جای سجده متعبدان و دست نیازشناگویان، هم مطلع خورشید اسلام در آغاز و هم مشرق طلوع مهدی موعود (عج) در انجام، هم پناهگاه دل‌های ریمیده و هم امیدبخش جان‌های به ستوه آمده است.» □

غیر حق آزاد... و با انوار تجلیات الهی منور گردد تا اعمال و مناسک این سیرالی الله با محتوای حج ابراهیمی و پس از آن، حج محمدی، آراسته گردد و با سبکباری از افعال طبیعت، همگان سالم از وزرهای منی و منیت، با کوله باری از معرفت حق و عشق محبوب به اوطان خود باز گردند... با مشتی پر از ارزش‌های انسانی اسلامی که پیغمبران بزرگ از ابراهیم خلیل الله تا محمد حبیب الله صلی الله علیه و آلهم اجمعین به انگیزه آن مبعوث شدند به دوستان عاشق شهادت، ببینند.»

در کلام مقام معظم رهبری نیز می‌خوانیم: «شناخت عظمت و رحمت خداوند در حج به معنی تأمل در پایه گذاری این خانه است که در عین حال، هم خانه خداست و هم خانه مردم... هم جایی است که انسان نیازمند، بدان رو می‌کند و هم نقطه‌ای است که عظمت آیین الهی در آن جلوه‌گر می‌شود. آمیزه‌ای از شکوه و عظمت و صفا و سادگی، یادگاری از نخستین ندای توحید.»

□ ولای اهل بیت

از نشانه‌های دیگر حج ابراهیمی این است که روح حج را، طواف جان در گرداگرد ولایت و محبت علی(ع) و اولاد او تشکیل دهد. خوب است این بخش را از زبان استاد جوادی آملی بشنویم: «اساس و روح حج چیز دیگری است. حضرت امام باقر(علیه آلف التحیه و الثنا) که مظهر علم ذات اقدس اله و باقر علوم الاولین و آخرین است، وقتی به مکه مشرف شد، دید مردمی کنار کعبه طواف می‌کنند فرمود: «هکذا کانوا یطوفون فی الجاهلیه» در جاهلیت نیز این چنین اشواط بر می‌داشتند... این بیان به طور مکرر در بیانات اهل بیت(ع) آمده است تا زائران کعبه بدانند که در کنار «کعبه گل» آن «کعبه دل» که اصل ولایت و رهبری است محفوظ است.» قرآن از زبان حضرت ابراهیم نبی نقل می‌کند: «فاجعل افئدة من الناس تهوی الیهیم؛ پروردگارا! دل‌های گروهی از مردم را به فرزندان من مشتاق کن» این آیه در قبال (آیه) کریمه حج، پیام دارد، یعنی مردمی که از نقاط دور و نزدیک به حرم خدا مشرف می‌شوند، موظفند دو کار انجام دهند: اول اینکه بایند، دور آن سنگ‌هایی که «لاتضر ولا تنفع» است بگردند و دوم اینکه با جان، گرد حرم ولای اهل بیت و رهبری علی و اولاد او طواف کنند. خدای سبحان پیام اول را که با ابدان مردم کار دارد، به عهده ابراهیم خلیل(ع) گذاشته و فرمود: تو اعلان کن، مردم می‌آیند «و اذن فی الناس بالحج یا توک...» اما وقتی مردم به جان ببینند تا ولای خود را به اهل بیت(ع) عرضه کنند و آمادگی خود را برای فداکاری و نثار جان و ایثار مال ارائه دهند «حضور الحاضر و قیام الحجه به وجود الناصر» محقق می‌شود که ابراهیم خلیل(ع) آن کار را از خدای سبحان چنین درخواست نمود و فرمود: «پروردگارا! تسخیر دل‌های مردم که به اطراف کعبه دل بگردند، به عهده تو است.»

طبق بیان نورانی حضرت امام باقر(ع) حجتی که رهبری در آن حضور و ظهور ندارد حج ناقص است «من تمام الحج لقاء الامام» البته، این شامل همه عبادات بوده و اختصاصی به



حج می تواند مسلمانان را حول محور خانه توحید گرد هم آورد

کانون تعامل و همدلی

■ غلامحسین اسلامی فرد

«البته ملت های اسلامی باید بیدار باشند و نباید دشمن و توطئه و حرکت های او را کوچک بشمرند، باید بیداری و برحذر بودن و هشیاری خود را حفظ کنند. امروز، روز اتحاد و همدلی ملت ها و دولت های اسلامی است.»

اسلام به جهت برخورداری از مفاهیم دینی جذاب و پاسخگو بودن به همه نیازهای معنوی و مادی بشر، موقعیت ممتازی نسبت به ادیان و ایدئولوژی های دیگر دارد. انقلاب اسلامی ایران یک رنسانس دینی بود که امواج اسلام را بار دیگر در سرتاسر جهان گسترانید. این انقلاب با معرفی فرهنگ متعالی اسلام ناب به جهانیان، مکاتب مختلف فکری را به چالش گرفت و مسلمانان و آزاداندیشان گیتی را به سوی درک مشترک و واقعی از مسائل جهان رهنمون ساخت که تنفر از آمریکا به عنوان شیطان بزرگ در سرتاسر جهان و به خصوص میان امت اسلامی یکی از نشانه های آن است. در این شرایط دشمن که حیات خود را در خطر می بیند، یک جنگ وسیع عقیدتی، سیاسی، فرهنگی و نظامی علیه جهان اسلام به راه انداخته است. چنین تهاجم سنگین و وسیع که همه ارکان جهان اسلام را فراگرفته، تهدید مشترک همه مسلمانان فارغ از مذاهب سنی و شیعه است. اگر جهان اسلام اندیشه ای برای این تهاجم بزرگ نکند، باید شاهد فرایند استحاله فرهنگی و سلطه استعمار و کوچک تر شدن سرزمین های اسلامی باشد. از سوی دیگر غرب مهاجم با ترفند جدید اصل تفرقه اندازی در میان مذاهب و اقوام مسلمان و تشویق افراطیون را محور راهبردهای خود قرار داده است. مبانی این راهبرد، کنترل جهان اسلام از طریق کنترل شیعه با اهل سنت و کنترل اهل سنت با شیعه از طریق شکاف مذهبی است. از این رو است که باید تأکید کنیم: جهان اسلام بیش از گذشته به انسجام و وحدت اسلامی نیازمند است و حج این ظرفیت را دارد که در جهت منافع امت اسلامی مسلمانان را حول محور خانه توحید گرد هم آورد. ■

یکی از محورهای اساسی حج «تحول آفرینی در جهان اسلام در جهت مادی و معنوی» است. برای نیل به این مهم، جهان اسلام همه ظرفیت های لازم و مهم چون جمعیت، ایدئولوژی و موقعیت استراتژیک را دارد. عده مسلمانان جهان اینک بر اساس آمارهای سازمان ملل متحد از یک میلیارد و دویست میلیون نفر گذشته است. این جمعیت بزرگ اگرچه در بخش هایی از جهان متمرکز است، اما توزیع آن را می توان با درصد های مختلف در سرتاسر جهان دید. این جمعیت بزرگ به چیزی که در این مقطع بیش از همه نیاز دارد، هویت مشترک با محوریت اسلام است که در صورت تحقق آن، مسلمانان را به یک محور و نقطه ثقل در نظام و ساختار جهانی مبدل خواهد نمود. استکبار با شناختی که از اثرات و پیامدهای قدرت یابی مسلمین در صورت نیل به هویت مشترک دینی در نظام جهانی سلطه دارد، حرکت هایی را سال ها است در جهت تضعیف وحدت و هویت مشترک مسلمانان به پیش می برد و در سال های اخیر به آن شدت و حدت هرچه بیشتری داده است. چنین شرایطی، برقراری تعامل میان مسلمانان را به عنوان یک جامعه اثرگذار در نظم نوین جهانی ضروری می نماید، و ایام حج بهترین زمان، و سرزمین و حی بهترین مکان برای این مهم است.

به لحاظ موقعیت مکانی، کشورهای اسلامی از ویژگی های منحصر به فردی در زمینه های ژئواستراتژیک، ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک برخوردارند. این قابلیت به کشورهای اسلامی امکان آن را داده است که بتوانند در نظام های جهانی تأثیرات بسیار داشته باشند. برای فعال کردن این قابلیت ها، اتحاد اسلامی یک ضرورت حیاتی است.

رهبر معظم انقلاب در مناسبت های مختلف به روشنگری در مورد اقدامات دشمن برای تفرقه میان امت اسلامی پرداخته و مسلمین را نسبت به پیامدهای وخیم تفرقه که وضعیت در فلسطین، افغانستان و عراق را می توانیم از جمله پیامدهای آن بدانیم آگاه ساخته اند. ایشان از جمله در یکی از پیام های نوروزی هشدار داده اند: «در سطح دنیای اسلام هم یک تلاش وسیع و عمیق (برای تفرقه میان مسلمین) از سوی دشمن محسوس است.»

ایشان همواره وظیفه اول همه مسلمین و رهبران اسلامی را اتحاد کلمه و همدلی دانسته و توجه داده اند: «(دشمنان به دنبال آن هستند) اختلاف مذهبی را بزرگ کنند، جنگ شیعه و سنی را در هر نقطه ای از دنیا که ممکن باشد، به وجود بیاورند.» ایشان همچنین در رهنمودی دیگر خطاب به ملت های منطقه و به خصوص فرقه ها و دسته های مختلف لبنانی چنین توصیه فرمودند: «ملت های منطقه و فرقه های اسلامی و پیروان دین های مختلف در لبنان و در همه کشورهای اسلامی باید دست اتحاد به یکدیگر دهند و نگذارند تفرقه آنان موجب قوت دشمن شود.» معظم له در همین رابطه در بیاناتشان در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) در توصیه به ملل اسلامی اظهار داشتند:

بررسی جنبه‌های سیاسی حج در بیانات امام و رهبری

حجاج سفیران انقلاب

تا آخرین نفس از دست نخواهد داد. «ایشان استفاده از فرصت حج، برای تبیین ماهیت واقعی جمهوری اسلامی را، تکلیف کارگزاران حج می‌داند و به آنان سفارش می‌کند، در ارتباط با سایر مسلمانان، اهداف بلند انقلاب اسلامی را تبیین کنید و دل‌های مسلمانان را که در سراسر جهان برای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی می‌تپد، شاد سازید. «شما که کارگزار حج‌اید، شما که دلتان لبالب از اعتقاد و ایمان به نظام جمهوری اسلامی است، در حج در کنار این برادر مسلمانی که در معرض این تبلیغات قرار گرفته است، تکلیف اولتان چیست؟ تبیین. معارف اسلامی و معارف نظام اسلامی را تبیین کنید.»

آگاهی از وضعیت مسلمانان

حج مظهر نیروی متراکم جهان اسلام است که می‌تواند با اجتماع عظیم مسلمانان در مکه و مدینه، بزرگ‌ترین مشکلات را از سر راه مسلمین بردارد. اجتماع مسلمانان در سرزمین وحی می‌تواند افکار آنان را به سوی مشکلات متوجه سازد و راه حل‌هایی که از این اجتماع می‌تواند برای مسلمانان حاصل شود، در هیچ اجتماعی به دست نخواهد آمد. امام خمینی (ره) با اشاره به این موضوع می‌فرماید: «باید در این اجتماع عظیم الهی که هیچ قدرتی جز قدرت لایزال خداوند نمی‌تواند آن را فراهم کند. مسلمانان به بررسی مشکلات عمومی مسلمین پرداخته و در راه رفع آنها با مشورت همگانی کوشش کنند.»

توجه به مشکلات جهان اسلام و مسلمانان در حج، از مهم‌ترین دغدغه‌های امام و رهبری بوده و هست که مکرر در بیانات و پیام‌های خود بدان اشاره کرده‌اند و کمتر پیامی از این دواحیاگر حج ابراهیمی وجود دارد که به این موضوع اشاره نشده باشد. امام خمینی (ره) در اولین پیام به حج‌گزاران بعد از انقلاب می‌گوید: «برادران و خواهران مسلمان من! آگاهید که تمام منافع مادی و معنوی همگی ما را بر قدرت‌های شرق و غرب می‌برند و ما را در فقر و وابستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قرار داده‌اند. به خود آییند و شخصیت اسلامی خود را بیابید.»

مقام معظم رهبری با توجه به همین مشکل در پیام خود به زائران بیت‌الله الحرام می‌فرماید: «کشورهای اسلامی، در یک قرن اخیر، ضایعات جبران‌ناپذیری را تحمل کرده‌اند. موج استعمار و کشورگشایی غربیان، بیشترین آسیب را به ملت‌های مسلمان زد که ثروت‌ها و منابع مادی‌شان، آنان را آماج تهاجم‌های همه‌جانبه دول استعمارگر ساخته بود. حاصل این دست‌اندازی‌ها برای مسلمانان... عقب افتادگی علمی و مادی بود.»

ایشان برای درمان معضلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام، یک راهکار مهم پیشنهاد می‌کنند و آن بهره‌برداری از فرصت حج است. «اگر مسلمانان قدر حج را بشناسند و از این نقطه التقا و مرکز اجتماع همه ساله به درستی بهره‌برند، بخش مهمی از این حصار نومیدی و تلقین ضعف که برگرد ملت‌ها کشیده شده است، ویران خواهد شد.»

در این نوشته، با بررسی فرصت‌آفرینی حج از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در بُعد سیاسی، کوشیده‌ایم با بهره‌گیری از پیام‌های ایشان به کنگره جهانی حج و بیانانشان در جمع کارگزاران حج، این موضوع را بررسی و واکاوی کنیم. ■

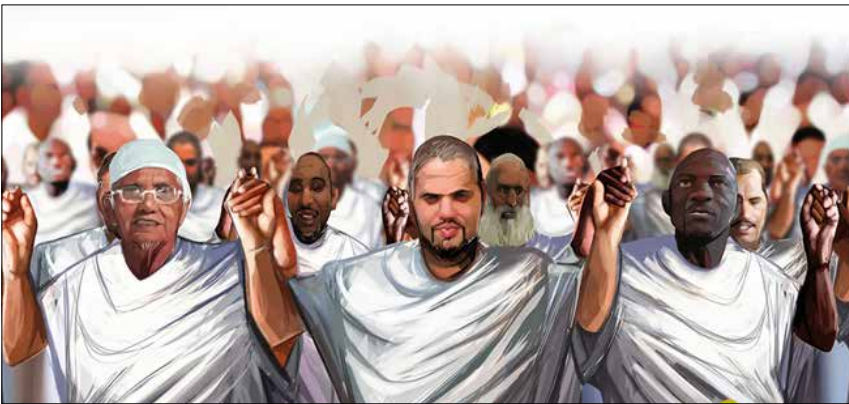
معرفی انقلاب و جمهوری اسلامی

از نگاه امام و رهبری، حج یکی از فرصت‌های با برکت برای معرفی انقلاب اسلامی است و انقلاب هدیه‌ای است الهی برای جهان اسلام؛ انقلابی که معرفی درست آن، زنده کردن اسلام و نقش احیای آن در اذهان فسرده و خموده مسلمانان است. امام خمینی (ره) در یکی از پیام‌های خود به کنگره حج، خطاب به فرهیختگان حج‌گزار می‌گوید: «بر روحانیون محترم و نویسندگان و گویندگان متعهد لازم است که در فرصت‌های مناسب و در محضر مسلمانان، به جبران تبلیغات مسمومی که از وسائل ارتباط جمعی وابسته به آمریکا و اسرائیل، به شایعه افکنی و دروغ‌پردازی بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران اشتغال دارند، از اسلام و انقلاب اسلامی ایران دفاع نمایند، و چهره واقعی آن را به جهانیان معرفی نمایند.»

از منظر مقام معظم رهبری، معرفی صحیح انقلاب اسلامی معرفی حقیقت اسلام است؛ زیرا این انقلاب از معارف بلند اسلام برخاسته است: «آنچه مهم است، این است که ما در حج باید چیزی را منعکس کنیم که لب و مغز انقلاب و لب و مغز هویت ماست. آن چیست؟ آن تصمیم قاطع بر تحقق اسلام است.» ایشان یکی از مسؤولیت‌های مهم کارگزاران حج و مردم مسلمان ایران را، معرفی پیام‌های بزرگ انقلاب اسلامی می‌داند که همان ایستادگی در مقابل استکبار است و از کارگزاران حج و زائران خانه خدا می‌خواهد که با اعمال خود معزف و سفیر انقلاب باشند: «در درجه اول، کارگزاران حج، در درجه بعد، آحاد حج‌گزار، همه با رفتار، با گفتار و با عملشان نشان دهند که ژبر الحیددی در اینجا وجود دارد که عازم است حرکت خودش را ادامه بدهد. این، امید می‌بخشد. این بزرگ‌ترین پیام اسلام و انقلاب است که باید در همه نوشته‌ها، در همه گفته‌ها، در نشریه زائر... در همه چیز منعکس شود. بر این باید اصرار باشد.»

امام، انقلاب اسلامی را عامل عزت مسلمانان می‌داند و مسلمانان را تشنه آشنایی بیشتر با انقلاب اسلامی می‌شمارند. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «شما نمایندگان مردمی هستید که انقلاب اسلامی‌شان... توانسته است ندای اسلام را، هر چند ضعیف، به گوش جهانیان رسانده و نظر آنان را به خود جلب کند. شما حجاج محترم بیت‌الله الحرام، حامل پیام این ملت و نمایندگان این کشور هستید.»

مقام معظم رهبری هم در موقعیت‌های مختلف، حج‌گزاران را به برافراشته نگه داشتن پرچم انقلاب اسلامی در حج سفارش کرده است. ایشان می‌فرماید: «امروز شما به دنیای اسلام عزت داده‌اید. ملت ایران با برافراشتن پرچم اسلام به یکایک مسلمانان در دنیا عزت داده است. لذا مسلمانان کشورهای دیگر هم می‌خواهند دنبال این الگو حرکت کنند... در حج، نگذارید این پرچم از دست شما بیفتد. در مذاکرات خصوصی و در اجتماعات عمومی نشان بدهید که ملت ایران به برکت اسلام، عزیز و سرافراز شده است و این عزت را



۱ کمک به مظلومان

سیره پیشوایان دینی، دفاع از ستمدیدگان و بی پناهان است. آنان از پیروان خود می خواستند که باور ستمدیدگان و دشمن ستمکاران باشند. معمار کبیر انقلاب، پایه گذار این تفکر ناب علوی به عنوان یکی از سیاست های جمهوری اسلامی ایران بود و خلف صالحش آن را ادامه داده و کمک به مظلومان عالم را از اصول خدشه ناپذیر نظام معرفی کرده است. ایشان همه مسلمانان را به این امر مهم دعوت می کند و حج را بهترین جایگاه برای این کار می داند: «انان که به صدق و درستی فرموده حضرت رسول (ص) که فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» باور و عقیده دارند، آیا برای بروز دادن این اهتمام، جایی بهتر از حج بیت الله و زمانی مناسب تر از ایام معلومات سراغ دارند؟ ... آری، حج، فریضه ای است که مهم ترین گرفتاری های سیاسی امت اسلامی در آن و با آن قابل حل است.»

رهبر کبیر انقلاب و مقام معظم رهبری در همه پیام هایی که برای حج فرستاده اند، بدون استثنا به ظلم ستیزی و کمک به مظلومان، به خصوص مسلمانان بی پناه فلسطین، افغانستان، لبنان، عراق و کشمیر اشاره کرده اند: «امروز قبله اول مسلمین (مسجد الاقصی) به دست اسرائیل، این غده سرطانی خاورمیانه افتاده است. امروز برادران فلسطینی و لبنانی عزیز ما را با تمام قدرت می کوبد و به خاک و خون می کشد.... امروز کشورهای آفریقایی مسلمان ما زیر یوغ آمریکا و سایر اجانب و سرسپردگان آنان دست و پا می زنند. امروز آفریقای مسلمان صدای فریاد مظلومانه خود را هر چه بیشتر بلند می کند. فلسفه حج باید جوابگوی این فریادهای مظلومانه باشد. گردش به دور خانه خدا نشان دهنده این است که به غیر از خدا گِرد دیگری نگیرد.»

رهبری درباره استفاده از زمان حج برای کمک به ستم دیدگان و آگاه کردن مسلمانان از ظلمی که به جهان اسلام می رود، فرموده اند: «امروز هرکس وضع دشوار ملت های مسلمان و تسلط دولت جبار ایالات متحده بر آنان را بداند، هرکس از جنایات صهیونیست ها و توطئه های پنهان آنان علیه کشورهای مسلمان آگاه باشد، هرکس از پیشرفت این غده بدخیم سرطانی در ارکان اقتصادی و سیاسی دولت های منطقه احساس خطر کند، هرکس وضع تیره ملت فلسطین را ببیند... هرکس از وضع جنوب لبنان و مناطق دائماً در معرض تهاجم آن با خبر باشد... هرکس از افغانستان و کشمیر... مطلع باشد، آری هرکس که این حقایق را دانسته و از غیرت اسلامی و احساس وظیفه دینی برخوردار باشد، تردید نخواهد کرد که از دست دادن ذخیره عظیم حج و ضایع کردن این پشتوانه مستحکم الهی برای اسلام و مسلمین خسارتی بی جبران و گناهی بی غفران است.»

۲ دشمن شناسی

دشمنان انسان از ترندهای گوناگونی بهره می گیرند. گاهی با نقاب دوستی و دل سوزی، مکارانه، احساس هم دردی می کنند و انسان خوش باور ممکن است تحت

تأثیر این برخورد به ظاهر دوستانه قرار گیرد و به او اعتماد کند. علی (ع) در سخنی حکیمانه و هشدار دهنده می فرماید: «لَا تَأْمَنَنَّ عَدُوًّا وَإِنَّ شَرَّكَ». «به دشمن خود هرگز اعتماد نکن؛ اگر چه تشکر کند». امروز جهان اسلام گرفتار دشمنانی است که از در حيله و مکر به غارت منابع مسلمانان مشغولند و در مقابل، فرهنگ مبتذل خود را به مسلمانان تحمیل می کنند و آنان را از فرهنگ ناب محمدی دور می سازند. سرزمین وحی و مناسک حج، بهترین عرصه برای شناخت دشمن و انتقال تجارب دشمن شناسی و مبارزه با دست های پنهان و آشکار آنان است. رهبر کبیر انقلاب با اشاره به جایگاه حج در شناخت دشمنان می فرماید: «از آنجا که حج و انجام این فریضه بزرگ الهی از مسائل مهم اسلامی و اجتماعات بزرگ سیاسی، مذهبی جامعه مسلمانان می باشد و باید در انجام هر چه باشکوه تر و بهره برداری هر چه بیشتر از این اجتماع عظیم دینی سعی کافی مبذول شود... این حقیقت را به همگان گوشزد کنند که دشمنان اسلام با تمام قوا سعی در ایجاد تفرقه و اختلاف میان جوامع اسلامی دارند و به هر نام و هروسیله که شده، می کوشند تا با [ایجاد] درگیری میان مسلمانان، زمینه را برای تسلط کامل و مجدد خود بر همه کشورهای اسلامی و چپاول و غارتگری خود مساعد سازند.»

مقام معظم رهبری نیز در این باره می فرماید: «تشریع فریضه حج و ترتیب مناسک آن، هم نشانه عظمت است و هم آیت رحمت. با این شناخت است که دل ها به مشاهده کعبه شریف در مسجد الحرام منقلب می شود و بیراهه ها به صراط مستقیم می پیوندد و انسان ها دگرگونه می شوند [و] شناخت دشمن، محصول همه آن شناخت ها و متمم و مکمل آنهاست و بدون آن، دل و ذهن مسلمان، مخزنی بی حصار است که از دست برد راهزن و خائن غارتگر، مصون نیست. در خود اعمال حج، رمی جمرات، نماد دشمن شناسی و دشمن ستیزی است.» □

❑ غفلت زدایی

به طور طبیعی اولین شرط برای اینکه انسان حرکت تکاملی خودش را در جهت قرب الی الله آغاز کند، این است که به این مسئله توجه پیدا کند و از «غفلت» و بی خبری در مورد آن بیرون بیاید. تازمانی که انسان پرده غفلت را کنار نزده باشد، نه تنها تزکیه ای رخ نخواهد داد، بلکه اساساً انسان جایگاه خود را در جغرافیای هستی در نخواهد یافت. به همین دلیل است که برخی از آیات، علت محرومیت انسان از سعادت و گرفتار شدنش به شقاوت را «غفلت» معرفی کرده اند: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف: ۱۷۹)». «به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم. آن ها دل هایی (عقل هایی) دارند که با آن [اندیشه نمی کنند و] نمی فهمند و چشمانی که با آن نمی بینند و گوش هایی که با آن نمی شنوند. آن ها همچون چهارپایان اند؛ بلکه گمراه تر! اینان همان غافلانند چرا که با داشتن همه گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند.»

صحنه حج فضای بسیار خوبی است که انسان ها از غفلت بیرون آیند از روزمرگی و عادت که آنها را از حقایق و واقعیات دیگر حیات غافل کرده جدا شوند. حج، دل کنند از وابستگی های معمول و وارد شدن به فضایی است که ابزارهای شناخت را به کارگیرد؛ با چشم آثار و نشانه های عظمت پروردگار را در سرزمین وحی مشاهده کند، با گوش خود پیام پروردگار را در سرزمین توحید بشنود و قلب خود را برای ادراک آنها به کار اندازد و با عریان شدن از همه تشخیص های اعتباری با احرام، از هروله کردن در صفا و مروه و رفت و آمد با خوف و رجا برای راه یافتن به بارگاه ملکوتی پروردگار، به هوشیاری برسد و از غفلت آزاد شود. مقام معظم رهبری غفلت را عامل سقوط و انحرافات اخلاقی و انهدام تمدن ها معرفی کرده و حج را یکی از بهترین روش های غفلت زدایی فردی و اجتماعی دانسته و در این زمینه فرموده است: «حج یکی از برترین تدابیر اسلام در غفلت زدایی است. بین المللی بودن این مراسم، گویا این پیام را می رساند که امت اسلامی در هویت جمعی خود نیز، جدا از وظیفه فردی مسلمان، موظف به غفلت زدایی از خویشان است.»

ایشان مناسک حج را نوعی مبارزه با عوامل غفلت زاشمرده و فرموده است: «عبادات و مناسک حج، فرصت می دهد که ما اسارت و وابستگی غفلت بار خود به لذت طلبی و هوس و تن آسایی را موقتاً ترک کنیم. احرام و طواف و نماز و سعی و وقوف، ما را از یاد خدا سرشار، و به حریم الهی نزدیک می کند و لذت انس با خدا را در کام ها می نشاند.»

❑ خودسازی

خودسازی و تزکیه و تهذیب نفس گامی اساسی برای دوری از گناهان و پیراستن درون از رذایل اخلاقی است و سفر روحانی حج دستیابی به خودسازی و تزکیه نفس را آسان تر

فرصت سازی های اخلاقی و عرفانی حج در بیان رهبران انقلاب اسلامی

غفلت زدایی از خویشتن

❑ داود حسینی

یکی از فرصت هایی که حج برای حج گزاران فراهم می کند، فرصت خودسازی و تزکیه نفس و پالایش درون از رذائل و آماده شدن نفس برای دریافت جلوه های رحمت پروردگار است. در این مقاله به بررسی فرصت های اخلاقی - عرفانی حج از دیدگاه امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه ای می پردازیم. ■

❑ خودشناسی

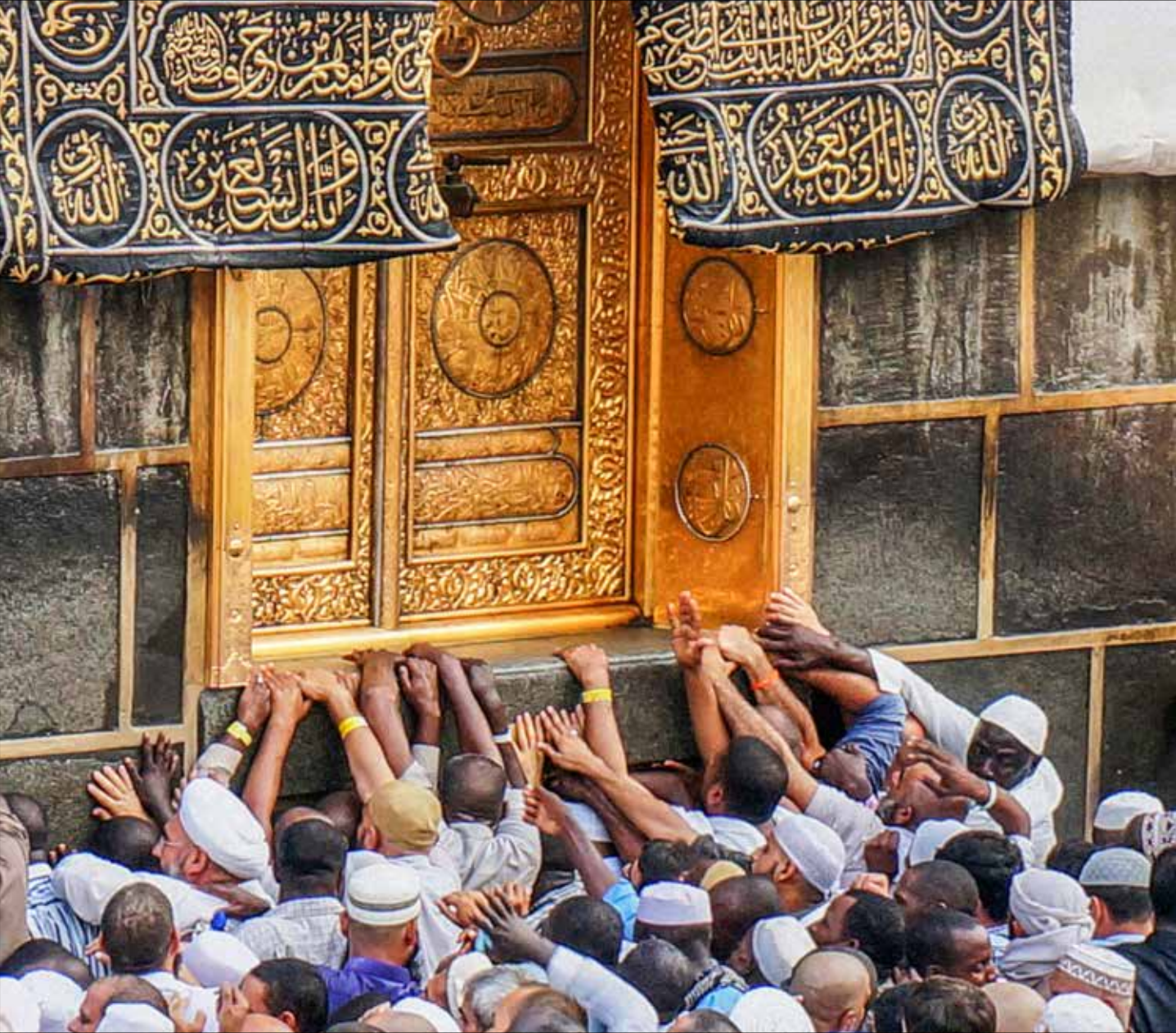
خودشناسی مقدمه خداشناسی است؛ «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ». از جمله ویژگی های حج، فراهم ساختن زمینه برای خودشناسی است. انسان در زندگی خود معمولاً اسیر روزمرگی می شود و به آنچه در اطراف او می گذرد عادت می کند؛ از همین رو از حقایق و واقعیات دیگر حیات خود غافل می شود. جدا شدن انسان از وضعیت عادی و روزمره زندگی، این موقعیت را برای انسان فراهم می سازد که به خود و پیرامون خود توجه کند.

مناسک حج، از احرام تا تقصیر و از عرفات تا جمرات، مرحله به مرحله از تعلقات و خودخواهی ها رها شدن، به خود واقعی اندیشیدن و خود را یافتن است. آنگاه که حج گزار لباس دوخته از تن بیرون می آورد و لباس بندگی و طاعت را بر تن می کند، هویت جدیدی می باید و این پس از آن است که علایق مادی و دنیوی را قطع می کند و در کسوت احرام قرار می گیرد.

مقام معظم رهبری شناخت خود را جوهر همه عبادات و مناجات ها معرفی می کند و رسیدن به این شناخت را در سایه سار حج امکان پذیر می داند: «این شناخت اساسی که جوهر همه عبادات و مضمون همه مناجات ها و راز و نیازهای اولیای خداست، آدمی را صیقل و صفا می بخشد و او را برای دیگر شناخت ها مستعد، و برپیمودن همه راه های کمال، توانا می سازد. در زندگی عادی، گرفتاری های دنیوی، دل را غافل و مشغول می سازد و او را از این معرفت روشن باز داشته و حج علاج قاطع این گرفتاری است.»

تفکر در آفاق و انفس، بهترین راه برای رسیدن به خودشناسی است و عرصه حج و سرزمین وحی، این فرصت را فراهم می کند؛ عظمت کعبه و سرزمین وحی، حضور هزاران انسان موحد با رنگ ها و زبان های متفاوت، هر انسانی را به تفکر وامی دارد. همچنین جدا شدن از تعلقات مادی و شخصیتی و احرام بستن در لباسی مانند لباس آخرت، راه رسیدن به معرفت به ویژه معرفت النفس را فراهم می سازد.

مقام معظم رهبری با توجه به این حقیقت، خودشناسی را یکی از هدیه های حج می شمارد و به حج گزاران و عمره گزاران سفارش می کند که از این فرصت فراهم شده، بالاترین بهره را ببرند که مجموعه شناخت هایی که در حج حاصل می شود، در هیچ موقعیت و عبادت دیگری یک جا به دست نمی آید: «نخستین هدیه حج به کسی که مایل است چشم خود را به حقایق بگشاید و از نیروی خدادادی فهم پدیده ها بهره بگیرد، همان معرفت و شناخت منحصر به فردی است که عادتاً جز در حج در اختیار خیل عظیم مسلمانان قرار نمی گیرد و هیچ پدیده دیگری نمی تواند مجموعه شناخت هایی را که در مراسم حج قابل وصول است، یک جا در اختیار ملت اسلامی قرار دهد. این معرفت، شناخت خود [است].»



آن حضرت در بخش دیگری از کلام خود می‌فرماید: «وَمِنْهُ تَرَكْتُ قَسَاوَةَ الْقُلُوبِ وَ حَسَاوَةَ الْأَنْفُسِ... وَ خَطَرَ الْأَنْفُسِ عَنِ الْفَسَادِ...». «و از آثار حج، ترک قساوت قلب و پستی نفس و دوری نفس از فساد است.»

از این بیانات استفاده می‌شود که حج‌گزار با قرار گرفتن در فضای معنوی حج و ارتباط با صالحان، انگیزه خودسازی می‌یابد و تزکیه درون برای او آسان‌تر و جدی‌تر می‌شود. این موضوع در پیام‌های امام و رهبری به حج‌گزاران، جایگاه ویژه‌ای دارد. مقام معظم رهبری در یکی از پیام‌های خود به حج‌گزاران، ضرورت خودسازی و تزکیه نفس را در عرصه حج یادآوری می‌کند و می‌گوید: «برای فراهم شدن زندگی سعادتمندانه و مطلوب انسان، تزکیه اخلاقی فرد که گوهر او را از زشتی‌ها و آلودگی‌ها برهاند... ضروری و حتمی است.» ایشان در فرازی دیگر از پیام خود می‌گوید: «حج در آیینی پر راز و رمز، و درآمیزه شگفت‌آوری از شکوه و خاکساری و اقتدار و فروتنی، و حرکت و تلاش درونی و برونی، نمادی از مبارزه و جهاد نفسانی... در راه تحقق حیات طیبه انسانی را در برابر



.....

سفر روحانی
حج دستیابی به
خودسازی و تزکیه
نفس را آسان‌تر
می‌کند

می‌کند. حج‌گزاران در این سفر برای کسب اخلاق پسندیده و آماده‌سازی درون برای از خود گذشتگی، عطوفت و مهرورزی، ادب و احترام به دیگران، صداقت و درستی، احسان و انفاق و... به تمرین می‌پردازند و خود را به فضایل اخلاقی می‌آرایند.

قرآن کریم در مورد محرمات حج می‌فرماید: «فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» (بقره: ۱۹۷) «در حج، آمیزش جنسی با زنان و گناه و جدال نیست.» این آیه به سه مورد از محرمات حج اشاره دارد که هر یک در تطهیر و پاکسازی درون نقش دارد؛ «فَلَا رَفَثَ»، یعنی پاک کردن قوه شهوی؛ «وَلَا فُسُوقَ»، یعنی تطهیر قوه غضب؛ «وَلَا جِدَالَ»، یعنی تهذیب قوای فکری.

امام (رضاع) می‌فرماید: «عَلَّةُ الْحَجِّ الْوَقَادَةُ إِلَى اللَّهِ... وَالْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ... وَ خَطَرُهَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ اللَّذَاتِ». «علت وجوب حج، مهمانی به سوی خداست... و خارج شدن از هرچه گناه است و بازداشتن نفس از خواسته‌های شهوی و لذت‌های مادی.»

چشم آدمی می‌گذارد و حج گزار را به تمرین عملی وظایف بزرگ خود وادار می‌سازد.

مقام معظم رهبری با توجه به فرصت مناسب حج، به زائران توصیه می‌کند از این فرصت طلایی برای تزکیه نفس بهره‌گیری کنند. ایشان می‌فرماید: «به حجاج محترم ایرانی توصیه می‌کنم که از این فرصت ارزشمند برای تزکیه نفس... و تحصیل رستگاری روحی، حداکثر استفاده را بکنند و از دعا و تضرع و تفکر و تصفیه روح، لحظه‌ای غفلت نکنند.»

ایشان شرط توفیق در دیگرسازی و جهان‌سازی را خودسازی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «خودسازی مقدمه و شرط اساسی برای دیگرسازی و جهان‌سازی و ایجاد تحول و پیمودن راه‌های دشوار است.»

این سخن رهبری به حدیث شریف علوی اشاره دارد که فرمود: «مَنْ تَصَبَّ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ أَمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِهِ تَعْلِيمَ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لَيْتَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ». «کسی که خودش را امام برای دیگران قرار می‌دهد، باید ابتدا به تربیت خود بپردازد، قبل از پرداختن به تربیت دیگری و باید تربیتش به عمل، قبل از تربیت به زبان باشد.» هنگامی که زائر خانه خدا به شهر خود بر می‌گردد، خانواده، دوستان، همکاران و اهل محل نگاه دیگری به او دارند. او دیگر حاجی است. انتظاراتی از او می‌رود که شاید قبلاً چنین انتظاری از او نمی‌رفت. از این رو، باید خود را به اخلاقی زیبا و پسندیده بیاراید.

انس با قرآن

قرآن، کتاب هدایت و برنامه انسان‌سازی است و هر کس باید بر اساس توانایی خود، از قرائت، درک مفاهیم، تفسیر و عمل به آیات آن در زندگی فردی و اجتماعی خود بهره‌گیرد. قرآن کریم سفارش می‌کند که مسلمانان در هر حال و به هر اندازه که می‌توانند باید در تلاوت قرآن بکوشند: «فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضًى وَأَخْرُوجْ يُضْرَبُونَ فِي الْأَرْضِ يَنْتَعُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَخْرُوجْ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنْهُ» (مزل: ۲۰). «آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید. او می‌داند به زودی گروهی از شما بیمار می‌شوند و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی [و کسب روزی] به سفر می‌روند و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می‌کنند [و از تلاوت قرآن باز می‌مانند]. پس به اندازه‌ای که برای شما ممکن است، از آن تلاوت کنید.»

تلاوت قرآن در بعضی فضاها و مکان‌ها اهمیت بیشتری می‌یابد؛ مثلاً تلاوت یک آیه از قرآن در ماه مبارک رمضان، برابر است با یک ختم قرآن در سایر ماه‌ها.

همچنین تلاوت قرآن در سرزمین وحی اهمیت ویژه‌ای دارد. امام باقر فرمود: «مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ بِمَكَّةَ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى رَسُولَ اللَّهِ وَ يَرَى مَنْزِلَهُ مِنَ الْجَنَّةِ». «کسی که قرآن را در مکه ختم کند، نمی‌میرد تا اینکه پیامبر خدا را می‌بیند و جایگاه خود را در بهشت مشاهده می‌کند.»

امام خمینی (ره) با بهره‌گیری از این معارف بلند اسلامی، به زائران سفارش می‌کند که در سفر معنوی حج، انس با قرآن و بهره‌گیری از این کتاب الهی را مورد توجه قرار دهند:



حج در جوهر و

ذات خود دارای

دو عنصر اصلی

است؛ تقرب

به خدا در اندیشه

و عمل، و اجتناب

از طاغوت و

شیطان با جسم و

جان. همه اعمال

و ترک حج،

برای این دو و در

جهت آن و تأمین

ایزرها و مقدمات

آن است، و

این در حقیقت

خلاصه‌ای از

اسلام و همه

دعوت‌های الهی

نیز هست

«به زائران محترم تذکر می‌دهم که در این مواقع معظمه و در طول سفر به مکه مکرمه و مدینه منوره، از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تئیان گل‌شده است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع‌الجمع تأییده است، غفلت نفرمایند.»

مقام معظم رهبری نیز با اشاره به اهمیت مکانی و زمانی حج، به زائران خانه خدا سفارش می‌کند که از این فرصت، بهترین بهره را بگیرند و با قرآن بیشتر انس پیدا کنند: «هر چه می‌توانید، در ایام حج از این ذخیره استفاده کنید. این اوقات، هم روزها و زمان، متبرک است و هم مکان، متبرک است. هم از لحاظ زمان، در اوج حرمت ماه‌های حرام قرار دارد؛ هم از لحاظ مکان، در نقطه‌ای اعلای مناطق متبرک - که خانه خدا و مرکز توحید و توجه نفوس همه مسلمانان در همه شبانه‌روزهاست - قرار دارد. حاجی در آن جا باید رابطه خود را با خدا قوی و مستحکم کند؛ با قرآن انس پیدا کند.»

ایشان درباره اهمیت تلاوت قرآن در این سفر و ایجاد عادت همیشگی در زندگی خود می‌فرماید: «چقدر خوب است حجاج ما خود را موظف بدانند که وقتی مشرف می‌شوند، در مکه و همچنین در مدینه. آنجایی که منزل وحی و محل آغاز رحمت عظیم بی‌منتهای الهی؛ یعنی قرآن است. یک ختم قرآن به جا آورند و از آن بهره بگیرند، این بشود یک عادت و یک سنت... باید به خواندن قرآن و توجه به مفاهیم آن نیز اهمیت دهیم.»

توجه به دعا و مناجات

بی‌شک کسی که به عظمت خداوند واقف است و مقام رحمانیت و نعمت‌های پروردگار را می‌شناسد، لذت مناجات و گفت‌وگوی خصوصی با خدا را درک می‌کند و همواره در پی آن است که موقعیتی مناسب و فضایی معنوی فراهم شود، تا با خدای خود رازهای نگفته را نجو کند و از این‌گذر، پیوند عاشقانه را با معبود خویش استوارتر سازد.

مؤمنان راستین، از لذت مناجات با خدا آگاهند و می‌دانند کسی که با دعوت پروردگار در فضای عرفانی مدینه‌النبی و مسجدالحرام و صحرای عرفات حاضر شده و توفیق خلوت با معبود و گفت‌وگوی خصوصی و عاشقانه برای او فراهم آمده، به چه مقام و منزلتی نائل شده است. از این روست که سفارش به بهره‌برداری از موقعیت‌های زمانی و مکانی و دعا و تضرع و انابه به درگاه پروردگار، در اکثر پیام‌های مقام ولایت اولین توصیه به زائران خانه خدا، بهره‌گیری از فضای تضرع و ارتباط با پروردگار است. ایشان در ستایش کسانی که از این فرصت بهره می‌برند، می‌فرماید: «سلام بر زائران خانه خدا، میهمانان سرای دوست، و لبیک‌گویان دعوت او.

و درود ویژه بر دل‌هایی که از یاد خدا طراوت یافته و بر فیض و رحمت بی‌دریغ او در گشوده‌اند. در این روزها و شب‌ها و



.....

و در لمس
«خَجَرُ الْأَسُودِ»
بیعت با خدا
پندید، که با
دشمنان او و
رسولانش و
صالحان و آزادگان
دشمن باشید و به
اطاعت و
بندگی آنان،
هر که باشد و
هر جا باشد، سر
نهیید و خوف
و زبونی را از
دل بزداید که
دشمنان خدا و در
رأس آنان شیطان
بزرگ زیوند

خلاصه‌ای از اسلام و همه دعوت‌های الهی نیز هست... رهبر کبیر انقلاب نیز همه مناسک حج را برای ستیز با شیاطین انس و جن دانسته و در بخش‌های مختلف پیام خود به کنگره جهانی حج این نکته را به حاجیان یادآوری می‌کرده و فرموده است: «در فریضه حج که لیبیک به حق است و هجرت به سوی حق تعالی به برکت ابراهیم و محمد است، مقام «نه» بر همه بت‌ها و طاغوت‌هاست و شیطان‌ها و شیطان زاده‌هاست... و در لمس «خَجَرُ الْأَسُودِ» بیعت با خدا بندید، که با دشمنان او و رسولانش و صالحان و آزادگان دشمن باشید و به اطاعت و بندگی آنان، هر که باشد و هر جا باشد، سر نهیید و خوف و زبونی را از دل بزداید که دشمنان خدا و در رأس آنان شیطان بزرگ زیوند...».

و در سعی بین صفا و مروه، با صدق و صفا سعی در یافتن محبوب کنید که با یافتن او همه یافته‌های دنیوی گسسته شود و همه شک‌ها و تردیدها فرو ریزد و همه خوف و رجا‌های حیوانی زایل شود و همه دلبستگی‌های مادی گسسته شود و آزادگی‌ها شکفته گردد و قید و بند شیطان و طاغوت که بندگان خدا را به اسارت و اطاعت کشند، در هم ریزد. و با حال شعور و عرفان به مشعر الحرام و عرفات روید و در هر موقف به اطمینان قلب بر وعده‌های حق و حکومت مستضعفان بیفزایید و با سکوت و سکون تفکر در آیات حق کنید و به فکر نجات محرومان و مستضعفان از چنگال استکبار جهانی باشید و راه‌های نجات را از حق، در آن مواقف کریمه طلب کنید.

پس به مناروید و آرزوهای حقانی را در آنجا دریابید که آن قربانی نمودن محبوبترین چیز خویش در راه محبوب مطلق است. و بدانید تا از این محبوب‌ها که بالاترینش حب نفس است و حب دنیا تابع آن است، نگذرید به محبوب مطلق نرسید و در این حال است که شیطان را رجم کنید و شیطان از شما بگریزد.»

مقام معظم رهبری نبرد با شیطان را در حرکت دسته جمعی و همراهی و همدلی و در سایه رعایت محرمات حج برای حاجی میسر می‌شمارد و می‌فرماید: «اجتناب از شیطان و طاغوت، دل‌کنند از شهوات و هوس‌های خوارکننده و کمک گرفتن از نیروی صبر و اراده خود و نیز نیروی عظیم امت اسلامی را لازم دارد که همانا در حرکت دست جمعی و همراهی و همدلی و همگامی و هم‌زبانی همگان در طواف و سعی، و وقوف در عرفات و مشعر و منا، و هدف گرفتن دست جمعی جمرات شیطان و رمی از همه جا و همه سو به آن و ابراز برائت عمومی از آن، حاصل می‌شود.»

ولی امر مسلمین، دوری از شیطان و شکست اهداف فریبنده او را یکی از ثمرات اساسی حج می‌داند و به حج‌گزاران همچنین سفارش می‌کند: «من به همه برادران و خواهران مسلمان که در محشر عظیم حج گرد آمده‌اند، متواضعانه توصیه می‌کنم که در حج تدبیر کنند و آن دو نکته اصلی را یعنی دل سپردن به خدا از یک سو و اجتناب و برحذر بودن از شیطان‌ها برای خود تأمین کنند و با روحی مجهز به تقوا و دلی سرشار از اعتماد به خدا و روحی لبریز از امید به آینده... به دیار خود بازگردند.» □

ساعت‌های اِکسیرگون، چه بسیارند آن‌ها که قدرشناسانه، خود را به جذبه معنویت سپردند و با انابه و توبه، دل و جان را نورانیت بخشیدند، زنگار گناه و شرک را از خود ستردند. سلام خدا بر این دل‌ها و بر این صاحب‌دلان و پاکان.»

توصیه ایشان به زائران این است که از فرصت حج استفاده کنند و با دعا، رابطه خود را با پروردگار قوی نمایند و با اراده مصمم باز گردند: «همه برادران و خواهران شایسته است به چنین دستاوردی بیندیشند و این فرصت بزرگ را مغتنم شمارند. نگذارند در اینجا نیز دل مشغولی‌های زندگی مادی، که گرفتاری همیشگی ماست، دل‌ها را به خود سرگرم کند. با یاد خدا، با انابه و تضرع... با کمک خواستن از خداوند، دل مشتاق خود را در فضای توحید و معنویت ناب به پرواز در آورند و برای پایداری در راه خدا و صراط مستقیم، توشه بگیرند.»

ایشان برگزاری دعا‌های مأثور و دسته جمعی؛ مانند دعای کمیل را از بسیاری از کارهایی که تحت عنوان فرهنگی صورت می‌گیرد، مؤثرتر دانسته‌اند: «مقدس‌ترین کارها برگزاری مراسم دعای کمیل است... اثر همه جانبه دعای کمیل شاید از بسیاری از کارهایی که آنجا می‌کنیم و دلمان به آنها خوش است، بیشتر است.»

□ شیطان ستیزی

میدان جهاد با شیطان و ابزار اغوای او بسیار وسیع است و غنیمت یا غرامتی که در این جنگ نصیب یا دامنگیر انسان می‌شود، بسیار مهم است. هر جنگی در جهان طبیعت رخ دهد، هم غنیمت‌هایش محدود است و هم غرامت‌هایش. ولی غنیمت‌های جهاد با شیطان و نفس اماره نامحدود و غرامت‌هایش نیز جبران‌ناپذیر است؛ زیرا انسان در نبرد با شیطان، یا شرف و شرع را حفظ می‌کند، یا آنها را از دست می‌دهد. از این جهت این جنگ، جهاد اکبر است و برای انسانی که ورزیده نیست، جنگ با دشمن درون، گرچه ضعیف باشد، دشوار است؛ و گرنه به لحاظ دشمن اگر سنجیده شود، جنگ بزرگی نیست. انسانی که عقل دارد و به وحی تکیه کرده و به رکن وثیق عنایت الهی وابسته شده، شکست نمی‌خورد؛ بلکه بر شیطان فائق می‌آید. امیر مؤمنان، علی (ع) می‌فرماید: «صَافُوا الشَّيْطَانَ بِالْمَجَاهِدِ وَ اغْلِبُوهُ بِالْمَخَالَفَةِ». «با شیطان به وسیله جهاد با نفس مصاف کنید و با مخالفت با خواسته‌هایش بر او غالب شوید.» به فرموده امام علی (ع) ساده‌ترین راه شکست شیطان، جهاد با نفس و مخالفت با خواسته‌های اوست. در این صورت است که کید شیطان مؤثر واقع نخواهد شد: (إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا) (نساء، ۷۶).

جوهره و ذات بعضی عبادات به گونه‌ای تنظیم شده که به تمامی جهاد با شیطان و هوای نفس است. یکی از این عبادات حج است. به فرموده مقام معظم رهبری: «حج در جوهر و ذات خود دارای دو عنصر اصلی است: تقرب به خدا در اندیشه و عمل، و اجتناب از طاغوت و شیطان با جسم و جان. همه اعمال و ترک حج، برای این دو وجهت است و تأمین ابزارها و مقدمات آن است، و این در حقیقت

دیگران را دیدیم می بینیم که صدها چشم است که نگران حال ما است و می خواهد به ما کمک کند. در مراسم حج هر کدام از مسلمانان که از کشورهای مختلف می آیند در واقع به نمایندگی از ملت و قوم خود شرکت می کنند. در این کنگره عظیم حج است که همه سعی می کنند به جای خودبینی و خودبرتربینی به دیگران فکر کنند و این همان چیزی است که امام صادق (ع) فرمودند که اگر مردم هر کشوری فقط به خود فکر کنند، آن کشور خراب می شود. اما اگر ما بیابیم و یکدیگر را ببینیم آن همه سوء تفاهات و بدبینی ها کنار می رود و به جایش مهر و محبت و تعاون می نشیند: «لپشدهوا منافع له»

ابزار تفرقه شامل چه مواردی است که باید کنار گذاشته شوند؟

ابزارهای تفرقه همان طور که گفتیم یکی خودبرتربینی شیطانی، خودبینی و دیگری جدال است. قرآن می گوید «ولا جدال فی الحج». این نکته بسیار مهمی است. ما اغلب در گفتگوها دچار عصبانیت و ناراحتی از همدیگر می شویم. به خاطر این که گفت وگوهایمان تبدیل به جدال می شود. یعنی آن چنان صحبت می کنیم که طرف ناراحت می شود. این که چرا طرف ناراحت می شود به خاطر این که در این گفت وگوها هر کس می خواهد بگوید که من بهتر از دیگری می فهمم و می خواهد بگوید که تو نمی فهمی و تنها من می فهمم! می خواهد بگوید که من بر حقم و تو بر باطلی و همین طرف را عصبانی می کند و قرآن می فرماید این طور سخن نگویند، در حج جدال نکنید اما گفت وگو کنید.

حج زمینه بسیار خوبی است تا مردمی که از کشورهای و ملیت های مختلف آمده اند با هم گفتگوی مسالمت آمیز داشته باشند و جدال احسن کنند، با همان روشی که خداوند در قرآن به پیامبر اکرم (ص) آموخته است که می فرماید، به مخالفینت بگو که ما و شما با بر حقیق و یا بر ضلالت. نمی شود که هم هردوی ما با برحق باشیم یا بر ضلالت. یا ما بر حقیق و یا شما! این نحو صحبت کردن طرف را عصبانی نمی کند. قرآن می فرماید این طور صحبت کنید. بیایید منیت و خودخواهی را کنار بگذارید، طرف مقابل را عصبانی نکنید، بلکه او را تشویق کنید تا سخن حق را بشنود. حال چه کسی این را به ما یاد می دهد. کسی که صد درصد برحق و متصل به حق است و به ما می آموزد که ادب اختلاف داشته باشیم و محترمانه و مؤدبانه با همدیگر صحبت کنیم. تا جایی که خداوند به پیامبر یاد می دهد که بگو فردای قیامت راجع به جرائم ما از شما نمی پرسند و درباره اعمال شما ما سؤال نمی کنند.

خیلی جالب است، در مورد خود کلمه جرم را بکار برده و در مورد دیگران کلمه عمل را بکار می برد. در صورتی که اگر ما بخواهیم صحبت کنیم طرف را عصبانی می کنیم، در این صورت طرف مقابل به هیچ صورت راضی نیست حرف ما را بپذیرد. طبیعی است که هر کس برای خود تجربیات و معلوماتی دارد و یا کتابی مطالعه کرده که دیگری مطالعه

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی:

منظور امام و رهبری از تقیه پرهیز از اختلاف است

رهبر معظم انقلاب حج را فرصتی برای طنین اندازی اتحاد اسلامی می دانند، ایشان برای کاهش اختلافات به شناسایی ابزار تفرقه و کنار گذاشتن آن اشاره دارند. حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در این گفتگو در همین خصوص سخن می گوید. ■

حج چگونه می تواند فرصتی برای وحدت امت اسلامی باشد؟



معمولاً عبادات اسلامی همراه با جماعت و وحدت است. امام صادق (ع) در روایات متعددی که در سایل الشیعه آمده است می فرمایند محبوب ترین عبادات آن است که توأم با وحدت باشد و در روایت دیگری امام صادق (ع) راجع به فلسفه حج می فرمایند که یکی از فلسفه های مهم حج این است که ملت های مختلف از حال هم باخبر باشند و می فرمایند اگر هر ملتی فقط به خود و کشور خود فکر کند آن کشور خراب می شود و بایستی کشورهای مختلف اسلامی بیابند از حال یکدیگر باخبر باشند. این باخبر شدن و شناخت یکدیگر مقدمه ای شود تا به یکدیگر کمک کنند.

در مراسم حج، خداوند زمینه ای فراهم کرده است که روحیه خودبینی و خودبرتربینی کنار برود. وقتی حجاج می خواهند وارد حریم الهی شوند و وقتی که می خواهند وارد میقات شوند، نخستین کاری که می کنند این است که لباس هایی که نشانه تکبر و تفاخر است را کنار می زنند و همه ملبس به لباس احرام می شوند که دو قطعه سفید و نشانه ای از لباس تقوا است. بنابراین آن همه اختلافات که سرچشمه اش روحیه استکباری و به اصطلاح قرآن روحیه «بغی» است از بین می رود. یعنی هرکسی می گوید که من برترم، چون من فلان رئیس، من فلان وزیر، من فلان وکیل و هرکسی به خود لقبی داده و مدالی به خود چسبانده و یک نوع لباس پوشیده و برای خود یکسری امتیازات قائل است، همه این ها کنار می رود که این خود باعث می شود زمینه بسیاری از اختلافات از بین برود. اغلب این اختلافات جنبه دینی ندارند. چون اسلام یک دین بیشتر نیست. خدا یکی است و دینش نیز یکی است. در قرآن کلمه ادیان و مذاهب نمی بینیم: «ان الدین عند الله الاسلام». افراد آمدند و فرقه ها و ملیت های مختلف درست کردند. سرچشمه این ها روحیه «بغی» است، روحیه شیطنانی است و این که هر کسی می خواهد بگوید من برتر از دیگرانم.

ابتدای امر حجاج وقتی وارد حریم الهی می شوند این روحیه از آن ها گرفته می شود؛ یعنی تهذیب می شوند. دومین چیزی که باعث می شود این مسئله از بین برود مسئله خودبینی است. در آن جا به حجاج گفته می شود که بایستی از بیست و چهار چیز اجتناب بوزید. یکی از آن ها نگاه کردن به آئینه است. اجتناب از نگاه کردن به آئینه یعنی چه؟ یعنی شما باید خودبینی را کنار بگذارید و دیگران را ببینید که این همان معنای وحدت و تقریب است. اگر ما فقط به خودمان نگاه کنیم تنها می شویم، یعنی فقط خودمان هستیم که به خودمان کمک می کنیم و هیچ کس نیست که به ما کمک کند. اما اگر خودبینی را کنار گذاشته و



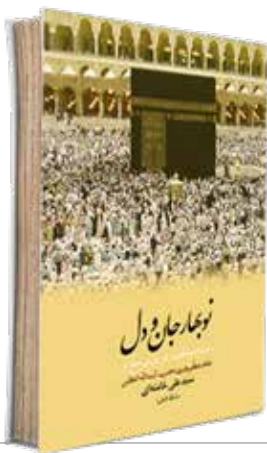
فرد قائل نیستند. در آن جامعه که دروغ رواج دارد، مردم آن جامعه در جهنم بی اعتباری می سوزند، اما اگر در یک جامعه ای دروغ کنار رود و به جای آن صداقت باشد مردمش در بهشت اعتماد به سر می برند و در آن تعاون، وحدت و همکاری زیاد خواهد بود. دروغ، جدال، خودبینی و خودبرتربینی موانع وحدت است که همه در اسلام به عنوان محرمات حج، حرام اعلام شده و این گونه زمینه وحدت آن چنان فراهم شده است که می بینیم گاهی اوقات در یک اتاق و یا در یک چادر در مراسم حج، دو نفر در کنار هم زندگی می کنند، در صورتی که همین دو نفر در شهر خود حاضر نبودند در یک اتاق زندگی کنند اما این جا خیلی راحت در کنار یکدیگر هستند. حج انسان را به طور کلی متحول می کند و سرمشق می دهد که در نتیجه به وحدت می رسیم.

نگاه دیگر حجاج به ما و مقوله وحدت چگونه است؟

اغلب مسلمانانی که در حج شرکت می کنند عاشق انقلاب و جمهوری اسلامی و امام (ره) هستند و منتظر هستند پیامی از نظام و رهبری ایران دریافت کنند و با خود به سوغات ببرند. از نظر کردار و گفتار و برخورد نیز بایستی این چنین باشد به طوری که آنان بگویند این شیعیان ایران چقدر خوب هستند و این توصیه امام صادق است که می فرمایند شیعیان ما سعی کنند تا مایه زینت ما باشند نه مایه سرشکستگی ما. در مورد راست گویی سعی کنند با راست گویی نشان دهند که واقعاً درستکارند. متأسفانه بعضی تقيه را بد معنی می کنند و فکر می کنند تقيه یعنی عمل منافقانه و دروغ گفتن؛ در صورتی که تقيه از تقوا می آید. یعنی انسان بایستی تقوا و کنترل داشته باشد، دهانش کنترل داشته باشد، سعی کند از بدگویی دیگران بپرهیزد. یک معنای تقيه، تقيه خوفی است در برابر آن ظالمی که اصلاً جایش آن جا نیست و یک تقيه هم به معنای مدارا برای حفظ اتحاد و وحدت است. یعنی پرهیز از اختلاف که رهبر معظم انقلاب در اجوب الاستفتاءات خود به جای کلمه تقيه کلمه حفظ وحدت را به کار بردند. تقيه ای که امام و رهبری و سایر مراجع مطرح کردند یعنی پرهیز از اختلاف با برادران اهل سنت نه این که به معنای دروغ گفتن باشد. گاهی اوقات افراد وقتی که به هم می رسند از هم تعریف و خوش و بش می کنند و پشت سرفحش می دهند و بد و بی می کنند که بسیار اشتباه است. □

نکرده است. اگر در این ایام که حجاج کنار هم هستند تبادل افکار و تجربیات شود می دانید چقدر معلومات کسب می کنیم. پیغمبر می فرماید: انسان می تواند از دهان افراد علم بیاموزد. این فرد تجربیات یک عمر خود را برای شما بازگو می کند و شما نیز تجربیات خود را به طور فشرده برای دیگران بازگو می کنید، نتیجه این می شود که انسان معلومات فرامی گیرد. مخصوصاً اگر انسان دفترچه یادداشتی هم همراه خود داشته باشد تا این ها را یادداشت کند و با ذکر مآخذ و منبع دنبال کند، استفاده فراوانی می شود که ابزار بسیار خوبی برای شناخت یکدیگر است.

این که برخی ها می آیند با جدال ستیزه جویانه جلوی این شناخت ها و گفت وگوهای مسالمت آمیز را می گیرند یک خیانت است. کسانی که با عصبانیت و ناراحتی می آیند دیگران را عصبی می کنند و دیگران را برمی انگیزانند که حرف نزند، سکوت کنید! در واقع خود را از علم و شناخت دیگری محروم کرده و این فرد همیشه در جهل مرکب خواهد ماند. به هر حال مراسم حج وسیله بسیار خوبی برای این است که مسلمانان یکدیگر را بشناسند و به یکدیگر فکر کنند و با همدیگر علیه بیگانگان متحد شوند. گذشته از این که ما باید خودبینی، خود برتر بینی و جدال را کنار بگذاریم، باید فسوق و دروغ را نیز کنار بگذاریم. فسوق یعنی دروغ گفتن. خیلی ها فکر می کنند که دروغ گفتن باعث می شود که جایی کارشان حل شود، دیگر نمی دانند که محال است آدم دروغی بگوید و رسوا نشود. بالاخره امروز نفهمند فردا که می فهمند و از دست طرف مقابل ناراحت و عصبانی می شوند و دیگر هیچ اعتباری برای



• نویسنده: علیرضا مختارپور

• انتشارات: موسسه پژوهشی انقلاب اسلامی

• سال: ۱۳۸۹

• تعداد صفحه: ۱۰۱ صفحه

• قیمت: ۳۳۰۰ تومان

مروری بر جملات قصار رهبری درباره حج در کتاب «نوبهار جان و دل»

هجرت از خودپرستی

کتاب ۱۰۱ صفحه‌ای نوبهار جان و دل، حاوی هفتاد و هفت عبارت برگزیده از پیام‌ها و بیانات مقام معظم رهبری در موضوع حج در طول سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ است که به کوشش علیرضا مختارپور تدوین و چاپ شده است.

در مقدمه این کتاب آمده است: برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیررسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی (ره)، از نعمت‌های بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل‌گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مترقی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه حضرت امام (ره) و پس از آن حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در کوران حوادث گوناگون روزگار نشان می‌دهد. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری را برعهده دارد، در اجرای همین وظیفه اقدام به انتشار کتاب‌های موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاه‌ها و رهنمودهای معظم له در مقاطع، مناسبت‌های و موضوعات مختلف می‌نماید.

اهمیت حج، اعتنام فرصتی استثنایی، اهمیت برائت از مشرکان، وحدت مسلمین، خودداری از تبدیل فرصت حج به امر تجاری و بازرگانی و توصیه به خودسازی معنوی از جمله محورهای این کتاب است. آمد روز وصل، پا به پای پیامبر (ص)، تولد دوباره، تو خود حجاب خودی، شکر نعمت نعمت افزون کند، حج انقلاب درونی، چو قرب او طیبی در صفای نیت کوش، برکت خدا، اسرار حج، ضیافت کمال، تبلیغ با رفتار و گفتار، راه بازار جداست... از جمله عناوین و بخش‌های کتاب است.

در بخشی از این اثر بیانات معظم له در دیدار اعضای برگزارکننده کنگره حج در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۱ درج شده است که ابتدآن و سپس بخش‌های دیگری از این کتاب را مرور می‌کنیم: «اصل، این است. ما، در حج باید سعی کنیم عبودیت را در خودمان تقویت کنیم. هجرت الی الله کنیم. حج را قبول و مقبول درگاه پروردگار قرار دهیم. چگونه ممکن است حج ما مقبول باشد؟ وقتی که این حج، ما را به خدا نزدیک کند. در روایتی نقل شده است که «اگر می‌خواهید بدانید آیا حج شما قبول شده است یا نه، ببینید گناهای را که مرتکب می‌شدید، بعد از حج کنار گذاشتید یا نه؟ اگر دیدید توفیق این را پیدا کردید که گناهان را کنار بگذارید، کشف کنید که خدای متعال، حج را از شما قبول کرده است و به خدا نزدیک شده‌اید.» معیار، این هاست: از گناه خارج شدن؛ به خدا نزدیک شدن؛ از خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها دور شدن؛ مثل قطره‌ای در دریای فضل و رحمت الهی خود را غرق کردن. و این، اساسی‌ترین کار هاست. «علیکم انفسکم»؛ خودتان را دریابید. چیزی که جای ایثار ندارد، این است، آن جا که هر کس در درجه اول به فکر خودش باشد، این جاست! نزدیک شدن به خدا؛ توجه پیدا کردن به خدا؛ باور کردن رحمت و فضل خدا؛ به زبان صادقانه با خدا سخن گفتن؛ کنار گذاشتن دنیا و زخارف دنیا و مآذیات و ارزش‌هایی که اطراف ما مثل پیله کرم ابریشم می‌تند تا آن نفس ملکوتی را از بین ببرد و خفه کند و اصل، این هاست. وقتی که انسان با دلی پاک و روحی طائب با خدای متعال روبه‌رو شد؛ آن مراسم عظیم را انجام داد؛ حقیقتاً به خدا بازگشت؛ حقیقتاً به خدا هجرت کرد؛ در مقابل پروردگار عالم تضرع کرد، آن وقت ابواب برکات هم باز می‌شود.»

۱. پا به پای پیامبر (ص)

در حج، در مدینه و مکه، در آحد و منی و حرا، در این سرزمین که قدم مبارک رسول اکرم (ص) و اصحاب کرامش بر آن نهاده شده و شاهد آن رنج‌ها و دری‌ها و مبارزات و خون‌دل‌ها بوده و در قدم به قدم سرزمین وحی و جهاد و قرآن و سنت، در آن گذشته‌ها به تدریج پیردازید؛ خود را با آن پیوند دهید؛ در پرتو آن، راه و جهت را بیابید؛ با تجربه آن، نتیجه و سرانجام راه را ببینید؛ و به حول و قوه خدا و با توکل به او و امید به نصرت او و اعتماد به توانایی خود، در آن راه و به سمت آن هدف قدم گذارید؛ «وَاللّٰهُ مَعَكُمْ وَّلَئِنْ يَتَزَكَّمْ أَعْمَالُكُمْ».

۲. آهنگ برادری

آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» را که توصیه تمسک به دین و رعایت وحدت کلمه در آن است، همواره به یاد داشته، هر دو توصیه آن را نصب العین خود قرار دهید و از کید دشمن در این باب برحذر باشید.

۳. تو خود حجاب خودی

حج، یک هجرت است. هجرت از خود ماست؛ هجرت از منیت ماست؛ هجرت از آن زندانی است که ما را احاطه کرده و گوهر یکدانه بی نظیر انسانی را در وجود ما مخفی و پنهان نگاه داشته است. حج، هجرت از خودپرستی‌هایی است که از هوا و هوس ناشی می‌شود؛ هجرت از خودخواهی‌هایی است که ما را از خدا دور می‌کند؛ هجرت از طبقه‌بندی‌ها و مرزبندی‌هایی است که زندگی انسان‌ها را از هم جدا می‌کند و فقیر و غنی، شریف و ضعیف، بزرگ و کوچک بر طبق معیارهای عامیانه مردمی را به هم نزدیک می‌کند و



زندگی را بیاموزد، آنگاه به سرزمین خود و به میان کسان خود برگردد، و در سال‌های بعد گروه‌های دیگر و گروه‌های دیگری بیایند و بروند بیاموزند و بیندوزند، بگویند و عمل کنند، بشنوند و تدبیر کنند، و در نهایت همه امت، به آنچه خدا خواسته و دین آموخته برسند.

در کنار هم قرار می‌دهد و وجه مشترک همه انسان‌ها، یعنی عبودیت را در همه زنده می‌کند.

۱ پیکره واحد

حج درست می‌تواند از اعضای جدا افتاده امت اسلامی، پیکره واحد و کارآمد و نیرومند بسازد، آنان را با هم آشنا و از حرف‌ها و دردها و پیشرفت‌ها و نیازهای یکدیگر، آگاهشان کند و تجربه‌های آنان را متبادل سازد.

۱ برائت، روح حج

برائت، حقیقتاً از ارکان حج است. بالاتر از ارکان حج است؛ روح حج است؛ معنا و هدف و جهت حج است. خطاست اگر کسی خیال کند که می‌شود هر یک از ارکان و اعمال حج را با روح حج و جهت کلی آن مقایسه کرد.

۱ راه بازار جداست

کسانی که به مکه می‌روند، مکه را فدای بازارگردی و دکان‌گردی نکنند. مکه بالاتر از این حرف‌هاست. می‌توانند بعداً یک سفر هم برای تجارت بروند و هر جامی خواهند بگردند. اما در حج، این «ایام معلومات» را برای خودشان و برای زیارت و توجه و تذکر نگه دارند و آن را فدای کارهای بی‌ارزش نکنند. در نمازهای جماعت، شرکت کنید. در اجتماعات، شرکت کنید. نماز اول وقت را به جماعت در حرم‌های عالی مقام حتماً درک کنید. بگذارید حضور شما، حضور مؤمنانه و پرهیزکارانه‌ای باشد که از ملت ایران انتظار می‌رود. □

۱ ضیافت کمال

زندگی در آیین حج یک سیر دائمی بلکه یک صیورت دائمی به سوی خداست، و حج، آن درس همیشه زنده عملی و سازنده است که اگر به هوش باشیم راه و رسم زندگی ما را در صحنه‌ای عملی و روشن ترسیم می‌کند. میعاد همگانی، هر سال تشکیل می‌شود تا مسلمانان، در آن محیط وحدت و تفاهم، و در پرتو ذکر الهی، راه و جهت



• نویسنده: هدایت‌الله بهبودی

• انتشارات: سوره مهر

• سال: ۱۳۹۱

• تعداد صفحه: ۶۱ صفحه

• قیمت: ۲۳۰۰ تومان

بیست سال پیش و بعد از مطالعه کتاب «سفر به قبله» که سفرنامه حج هدایت‌الله بهبودی است، حاشیه‌نویشته ایشان از جنس دیگری بود. متن ذیل دل‌نویشته‌ای است از معظم‌له که در حال و هوای دلتنگی زیارت خانه خدا نوشته شده و منتشر می‌شود: «این کتاب مرا باز در شورو حال حسرت‌آلود زیارت خانه خدا و حرم رسول‌الله (ص) فروبرد. شورو حال و اشتیاقی که دیگر آمیدی هم با آن نیست. تا به یاد دارم - از سال‌های دور جوانی - هرگز دل خود را از آتش این اشتیاق، رها نیافته‌ام. اما حتی در دوران سپاه اختناق که هر روحانی با معرفت و بی‌معرفتی، با رغبت و یا حتی از سرسیری، آسان می‌توانست در خط حج قرار بگیرد و من نمی‌توانستم! یا بهتر بگویم: هیچ حمله‌دار و رئیس کاروانی از ترس ساواک شاه، نمی‌توانست و جرأت نمی‌کرد نام مرا در فهرست حاجی‌های خود - چه رسد به عنوان روحانی کاروان - بگذارد. بله، حتی در آن دوران سخت هم دلم از امید زیارت کعبه و بوسه زدن بر جای پای پیامبر (ص) در مکه و مدینه، خالی نمانده بود و این امید، اگرچه با حج ده روزه سال ۵۸ که به فضل شهید محلاتی قسمتم شد، برآورده گشت، اما آتش آن شوق سوزنده‌تر و مشتعل‌تر شد. در سال‌های ریاست جمهوری چشم‌امید به پس از آن دوران دوخته بودم... اما امروز...؟ شورو اشتیاقی بی‌سکون و آمیدی تقریباً فرو مرده. تنها تسلا به خواندن اینگونه سفرنامه‌ها یا شنیدن آن‌ها است که خود بازآفریننده شوق نیز هست. این کتاب، شیرین، موجز، با روح و هوشمندانه نوشته شده است. زیارت قبول؛ عزیز نویسنده! زیارت قبول»

۱۰/۱۲/۷۰



حاشیه رهبر انقلاب بر کتاب «سفر به قبله»

شوقی مشتعل

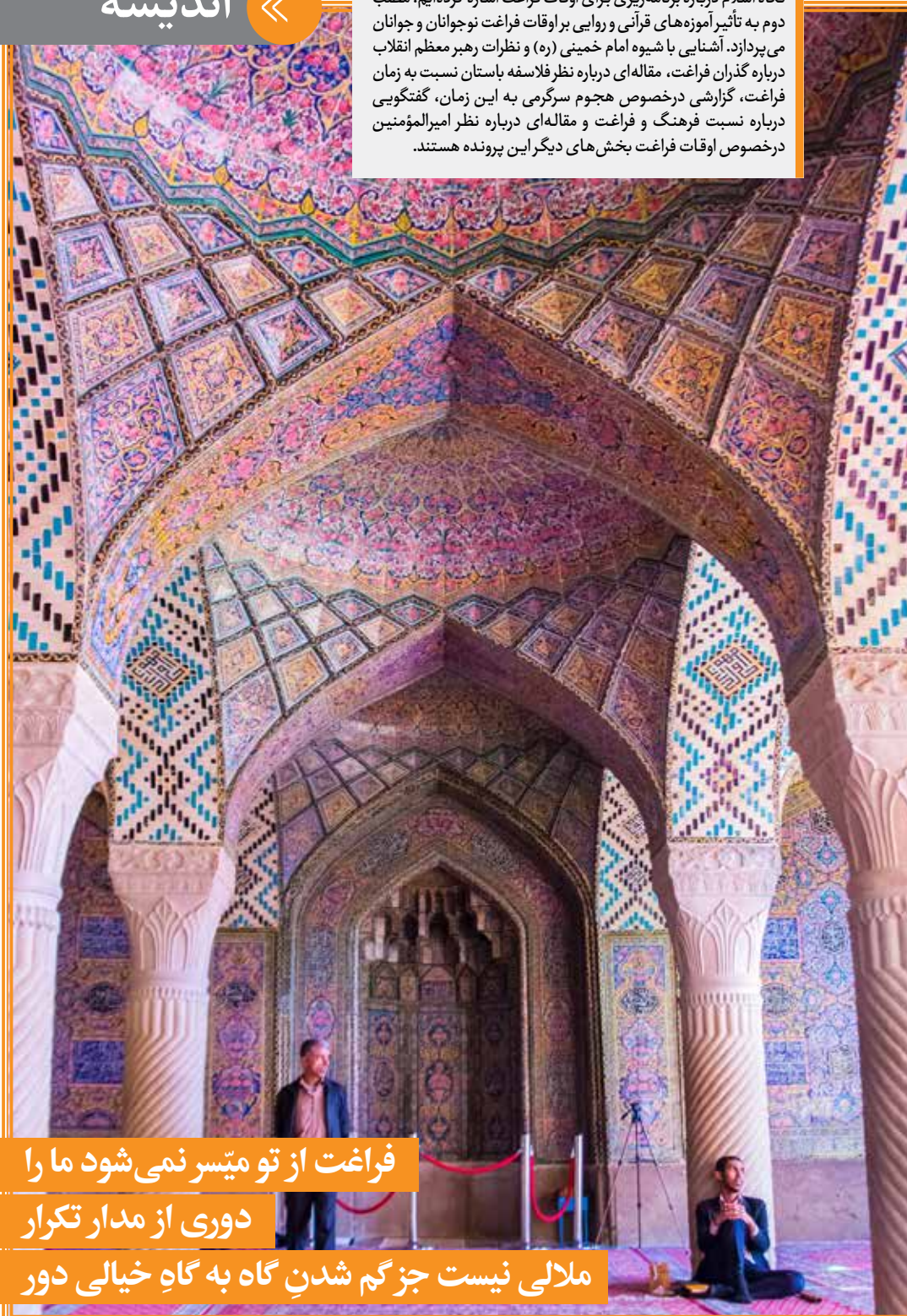
کتاب سفر به قبله گزارش سفر هدایت‌الله بهبودی و چند تن از دوستانش به کعبه است. این نخستین مراسم حج پس از کشتار ایرانیان در مکه به سال ۱۳۶۶ بوده و نخستین نگاه نویسنده به این مراسم معنوی. در ابتدا نویسنده کمال ناباوری خود را از تشرف به این سفر شرح می‌دهد و دریچه‌های امید را به قلب انسان می‌گشاید که وقتی او بخواهد می‌شود به همین سادگی که این متن را می‌خوانی. در ادامه ملاقات نویسنده با رهبر معظم انقلاب شرح داده شده است. نویسنده در این کتاب گزارش روزانه سفر خود را نوشته است. او لحظه به لحظه انسان را در موقعیت خودش قرار می‌دهد. نویسنده دو نوع نگاه دارد نگاه سیاسی و نگاه معنوی. نگاه سیاسی اشاره به برخورد سعودی‌ها با ایرانی‌ها و سیاست‌های آن‌ها در کم‌رنگ جلوه دادن جنبه‌های مذهبی و در عوض رونق دادن بازاریابی محصولات اروپایی و آمریکایی و چینی و... دارد. نگاه مذهبی به توصیف لحظه‌های ناب عرفانی، رنگ باختن تعلقات دنیوی و برابری انسان‌ها اعم از فقیر و غنی و رئیس و مرئوس و زن و مرد، وعده‌ها و شروط با خدا، توصیف جز به جز لحظات احرام، برائت از شیطان و وسوسه‌هایش دارد که انسان را مشتاق سفر به آن دیار می‌کند. نویسنده در بخشی از کتاب اشاره می‌کند: «به عقل که درست نیست، ولی گمان می‌کنم اینجا خدا دلش نرم‌تر است. دستت راحت‌تر می‌رسد به خدا. خیلی زود دامنش را می‌گیری و دسته دسته گل‌های محبت و دوستی را می‌چینی، بومی‌کنی و کیف. اشک مفت چنگت. دل شکسته هر وقت که بخواهی. دریچه قلبت باز باز. دلت سوهان می‌خورد، صاف می‌شود. سختی قلبت فرار می‌کند، نرم می‌شود. می‌دانی چرا؟ برای اینکه اینجا حوزه استحقاقی خداست. از دل‌ها و قلب‌ها حفاظت می‌کند.»

رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از مطالعه برخی کتاب‌ها یادداشتی در ابتدای آن می‌نویسند. این یادداشت‌ها برخی در نقد و بیان اشکالات موجود در کتاب‌هاست. بعضی هم در تعریف و تحسین نویسنده و نوشته‌اش.



« اندیشه

ایام تابستان که فرا می‌رسد موضوع اوقات فراغت نیز داغ می‌شود و بحث و بررسی درباره آن در رسانه‌ها رونق می‌گیرد. ما هم در این شماره از جنبه‌های مختلف به این مسأله پرداخته‌ایم. در مطلب نخست به نگاه اسلام درباره برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت اشاره کرده‌ایم. مطلب دوم به تأثیر آموزه‌های قرآنی و روایی بر اوقات فراغت نوجوانان و جوانان می‌پردازد. آشنایی با شیوه امام خمینی (ره) و نظرات رهبر معظم انقلاب درباره گذران فراغت، مقاله‌ای درباره نظر فلاسفه باستان نسبت به زمان فراغت، گزارشی درخصوص هجوم سرگرمی به این زمان، گفتگویی درباره نسبت فرهنگ و فراغت و مقاله‌ای درباره نظر امیرالمؤمنین درخصوص اوقات فراغت بخش‌های دیگر این پرونده هستند.



فراغت از تو میسر نمی‌شود ما را

دوری از مدار تکرار

ملالی نیست جز گم شدن گاه به گاه خیالی دور

۱ دین اعتدال

از طرف دیگر اسلام دین اعتدال نامیده شده و از آن جا که اسلام در همه زمینه‌ها توصیه به اعتدال می‌کند از این رو افراط در تفریح و سرگرمی خواهی را نیز ناپسند و مذموم می‌داند. لذا در آموزه‌های اسلامی، اوقات فراغت به عنوان بخشی از زمان زندگی و عمر انسان، دارای ارزش و اهمیت است و نباید تماماً به تفریح سپری گردد و باید برای آن برنامه ریزی شود. برنامه‌ای که هم موجب رضایت و خشنودی باشد و هم موجد کمال و شکوفایی گردد.

علی (ع) در توضیح آیه قرآنی «در آنچه خدایت ارزانی داشته سرای آخرت را بجوی و بهره خویش را از دنیا فراموش مکن» (سوره قصص، آیه ۷۷) می‌گوید: «تندرستی، نیرو، آسایش خاطر و جوانی و نشاط را فراموش مکن و با استفاده از این پنج خصلت آخرت را بجوی». بر اساس این تفسیر، انسان مسلمان باید هم به جسم و ابعاد جسمانی (کسب سلامت، نشاط، آسایش خاطر و نیرومندی) بپردازد و هم به ابعاد روحانی و معنوی (عبادت، خدمت به خلق) توجه داشته باشد.

در بیشتر ادیان زمانی جهت فراغت در نظر گرفته شده است. در دین یهود و در مسیحیت «یوم السبت» (روز شنبه) و در اسلام روز جمعه برای فراغت از کار و پرداختن به استراحت، تفریح و سایر فعالیت‌های دلخواه اختصاص یافته است. گذشته از این اسلام برای روزهای عادی نیز برنامه مشخصی دارد؛ هشت ساعت کار، هشت ساعت فعالیت‌های فراغتی و غیرکاری (واز جمله عبادت) و هشت ساعت خواب.

علی (ع) عبادت و مناجات‌های شبانه را برای اولیای خدا مایه تفریح و آسایش می‌داند و انفعال در فراغت را مستعد ایجاد آسیب‌های گوناگون (و تمایل به خواسته‌های شیطانی) می‌شمارد. در نتیجه می‌توان اظهار کرد که در اسلام صرف اوقات فراغت به صورتی توأم با انفعال، بی‌برنامگی و بیکاری، مذموم دانسته شده اما استراحت دادن جسم و تفریح و ورزش امری مباح شمرده می‌شود و در نهایت آنچه در اوقات فراغت مستحب و پسندیده دانسته شده فعالیت‌های هدفمند و برنامه‌دار است.

مساله مهم دیگر تناظر فراغت با سطح شناخت و نوع اعتقاد انسان است. آن چه برای مردم عادی فراغت و متضمن خشنودی است چه بسا برای اولیای الهی ناروا و مذموم باشد. اساساً سلیقه آدم‌ها نیز بر حسب میزان شناخت و نوع و سطح اعتقادات‌شان فرق می‌کند. هر چه انسان سطح بالاتری از رشد و تعالی را پشت سر گذاشته باشد فعالیت‌های هدفمند و برنامه‌دار و طلب کمال جسمی و روحی نیز در او بیشتر شده و آنچه باعث رضایت و خشنودی او می‌شود با سطح شناخت او تناظر دارد.

۱ در خدمت خلق

در احادیث و روایاتی که از پیامبر اسلام و ائمه نقل شده به اهمیت وقت و عمر انسان و دقت در صرف آن تاکید زیادی شده است. توصیه مؤکد این روایات آن است که عمر انسان در خدمت به خلق خدا و در آبادانی دنیا و آخرت



اسلام برای اوقات فراغت چه برنامه‌ای دارد؟

فراغت از تو میسر نمی‌شود ما را

۱ دکتر مریم رفعت‌جاه

در دین اسلام تمایل به تفریح یکی از خواشه‌های طبیعی بشر دانسته و (برای عامه مردم) مباح شمرده می‌شود. پیامبر اسلام به اصحاب و یاران خود می‌گوید: «به تفریح و بازی بپردازید؛ زیرا من دوست ندارم در دین شما سخت‌گیری دیده شود.» اما مسلمان باتقوا عمر را لطفی از طرف خدا می‌داند، بنابراین در تمام لحظات عمر، اعمال و رفتار خود (از جمله کار، استراحت، عبادت، تفریح و...) را در مسیر رشد و شکوفایی و کسب رضایت و قرب الهی قرار می‌دهد. از دیدگاه اسلام عمر و فرصت حیات نعمتی خداوندی است. قرآن کل هستی و تمام جزئیات آن را هدفمند و قانونمند می‌داند و در آیات بسیاری به اهمیت وقت و زمان اشاره شده است: «آیا بر انسان، روزگاری نگذشت که چیزی در خور گفتن نبود؟» (سوره انسان، آیه ۱)

پس چون فراغت یافتی به طاعت در کوش

■ سید حسن اردستانی

همواره چگونه گذراندن اوقات فراغت و بهره‌مندی از آن، از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان بوده است. ادیان الهی نیز الگوها و روش‌های گوناگونی را برای استفاده هرچه بهتر از اوقات فراغت سفارش کرده‌اند. برای نمونه، دین یهود به پیروان خود می‌گوید: «در روز سبت نیز که هفتمین روز هفته است، قوم باید برای عبادت من جمع شوند. در هر جا که ساکن باشند، باید در این روز دست از کار بکشند و استراحت کنند.»

مسیحیت نیز سفارش کرده است: «از افکار و امیال شهوت‌آلود که جوانان را اغلب اسیر می‌سازد، بگریزو در پی اموری باش که تو را به کارهای خوب تشویق می‌کنند. ایمان و محبت را دنبال نما و با کسانی که خداوند را دوست دارند و قلبشان پاک است، معاشرت کن و باز تکرار می‌کنم، خود را در بحث‌های پوچ و بی‌معنا درگیر مکن، چون این‌گونه مباحثات باعث خشم و نزاع می‌گردد.»

دین مبین اسلام نیز که دارای کامل‌ترین و متعالی‌ترین برنامه‌های اعتقادی، تربیتی، اخلاقی، روانی و... است، برای اوقات فراغت مسلمانان و همه انسان‌ها، برنامه‌های جامع و کاملی ارائه کرده است. اسلام با توجه به گروه‌های سنی گوناگون و جنسیت آنها، برنامه‌های متنوعی دارد که در این مجال، به برخی آیات و روایات، اشاره می‌شود.

از نگاه قرآن و روایات، اوقات فراغت به معنای زمانی برای بیهودگی نیست، بلکه ساعتی است که شخص با برنامه‌ای هدفمند در مسیر قرب الهی حرکت می‌کند، خواه در راه عبادت خداوند بگذراند و خواه صرف حیات شخص شود. «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ بگو همانا نماز و طاعت و کلیه اعمال من و حیات و ممات من، همه برای خداوند است که پروردگار جهانیان است.»

به دلیل غفلت انسان، همواره شیطان، نادرستی‌ها و خطاها را در چشمان وی، جلوه و زینت می‌بخشد و در نهایت، اگر انسان از مسیر متعالی پروردگار خارج شود، شیطان وی را به نابودی و خسران می‌کشانند. «... وَ زَيَّنْ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُسْتَعْبِرِينَ؛ شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان نیکو جلوه داد و از راه حق آنها را بازداشت و همگی هلاک و نابود گردیدند.»

پروردگار عالم، آدمیان را از اعمال لغو و باطل و پیروی از کارهای بیهوده و نافرجام برحذر می‌دارد و به انسان هشدار می‌دهد: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِهِ يُخَذَّلُهَا هُزُوًا وَلَئِنْ لَّهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ؛ برخی مردم داستان‌های باطل را می‌خرند تا مردم را ندانسته از راه خدا بازدارند و آیات قرآن را استهزا کنند. برای آنان است عذاب خوارکننده.»

بنابراین، قرآن کریم انسان‌ها را به سوی طاعت و عبادت خداوند متعال دعوت می‌کند و مهم‌ترین و بهترین برنامه برای اوقات فراغت را این‌گونه بیان می‌فرماید: «فَإِذَا قَرَعْتَ فَانْصَبْ وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ؛ پس چون فراغت یافتی، به طاعت در کوش و با اشتیاق به سوی پروردگار روی آور!» □

صرف شود و این مهم مستلزم سلامت، نشاط، نیرو و آسودگی انسان از تنش‌های جسمی و روانی است.

امام سجاد (ع) می‌گوید: «خداوند اگر برای ما فراغتی از کارهای دنیا مقدر فرموده‌ای پس آن را فرصتی همراه با سلامتی قرارده که در آن، رنجی حاصل نشود و ملالتی به وجود نیاید، تا این که فرشتگانی که به ثبت گناهان مأمورند با صحیفه‌ای خالی از گناه از پیش ما بروند و فرشتگان مأمور به نیکی‌ها، خوشحال از اعمالی که از ما نوشته‌اند، از نزد ما برگردند.» همچنین علی (ع) در خصوص فراغت اولیاء خدا می‌گوید: «شب زنده داری با یاد خدا فرصتی است برای افراد سعادتمند و تفریح و آسایشی است برای اولیاء خدا.» از نظر امام علی (ع) این نوع فراغت، فراغتی گوارا است اما در فراغت توأم با بیکاری ممکن است خواسته‌های شیطانی پدید آید. «همراه با بیکاری، تمایل به خواسته‌های شیطانی حاصل می‌شود.»

همچنین در روایات ائمه و آیات قرآن مکرراً به ارزش و اهمیت وقت در زندگی انسان اشاره شده و فراغت نیز قسمتی از عمر با ارزش انسان‌ها شمرده شده است. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «شب و روز دو مرکب راهوارند، پس برای رسیدن به آخرت از آن‌ها بهره بگیر.»

از بهترین اعمال در زمان فراغت بندگی خداوند است. در قرآن کریم آمده است: «پس چون فراغت یافتی، به طاعت در کوش و با اشتیاق به سوی پروردگار روی آر.» از اعمال دیگری که انجام دادنش در زمان فراغت توصیه شده تفکر و به ویژه تفکر درباره آخرت و حسابرسی نفس است. امام علی (ع) می‌گوید: «چقدر شایسته است که انسان در ساعاتی از زندگی خود از مشغولیت‌های زندگی چشم‌پوشد و به حساب نفس خود برسد و در آنچه که در روز و شب خود به دست آورده و یا از کف داده اندیشه کند.» سیرو سفر یکی از توصیه‌های دیگر قرآن برای گذران اوقات فراغت است.

□ دل بیدار

سیرو سفر و گردش در زمین برای آشنایی با وضع گذشتگان، عوامل انحطاط جوامع و سقوط تمدن‌ها است و نتیجه آن دل‌هایی آگاه و بیدار و گوش‌هایی شنو است: «ایا مردم در زمین گردش نکرده‌اند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن‌ها بشنوند.»

بنابراین، در این دیدگاه پیدا کردن دل بیدار و تقویت روحی، بدون مسافرت به آسانی امکان‌پذیر نیست و سفر زمینه بلوغ فکری را به وجود می‌آورد. گذشته از این با سیرو سفر انسان بینش تازه‌ای پیدا می‌کند و مسائل را در افق روشن‌تری می‌بیند.

امام رضا (ع) درباره سفر و سیاحت چنین می‌گوید: «به گردش و سیاحت بپردازید؛ زیرا هرگاه آب جاری شود، مطبوع و دلنشین می‌گردد و هرگاه در یک جا متوقف شود به آلودگی می‌گراید.» مطابق قرآن اگر مسافرت به منظور سیاحت یا «سیرو فی الارض» و مهاجرت «هاجرو فی سبیل الله» باشد، این سفر راهی است برای خودسازی بشر و اثرات سودمند به خصوص برای سلامت نفس دارد.

ورزش از دیگر اموری است که توصیه شده در اوقات فراغت به آن پرداخته شود. اسلام، ورزش را عامل حفظ نشاط و سلامتی بدن و توجه به سلامتی بدن را وظیفه اولیه هر مسلمانی می‌داند و به اندازه روح به جسم نیز اهمیت می‌دهد؛ تا حدی که علم «ابدان» را هم ردیف با علم «ادیان» برمی‌شمرد. امام سوم شیعیان حسین (ع) می‌گوید: «در تمامی عمر برای سلامتی و حفظ تندرستی خود بکوشید.»

در اسلام انواع بازی‌ها و ورزش‌ها (به ویژه دو، تیراندازی، اسب سواری، کوهنوردی و شنا) هم به عنوان تفریح و تأمین سلامتی جسمانی و هم جهت آمادگی برای مبارزات احتمالی توصیه شده است. □

تأثیر آموزه‌های قرآنی و روایی بر اوقات فراغت نوجوانان و جوانان

دوری از مدار تکرار

فاطمه خاتمه

مطلب زیر به منظور بررسی اوقات فراغت نوجوانان در حیطه آموزه‌های قرآنی و روایی نگاشته شده است. طبعاً، فهم دیدگاهی قرآن و سنت در اوقات فراغت می‌تواند، به لحاظ مفهومی و عملکردی، تعیین‌کننده تعلیمات، ضوابط و مقررات اجتماعی برای خانواده‌ها و برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت باشد. ■

عمده مشکلات جوانان در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های گذران اوقات فراغت، رویکردی سطحی است که پدیده فراغت را از کارکردهای اصولی و تفریح سالم در کنار برنامه‌های تعالی بخش و سازنده زندگی مدنظر قرار نمی‌دهند. نتیجه اینکه در قرن حاضر، به رسمیت شناختن این نیاز با توجه به معارف و آموزه‌های دینی در بین خانواده، حکومت و... سبب هدفمندی، معنادار شدن زندگی، آرامش حقیقی و غنی تر شدن فرصت‌ها و بالا بردن آمادگی و توان هر چه بیشتر نسل جوان در برابر مسئله و بحران هویت و مهاجمان فرهنگی و بسیاری از مشکلات و آسیب‌ها و انحرافات فرد و اجتماع خواهد شد. هر قدر شناخت فرد از جهان، انسان، زندگی و ابعاد آن وسیع‌تر و عمیق‌تر باشد، ارزش و اهمیت وقت و عمر برایش جامع‌تر و کامل‌تر است و برای استفاده از آن، برنامه‌ریزی می‌کند. افق اندیشه انسان الهی و مسلمان نسبت به وقت و عمر، در مقایسه با مکاتب مادی، از زاویه‌ای بازتر و جامع‌تر است، چرا که از دیدگاه اسلام، عمر و فرصت حیات، نعمتی خداوندی است و مقدمه‌ای برای قیامت بشر، و آن چه را که انسان الهی همواره در نظر دارد، رسیدن به قرب باری تعالی است.

در خصوص اهمیت وقت همین بس که خداوند به آن قسم یاد کرده: «والعصر، ان الانسان لفی خسر...» [والعصر/ ۱-۳]. قسم به عصر که واقعاً انسان در معرض زیان است، مگر آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده...

«هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نورا و قدره منازل لتعلموا عدد السنین و الحسب» [یونس/ ۵] اوست خدایی که خورشید را درخشان و ماه را تابان نمود و برای آن منزل‌هایی معین کرد تا شماره سال‌ها و حساب را بدانید.

توجه به عمر و استفاده از فرصت‌ها، در احادیث معصومین (س) مکرر یادآوری شده است. از آن جمله، حضرت علی (ع) فرمود: «الفروصه سریعه الفوت و بطیئه العود»، [غرر الحکم: ۴۷۳]: فرصت و وقت به تندی می‌رود و برمی‌آید. و بزرگ‌ترین زیان و ضرر برای فرد و جامعه، از دست دادن فرصت‌ها و عدم استفاده شایسته و لازم از آن است.

به خوبی روشن است که عدم جبران فرصت‌ها برای پیشرفت جامعه و فرد، آن را به سخت‌ترین غصه‌ها تبدیل خواهد کرد. قال علی (ع): «اشد الغصص فوت الفرص» [مستدرک، ج ۱۲: ۱۴۲].

و نیز فرموده‌اند: «بادر الفرصه قبلان تکون غصه» [غرر: ۳۳۸] فرصت‌ها را دریاب، پیش از آنکه سبب دریغ خوردن شود.

مزرحه حسرت‌ها و ندامت‌ها

همان‌گونه که بهترین فصل سال از جهت به کمال رسیدن زیبایی‌های طبیعت و به دست آمدن میوه‌های رنگارنگ و پرفایده فصل بهار است، دوران جوانی نیز از جهت به کمال رسیدن بسیاری از ویژگی‌های انسانی، از جمله تکامل نیروی جسمانی و کمال نیروی عقل و حکمت، اهمیت دارد. خداوند در قرآن چنین می‌فرماید: «و لما بلغ اشدّه اتیناه حکما و علما و کذلک...» [الفصص/ ۱۴] و یوسف/ ۲۲]: و چون (موسی، یوسف علیهما السلام) رسید به حالت قوت و کمال رشادت، او را حکمت و علم دادیم و این چنین جزای دهم نیکوکاران را.

کمتر پدیده‌ای را می‌توان یافت که هم چون جوانی، موضوع حسرت‌ها و ندامت‌های عام قرار گرفته باشد. امام علی علیه السلام فرموده است: «شیئان لا یعرفان فضلها الا من فقدهما الشباب و العافیه» [غرر الحکم: ۳۲۴]: دو چیز است که قدر آن‌ها را نمی‌شناسد، مگر کسی که آن‌ها را از دست داده باشد، یکی جوانی و دیگری تندرستی و عافیت.



الرسم فی الحجر» آن کس که در جوانی چیزی را بیاموزد و به ذهن بسپارد، آن چیز همانند نقشی که بر سنگ کنده باشند، مستقر و پابرجا خواهد ماند. و نیز در اهمیت دوران نوجوانی و جوانی رسول گرامی اسلام چنین فرموده‌اند: «الولد سبع سنين و عبد سبع سنين و وزير سبع سنين». فرزند هفت سال آقا، هفت سال مطیع و هفت سال وزیر و مشاور است.

❑ به نفع معنویات

اوقات فراغت به عنوان زیرمجموعه‌ای از زمان اهمیت و ارزش والایی دارد و موضوع مشترکی است بین تمامی اقشار جامعه، اعم از زن و مرد، پیر و جوان و با مشغله‌های بسیاری که در زندگی دارند. در این میان، اوقات فراغت جوانان از اهمیت خاص و درخور توجهی برخوردار است. زیرا جوانان به عنوان بخش عظیمی از پویاترین گروه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند که از یک سو وجودی سرشار از توان، انرژی و امید دارند و از سوی دیگر دارای خواست‌های مشروع



در قیامت هیچ بنده‌ای قدم از قدم بر نمی‌دارد تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد: اول آن که عمرش را در چه کار، فانی نموده است و دوم جوانی‌اش را چگونه و در چه راه تمام کرده است

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «ان العبد لا تنزل قدماه يوم القيامة حتى يسال عن عمره فيما افناه وعن شبابه فيما ابلاه» [الخصال، ج ۱؛ ۲۵۳؛ بحار الانوار، ج ۲۷: ۳۱۱]. در قیامت هیچ بنده‌ای قدم از قدم بر نمی‌دارد تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد: اول آن که عمرش را در چه کار فانی نموده است و دوم جوانی‌اش را چگونه و در چه راه تمام کرده است. مولانا در این رابطه چنین سروده است:

حق می‌گوید چه آوردی مرا؟
اندر این مهلت که دادم من ترا؟
عمر خود را در چه پایان برده‌ای؟
قوت و قوت در چه فانی کرده‌ای؟
گوهر دیده کجا فرسوده‌ای؟

پنج حس را در کجا پالوده‌ای؟
چشم و گوش و هوش و گوهرهای عرش؟
خرج کردی چه خریدی تو ز فرش؟

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «من تعلم فی شبابه کان به منزله



.....

پس نگاه قرآن
درباره اوقات
فراغت، دوری
از هر آن چیزی
است که انسان
را از حقیقت باز
می دارد و توجه
به فرصت ها و
اوقاتی است که
در زندگی برای
مؤمن پیش می آید
تا برای کوشش و
تلاش به منظور
خودپایی و رشد
و تعالی، از آن ها
استفاده کند

نمی دانید چیست . سرمایه موجود و پرازش عمر، تنها همان لحظات نقدی است که اینک در اختیار شماست و در آن به سر می برید . مالک نفس خود باشید و در حال حاضر برای اصلاح و رستگاری خود بکوشید . در مشکلات و وظیفه شناسی و در اطاعت از اوامر الهی پایداری و از آلودگی به گناه و نافرمانی خداوند، خودداری کنید .

و نیز فرموده است: «الایام ثلاثه، فیوم مضی لایدرک و یوم الناس فیه فینبغی ان یغتنموه، و غدا نوافی ایدیهیم امله» ایام زندگی سه روز است؛ اول روزی که گذشته است و برگشت ندارد . دوم روز موجود است که مردم در آن قرار دارند و در اختیار آن هاست . باید آن را مغتنم شمارند و از آن استفاده کنند . سوم فردایی است که نیامده و تنها آرزوی آن را در دست دارند .

عرب می گوید: «الوقت کالسیف اذا لم قطعه قطعک» وقت چون شمشیر است، اگر قطعش نکردی قطعه قطعته است می کند . زمان را نمی توان ذخیره کرد، نمی توان خرید و یا فروخت و نمی توان از ۲۴ ساعت دیگران قرض گرفت . زمان سرمایه ای است که اگر مورد استفاده صحیح قرار نگیرد، از دست می رود . در حالی که یک سرمایه مالی چنین نیست . اگر منصف باشیم، با کمی دقت و تأمل درمی یابیم که مشکل اصلی کمبود وقت نیست، بلکه در نحوه استفاده از آن است . در مضرات فراغت دوره جوانی، روایتی باین مضمون است: «ان الله تعالی شانه بیغض الشاب الفارغ» خداوند تعالی جوان بیکار را دشمن می دارد .

❑ دوری از بطلات

مسلمان نمی تواند اوقات فراغت به معنای اوقاتی برای بطلت و بیهودگی داشته باشد . انسان وقتی توجهش به خدا باشد و برنامه هدفمندی برای زندگی خود داشته باشد، دیگر بیکار نمی ماند تا مشغول لغویات و لهویات شود و هدف را قرب الهی و حرکت به سوی او می داند . نمازش، عبادتش، حیاتش و... برای خداوند است که آفریننده هستی است .

«ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین» [الانعام، ۱۶۲] . متأسفانه به دلیل غفلت انسان، شیطان روی تمام ابعاد حقیقی، رنگ و لعاب آلوده ای می کشاند و نادرستی ها را در چشم انسان زینت و جلوه می دهد . و در نهایت انسان را به نابودی و خسران می کشاند . (چنین بیاناتی در سوره عنکبوت، آیه ۳۸ آورده شده است .) بنابراین خداوند انسان ها را با بخل می دارد از اعمال لغو و باطل و به انسان هشدار می دهد . «و من الناس من یشتري لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله به غیر علم و یتخذها هزوا و اولئک لهم عذاب مهین» [لقمان ۶] : برخی از مردم داستان های باطل را می خردند (انتخاب می کردند) تا مردم را ندانسته از راه خدا بازدارند و آیات قرآن را استهزاء کنند . برای آنان است عذاب خوارکننده . پس نگاه قرآن درباره اوقات فراغت، دوری از هر آن چیزی است که انسان را از حقیقت باز می دارد و توجه به فرصت ها و اوقاتی است که در زندگی برای مؤمن پیش می آید تا برای کوشش و تلاش به منظور خودپایی و رشد و تعالی، از آن ها استفاده کند . «فاذا فرغت

هستند که اگر به آنان پاسخی مناسب داده شود، دنیای آن ها به دنیای خوبی ها، شادی ها، بالندگی ها، خلایقیت ها و نوآوری ها مبدل می شود و رشد و اعتلای شخصیت و شکوفایی استعداد های آن ها را در پی خواهد داشت .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین می فرمایند: «یا اباذر اغتنم خمساً قبل الخمس، شبابک قبل هرمک و صحتک قبل سقمک و غناک قبل فقرک و فراغک قبل شغلک و حیاتک قبل موتک» ای ابوذر، پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت بشمار: جوانی ات را قبل از پیری، سلامت را قبل از بیماری، تمکنت را قبل از تهیدستی، فراغت را قبل از گرفتاری و زندگانی را قبل از مرگ .

امام علی علیه السلام فرموده: «واعلم ان الدنیا دار بلیه لم یفرغ صاحبها فیها قط ساعه الا کانت فرغته علیه حسره یوم القیامه [نهیج البلاغه، نامه ۵۹]؛ و بدان که دنیا برای آزمایش است که هر کس ساعتی در آن فراغت یابد و دست از کار بکشد، همین ساعت بیکاری، موجب حسرت و پشیمانی او در قیامت خواهد شد .

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «ولاتنس نصیبک من الدنیا» [القصص ۷۷]، از پدران خود چنین روایت کرده است: «قال لاتنس صحتک و قوتک و فراغک و شبابک و نشاطک و غناک و ان تطلب به الاخره» سلامت، نیرومندی، فراغت، جوانی، نشاط و بی نیازی خود را فراموش ننما . در دنیا از آن ها بهره برداری کن و متوجه باش که از آن سرمایه های عظیم، به نفع معنویات و آخرت خود استفاده نمایی .

امام خمینی (ره) در کلامی که می توان آن را هشدار تلقی کرد، فرموده اند: «نقشه کشیدند که نگذارند این نهضت به ثمر برسد و لذا از همه طرف خرابکاری می کنند . یک خرابکاری شان همین است که نگذارند جوان های ما صحیح بار بیایند و حالا که باید از نیروی جوانی استفاده بشود، نگذارند این نیروی جوانی به ثمر برسد» .

❑ شمشیر بر آن زمان

عمر انسان و فرصتی که از جانب خداوند برای زندگی به او داده شده، مهم ترین سرمایه حیات اوست . جوان نسبت به این سرمایه و هدیه خداوندی مسئولیت دارد و باید پاسخگو باشد . در تفسیر آیه «... اولم نمرکم ما یتذکر فیه من تذکر...» [فاطر ۳۷] امام صادق علیه السلام فرموده است: «توبیخ لابن ثمانی عشر سنه» . این آیه، ملامت و سرزنش جوانان غافل است که به سن هجده سالگی رسیده اند و از فرصت جوانی خود استفاده نمی کنند .

روایات دیگری نیز از امام صادق علیه السلام در ارتباط با استفاده صحیح از اوقات موجود است، از آن جمله: «اصبروا علی الدنیا فانما هی ساعه فما مضی منه فلا تجد له الما ولا سررا، و ما لم یجیء فلا ندری ما هو و انما هی ساعتک اللتی انت فیها علی طاعه الله و اصبر فیها عن معصیه الله» مجموع عمر آدمی در دنیا ساعتی بیش نیست . آنچه از این ساعت گذشته است، معدوم شده و لذت و المی از آن احساس نمی کنید و آنچه هنوز نیامده است،



.....

علمای علوم تعلیم و تربیت، روان شناسی و جامعه شناسی، همچنین بزرگان ادبیات و ادبا که سخن در ارزش و اهمیت وقت و گذران آن بسیار گفته اند.

اگر کسی بخواهد در زمینه رشد و ترقی و سعادت انسان ها قدمی بردارد، باید برطبق برنامه های کارشناسان الهی وارد صحنه تربیت و هدایت و پرورش استعداد های آنان بشود انبیا و امامان معصوم (ع) برای تربیت و هدایت انسان ها از طرف خدای متعال تعیین می شوند. نسل جوان لازم است که با تبعیت و اطاعت کامل از تمامی دستورات و روش های پیشوایان معصوم (ع)، ارزش های مهمی را نصیب خود سازند و در مسیر کمال قدم بگذارند. معارف و ارزش های دینی باید توسط افراد آگاه و خبیره و متخصص در اختیار انسان ها قرار گیرند.

جوانی که دین را از مکتب امامت و در کلاس آنان آموخته هیچ وقت بازیچه استعمارگران نخواهد شد، بلکه به عنوان یک فرد مبارز و پاسدار ارزش های قرآنی، در هر پست و مقام و در هر شرایط سنی و جنسی، اعم از دختر و پسر یا زن و یا مرد، به خدمت خودش ادامه می دهد.

۱. ای بیست ساله ها!

به طور کلی جوانان را به دو گروه عمده با دو نوع رفتار مثبت و منفی می توان تقسیم کرد: برخی در این دوران بیشترین لذت را از بطالت، دل مشغولی های بی ارزش و هدر دادن روزها و هفته های گران سنگ جوانی می برند و با گفتن عباراتی چون: بی خیال، خوش باشد، ولش و... خود را خوش بخت جلوه می دهند. البته در پرونده زندگی این گروه، انواعی از ناهنجاری ها و انحرافات به چشم می خورد که نتیجه آن هم جز بیهودگی، افسوس و شرمساری، جنون و... نخواهد بود.

درباره این دسته از جوانان، پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ان الله ملکا ينزل فی کل ليله وینادی یا ابناء العشرین! جدوا و اجتهدوا». خداوند را فرشته ای است که هر شب فرود آمده و ندا در می دهد، ای بیست ساله ها! کوشش کنید و تلاش بسیار بورزید.

و اما گروه دیگری از جوانان هستند که در پرونده آنان، تحصیل جدی، تلاش پیگیر، وظیفه شناسی، حضور در مسابقات کشوری و جهانی و در نتیجه پیشرفت و عزت و افتخار خویش و خانواده و جامعه، فراوان مشاهده می شود. رسول اکرم (ص) درباره چنین افرادی فرموده اند: «یا اباذر! من شاب یدع الله الدنيا و لهوها و اهرم شبابه... ای اباذر! هیچ جوانی به خاطر خدا، از دنیا و سرگرمی های آن روی نگرداند و جوانی خویش را در طاعت خدا پیر نکند، مگر اینکه خداوند پاداش هفتاد و دو صدیق را به او عطا فرماید.» فراغت در نظام ارزشی اسلام، جنبه فرهنگی و تربیتی یافته است و از صورت سرگرمی خارج می شود. جوان باید به جای تکرار اندیشه ها، اندیشیدن را بیاموزد، با علم و عمل، برای زندگی معقول و مطلوب ره توشه بگیرد، با کار و ابتکار از مدار تکرار برهد، بازهد و قناعت از آن ها و آرزوهای دور و دراز بگذرد و با عبادت و نیایش، دروازه ملکوت را بگشاید. □

فراغت در نظام

ارزشی اسلام،

جنبه فرهنگی

و تربیتی یافته

است و از صورت

سرگرمی خارج

می شود. جوان

باید به جای

تکرار اندیشه ها،

اندیشیدن را

بیاموزد، با علم و

عمل، برای زندگی

معقول و مطلوب

ره توشه بگیرد

فانصب» [الشرح / ۷]: به محض آن که فراغتی حاصل کردی، پس بکوش.

در اصل، قرآن به هیچ فراغتی که مایه بطالت و بیهودگی باشد، معتقد نیست و می فرماید: بعد از هر سختی، عسر و راحتی است، به شرطی که انسان مؤمن از فرصت به دست آمده به درستی استفاده کند.

۱. اغتنام فرصت

رسول اکرم (ص) فرموده است: «خلتان کثیر من الناس فیهما مفتون الصحه و الفراغ» بیشتر مردم درباره دو خصلت دچار گمراهی و ضلالت هستند؛ یکی در مورد سلامت و صحت و آن دیگر در امر فراغت و بیکاری.

آدمی باید قدر آسایش و اوقات خالی خود را بداند و از آن برای پرورش استعداد های نهفته وجود خویش و رسیدن به کمال استفاده کند، تا از دست دادن فرصت ها مایه غم و اندوه و پشیمانی نگردد: «اضاعه الفرصه غصه». [نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۱۸، ص ۱۹۹] یا «ان الفرص تمر مر السحاب فانتهزوها اذا مکنت فی ابواب الخیر و الاعادات ندما». از امام هادی (ع) سؤال کردند درباره معنی «حزم» و ایشان پاسخ فرمودند: «هوان تنتهز فرصتک و تعاجل ما امکنک» حزم عبارت از این است که فرصت خیر را مغتنم بشماری و به قدر ممکن در استفاده از آن تسریع نمایی. پیامبر اکرم (ص) نیز چنین فرموده اند: «روحوا لاقلوب ساعه بساعه». دل ها را ساعت به ساعت استراحت دهید.

۱. انواع فراقت

در یک تقسیم بندی عمده، می توان به دو نوع دیدگاه درباره انواع فراقت اشاره کرد:

۱. دیدگاه هایی که تأثیرات روانی و معنوی دارند:

الف) دیدگاهی که مبنای اوقات فراغت یا تفریح را «مذهب» دانسته اند.

ب) دیدگاهی که فراغت را غریزه، بازی و تفریح سازی معرفی کرده است.

ج) دیدگاهی که از استراحت و کسب لذت نشأت گرفته است.

۲. دیدگاه هایی که بر کارکردها و فعالیت های اوقات

فراغت تأثیر دارند:

الف) کارکرد متعالی و اصلاحی

ب) شکوفا کردن استعدادها

ج) رشد اجتماعی

د) تعلیم و تربیت اجتماعی

ه) تجربه و تمرین مشاغل اجتماعی

و) کارکرد مشارکت

ز) کارکرد پیشگیری از آسیب های اجتماعی

ح) کارکرد اقتصادی

ط) کارکرد سیاسی

در ریشه های اندیشه و اظهار نظر اندیشمندان گوناگون درباره گذران اوقات فراغت، می توان به گذشته های دور و نزدیک رفت و نظریات متفکران را دنبال کرد. به خصوص

❏ زیارت عاشورا در حال قدم زدن

امام از کمترین وقت خود برای مطالعه و نوشتن یا عبادات دیگری که ذکر شده استفاده می کردند. اگر کسی تنها همین آثاری را که از ایشان تألیف و به چاپ رسیده مطالعه کند و آن را بر عمر پربرکت ایشان تقسیم کند، به خوبی می فهمد که چگونه از ساعات و بلکه دقایق عمر خود استفاده کرده و بهره وافی برده اند و حتی از نیم ساعت قدم زدن صبح و عصر خود نیز، که به خصوص این اواخر به تجویز پزشکان انجام می دادند استفاده می کردند و معمولاً ادعیه و اذکاری را برای آن وقت اختصاص داده بودند که در حال قدم زدن نیز عبادتی و کاری را انجام دهند و اوقاتی که زیارت عاشورا می خواندند، صد لعن و صد سلام را، معمولاً، در حال قدم زدن می خواندند. (حجت الاسلام والمسلمین رسولی محلاتی)

❏ اغتنام فرصت ها

امام در بسیاری از اوقات در آن واحد و همزمان به کارهای متعدد اشتغال داشتند. در یکی از روزهای اوایل فروردین ۶۸ حدود ساعت هفت بعد از ظهر حقیر را برای انجام کاری احضار فرمودند. وقتی مشرف شدم حدود یک ساعت از غروب گذشته بود. ایشان در حالی که هنوز مشغول تعقیبات نماز مغرب و عشا بودند، تسبیح در دستشان بود و ذکر می گفتند، به پشت خوابیده بودند و با بالا و پایین بردن پاهایشان نرمش مخصوصی را که پزشک توصیه کرده بود انجام می دادند، تصویر بدون صدای تلویزیون را مدنظر داشتند، به صدای رادیو گوش می دادند، علاوه بر این همه امور، علی نوه عزیزشان را در حالی که در کنار ایشان دراز کشیده بود و سعی می کرد حرکت های امام را تقلید کند مورد تفقد و نوازش پدرا نه قرار می دادند و انجام نرمش مانع از ابراز عطف و نسبت به نوه خردسالشان نمی شد. (حجت الاسلام والمسلمین رحیمیان)

❏ عمر یا برکت امام

ما به طور مکرر شاهد بودیم که امام به هنگام قدم زدن عصرانه که به عنوان ورزش، کاری مهم و لازم برای تأمین سلامت ایشان بود در دستی تسبیح داشتند و به ذکر خدا مشغول و در دست دیگر رادیویی کوچک داشتند که با استماع آن در جریان مسائل داخل و خارج قرار می گرفتند. بدین سان می توان گفت عمر واقعی امام نه هشتاد و هفت سال که از نظر کاربرد و به کارگیری دو چندان این مدت بود. (حجت الاسلام والمسلمین رحیمیان)

❏ وقت تلف شده نداشتند

امام در منزل یا رادیو گوش می کردند یا تلویزیون نگاه می کردند یا نامه های رسیده را می خواندند یا اخبار رسیده را مطالعه می کردند. یک دقیقه ایشان بیکار نبودند. حتی در حمام هم، رادیو همراهشان بود، یا هنگام وضو گرفتن رادیو روی دوششان قرار داشت. من می توانم با اطمینان بگویم که ایشان اصلاً وقت تلف شده نداشتند. (دکتر زهرا مصطفوی، فرزند امام)

کاین سفر توشه همی خواهد و این ره دور است

❏ رسول سعادت مند

چگونگی استفاده بزرگان از اوقات فراغت می تواند به عنوان الگویی برای ما در زندگی فردی و اجتماعی به کار بسته شود. در مطلب زیر به نقل از زندیکان امام خمینی (ره) به گوشه هایی از اهتمام ایشان در استفاده مناسب از اوقات فراغت اشاره می شود. ■

❏ فراگیری زبان

امام در همان اولین ساعات ورود به ترکیه به آموزش زبان ترکی پرداختند. ایشان می خواستند با فراگیری زبان ترکی رسالت خود را در میان ترک زبانان دنبال کنند، به حدی که اهتمام امام به فراگیری زبان ترکی، سرهنگ افضلی از مقامات ساواک را که در ترکیه مراقب ایشان بود سخت و وحشت انداخت که مبادا امام با آموختن زبان بتواند با مردم ترکیه ارتباط برقرار کند و مبارزه را در تبعیدگاه دنبال کند. لذا در گزارش خود به تهران نوشت: نباید وی را تنها گذاشت! از این رو در ترکیه هر روز امام را به جایی منتقل می کردند. (حجت الاسلام والمسلمین سید حمید روحانی)

❏ چرا قبل از وقت، مرامی خوانید؟

در طول این ۹-۱۰ سالی که امام در جماران تشریف داشتند، یکی از آقایانی که مأمور امور مالی ایشان بودند و باید هر روز صبح به این امر رسیدگی می کردند می گفتند: ایشان هر روز رأس ساعت مقرر آماده پذیرفتن ما بودند. چنانچه اگر روزی به خاطر عدم شرایط مساعد به موقع به حضور ایشان نمی رسیدیم، امام پنج دقیقه بعد از موعد مقرر زنگ اتاق مربوطه را به صدا در می آوردند و آنان را برای حضور دعوت می کردند.

در ملاقات های عمومی گاهی بعد از آماده شدن ایشان، به دلیل به حد نصاب نرسیدن تعداد ملاقات کنندگان مستلزم چند دقیقه انتظار برای به حد نصاب رسیدن بود که با فزونی یافتن مدت انتظار به ۱۰ دقیقه تبدیل می شد، امام نسبت به نامنظم بودن برنامه های ملاقات لب به اعتراض می گشودند و می فرمودند: چرا قبل از فراهم ساختن مقدمات ملاقات مرا به محل ملاقات فرامی خوانید؟ یا اگر در ملاقات های خویشان، افراد در زمان معین بر نمی خواستند و وقت بیشتری را پرمی کردند با اعتراض ایشان مبنی بر اینکه، باید مطابق ظرفیت زمانی افراد وقت صرف کنید نه بیشترونه کمتر، روبرو می شدند. (حجت الاسلام والمسلمین امام جمارانی)

❏ می توانی خبر یک دقیقه ای تعریف کنی؟

امام هیچ گاه نمی گذاشتند وقتشان به هدر برود. بارها می دیدیم که در دقایق قبل از آماده شدن سفره که معمولاً به بطالت می گذرد ایشان به مطالعه و تلاوت قرآن می پرداختند. یک بار برای کاری خدمت ایشان بودم، صحبت که تمام شد نگاهی به ساعتشان کردند و گفتند، می توانی یک تعریف یک دقیقه ای بکنی؟ تا من خواستم به آن مسأله فکر کنم و ذهنم را بگردم یک دقیقه گذشت و امام رادیو را روشن کردند و من تازه متوجه شدم که ایشان می خواستند همین یک دقیقه قبل از اخبار هم به بطالت نگذرد، چون عادت داشتند که خلاصه اخبار را سرفوت بشنوند. (حجت الاسلام والمسلمین مسیح بروجردی، نوه امام)

بگذرانند. (حجت الاسلام والمسلمین رسولی محلاتی)

❑ وقت را بیهوده تلف نکنید!

امام هیچ‌گاه وقتشان را بدون جهت و بیهوده صرف نمی‌کردند بلکه بیشترین استفاده را از اوقات گران‌بهای خود می‌نمودند و وقت‌شناسی ایشان بسیار دقیق بود. در فاصله‌ای که بعد از نماز ظهر و عصر برای ناهار می‌آمدند، اگر در این مدت کوتاه چند دقیقه‌ای فرصت می‌شد، قرآن می‌خواندند و گاهی این اوقات، کمتر از ۲ دقیقه بود. در مورد مصرف وجوه برای طلاب و محصلین، اگر کسی به بطالت و سستی ایام خود را می‌گذرانیدند، امام به هیچ وجه آمادگی نداشتند، از سهم مبارک امام علیه السلام کمک نمایند.

یکی از فضلا و طلاب قم که علاقه وافری به حضرت امام داشتند، مقید بود که هر روز به بیرونی امام که مراجعین رفت و آمد داشتند، سری می‌زد تا امام را ملاقات کند. از حضرت امام درخواست شده بود که چون این آقا برای ازدواج به ولایت خود دعوت شده و قهرامخارجی را باید متقبل شود؛ اگر ممکن است چون طلبه خوب و درس‌خوانی است، چیزی اضافه بر مستمری داده شود. امام فرمودند: من اضافه‌ای ندارم، اگر ایشان طلبه درس‌خوانی است، هر روز در بیرونی منزل من که کاری ندارد، چرا خود را معطل می‌نماید، اگرچه این طلبه فاضل برای زیارت وجه عالم و مرجع تقلید می‌رود؛ اما امام نمی‌پسندد که اوقات کسی بیهوده تلف شود. ❑



.....

امام هیچ‌گاه

وقتشان را بدون

جهت و بیهوده

صرف نمی‌کردند

بلکه بیشترین

استفاده را از

اوقات گران‌بهای

خود می‌نمودند

و وقت‌شناسی

ایشان بسیار

دقیق بود

❑ در کمتر از دو دقیقه هم قرآن می‌خواندند

امام در فاصله‌ای که بعد از نماز ظهر و عصر برای ناهار می‌آمدند، اگر در این مدت کوتاه چند دقیقه‌ای فرصت پیدا می‌شد، قرآن بر می‌داشتند و می‌خواندند که گاهی این اوقات کمتر از دو دقیقه بود. همچنین در پاریس موقعی که خبرنگارها برای مصاحبه می‌آمدند تا وسایلشان را بچینند، امام نمی‌گذاشتند وقتشان تلف شود. (مرضیه دباغ)

❑ از همه وقت خودشان استفاده می‌کردند

امام از همه وقت‌های خودشان استفاده می‌کردند مثلاً اگر به عنوان دستور پزشک به ایشان عرض می‌شد که راه رفتن برای سلامتی شما مفید است ایشان ضمن انجام این دستورات این قدم زدن استفاده دیگری می‌کردند مثلاً در راه رفتن صبح با خودشان رادیوی کوچکی داشتند که مجلس را گوش می‌کردند و بعد از ظهرها رادیوهای بیگانه را گوش می‌کردند یا روزنامه‌های عصر را می‌خواندند. ایشان در یک وقت حداقل دو کار انجام می‌دادند هم دستور پزشک را اجرا می‌کردند و هم از اوضاع و اخبار باخبر می‌شدند. (دکتر حسن عارفی)

❑ فرصت‌شناسی در اوج بیماری

امام حتی در شب قبل از عمل و روی تخت بیمارستان با وجود سرم‌های غذایی و دارویی و ضعف مفرط از مطالعه و قرائت قرآن و تهجد و نماز شب غافل نمانده و حاضر نبودند لحظه‌ای هر چند کوتاه و گذرا از عمر خود را بیهوده





کلید زندگی خوب
از منظر فلاسفه باستان

حرکت صعودی در زنجیره هستی

■ بنجامین هانی کات؛ ترجمه رؤیا آسیایی

در نظر افلاطون و ارسطو، فراغت به معنای آزادی حرکت صعودی در زنجیره هستی در جهت نیل به استعداد و اصالت انسانی است.

افلاطون نخستین نهاد آموزش عالی را که جد دانشگاه امروزی محسوب می شود بنا نهاد تا به مردم استفاده درست از آزادی فراغت را آموزش دهد. بازتاب این میراث، واژه یونانی فراغت است که از لحاظ ریشه شناسی، منشأ بسیاری از واژه های امروزی چون مدرسه و شهریه است. افلاطون کار و فراغت را در تقابل با یکدیگر قرار داده و تصور می کرد که کار زیاد نابخردانه است و این یکی از تعالیم اولیه آکادمی بود.

مردم با کار بیش از حد ضرورت، دادن اهمیت افراطی به تجارت، دودیدن در پی ثروت، شهرت و لذت، از آزادی خود استفاده نادرست کرده و بردگی داوطلبانه را انتخاب می کنند. بیکارگی نیز به همین اندازه نابخردانه است. فراغت صرفاً داشتن «وقت آزاد» برای خوابیدن بیشتر، خیالبافی یا بی تحرکی نیست. فراغت فعال، پرداختن به ورزش یا هنر، اشتغال به بحث های عمومی و فلسفه ورزشی، نشانه انسان فرهیخته است. هرچه فرد به خود ذاتی اش و به حقیقت نزدیک تر شود روح او پُرانرژی تر می گردد. آموزش به معنای باز کردن چشم روان بر ماهیت اصیل و واقعی انسان و بر حقیقت بود. کسب انضباط و مهارت لازم برای پرداختن به هنرهای انسانی دشوار بود. دانش جوانان باید در درس های خود تلاش بسیار می کردند. با این

آرتور لایویجوی در کتاب «زنجیره بزرگ هستی» نوعی جهان بینی را تشریح کرد که در میان نخبگان فرهیخته دوران کلاسیک و نیز در جهان قرون وسطا رواج داشت. زنجیره بزرگ هستی چارچوبی برای فهم «فراغت» در کنار سایر بخش های زندگی، معرفی کرد که بیش از هزار سال الهام تداوم داشت.

برای مثال عده ای از یونانیان عالم را به شکل سلسله مراتبی منظم و وابسته به یک موجود کامل که خلقت از او نشأت یافته است می دیدند. موجوداتی که به این هستی قائم به ذات نزدیک تر بودند به سبب نزدیکی بیشترشان به کمال، کامل تر و بی دغدغه تر از مخلوقات پایین تر از خود بودند. از سوی دیگر مخلوقاتی که از کمال کمتری برخوردار بودند، بیشتر در معرض آشفتگی و بی نظمی قرار داشتند. با این وجود، همه مخلوقات در زنجیره هستی دارای جایگاه خاصی بودند و این جایگاه که توسط خالق برای آنها معین شده بود، ذات آنها را تعیین می کرد.

در این میان، انسان ها موقعیت منحصر به فردی داشتند. حیوانات، گیاهان و جمادات پس از آنها جای داشتند و از خدا آن چنان دور بودند که امیدی به بهتر شدن مرتبه و جایگاهشان نبود. در فرادست انسان ها، موجودات کامل تری قرار داشتند که در درون مدار خدا جای داشته و لاجرم به سوی کمال جذب می شدند. تنها انسان ها دارای این اختیار بودند که به سمت کمال حرکت کنند و ارتقا یابند یا به سوی مراتب پایین تر هستی تنزل کنند. بر اساس این دیدگاه، جایگاه مادر زنجیره هستی است که ذات انسانی مایعنی آزادی را مشخص می کند.

فضیلت در انتخاب های درست نهفته است. موجودات دیگر دارای کیفیتهای و فضیلت هایی هستند که به صورت تمام و کمال یکجا به آنها داده شده است. ماهی به محض تولد شنا می کند و پرنده گان به سرعت پرواز را فرامی گیرند، هیچ انتخابی در کار نیست. اما به استثنای آزادی، دیگر فضایل و قابلیت های ذاتی به صورت یکجا به انسان داده نشده است. انسان ها باید آزادی خود به درستی استفاده کرده و از زنجیره هستی بالا بروند. باید از استعداد خود برای تبدیل شدن به انسان تام و کامل آگاه شده و از «احتیاج و نیازمندی» و وسوسه فروغلطیدن به هستی مادون انسانی اجتناب کنند.



محدود نمی شود. فلسفه یک فعالیت روزمره دموکراتیک بود که همه شهروندان تحصیل کرده به آن دسترسی داشتند. فلسفه نوعی جست و جوی عملی برای معنا بود. جست و جویی برای پاسخگویی به پرسش های مربوط به زندگی، عشق، عدالت و زیبایی که همه انسان ها استعداد آن را داشتند. گذشته از این ناتوانی در فلسفه ورزی، ناتوانی در انسان کامل شدن بود. همان گونه که افلاطون می گوید «زندگی بدون وارستگی، ارزش زیستن را ندارد».

با این همه براساس نظر افلاطون، انسان ها همواره در مرحله ابتدایی حکمت قرار دارند. آن ها هرگز به حقیقت جاودانی اشراف نمی یابند و تنها (نظرات و افکار) حقایقی را درمی یابند که ناپایدار است و با گذشت زمان بر باد می رود. یافتن یک دید اجمالی درباره حقیقت برتر نیاز انسان به معنا و مقصود را برای همان روز برطرف می کند نه برای آینده. تعقیب حقیقت و معنا همواره نیازمند فعالیت های جدید و زندگی اصیل مستلزم جستجوی دائمی فراغت است.

به علاوه، فلسفه ورزی، مانند شکار، یک کار گروهی است. افراد باید با همقطاران خود به گفتگوی دو نفره مشغول شوند و با کلمات خودشان به جست و جوی حقیقت زندگی خود برآیند و سعی کنند به پرسش هایی از این دست که عدالت یا عشق چیست؟ بهترین راه زیستن در کنار هم و لذت بردن از زندگی کدام است؟ و نظایر آن پاسخ گویند. این جستجوی مشترک برای یافتن معنا، از نظر افلاطون

کلید زندگی خوب است. □



فراغت

صرفاً داشتن

«وقت آزاد» برای

خوابیدن بیشتر،

خیالبافی یا

بی تحرکی نیست.

فراغت فعال،

پرداختن به ورزش

یا هنر، اشتغال

به بحث های

عمومی و

فلسفه ورزی،

نشانه انسان

فرهیخته است

همه هدف آموزش آکادمیک، آزادی بود. هنرهای انسانی (خطابه، علوم، ورزش و ژیمناستیک)، هنرهای آزاد بودند و از آن رو آزاد بودند که خدا آنها را - دست کم قابلیت آنها را - به انسان اعطا کرده بود. فضیلت در دستیابی به این قابلیت های انسانی نهفته بود. بنابراین انسان ها برای آزاد بودن باید تلاش می کردند. ما باید برای انجام ورزش ها و سایر هنرهای انسانی، تمرین کنیم و آموزش ببینیم. کار کردن برای فراغت انجام می گرفت. شاگردان افلاطون بعد از مدرسه فرصت های فراوانی برای تمرین آنچه فرا گرفته بودند می یافتند.

در آتن باستان یک بخش عمومی گسترده یعنی یک زیرساخت فراغتی وجود داشت که در آن افراد آزاد، کارهای آزاد انجام می دادند، و بقایای آن را ما امروزه در کتابخانه ها و پارک هایمان می بینیم.

آگورای مشهور بیش از آن که یک بازار برای داد و ستد و تجارت باشد یک فضای باز برای فعالیت های روزانه مذهبی، سیاسی، قضایی و اجتماعی بود. با این وجود به نظر افلاطون و ارسطو حتی کسب هنرهای انسانی به منزله رسیدن به قله های استعداد انسانی نبود.

در نظر افلاطون فلسفه ورزی، آزادانه ترین، انسانی ترین و سرگرم کننده ترین فعالیت فراغتی است. او برای توصیف فلسفه از استعاره ورزشی شکار استفاده می کند: «تعقیب و شکار حقیقت که همواره در گریز است». در نظر او فلسفه ورزی به گروهی کوچک از افراد آکادمی - همچون امروز



در ستایش ملال
ونکوهش سرگرمی

ملالی نیست جز گم شدن گاه به گاه خیالی دور

■ پاملا بل، ترجمه آرش رضاپور

آن‌هایی که مجبور بودند کار کنند، سخت‌تر کار می‌کردند. کارهای صنعتی و کشاورزی بیش از حد کسالت‌بار بودند، و به نظر نمی‌رسید آدم‌های زیادی انتظار داشته باشند شغل‌شان ارضاکننده باشد. کودکان نیز انتظار چنین آینده‌هایی را داشتند و از همان عنقوان کودکی با آن اخت می‌شدند؛ بنابراین چیزی هم جز کتابخانه، درخت و بعدها تلویزیون مضر در بعد از ظهرها، در مخیله‌شان نمی‌گنجید. تنها چند دهه قبل، در دوران از دست رفته کم توجهی به کودکان، آدم‌های بالغ فکر می‌کردند حدی از ملال ضروری است، و کودکان هم خرسند بودند که بزرگترها کاری به کارشان ندارند. لین مانوئل میراندا در مصاحبه‌ای با مجله جی.کیو. تأکید می‌کند که بعد از ظهرهای آزاد برای او منبع لایزال الهام بوده است؛ «چرا که هیچ چیز به اندازه کاغذی سفید یا اتاق خوابی خالی خلاقیت را مهمیز نمی‌زند.» امروزه قرارداد دادن کودکان در چنین انفعالی همچون اهمال والدین در انجام وظایف‌شان دیده می‌شود. کلیر کین میلر در مقاله‌ای به نام «شقاوت والدین مدرن» که در نشریه تایمز منتشر شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت، به مطالعه جدیدی ارجاع می‌دهد که براساس آن والدین، صرف نظر از طبقه، درآمد یا نژاد، معتقد بودند «کودکانی که در ساعات بعد از مدرسه حوصله‌شان سر می‌رود، باید در کلاس‌های فوق برنامه ثبت نام شوند، و والدینی که مشغله دارند نیز باید در صورتی که کودکان از آن‌ها درخواست کنند، تمام کارهایشان را متوقف کرده و به آن‌ها توجه کنند.»

«حوصله‌ام سر رفته». این جمله کوتاه آنقدر قدرت دارد که پدر و مادرها را از وحشت، آزرده‌گی خاطر و عذاب وجدان لبریز کند. اگر حوصله کسی سر رفته باشد، حتماً فرد دیگری در آموزش، غنابخشی یا سرگرم کردن او کوتاهی کرده است. اصلاً چطور ممکن است کسی - خواه کودک یا بالغ - ادعای ملال کند، آن هم در حالی که کارهای زیادی را می‌توان و باید، فوراً انجام داد؟

اما ملال از آن چیزهایی است که باید تجربه‌اش کرد، نه آنکه با عجله کنارش زد. تجربه ملال، در این معنا با آن تربیت بی‌رحمانه مبتنی بر شرطی‌سازی در دوران ویکتوریا تفاوت دارد که چون تجربه‌ای مخوف بود برای تقویت قوای ذهنی توصیه می‌شد. برخلاف چیزی که بیشتر افراد در فرایند رشد می‌آموزند - اینکه فقط افراد حوصله‌سربر هستند که حوصله‌شان سر می‌رود - ملال سودمند است؛ برای ما خوب است. اگر کودکان خیلی زود با این قضیه کنار نیایند، بعدها دچار شگفت‌زدگی نامطبوعی خواهند شد. قبول کنیم که مدرسه می‌تواند جای خسته‌کننده‌ای باشد و واقعیت این است که معلمان وظیفه ندارند به همان ترتیبی که آموزش می‌دهند، کودکان را سرگرم هم بکنند. قرار نیست زندگی جولانگاه بی‌پایان سرگرمی‌ها باشد. در زمان کجا می‌روی برنادت؟ نوشته ماریا سمپل در سال ۲۰۱۲، مادری به دخترش می‌گوید: «درست است که حوصله‌ات سر رفته، اما بگذار از کوچکی درباره زندگی به تو بگویم. هرچه بیشتر به این فکر کنی که چیزی ملال‌آور است، ملال‌آورتر می‌شود. اما به محض آنکه بفهمی فقط خودت هستی که می‌توانی زندگی‌ات را جذاب کنی، اوضاع بهتر خواهد شد.»

۱ پرسه‌های بی‌هدف

قبلاً مردم پذیرفته بودند که ملال بخش بزرگی از زندگی است. خاطرات پیش از قرن ۲۱ سرشار از یکنواختی است. افراد طبقه مرفه، وقتی از پرسه‌زدن در سالن‌های پذیرایی خسته می‌شدند، به پیاده‌روی‌های طولانی می‌رفتند و دارو درخت‌ها را تماشا می‌کردند؛ سوار ماشین‌هایشان می‌شدند و باز هم دورتر می‌رفتند و درختان بیشتری را تماشا می‌کردند.



.....

۴ مرگ خلاقیت

امروزه بچه‌ها، زمانی که والدین دست از سرشان برداشته باشند، با وسایل دیجیتال شان به حال خود رها می‌شوند. والدین برای یک مسافرت طولانی با ماشین یا هواپیما چنان برنامه‌ریزی می‌کنند که انگار ژنرال‌های ارتش هستند و دارند نقشه یک مانور زمینی پیچیده را می‌ریزند. کدام فیلم را با آی‌پد ببینیم؟ بهتر نیست یک پادکست خانوادگی درست کنیم؟ الان وقت مناسبی است که اجازه دهیم بچه‌ها در صندلی عقب آنقدر فورتنایت بازی کنند تا مخ‌شان تاب بردارد؟ وقتی در دهه ۷۰ کودکان در راه بازگشت حوصله‌شان سر می‌رفت، والدین چه کار می‌کردند؟ هیچ! اجازه می‌دادند بوی بنزین خفه‌شان کند، و خاوه‌رو برادرهایشان را عذاب دهند، و چون کمر بند ایمنی واقعاً کارایی نداشت، می‌گذاشتند بچه‌ها با کمر بند شکسته بازی کنند. آن روزها اگر از ملال شکایت می‌کردید، احتمالاً چنین جوابی می‌شنیدید: «برو بیرون»، یا حتی بدتر: «اتاق را مرتب کن.» سرگرم کننده بود؟ نه! کمک کننده بود؟ بله.

به هر حال ملال می‌توان منشأ اتفاقاتی باشد. بعضی از ملال‌آورترین شغل‌هایی که من داشته‌ام، در عین حال خلاقانه‌ترین‌ها هم بوده‌اند. بعد از مدرسه در یک شرکت واردات کار می‌کردم و عکس‌های نوعی بلوز زشت پربویی را روی بروشورهای تبلیغاتی می‌چسباند. در طول انجام این کار یکنواخت، دست‌هایم پراز چسب می‌شد. نمی‌دانم چرا همه چیز بوی ملاس می‌داد. ذهن من چاره‌ای نداشت جز آنکه جهانی خیالی بسازد. قصه‌ها درست در آن لحظه‌ای شکل می‌گیرند که احساس ملال می‌کنید. هنگام واریسی قفسه‌های سوپرمارکت، روایت‌هایی درباره خریدهای مردم درست می‌کردم. مرد در ساعت ۹ شب بادمجان و یک بسته ۶ تایی آب می‌خورد: پرفروش‌ترین محصول کدام است و مردم کدام محصولات را بدون برنامه قبلی می‌خرند. معلم کلاس پنجم از اینکه هر هفته موقع خرید بیسکویت کره‌ای تماشایش می‌کنم چه احساسی دارد؟

۴ مسیر اکتشاف

به محض آنکه با اثرات بی‌حس کننده ملال اخت شوید، خودتان را در مسیر اکتشاف می‌یابید. یکنواختی باعث ظهور تفاوت‌های جزئی میان درخت‌ها و میان آن بلوزها می‌شود. به همین دلیل است که ایده‌های خوب زیر دوش حمام به سراغ آدم می‌آیند؛ یعنی وقتی اسیر فعالیتی پیش پا افتاده هستید؛ چرا که درست همان زمان است که به ذهنتان اجازه می‌دهید پرسه بزنند و خود نیز به دنبالش روانه می‌شوید.

تردیدی نیست که خود ملال در واقع اهمیتی ندارد، بلکه مهم نگرشی است که بدان داریم. هنگامی که فرد به نقطه فروپاشی می‌رسد، ملال به او می‌آموزد چگونه واکنشی سازنده نشان دهد؛ چگونه وضعیت را تغییر دهد. اما مادامی که به عادتِ خوار شمردن ملال چسبیده باشیم،

چنین چیزی را یاد نخواهیم گرفت.

این بدان معنی نیست که پیوسته از یکنواختی طاقت‌فرسای رنج بریم، بلکه بدان معناست که بیاموزیم چگونه بر آن فائق شویم. چنین چیزی ممکن است به چند شکل نمود یابد: شاید به خلوت خودتان بخزید و از زمان برای اندیشیدن بهره‌برید، ممکن است کتابی بخوانید، یا به شغلی بهتر فکر کنید. ملال به پرواز خیال منتهی می‌گردد، و در نهایت خویشتنداری و تدبیر را به ارمغان خواهد آورد.

توانایی مدیریت کردن ملال، به طرز شگفت‌انگیزی با توانایی تمرکز و خودگردانی همبسته است. نتایج پژوهشی نشان داده است که افراد مبتلا به اختلالات توجه بیشتر مستعد ملال هستند. جای تعجب نیست که در این جهان مافوق مهیج، آنچه در ابتدا فریبنده به نظر می‌رسید، دیگر چنان نباشد، و آنچه زمانی سرگرم‌کننده بود، اکنون کسالت بار به نظر آید.

به‌ویژه مهم است که کودکان در سن کم احساس ملال کنند، و اجازه دهیم با این احساسشان تنها بمانند. به جای آنکه این موضوع را همچون «مشکلی» ببینیم که باید به کمک بزرگ‌ترها مرتفع گردد، بهتر است اجازه دهیم خود کودکان با آن دست و پنجه نرم کنند.

۴ زمان سرگرمی

ما دیگر کودکانمان را اینگونه تربیت نمی‌کنیم. مدرسه‌ها در برابر فشار آنچه بدان انتظار کودکان می‌گویند؛ یعنی سرگرمی، تسلیم شده‌اند، و دیگر کمتر نشانی از اصرار بر حفظ کردن چیزهای دیرفهم، خسته‌کننده و سطحی (درست مانند حجم زیاد اطلاعات) به چشم می‌خورد. آموزگاران وقت بیشتری را صرف ابداع روش‌هایی برای «مشارکت دادن» دانش‌آموزان به یاری رسانه‌های بصری و «یادگیری تعاملی» (بخوانید صفحه نمایش و بازی) می‌کنند. روش‌هایی که مناسب تمرکز تغییر یافته آن‌ها به دست بازی‌ها است. بچه‌ها دیگر به سخنرانی‌های طولانی، که متعاقبش بحث هم باشد، گوش فرامی‌دهند؛ پس بر ماست که آموزشی آسان فهم‌تر برایشان فراهم کنیم.

بدون تردید اگر به جای افزایش سرگرمی، به کودکان بیاموزیم در برابر ملال شکبیا باشند، آنان را برای آینده‌ای واقعی‌تر آماده خواهیم کرد؛ یعنی آینده‌ای که در آن جایی برای انتظارات نادرست از کار و زندگی وجود ندارد. روزی فرزندان ما، حتی در شغلی که به هر حال دوستش دارند، ممکن است مجبور شوند کل یک روز را به پاسخ دادن به ایمیل‌های جواب داده نشده بگذرانند، ممکن است مجبور شوند گزارش‌های مفصل مالی را بررسی کنند، و یا دستیار یک ربات در یک انبار بزرگ اینترنتی شوند.

شاید به نظر تان ملال آور بیاید. کار همین است، زندگی همین است. شاید دوباره باید با ملال آخت شویم و به نفع خودمان به‌کارش بگیریم. شاید در جهانی که پیوسته خواسته‌های افراد در حال افزایش است، با کمی هیجان کمتر نیز بتوانیم زندگی کنیم. □

اگر به جای
افزایش سرگرمی،
به کودکان
بیاموزیم در برابر
ملال شکبیا
باشند، آنان را
برای آینده‌ای
واقعی‌تر آماده
خواهیم کرد؛
یعنی آینده‌ای که
در آن جایی برای
انتظارات نادرست
از کار و زندگی
وجود ندارد

گفتگو با دکتر فراستخواه

درباره جامعه، فرهنگ و اوقات فراغت

زمان فراغت

زمینه ظهور ظرفیت‌های مثبت انسانی است

پژمان موسوی، حمیدرضا محمدی

دکتر مقصود فراستخواه جامعه‌شناس و از اعضای هیات علمی گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی است. او که مطالعات و پژوهش‌های گسترده‌ای در حوزه جامعه ایرانی دارد، کم و کیف‌گذاران اوقات فراغت را از جمله ویژگی‌هایی می‌داند که می‌تواند خصایص یک جامعه و فرهنگ را آشکار سازد. به باور او در اقتصاد معیشتی، اوقات فراغت اساساً معنی ندارد و ما برای اینکه جامعه فراغتی بشویم لازم است از سطح یک جامعه معیشتی و سنتی فراتر بیاییم. «دنیای اقتصاد» با او که سال‌ها در عرصه‌هایی چون فلسفه آموزش و پرورش، برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی به تحقیق و پژوهش پرداخته است درباره آسیب‌شناسی اوقات فراغت در ایران گفتگویی ترتیب داده است که گزیده آن را در ادامه می‌خوانید.



طول زمان تحصیلات هم افزایش یافته است و مرتب امتداد پیدا می‌کند (از ابتدایی تا عالی). مقدار اعظمی از این زمان طولانی تحصیل به دوره جوانی تعلق دارد. میان دوره تحصیلات و دوران کار، فاصله می‌افتد و سن کار به تعویق می‌افتد. سن ازدواج بالا می‌رود و خیلی تحولات دیگر. خب، این‌ها فقط مثال‌هایی هستند و خواستم نشان بدهم که سبب می‌شوند پدیده‌ای نوین به نام اوقات فراغت جوانان، موضوعیت پیدا بکند. جوانان نوعاً از اوقات فراغت زیاد برخوردار می‌شوند. اوقاتی که آن‌ها را با همسالان، گروه‌های دوستی، رسانه‌ها و انواع نهادهای اجتماعی و فرهنگی آن هم در مقیاسی فراتر از یک محله یا شهر کوچک و حتی فراتر از مرزهای ملی محصور می‌کند. اوقات فراغت همان طور که شما نیز اشاره کردید مختصاتی دارد. به هشت مورد اشاره می‌کنم.

نخستین مشخصه زمان فراغت این است که زمان مازاد است. مازاد بر فعالیت‌های ضروری زندگی است. این زمان مازاد ممکن است در اثناء و در لابلای فعالیت‌ها یا در قبل و

نگاهی به چگونگی گذران اوقات فراغت در بین ایرانیان ما را به نتایج بسیار متفاوت با گذران این اوقات در سایر کشورهای جهان می‌رساند. برای ورود به بحث می‌خواستیم دیدگاه شما را درباره اینکه **اساساً اوقات فراغت چه مختصات و استانداردهایی دارد و این موضوع هم‌اینک در ایران به چه شکلی درآمده است بدانیم؟**



زمان فراغت اصولاً مفهومی مدرن است. از دیرباز انسان‌ها اوقات خالی در زندگی داشتند. اما «زمان فراغت» به معنای جدیدش در جهان مدرن با خصیصه‌هایی متفاوت و متمایز به میان آمده است. بر اثر دگرگونی‌هایی که در ساختار زیست اجتماعی ایجاد شده است و به سبب تحول در سازمان‌های کار و فرایندهای زندگی و تغییرات فرهنگ و جامعه جدید، امری نوپدید به معنای زمان فراغت پیدا شده است.

اجازه بدهید مثالی عرض بکنم. کودکان در گذشته با اندکی بزرگ شدن، همراه و در کنار خانواده گسترده و پدرسالار، به جرگه کار و فعالیت معیشتی خانواده ملحق می‌شدند. در حالی که مدتی است خانواده‌های گسترده دوره‌های پیشین از مرکز ثقل زندگی اجتماعی ما به کنار رفته است و جای خود را به خانواده‌های کوچک هسته‌ای داده است و روز به روز پدرسالاری و خانواده محوری سنتی کاسته می‌شود. از سوی دیگر «امر آموزش» از خانواده‌ها جدا شده است. به نهادهای مستقل اجتماعی انتقال یافته است و عمومی‌گشته است.



.....

ما همه مسئول

«آلودگی اوقات

فراغت»

جوانانمان

هستیم. خیلی

از ما به این امور

تاحد زیادی

بی تفاوتیم.

درحقیقت کفران

نعمتی می کنیم که

زیستن در دنیایی

متفاوت و جدید

می تواند برای همه

شهروندان این

دنیا و مخصوصاً

جوان ترها فراهم

بیاورد

در پی لذت و مسرت های درونی تر، داوطلبانه تر، ارزش های غیراقتصادی تر، رضایت از زندگی و کیفیت زندگی بدویم.

(هفتمین خصیصه به مفهوم مصرف به معنای مدرن و پست مدرن مربوط می شود. سرمایه داری متأخر، از نوع سرمایه داری فرهنگی است. در آن مفهوم مصرف متحول شده است. اگر جامعه مدرن جامعه تولید مدرن بود؛ جامعه مابعد مدرن، جامعه اهمیت یافتن و برصدر نشستن مصرف شده است. اما مصرف پست مدرن با مصرف سنتی پیشامدرن تفاوت ماهوی دارد. مردم این دوره و زمانه می خواهند از طریق مصرف، به حیات خود معنا ببخشند. مک کراکن و دیگران در این زمینه بحث کرده اند. مصرف کننده قدیمی منفعل، جای خود را به مصرف کنندگانی می دهد که می خواهند به آثار و کالاهای معنا بدهند. مصرف فرهنگی مهم شده است و زمان فراغت از این جهت نیز موضوعیت می یابد.

(هشتمین و آخرین خصوصیت زمان فراغت امکان گسترش افق انتخاب های آدمی است و این را از «آمارتیا کومارس» وام می گیریم. اوقات فراغت در جوامعی معنی پیدا می کند که دارای افق های گسترده ای از انتخاب هستند. در دنیای امروز فقیر کسی نیست که وسایل امرار معاش و مایحتاج اولیه برای بقا ندارد، بلکه کسی است که از فرصت بسط دادن افق انتخاب های خود و ظهور و تأمین نیازهای سطح بالای انسانی و اجتماعی خود محروم می شود.

اما پرسیدید وضع در ایران چگونه است. آشکارا می بینیم اوقات فراغت در جامعه ما مخدوش و بحث انگیز شده است. چون نه گذار اجتماعی مان را درست طی می کنیم، نه تجربه مدرنیته چندان داریم. هرچه هم بود، مدرنیاسیون بود و نه مدرنیته. آن هم نیم بند. نه «ساختار کار» در حدکفایت، مدرن شده است، نه افق انتخاب ها گسترش یافته است، نه بازار فرهنگ منسجم و سازمان یافته داریم. فقط بزرگراه هایی بعضاً به وجود می آید و خودروهای شخصی تکثیر پیدا می کنند و سریع جابه جا می شویم (آن هم بعضی هایمان!) و اوقاتی خالی (باز هم برای برخی از ما) فراهم می شود. اما سایر لوازم چندان در حد کفاف وجود ندارد. عجیب است زمان فراغت که زمینه ای برای ظهور ظرفیت های خوب و مثبت انسانی است گاهی معرضی برای انواع آسیب های اجتماعی و به خطر افتادن سلامت جسم و ذهن و روح جوانان ما می شود که فقط یکی از آن ها انواع اعتیادهای ویرانگر است. ما مسئول لوذ شدن اوقات آزاد جوانانمان هستیم. رسانه های انحصاری و آموزش و پرورش ما مسئول زوال مصونیت های درونی در فرزندان، مسئول ضعف مهارت های زندگی و مهارت های ارتباطی در آنان و مسئول محرومیت آن ها از هوش هیجانی لازم برای تفریح و سرگرمی هستند. ما همه مسئول «آلودگی اوقات فراغت» جوانانمان هستیم. خیلی از ما به این امور تا حد زیادی بی تفاوتیم. درحقیقت کفران نعمتی می کنیم که زیستن در دنیایی متفاوت و جدید می تواند برای همه شهروندان این دنیا و مخصوصاً جوان ترها فراهم بیاورد.

بعد از آن ها میان انواع کارهای ضروری باشد. فرق نمی کند. به هر حال ساختار فعالیت های ضروری ما به گونه ای تغییر یافته است که معمولاً زمان هایی مازاد باقی می ماند. برای اینکه ملموس تر عرض بکنم مثلاً از وسایل نقلیه و ارتباطی جدید و فوق جدید استفاده می کنیم و این سبب سرعت امور زندگی مان می شود و مازادش در اختیارمان قرار می گیرد. مثال دیگر این است که کارگران و کارکنان مثل قبل مجبور به کار از صبح تا شام نیستند و ساعات کار قانونمند و دموکراتیک و عادلانه و محدود شده است و مازاد زمان می ماند. مثال دیگر اتماسیون و خودکار شدن است که بسیاری از کارهای دستی قبلی موضوعیت خود را از دست می دهند و امور روزمره و شغلی و ضروری زندگی به سرعت انجام می گیرد و زمانی اضافه در دست می ماند. به هر حال اولین خصوصیت زمان فراغت، مازاد بودن است.

(دومین خصیصه زمان فراغت آن است که امکان و علاقه فعلی در آن برای شهروندان هست که از سر اجبار و برای انجام وظایف معمول شغلی و کسب و کار صورت نمی گیرد. ارتقای سرمایه انسانی افراد (از طریق آموزش و بهداشت) به افزایش آگاهی ها و اطلاعات و ارتباطات می انجامد.

این ها به علاوه آزادی های اجتماعی سبب می شود که مردمان به این نوع فعالیت های غیراجباری خارج از وظایف شغلی گرایش پیدا می کنند.

(سومین خصوصیت زمان فراغت، امکان عبور آدمی از سقف معیشت است. یعنی این بشری که ما می شناسیم کشتی درونی دارد تا شعاع هستی خود را از آب و دانه و لانه و دوندگی های نازل افزایش بدهد.

(چهارمین خصیصه اوقات فراغت فراتر رفتن انسان از «داشتن و نداشتن» به «بودن و نبودن» است. انتقال آدمی از نیازهای پایه زیستی به سطوح بالاتری از نیازهای دوستی و ارتباطی و فرهنگی و هنری و زیبا شناختی و فکری و فلسفی و علمی و معنوی و مانند آن است. مازلو از سلسله مراتب نیازها و نیز اینگلهارت از ظهور نیازهای فرامادی در جریان توسعه بحث کرده اند و دانشجویان ما با آن آشنا هستند. از این رهگذر است که انسان به فهم خود و فهم محیط خود بسط و عمق می دهد و به تحقق ذات هرچه بیشتر و خود شکوفایی و ظهور ظرفیت های نهفته تر بشری خویش فکر می کند.

(پنجمین خصوصیت، عبارت است از توسعه مفهوم زمان در زندگی ما. در واقع یکی از منابع بارز رشد بشر منابع فرصتی است. حال اگر ساختار کار و زندگی و سیستم ها و مناسبات همان طور که اندکی پیش توضیح مختصری دادم اجازه بدهد مردمان فراتر از مطلوبیت های اقتصادی معمول و آن سوی اهداف بازاری، به مطلوبیت های درجه بعدی بیندیشند، این سبب پیدایی پدیده وقت فراغت می شود.

(ششمین مشخصه اوقات فراغت امکان فعلیتی ناملتزمانه و دلبخواه است که برای تأمین نیازهای والا تر و مطلوبیت های غیربازاری و برحسب علایق متنوع خویش داریم. جویای فرصت هایی از زیست خویش هستیم که در آن



.....

زمان فراغت،
موتور محرک
فرهنگ و تمدن
امروزی بشر است.
وقتی ضعیف
شود معلوم
است که ما ضرر
می‌کنیم. وقتی
طبقه متوسط
کمرنگ شود،
وقتی عرضه و
تقاضای فرهنگی
در زمینه اوقات
فراغت، از رونق
بیفتد، فرهنگ
ایرانی و ملی
و حتی میراث‌های
عظیم معنوی ما از
جوشش و پویایی
باز می‌مانند

فرهنگی و نمادین برونند. مانند رفتن به موزه‌ها، تئاتر، باشگاه‌ها و کلوپ‌های مختلف فکری و علمی و فرهنگی.

«وبلن» در «نظریه طبقه مرفه» بحث می‌کند که مصرف‌کننده امروزی از طریق مصرف جدید به دنبال تشخیص و احترام و منزلت اجتماعی است. می‌خواهد خود اظهار و خود بیانی بکند و هویت نمایی بکند. «اوقات فراغت» برای قشرهای جدید اجتماعی فرصتی و میدانی برای تظاهرات فرهنگی و اجتماعی آن‌ها است. گیدنز نیز درباره سیاست‌های زندگی گروه‌های جدید اجتماعی بحث کرده است که می‌خواهند خود را بازتاب بدهند.

در ایران اما متأسفانه برخی با این مفاهیم دنیای جدید بیگانه‌اند. تسهیلات لازم انجام نمی‌گیرد: نه برای ابراز هویت‌های سبک زندگی جوانان، نه برای امکان ظهور تمایزات فرهنگی و خرده فرهنگ‌ها، نه برای پی‌جویی کالاهای فرهنگی و نمادین متنوع و نه برای سیاست‌های خودبازتابی گروه‌های جدید.

میدان‌ها و زمینه‌ها و امکان‌ها و فرصت‌های کافی برای این امور فراهم نمی‌شود. حتی گاهی مانع از آن می‌شویم که خود را اظهار بکنند و سبک زندگی‌شان را دنبال بکنند. اوقات فراغت این گروه‌های جدید به همین دلیل مناقشه‌آمیز می‌شود، به طور رضایت‌بخشی توسعه پیدا نمی‌کند و به ثمر نمی‌نشیند. بلکه مختل و شقاق برانگیز و آسیب‌زا نیز می‌شود.

بررسی هزینه مورد نیاز برای گذران اوقات فراغت در چند فضای متفاوت برای یک خانوار ۵ نفری: سینما، تئاتر، سفر داخلی، سفر خارجی، سفرهای درون شهری و... نشان می‌دهد که **این روزها هزینه یک سینما رفتن معمولی هم سرسام‌آور می‌نماید و تنها بخشی از طبقات و اقشار جامعه می‌توانند اساساً از وجود پدیده‌ای به نام اوقات فراغت سخن بگویند. از منظر اقتصادی و طبقاتی این موضوع را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟**

اقتصاد ایران با مشکلات نهادی و ساختاری دست به گریبان بود. مشکلات تورم و نگرانی‌هایش مزید بر علت هم شده. طبقات کم‌درآمد که مشغول تأمین احتیاجات اولیه مادی هستند. لایه‌هایی از طبقات متوسط بازار اقتصادی را رها می‌کنند، چه رسد به بازار فرهنگی. می‌ماند طبقات بالا که سنتی‌هایشان چندان در پی اوقات فراغت به معنای جدید نیستند. زمان فراغت، موتور محرک فرهنگ و تمدن امروزی بشر است. وقتی ضعیف شود معلوم است که ما ضرر می‌کنیم. وقتی طبقه متوسط کمرنگ شود، وقتی عرضه و تقاضای فرهنگی در زمینه اوقات فراغت، از رونق بیفتد، فرهنگ ایرانی و ملی و حتی میراث‌های عظیم معنوی ما از جوشش و پویایی باز می‌مانند.

نمونه‌اش کم شدن کالاهای فرهنگی از سبد خرید خانوارها به علت مشکلات اقتصادی است. نمونه‌اش وضع بازار کتاب، وضع متوسط مطالعه در ایران، مشکلات در تولید و مبادله درون‌زا و متنوع فرهنگی و مانند آن است. □

نگاهی به رفتار ایرانیان در اختصاص اوقات فراغتشان به فضاهای فرهنگی، تفریحی و... نشان می‌دهد که بیشتر ایرانی‌ها اوقات فراغت را زمانی می‌دانند که به هر حال باید سپری شود و هیچ دیدگاه کاربردی یا عملیاتی درباره آن ندارند. یعنی **به هر قیمتی این اوقات را پربار سپری نمی‌کنند و فقط به فکر گذران آن هستند. شما در این خصوص چگونه می‌اندیشید؟**

چه خوب می‌گویند اوقات فراغت، آینه فرهنگ و افکار و خلیقات یک جامعه و بازتاب ارزش‌ها و نگرش‌های افراد آن جامعه است. کم و کیف گذران اوقات فراغت، خصایص یک جامعه و یک فرهنگ را آشکار می‌کند. در اقتصاد معیشتی اوقات فراغت معنی ندارد.

ما برای اینکه جامعه فراغتی بشویم لازم است از سطح یک جامعه معیشتی و سنتی فراتر بیاییم. این مستلزم توسعه متوازن اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است. از سوی دیگر اوقات فراغت بدون مردم‌سالاری معنایی ندارد. مردم‌سالاری است که فرصت و امکان به نهادهای اجتماعی و شهروندان می‌دهد تا ابتکارات خود را ابراز بکنند. توسعه اوقات فراغت به توسعه فرهنگ تسامح و دیگرپذیری و احترام به عقاید و افکار متفاوت نیاز دارد. اوقات فراغت مطلوب زبینه یک الگوی خوب از زیست اجتماعی است.

بررسی جامعه‌شناختی اوقات فراغت و چگونگی مواجهه ایرانی‌ها با آن، نشان می‌دهد که **سفر یا گشت و گذارهای تفریحی در اولویت انتخاب خانواده‌های ایرانی در گذران اوقات فراغتشان است و کمتر فضاهای فرهنگی را برای این امر انتخاب می‌کنند. به نظر شما علت این امر چیست؟**

جامعه ایران جامعه‌ای چند گونه است. آنچه شما فرمودید بیشتر به سطح سنتی ما برمی‌گردد که مثلاً عمدتاً به سفرهای تفریحی و انواع سرگرمی‌های معمول و مرسوم مانند تماشای سریال‌های تلویزیونی و دید و بازدیدها و امثال آن‌ها گرایش دارند. اما زوایای دیگری در فرهنگ و جامعه ایران به چشم می‌خورد.

در پاسخ به سؤالات قبل به چند مورد از عوامل جامعه‌شناختی ظهور پدیده جدید اوقات فراغت اشاره کردم. اجازه بدهید به یک عامل مطالعات فرهنگی در ارتباط با همین پرسش‌تان اضافه کنم و آن به میان آمدن مفهومی به نام «خود» و «هویت سبک زندگی» است. خصوصاً گروه‌های جدید اجتماعی مانند جوانان و زنان طبقات جدید و متوسط شهری به دلیل ویژگی‌های طبقاتی و قشربندی اجتماعی، می‌خواهند سیاست زندگی مخصوص خود را و تمایز هویتی و فرهنگی و اجتماعی خود را داشته باشند.

از سوی دیگر «بورديو» جامعه را میدانی می‌بیند که نیروها در آن برحسب سرمایه‌هایشان عمل می‌کنند. وقتی گروه‌هایی تازه در جامعه پیدا می‌شوند که برایشان سرمایه‌های فرهنگی و نمادین مهم‌تر از سرمایه اقتصادی می‌شود، طبیعی است که آنها دنبال کالاهای فرهنگی و مصرف

جوانی و فراغت در نگاه امیرالمؤمنین همت، بلند دار!



|| حجت الاسلام و المسلمین عباس اسکندری

❁ **۲. دوراندیشی:** برای اینکه جوان مؤمن در تصمیم‌گیری و اراده دوران جوانی از دوراندیشی برخوردار باشد باید از هواهای نفسانی که طوفان‌های زودگذر دوران جوانی است به شدت پرهیز نمایند. بزرگ‌ترین آفت دوراندیشی دلبستگی به لذایذ زودگذر دوران جوانی است اگر انسان بتواند آینده خود را از پشت غبار نسیان ببیند به راحتی می‌تواند برای آینده خود تصمیم بگیرد. چراکه مولی علی علیه السلام می‌فرماید: «دوراندیشی عاقبت نگری است و دوراندیش خودرأی نیست و با خردمندان مشورت می‌کند.»

❁ **۳. مددجویی و توکل به خداوند:** خداوند در قرآن می‌فرماید: «فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین»، یعنی هنگامی که تصمیم گرفتی به خدا توکل کن زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست دارد.

حضرت علی (ع) به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) چه زیبا می‌فرماید: «در کارهایت از او مددجوی و رازهای خویش را که از مردم پنهان می‌داری، به او به گوی و با او در میان بگذار، سپس کلیدهای گنجینه‌های خود را به دست تو می‌سپرد. اگر پاس‌خگویی‌اش به طول انجامید، ناامید مباش، زیرا بخشش به اندازه خواهش است و بسا پاسخ را دیر دهد تا خواهش را به درازا کشانی و بیشترت بخشد. بسا چیز خواهی و به تو ندهد، ولی دیر یا زود بهتر از آن به تو بدهد یا آن را به خاطر چیزی دیگر که برای تو بهتر باشد از تو باز دارد، زیرا بسا چیزی خواهی که اگر به تو دهد، به نابودی دینت انجامد.»

به هر حال سخن در مقوله اوقات فراغت فراوان است هم جوانان عزیز و هم خانواده‌های گرامی باید تمام توان خود را به کار گیرند تا از فرصت در اختیار، بهترین بهره‌برداری صورت پذیرد و این مهم محقق نخواهد شد جز با برنامه‌ریزی و تعامل و همکاری. □

❁ اوقات فراغت یعنی غنیمت شمردن فرصت چیزی که در روایات معصومین علیهم السلام عموماً و در سخنان مولا امیرالمؤمنین (ع) خصوصاً به آن با حساسیت پرداخته شده است؛ به خصوص فرصت و فراغت در جوانی. در این زمینه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «گذشت ساعت‌ها عمر را می‌کاهد.» فرصت جوانی غنیمتی است که در جویبار عمر به سرعت می‌گذرد و فرصت‌ها را نابود می‌سازد. در بیان دیگری می‌فرماید: سخت‌ترین اندوه‌ها از دست دادن فرصت‌هاست. و در جای دیگری نیز اشاره می‌کند: آنان که وقتشان پایان یافته، خواستار مهلتند و آنان که مهلت دارند کوتاهی می‌ورزند.

جوانان باید از هدر رفتن عمر جوانی و از تباه شدن آینده خویش جلوگیری کنند. این فکر که: «باید سال‌ها قبل شروع می‌کردم» یک اندیشه مخرب است، بلکه باید این گونه اندیشه کرد: «می‌خواهم اکنون شروع کنم، بهترین سال‌های من پس از این است.» کما اینکه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «باقی مانده عمر مؤمن قیمت ناپذیر است، به وسیله آن گذشته جبران می‌شود و آنچه مرده است، زنده می‌گردد.»

آنچه از این سخنان نتیجه می‌گیریم اینکه نباید غصه گذشته را خورد، چون که از دست رفته است و قابل بازگشت نیست و غصه خوردن سودی ندارد و نباید نگران آینده بود، چون که هنوز نیامده است و در اختیار انسان نیست. آنچه باقی می‌ماند و در اختیار ماست و باید برای آن برنامه‌ریزی داشته باشیم و حداکثر استفاده را بنمائیم «حال» است. لذا حضرت علی (ع) در بیانی می‌فرماید: «الآن الآن من قبل الندم؛ اینک، اینک پیش از آن که پشیمان شوید.»

برای بهره‌گیری از زمان حال، یعنی زمانی که در اختیار ماست چند چیز لازم است؛ یکی اراده و تصمیم، تا انسان تصمیم نگیرد قادر نخواهد بود که کاری را انجام دهد. اراده و تصمیم قوی از مشخصه‌های جوان نمونه است، چنان که سستی و سهل‌انگاری از آفات زندگی است و لذا حضرت علی (ع) می‌فرماید: «عزم و اراده با راحت طلبی سازگار نیست چه بسا خواب‌های شبانه‌گاهی که تصمیمات روز را برهم زده است.»

برای اینکه تصمیم و اراده جوان مؤمن همراه با پختگی و درستی همراه باشد، باید به سه شرط توجه نماید، یعنی پختگی اراده و تصمیم جوان مؤمن سه شرط را می‌طلبد:

❁ **۱. بلند همتی:** باید همت‌ها را بلند در نظر گرفت تا به قله‌های بلند پیشرفت دست یافت. حضرت علی علیه السلام شاخصه‌های همت بلند و عالی را در بردباری و وقار، کردار زیبا، عزت نفس، دست‌یابی به خواسته‌ها و رسیدن به مقصد عالی می‌داند. همت بلند دار که مردان روزگار، از همت بلند بجایی رسیده‌اند



توصیه‌های رهبرانقلاب درباره گذران اوقات فراغت سیاحتی که عبادت است

صرف همین اوراقی که در این کتاب هست نشود؛ گاهی این جوری است؛ انسان می‌بیند که همه قدرت جسمی و روحی و فکری و عصبی [دانش آموز]، صرف همین کتاب می‌شود؛ نه فراغت تفریح پیدا می‌کند، نه فراغت ورزش پیدا می‌کند، نه فراغت کارهای انقلابی پیدا می‌کند؛ خب این یک ایراد است؛ کاری کنند که دانش آموز ما فراغت پیدا کند. البته این، کاریک روز و دو روز نیست، این کار نیازمند برنامه‌ریزی است. ممکن است امروز و فردا دست ندهد اما باید دنبال بکنند که این کار بشود. بچه‌ها را باید انقلابی بار بیاورند؛ پس فرصت کار انقلابی بدهند، فرصت تفکر انقلابی بدهند.

۱ تهذیب و ورزش

حالا تابستان در پیش است. ان شاء الله بعد از امتحانات، جوانان انجمن‌های اسلامی بیش از دیگران به فکر باشند که از این فراغت تابستان و از این فرصت برای مطالعه، برای فراگیری، برای شرکت در کارهای بدنی که در خدمت مردم هست - گاهی بسیج و دیگران، کارهایی را در اختیار جوان‌ها می‌گذارند؛ فعالیت‌های بدنی، خدمات، سازندگی - و کمک به پدر و مادر، کمک به خانواده، تهذیب و ورزش استفاده کنند. ورزش هم یک کار لازم است. من به همه جوان‌ها، دخترها، پسرها، توصیه دائمی ام این است که ورزش بکنند.

۱ تعمیق باورهای دینی نسل جوان

نیروی مقاومت بسیج باید با همکاری وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات و فناوری از این ظرفیت در جهت سازندگی و آبادانی کشور و همچنین پرکردن اوقات فراغت جوانان استفاده نماید. باید با برنامه‌ریزی

نگاه مقام معظم رهبری به موضوعات و مسئله‌های نظام اسلامی لازم است مبنای برنامه‌ریزی جامعه و قشر متدین آن قرار بگیرد. برنامه‌ریزی برای موضوع اوقات فراغت نیز از این قاعده مستثنی نیست. به همین خاطر قبل از ورود به هرگونه برنامه‌ریزی بهتر است فرمایشات حکیمانه ایشان را به عنوان اصلی‌ترین لایه گفتمان و ادبیات انقلاب مورد توجه قرار دهیم. معظم له در مناسبت‌های مختلف، اشاراتی به این موضوع داشته‌اند که به صورت جستارهایی تقدیم می‌نماییم.

۱ خُلقیات جامعه

خُلقیات جامعه به مراتب مهم‌تر از این است که مثلاً ما فکر اوقات فراغت جوانان، یا پر کردن اوقات فراغت آنان باشیم. منظورم این است که در زمینه مسائل فرهنگی، بایستی یک دید وسیعی را مورد توجه قرار داد و همه اینها را با حساسیت تعقیب کرد.

۱ محوریت مسائل علمی و فرهنگی

در اوقات فراغت، دانشجویان مسائل علمی و فرهنگی را دنبال کنند. این اردوهای که هست، بعضی از آنها خیلی خوب است؛ بخصوص شما که الحمدلله بچه‌های مسلمانی هستید و کم و بیش با مسائل اسلامی، گسترش دینداری، تقوا و پارسایی در دانشگاه‌ها آشنا هستید؛ این خیلی مهم است.

۱ کتابخوانی

من می‌گویم بایستی جوانان، پیران، مردان، زنان، شهری‌ها، روستایی‌ها و هر کسی که با کتاب می‌تواند ارتباط برقرار کند، باید کتاب را در جیبش داشته باشد و تا یکجا بیکار ننشست - مثل اتوبوس، تاکسی، مطب پزشک، اداره، در دکان وقتی که مشتری نیست، در خانه به هنگام اوقات فراغت - کتاب را در بیاورد و بخواند.

۱ کارهای انقلابی دانش‌آموزان

اولاً برای دانش‌آموزان، نه فقط برای انجمن‌های اسلامی، فرصت فراغتی برای پرداختن به کار انقلابی داده بشود. شیوه کار تعلیم و تربیت را، و عمدتاً تعلیم را، جوری بکنند که جوان دانش‌آموز ما همه وقت و توان و قدرت و استعداد و نیروی فکری و جسمی اش،

است آنها را بخوانید. البته مطالعه کتاب‌های امین را می‌گویم. بعضی‌ها هستند که چون پای روحانیت و دین در میان است، از عنادی که با دین دارند، حاضر نیستند به افتخار به این بزرگی اعتراف کنند و آن را مطرح نمایند.

۴ فراغت، جهاد و سیاحت

الان در فصل تابستان، بسیاری از جوانان خوب ما اوقات فراغتشان را یا در بسیج سازندگی و یا در بسیج نیروی مقاومت می‌گذرانند و یا به بالا بردن علم و سواد دیگران کمک می‌کنند. عده‌ای به تن خودشان زحمت می‌دهند و برای دیگران کار می‌کنند. عده‌ای با برنامه‌های خوب و منظم، به کتابخوانی و ارتقای سطح فکر خودشان می‌پردازند. فراغت جوانان مؤمن، این‌گونه می‌گذرد. من گزارش‌های متعددی داشته‌ام از جوانانی که در تابستان، تعطیلات دانشگاهی یا دبیرستانی خود را در نقاط دور دست گذرانده‌اند و برای روستاییان مسجد، درمانگاه، راه، حسینیه، جاذبه و پل ساخته‌اند. عکس‌های این فعالیت‌ها را برای من آورده‌اند و من آنها را دیده‌ام. پیغمبر طبق روایتی فرمود: «اِنَّ سِيَاْحَةَ اُمَّتِي الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». جوانان ما سیاحتشان را هم از این راه تأمین می‌کنند؛ سیاحتشان در ضمن کار برای مردم است.

۴ فراغت و قرآن

در دوران طاغوت، من در مشهد جلسات تفسیر و درس قرآن داشتم. به جوانانی که می‌آمدند، می‌گفتم که هر کدام از شماها یک نسخه قرآن در جیب بغلتان داشته باشید. اگر در جایی منتظر کاری می‌ایستید و فراغتی پیدا می‌کنید، یک دقیقه، دو دقیقه، پنج دقیقه، نیم ساعت، قرآن را باز کنید و به تلاوت آن مشغول شوید تا با این کتاب انس پیدا کنید. تعدادی که این‌طور عمل کرده بودند، هر چند بسیار اندک بودند، لیکن احساس می‌کردم که این‌ها با این که غالباً هم عربی نمی‌دانستند، از لحاظ فهم معارف اسلامی از دیگران برجسته‌تر بودند و به‌طور ممتازی با آن‌ها تفاوت داشتند.

۴ تفریح من

تفریح من در محیط طلبگی خودم در دوران جوانی، حضور در جمع طلبه‌ها بود. به مدرسه خودمان می‌رفتم. جو طلبه‌ها برای ما شیرین بود طلبه‌ها دور هم جمع می‌شدند، صحبت و گفتگو و تبادل اطلاعات می‌کردند و حرف می‌زدند. محیط مدرسه برای خود طلبه‌ها، مثل یک باشگاه محسوب می‌شد. در وقت بیکاری، آنجا دور هم جمع می‌شدند. علاوه بر این، در مسجد گوهرشاد مشهد هم مجمع خیلی خوبی بود. آنجا هم، افراد متدین، طلاب، روحانیون و علما می‌آمدند، می‌نشستند و با هم بحث علمی می‌کردند، بعضی هم صحبت‌های دوستانه می‌کردند. من از آن وقت ورزش می‌کردم. الان هم ورزش می‌کنم. آن وقت ما کوه می‌رفتیم، پیاده‌روی‌های طولانی می‌کردیم من با دوستان خودم، چند بار از کوه‌های مشهد، همین‌طور کوه به کوه، روستا به روستا، چند شبانه‌روز حرکت کردیم و راه رفتیم. □



الان در فصل

تابستان، بسیاری

از جوانان

خوب ما اوقات

فراغتشان را یا در

بسیج سازندگی

و یا در بسیج

نیروی مقاومت

می‌گذرانند و یا

به بالا بردن علم

و سواد دیگران

کمک می‌کنند.

عده‌ای به تن

خودشان زحمت

می‌دهند و برای

دیگران کار

می‌کنند. عده‌ای

با برنامه‌های

خوب و منظم،

به کتابخوانی

و ارتقای سطح

فکر خودشان

می‌پردازند. فراغت

جوانان مؤمن،

این‌گونه می‌گذرد



صحیح و هماهنگی با تمام دستگاه‌های ذی ربط، انرژی متراکم جوان در مسیر صحیح به کار گرفته شود.

۴ عادت خوب

کتابخوانی را باید جزو عادات خودمان قرار دهیم. به فرزندانمان هم از کودکی عادت بدهیم کتاب بخوانند؛ مثلاً وقتی می‌خواهند بخوابند، کتاب بخوانند. یا وقتی ایام فراغتی هست، روز جمعه‌ای هست که تفریح می‌کنند، حتماً بخشی از آن روز را به کتاب خواندن اختصاص دهند. در تابستان‌ها که نوجوانان و جوانان محصل، تعطیل‌اند حتماً کتاب بخوانند. کتاب‌هایی را معین کنند، بخوانند و تمام کنند. افرادی که کار روزانه دارند مثلاً کارمند اداری، کارگر، کاسب و یا کشاورز هستند وقتی به خانه می‌آیند، بخشی از زمان را اگر چه نیم ساعت برای کتاب خواندن بگذارند.

چقدر کتاب‌ها را در همین نیم ساعت‌ها می‌شود خواند! بنده دوره‌های بیست جلدی و بیست و چند جلدی کتاب را در همین فاصله‌های ده دقیقه، بیست دقیقه و یک ربع ساعته خوانده‌ام. پشت این کتاب‌ها را هم یادداشت می‌کنم که معلوم باشد. شاید صدها جلد کتاب را همین‌طور در این فاصله‌های کوتاه ده دقیقه‌ای خوانده‌ام. بسیاری از افراد را هم می‌شناسم که این‌گونه‌اند.

۴ آشنایی با تاریخ معاصر

من نمی‌دانم شما چقدر از تاریخ معاصر اطلاع دارید و چقدر آن را خوانده‌اید. چقدر خوب است که شما در تابستان که قدری فراغت پیدا می‌کنید، واقعاً برنامه‌ریزی کنید و قدری از تاریخ معاصر، از جمله همین قضیه تنبکورا مطالعه کنید. کتاب‌هایی هم درباره این موضوع نوشته شده که مناسب



در دسته بندی دوم نیز چهار حالت برای فراغت متصور است که عبارتند از فراغت بی برنامه یا بیمارگونه، فراغت انفعالی، نیمه فراغت و فراغت فعال. تفصیل این موارد در زیر می آید:

۱. یکم. فراغت بی برنامه: گذراندن فراغت با افعالی که برابر با بیهودگی، بطالت و وقت گذرانی باشند، مانند ایستادن سرکوپه، پرسه زدن در خیابان ها و... این نوع از فراغت بدترین نوع فراغت است؛ زیرا آثار مخربی برای فرد و جامعه به همراه دارد. در این زمینه امام علی (ع) می فرماید: بدترین چیزی که یک فرد وقت خود را با آن پر می سازد، امور بیهوده و کزاف است؛ «شرما شغل به المرء وقتة الفضول».

۲. دوم. فراغت انفعالی: در این نوع از فراغت فرد به گیرنده صوتی و تصویری صرف تبدیل می شود. گوش دادن به رادیو و تماشای تلویزیون مصادیقی از این نوع فراغت به حساب می آیند. در نتیجه این رابطه یک طرفه بین شخص و محیط، اراده و نوآوری مخاطبان از آنان گرفته می شود؛ زیرا فراغت انفعالی، قوه خلاقیت انسان را کاهش می دهد و معمولاً تأثیرات منفی در اندیشه و عمل می گذارد؛

۳. سوم. نیمه فراغت: در این نوع از فراغت، کار و فراغت با هم می آمیزند. به عبارتی در این مفهوم کار به نوعی فراغت به حساب می آید. در چنین شرایطی، لذت خلق و آفرینش آثار هنری و ظرافت های کاری و متعاقب آن درآمد حاصله از این نوع فعالیت در هم می آمیزند. فعالیت های هنری همچون نقاشی، مجسمه سازی، منبت کاری و... از این نوع فراغت به حساب می آیند؛

۴. چهارم. فراغت فعال: این نوع از فراغت بهترین شیوه گذراندن اوقات فراغت است که سبب رشد خلاقیت و پویایی انسان می شود. این نوع از گذراندن اوقات فراغت انسان را به شکوفایی می رساند و متعاقب آن جامعه به تعالی نزدیک می شود، یعنی وقتی مردم یک جامعه به سمت این فراغت حرکت کنند با باروری شان چرخ های شکوفایی جامعه را به حرکت در می آورند و جامعه را در جایگاهی بلند و متعالی قرار می دهند. این فعالیت به جسم و روح انسان شادابی می بخشد.

همان طور که مطرح شد برای بالا بردن پیشرفت جامعه باید تلاش کرد تا نوجوانان و جوانان را در مسیر فراغت فعال قرار داد. در کشور ما سازمان های مختلفی مسئولیت پر کردن اوقات فراغت را به عهده دارند تا مسیر پیشرفت و ترقی جوانان و نوجوانان را هموار کنند. □



سرمنزل رشد

■ مصطفی موسوی تبار

« محققان نحوه گذراندن اوقات فراغت را به چند دسته تقسیم می کنند، اما این نوشتار به دودسته مهم آن اشاره می کند که نمود عینی بیشتری دارند.



در دسته بندی اول فراغت به صورت فردی و جمعی و به صورت فعال و غیر فعال تقسیم می شود که از ترکیب این دو مورد چهار وجه به دست می آید:

۱. یکم. شیوه های فردی و غیر فعال گذران اوقات فراغت همچون تماشای تلویزیون، گوش دادن به رادیو، استفاده از کامپیوتر و اینترنت، استفاده از مطبوعات و مکتوبات، استراحت و... با وجود گسترش چشمگیر رسانه ها از جمله اینترنت به نظر می رسد همچنان تلویزیون سهم عمده ای در پرکردن اوقات فراغت جوانان دارد؛ چراکه تماشای تلویزیون از کم هزینه ترین راه های گذران اوقات فراغت است، ضمن اینکه تلویزیون را در همه ساعات شبانه روز در خانه می توان استفاده کرد. نزدیک به ۶۰ درصد اوقات فراغت نوجوانان و جوانان کشور به صورت غیر فعال، صرف تماشای تلویزیون، فیلم و انجام بازی های رایانه ای گروهی یا انفرادی می شود. انسان در اجتماع محدود به زمان هنگامی که به ۶۵ سالگی می رسد به طور متوسط ۹ سال از تمام عمر خود را جلوی تلویزیون سپری کرده است؛

۲. دوم. شیوه های جمعی و غیر فعال گذران اوقات فراغت مانند تماشای مسابقات ورزشی در استادیوم ها، صحبت با افراد خانواده و...؛

۳. سوم. شیوه های فردی و فعال گذران اوقات فراغت مثل انجام امور خیریه، بازدید از موزه ها و نمایشگاه ها، قدم زدن در پارک، کوچه و خیابان، کارهای هنری، رفتن به رستوران، شرکت در پایگاه های بسیج و...؛

۴. چهارم. شیوه های جمعی و فعال گذران اوقات فراغت همچون بازی و ورزش، رفتن به سینما، رفتن به تئاتر، رفتن به پیک نیک و مسافرت های سیاحتی و زیارتی، گفتگو و دیدار دوستان و اقوام و...؛

در نخستین مطلب این بخش به موضوع «تکبیرة الاحرام» در نماز و بیان معنا و ویژگی‌های آن پرداخته شده است. تبیین سه حدیث قدسی مطلب کوتاه بعدی است و پس از آن تفسیر آیه ۴۵ سوره مبارکه عنکبوت از نگاه علامه طباطبایی را درخصوص بزرگی ذکر خدا می‌خوانیم. یادداشتی درباره اخلاق اداری با موضوع خدمت خالصانه، تبیین فزاینده‌ای از خطبه ۸۷ نهج البلاغه، شرح دعای نخست صحیفه سجاده و داستان جنگ خندق مطالب دیگر این بخش هستند.

« در پرتو معنا



اول وصف تو

خدمت خالصانه

خودشناسی مقدمه خداشناسی است

❏ چرا تکبیره الاحرام؟

زائران خانه خدا، اولین کلام واجبهشان گفتن لبیک است که با گفتن آن وارد اعمال حج می شوند و یک سری چیزها بر آنها حرام می شود.

نماز نیز با گفتن الله اکبر شروع می شود و اموری را بر نمازگزار حرام می کند، مانند خوردن، آشامیدن و حرف زدن، لذا به تکبیر اول نماز تکبیره الاحرام می گویند.

زائران مکه در مسیر راه به هرفراز و نشیب که می رسند لبیک را تکرار می کنند و این تکرار مستحب است.

نمازگزار نیز در هر خم و راست شدن و قیام و قعود مستحب است الله اکبر را تکرار کند.

«الله اکبر» اولین کلمه واجب به هنگام صبح است.

اولین کلمه ای است که نوزاد مسلمان در آغاز تولد به عنوان اذان و اقامه می شنود و آخرین کلمه ای است که بر مرده خوانده می شود (در نماز میت) و سپس وارد قبر می شود.

یگانه ذکر است که در نماز هم واجب است و هم رکن نماز است. اولین جمله در سرود مسلمانان یعنی اذان است.

«الله اکبر» بیشترین ذکر است که هم در مقدمات نماز، هم در خود نماز و هم در تعقیبات آن گفته می شود، به طوری که یک مسلمان در طول یک روز فقط در نمازهای پنجگانه واجب (نه نمازهای مستحب) حدود ۳۶۰ مرتبه آن را تکرار می کند. بدین صورت که:

۱. برای هر ۵ نماز اذان وارد شده و در هر اذانی ۶ مرتبه «الله اکبر» گفته می شود. (مجموعاً ۳۰ مرتبه)

۲. برای هر ۵ نماز اقامه وارد شده که در هر اقامه ای ۴ مرتبه الله اکبر گفته می شود. (مجموعاً ۲۰ مرتبه)

۳. قبل از تکبیره الاحرام، در هر ۵ نماز، ۶ تکبیر مستحب است و تکبیر هفتم همان تکبیره الاحرام واجب است. (مجموعاً ۳۰ مرتبه)

۴. تکبیره الاحرام آغاز نمازها که در مجموع ۵ تکبیر می شود.

۵. قبل از هر رکوع در ۱۷ رکعت یک تکبیر وارد شده است. (مجموعاً ۱۷ مرتبه)

۶. در هر هفده رکعت نماز دو سجده داریم که برای هر سجده دو تکبیر مستحب است، یکی قبل و یکی بعد از آن. (مجموعاً ۶۸ مرتبه)

۷. هر نماز یک قنوت دارد که قبل از هر قنوت یک تکبیر وارد شده است. (مجموعاً ۵ مرتبه)

۸. در پایان هر یک از نمازهای ۵ گانه ۳ تکبیر وارد شده است. (مجموعاً ۱۵ مرتبه)

۹. بعد از هر نماز ۳۴ مرتبه تکبیر به عنوان تسبیحات حضرت زهرا (س) می گوئیم. (مجموعاً ۱۷۰ مرتبه)

اما حیف که در طول عمر یک الله اکبر با توجه نگفتم، که اگر انسانی با ایمان و توجه کامل هر روز بیش از ۳۶۰ مرتبه بگوید: خدا بزرگتر است، دیگر از هیچ قدرت و ابر قدرت و توطئه ای هراس ندارد.



نکاتی درباره تکبیره الاحرام در نماز

اول وصف تو

❏ مجید میرمنی

نماز میعادگاه عاشقان مناجات با خداوند و نقطه وصل بنده با پروردگار هستی است و آشنایی با مفاهیم عمیق نهفته در این عبادت روزانه یکی از وظایف مسلمانی به شمار می رود. در شماره قبل در خصوص «نیت» که آستانه ورود به نماز است مطلبی را برگزیدیم و در این شماره نکاتی درباره تکبیره الاحرام را از نگاه شهید دکتر مرتضی مطهری و حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی تقدیم می کنیم. ■

«شهید مرتضی مطهری درباره معنای الله اکبر می گوید: «اگر انسان معنای «الله اکبر» را باور داشته باشد همه چیز در مقابل او حقیر است. انسان در مقابل یک کوه عظیم که قرار می گیرد یا بالای آن می رود و پایین را نگاه می کند، ترس او را می گیرد. در مقابل دریا که خودش را می بیند، می ترسد. وقتی یک صاحب قدرت و هیبتی را می بیند، صاحب دبدبه و کبکبه ای را می بیند یا در حضور او می رود ممکن است خودش را ببازد، زبانش به لکنت بیفتد، چرا؟ چون مرعوب عظمت او می شود. این برای بشر، طبیعی است. اما گوینده «الله اکبر»، آن کسی که «الله اکبر» را به خودش تلقین کرده است، هرگز عظمت هیچ کس و هیچ چیز او را مرعوب نمی کند، چرا؟ چون «الله اکبر» یعنی بزرگ تر از هر چیز و بلکه بزرگ تر از هر توصیف، ذات اقدس الهی است؛ یعنی من خدا را به عظمت می شناسم. دیگر وقتی من خدا را به عظمت می شناسم، همه چیز در مقابل من حقیر است. این کلمه «الله اکبر» به انسان شخصیت می دهد، روح انسان را بزرگ می کند.»



.....

۴ آداب تکبیر

در نمازهای عید فطر و قربان، نه فقط در نماز که قبل و بعد از نماز، شعارها همه تکبیر است. در نماز آیات پنج رکوع داریم و برای هر رکوع تکبیری وارد شده است. در نماز میت نیز اصولاً ۵ تکبیر رکن نماز است.

در نماز چگونه تکبیر بگوییم؟ اسلام برای هر کار آدابی را بیان کرده است. در گفتن الله اکبر نیز آدابی باید مراعات شود، از جمله:

۱. هنگام گفتن تکبیر در نماز، دو دست را تا مقابل گوش‌ها بالا بیاوریم، به طوری که وقتی دست‌ها مقابل گوش رسید تکبیر تمام شده باشد. امام رضا (ع) فرمود: حرکت دست‌ها در موقع تکبیر در توجه و ابتهال به خدا و حضور قلب مؤثر است.

۲. انگشتان دست موقع تکبیر به هم چسبیده باشند و بالا رود.

۳. کف دست‌ها رو به قبله باشد. روایات بلند کردن دست هنگام تکبیر را زینت نماز معزفی کرده‌اند.

۴ برتر از خیال

الله اکبر، یعنی خدا برتر از همه موجودات حسی، ذهنی، مملکی و ملکوتی است. الله اکبر، یعنی خدا برتر از آنست که کسی بتواند او را توصیف کند. ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم، و از هر چه گفته‌ایم و شنیدیم و خوانده‌ایم، مجلس تمام گشت و به پایان رسید عمر، ما همچنان در اول وصف تو مانده‌ایم. امام صادق (ع) می‌فرماید: چون تکبیر می‌گویی باید همه چیز نزد تو کوچک شود جز او. اینکه انسان با زبان تکبیر بگوید اما دل به دیگری بسته باشد دروغگو و حيله‌گراست و به خاطر همین امر خداوند شیرینی ذکر خدا را از او می‌گیرد.

۴ تکبیر در فرهنگ اسلامی

نه فقط در نماز بلکه در بسیاری از موارد و مواضع، گفتن الله اکبر وارد شده است و لذا مسلمانان در صدر اسلام، هم در تلخی‌ها و هم در شادی‌ها تکبیر می‌گفته‌اند که به گوشه‌ای از آن اشاره می‌کنیم:

۱. در جنگ خندق، مسلمین هنگام کندن خندق به سنگ محکمی برخورد کردند که کلنگ شکست اما سنگ نشکست. پیامبر آمد و با ضربه‌ای سنگ را شکست. مسلمانان یک صدا تکبیر گفتند و در همانجا پیامبر (ص) فرمود: من سقوط کاخ‌های روم و ایران را در برق و جرقه سنگ‌ها دیدم.

۲. علی (ع) در جنگ صفین، هر کس را که می‌کشت با صدای بلند تکبیر می‌گفت و مسلمین با شمردن تکبیرها فهمیدند که حضرت چه تعداد را به هلاکت رسانده است.

۳. شبی که فاطمه زهرا (س) را به خانه علی ابن ابیطالب (ع) می‌بردند هفتاد هزار فرشته، تکبیرگویان به زمین نازل شدند.

۴. پیامبر گرامی ما بر جنازه فاطمه بنت اسد ۴۰ تکبیر و بر جنازه عموی خود حضرت حمزه ۷۰ تکبیر خواندند.

۵. مستحب است در مراسم حج با هر سنگ ریزه‌ای که به

چون تکبیر

می‌گویی باید

همه چیز نزد تو

کوچک شود جز

او. اینکه انسان با

زبان تکبیر بگوید

اما دل به دیگری

بسته باشد

دروغگو و حيله‌گر

است و به خاطر

همین امر خداوند

شیرینی ذکر خدا را

از او می‌گیرد

جایگاه شیطان پرتاب می‌شود یک تکبیر گفته شود.

۶. در تسبیحات حضرت زهرا (س) که ثوابش معادل هزار رکعت نماز مستحبی است ۳۴ مرتبه تکبیر آمده است.

۷. هنگامی که پیامبر اکرم (ص) متولد شد اولین کلمه‌ای که بر زبان آورد کلمه مبارکه الله اکبر بود.

۸. روزی که مکه به دست مسلمانان فتح شد، پیامبر وارد مسجد الحرام شد و به حجر الاسود اشاره کرد و تکبیر گفت و مسلمانان با صدای بلند چنان تکبیر گفتند که لرزه بر اندام مشرکین افتاد.

۹. در روایات می‌خوانیم: هرگاه چیزی موجب تعجب شما شد تکبیر بگویید.

۱۰. در جنگ اُحُد، قهرمانی از کفار مبارز می‌طلبید. حضرت علی (ع) جلورفت و چنان ضربه‌ای بر او وارد کرد که پیامبر و مسلمانان با صدای بلند تکبیر گفتند.

۱۱. پیامبر اکرم (ص) به حضرت علی (ع) می‌فرمود: هرگاه به هلال ماه یا آینه نظر کردی یا مشکلی به تو رو آورد ۳ مرتبه تکبیر بگو.

۱۲. زید فرزند امام سجاد (ع) که علیه حکومت بنی امیه قیام کرد، شعارش الله اکبر بود.

۱۳. در جنگ بدر، پیامبر (ص) در انتظار هلاکت یکی از سران دشمن به نام نوفل بود، همین که خبر دادند حضرت علی (ع) او را از میان برداشت پیامبر تکبیر گفت.

۱۴. هنگامی که حضرت علی (ع) به خواستگاری حضرت زهرا (س) آمد، پیامبر فرمود: صبر کن تا موضوع را با دخترم فاطمه در میان بگذارم. اما حضرت زهرا سکوت کرد و چیزی نگفت. پیامبر فرمود: «الله اکبر سکوت‌ها اقرارها».

۱۵. در جنگ با خوارج، وقتی فرمانده آنها به هلاکت رسید، حضرت علی (ع) تکبیر گفت و سجده کرد و همه مردم تکبیر گفتند.

۱۶. گروهی از یهود مسلمان شدند و به پیامبر گفتند: پیامبران قبلی جانشین داشته‌اند و صی شما کیست؟

در اینجا آیه ولایت نازل شد که رهبر شما خدا و رسول او و مؤمنانی هستند که در حال رکوع زکات می‌دهند. پیامبر فرمودند: به مسجد برویم. وقتی وارد شدند فقیری را دیدند که خوشحال است و حضرت علی (ع) در حال رکوع انگشت خود را به او داده است. در این هنگام پیامبر تکبیر گفتند.

۱۷. گفتن تکبیر به هنگام ورود به حرم امامان معصوم سفارش شده است. چنانکه قبل از خواندن زیارت جامعه، ۱۰۰ تکبیر در سه مرحله می‌خوانیم که به قول مرحوم مجلسی شاید دلیل این همه تکبیر آن باشد که جمالت زیارت جامعه شما را دچار غلو در مورد امامان نکند.

۱۸. حضرت علی (ع) در قضاوت‌های خود وقتی مجرم را شناسایی می‌کرد تکبیر می‌گفت.

۱۹. میثم تمار که به جرم طرفداری از حضرت علی (ع) به دستور ابن زیاد به دار آویخته شد و بانیزه به او حمله کردند، در لحظه شهادت تکبیر می‌گفت و از دهانش خون می‌آمد.

۲۰. در شب معراج، پیامبر از هر آسمانی که می‌گذشت تکبیر می‌گفت.



۲۱. جبرئیل نزد پیامبر بود که حضرت علی (ع) وارد شد جبرئیل گفت: ای محمد! به خدایی که ترا به پیامبری مبعوث کرد، اهل آسمان ها از اهل زمین این علی را بهترو بیشتر می شناسند، هرگاه او در جنگ ها تکبیر می گوید ما فرشتگان نیز با او همصدا می شویم.

۲۲. در جنگ خیبر وقتی مسلمانان وارد قلعه شدند، چنان تکبیر می گفتند که یهودیان پایه فرار گذاشتند.

معانی هفتگانه الله اکبر

شیخ صدوق (ره) در «کتاب التوحید» روایت بلندی را از امام موسی بن جعفر (ع) آورده است که آن حضرت از پدران بزرگوارش و آنان از سیدالشهدا حسین بن علی بن ابی طالب (ع) نقل کرده اند که «در مسجد نشسته بودیم که مؤذن ندای اذان را سر داد. با شنیدن ندای "الله اکبر" امیر مؤمنان علی (علیه السلام) گریه کرد و ما نیز بر اثر گریه ایشان، گریستیم. زمانی که مؤذن، اذان را به پایان رساند، آن حضرت فرمود: اگر می دانستید که مؤذن چه می گوید، خنده شما کم و گریه شما زیاد می شد. آنگاه فرمودند کلام مؤذن که می گوید "الله اکبر" دارای معانی زیادی است:

توحید ذاتی خداوند: الله اکبر بر ازی بودن، دائمی بودن، ابدی بودن، دانش، قدرت، نیرو، بردباری، بخشیدن و بزرگی خداوند دلالت دارد. پس زمانی که مؤذن می گوید: الله اکبر، یعنی می گوید: خداوند کسی است که آفریدن و دستور دادن مخصوص او است و به خواست او آفرینش وجود دارد و آفرینش هر چیزی مخصوص او است و مخلوقات به سوی او بر می گردند و او قبل از هر چیزی اول و بعد از هر چیزی پایان است. بالاتر از هر چیزی که درک نمی شود، آشکار است و باطنی است که هیچ اندازه ای ندارد.



الله اکبر بر
ازلی بودن،
دائمی بودن،
ابدی بودن،
دانش، قدرت،
نیرو، بردباری،
بخشیدن و بزرگی
خداوند دلالت
دارد. پس زمانی
که مؤذن می گوید:
الله اکبر، یعنی
می گوید: خداوند
کسی است که
آفریدن و دستور
دادن مخصوص
او است و به
خواست او
آفرینش وجود
دارد

پس او پایدار است و هر چیزی غیر از او از بین رفتنی است.

علم بی نهایت خداوند: معنای دوم «الله اکبر» این است که خداوند علیم و آگاه است، و هر آنچه بوده و هر چه خواهد بود را قبل از آنکه باشد می داند.

قدرت خداوند: خداوند بر هر چیزی توانا است و نسبت به هر چیزی که بخواهد قدرت دارد، به قدرت خود، قوی می باشد و بر مخلوقات خود تسلط دارد و ذاتاً قوی است و قدرت او بر تمام چیزها استوار است. زمانی که بر انجام کاری حکم کند، به آن چیز می گوید: موجود شو، او نیز (سریعاً) موجود می شود.

صبر و گذشت خداوند: بردباری و بخشش خداوند به طوری که بردباری او طوری است که کسی نمی داند و به گونه ای می گذرد مثل این که ندیده و چنان می پوشاند مثل این که گناهی انجام نگرفته است. او به خاطر بخشش، گذشت و بردباری ای که دارد، در عذاب دادن شتاب نمی کند.

بذل و بخشش خداوند: معنای دیگر الله اکبر اینکه کسی که می بخشد و زیاد (نعمت) داده و کار پسندیده انجام می دهد.

خارج از توصیف بودن خداوند: و معنای دیگر الله اکبر این است که چگونگی و کیفیت از خداوند منتفی می باشد. مثل اینکه می گوید: خداوند بزرگ تر از آن است که توصیف کنندگان، جایگاه صفاتی که خداوند به آنها وصف شده است را درک کنند و توصیف کنندگان به مقدار توانایی خود نه به اندازه بزرگی خداوند، او را توصیف می کنند و خداوند برتر از آن است که بزرگی صفت او را وصف کنندگان درک کنند.

بی نیاز بودن خداوند: خداوند برتر و بزرگ تر است و از بندگانش بی نیاز بوده و به کارهایشان احتیاجی ندارد. □



حکمت‌های قدسی

راه و رسم سیاس

■ جواد محدثی

«وارستگی»

«خداوند متعال به حضرت موسی (ع) وحی کرد: به یقین بندگانم با چیزی به من تقرب نیافتند که در نظرم محبوب‌تر از سه خصلت باشد. گفت: پروردگارا! آن سه خصلت چیست؟ فرمود: ای موسی! زهد و پارسایی در دنیا، پرهیز از نافرمانی‌هایم و گریستن از خوف و خشیت من.»

کیست که دوست نداشته باشد به قرب خدا برسد؟ مشکل دریافتن راه قرب است. راه قرب هم که معلوم شود. مشکل بعدی پیمودن این راه است. دل‌بستگی به دنیا آدمی را از رفتن به سوی کمال بازمی‌دارد. نهر آبی را در نظر بگیرید که آب از آن جاری است. برگی سبک بر روی آب جریان می‌یابد و به دریای می‌رسد. ولی تخته سنگی در ته رود و نهر، همانجامی ماند و به دریای نمی‌رسد. وابستگی‌ها عامل رکود و توقف است و وارستگی‌ها عامل رفتن و رسیدن. زهد همان وارستگی از تعلقات و اسیر نشدن در دام مادیات است. کسی که دل به دنیا نبندد، بهتر می‌تواند در مسیر رضای الهی حرکت کند و بندگی خدا را پیشه سازد. پرهیز از نافرمانی اوامر خدا گام دیگری برای رسیدن به قرب است، و گریه از خوف خدا گام سوم.

«همه نیکی‌ها»

«امام صادق (ع) فرمود: خداوند متعال به آدم وحی کرد: من همه نیکی‌ها را در چهار سخن برای تو جمع می‌کنم. پرسید: خدایا! آن چهار سخن چیست؟ فرمود: یکی برای من است، یکی برای توست، یکی میان من و توست، یکی هم میان تو و مردم. آدم گفت: پروردگارا! آنها را بیان کن تا بدانم. فرمود: اما آنچه برای من است، آن است که مرا عبادت کنی و در پرستش برای من چیزی را شریک قرار ندهی. اما آنچه برای توست، این است که من پاداش عمل تو را وقتی که بیشترین نیاز را به آن داری، خواهم داد. اما آنچه میان من و توست، این است که دعا از تو، اجابت از من. اما آنچه میان تو و مردم است، این است که آنچه را برای خود می‌پسندی برای مردم هم پسندی.»

چهار گام مهم در چهار دستورالعمل سازنده خیر دنیا و آخرت را برای انسان رقم می‌زند: اول: عبادت و پرستش خالصانه و دور از ریا و شرک. دوم: عقیده با پاداش الهی در روز قیامت که روز نیاز است. سوم: نیایش به درگاه خدا و اهل دعا بودن. چهارم: انصاف یا خلق خدا؛ یعنی آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم پسبندی و آنچه را درباره خودت خوش نمی‌داری، برای دیگران هم نخواهی.

این چهار خصلت رابطه انسان را با خدا، با اعمال، با مردم و با خودش تنظیم می‌کند. چرخه زندگی وقتی بر مدار عبادت و دعا باشد و عقیده به آخرت و جزای الهی پشتوانه اعمال گردد و معاشرت همراه با انصاف و ایثار و مردم دوستی سیره انسان شود، آخرت او تأمین است. خداوند راه را مشخص ساخته است. کجاست رونده این راه؟

«زال و بقای نعمت‌ها»

«امام باقر (ع) فرمود در تورات چنین نوشته است: نسبت به کسی که به تو نیکی می‌کند سپاسگزار باش و بر کسی که سپاسگزار تو باشد، نیکی و احسان کن؛ همانا اگر نعمت‌ها سپاسگزاری شود، زایل نمی‌گردد و اگر ناسپاسی شود، پایدار نمی‌ماند. سپاس و شکر، موجب افزایش نعمت‌ها و ایمنی از دگرگونی است.»

هر چیز قاعده‌ای دارد. قاعده برخورداری مستمر از نعمت‌های خدا شکر است. قانون از دست رفتن نعمت‌ها هم ناسپاسی. معرفت و کمال انسان در آن است که هم نعمت‌ها را بشناسد، هم نعمت دهنده را و هم سپاسگزاری کند. وقتی شکر عامل افزایش و تداوم نعمت است، پس باید هم شاکر خدا بود، هم از کسی که سپاسگزاری می‌کند، قدرشناسی نمود و بر نعمتش افزود.

ناسپاسی صاحب نعمت را از نعمت دادن پشیمان می‌کند و زمینه تداوم آن را از بین می‌برد. برعکس قدرشناسی از نعمت و سپاس از ولی نعمت نشانه شایستگی برخورداری از مواهب الهی است و موجب بقای آن می‌گردد. تاریخ انسان‌ها گواه است که چه نعمت‌هایی از کسانی یا از اقوامی سلب شد؛ چون ناسپاسی کردند. بقای نعمت‌ها را با سپاس و شکر تضمین کنیم. ■

تفسیر بخشی از آیه ۴۵ سوره عنکبوت
درباره «بزرگی یاد خدا»

کلید همه خیرات

در آیه ۴۵ سوره مبارکه عنکبوت، پروردگار به پیامبرش دستور تلاوت قرآن و نماز را در کنار هم داده است. در این آیه خداوند می‌فرماید: «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (ای رسول ما) آنچه را که از کتاب (قرآن) بر تو وحی شد (بر خلق) تلاوت کن و نماز را به جای آر، که همانا نماز است که از هر کار زشت و منکر باز می‌دارد و همانا ذکر خدا بزرگتر است، و خدا به هر چه (برای) خشنودی او و به یاد او) کنید آگاه است.» مطلب زیر به بخشی از این آیه که به ذکر خداوند اشاره دارد، می‌پردازد. ■

■ علامه سید محمد حسین طباطبایی

معنای ذکر و مقصود از اینکه درباره نماز فرمود و لذكر الله اکبر. راغب در مفردات می‌گوید: کلمه ذکر گاهی در معنای یاد، خاطر به کار برده می‌شود، مثلاً می‌گویند افی ذکرک، آیا به یاد داری و آیا به خاطرداری و این یاد و خاطر هیئت است در نفس، که با داشتن آن انسان می‌تواند آنچه از معلومات کسب کرده حفظ کند و از دست ندهد مانند حافظه، با این تفاوت که حفظ را در جایی به کار می‌برند که مطلبی را در حافظه خود داشته باشد، هر چند که الان حاضر و پیش رویش نباشد، به خلاف ذکر که در جایی به کار می‌رود که علاوه بر اینکه مطلب در صندوق حافظه‌اش هست، در نظرش حاضر هم باشد.

و گاهی کلمه ذکر را در حضور قلب یا حضور در زبان استعمال می‌کنند، مثلاً می‌گویند: ذکر خدا دو نوع است، یکی ذکر به زبان و یکی هم ذکر به قلب، یعنی حضور در قلب و به همین جهت است که گفته‌اند: ذکر دو نوع است، ذکر از نسیان - یعنی ذکر به معنای اول - و ذکر بدون نسیان - یعنی ذکر به معنای دوم - که به معنای ادامه حفظ است، معنای سوم ذکر هم عبارت است از سخن، چون هر سخنی را ذکر هم می‌گویند و ظاهر اصل در معنای این کلمه همان معنای اول است، و اگر معنای دوم را نام خدا را بردن هم ذکر نامیده از این بابت است که ذکر لفظی مشتمل بر معنای قلبی نیز هست، و ذکر قلبی نسبت به ذکر لفظی اثری را می‌ماند که بر سبب مترتب می‌شود، یا نتیجه‌ای است که از عمل عاید می‌گردد.



■ آخرین مرحله سعادت

و اگر نماز را ذکر نامیده‌اند، برای این است که نماز هم مشتمل است بر ذکر زبانی از تهلیل و حمد و تسبیح، و هم به اعتباری دیگر مصداقی است از مصادیق ذکر، چون مجموعه آن عبودیت بنده خدا را مجسم می‌سازد، و لذا خدای تعالی نماز را ذکر الله نامیده و فرموده: اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا لی ذکر الله. و هم به اعتباری دیگر امری است که ذکر بر آن مترتب می‌شود، ترتب غایت بر صاحب غایت، یعنی نتیجه نماز یاد خدا است، همچنان که آیه و اقم الصلوة لذكری به آن اشاره می‌کند. و ذکر که گفتیم، غایت و نتیجه نماز است، ذکر قلبی است، البته آن ذکر که گفتیم به معنای استحضار است، یعنی استحضار یاد خدا در ظرف ادراک، بعد از آنکه به خاطر فراموشی از ذهن غایب شده بود، یا به معنای ادامه استحضار است، و این دو قسم از ذکر بهترین عملی است که صدورش از انسان تصور می‌شود، و از همه اعمال خیر قدر و قیمت بیشتری دارد، و نیز از همه انحای عبادت‌ها اثر

بیشتری در سرنوشت انسان دارد، چون یاد خدا به این دو نوع که گفته شد، آخرین مرحله سعادت است که برای انسان‌ها در نظر گرفته شده، و نیز کلید همه خیرات است. و به هر حال از ظاهر سیاق آیه و اقم الصلوة ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر بر می‌آید که جمله و لذكر الله اکبر متصل به آن است، و اثر دیگری از نماز را بیان می‌کند، و اینکه آن اثر، بزرگ‌تر از اثر قبلی است، در نتیجه جمله و لذكر الله اکبر به منزله ترقی دادن مطلب است، و البته منظور از ذکر در آن جمله نیز همان ذکر قلبی است، که گفتیم از نماز حاصل می‌شود. پس گویا فرموده: نماز بگزار تا تو را از فحشاء و منکر باز بدارد، بلکه آنچه عاید تو می‌کند بیش از این حرف‌ها است، چون مهم‌تر از نهی از فحشاء و منکر این است که: تو را به یاد خدا می‌اندازد، و این مهم‌تر است، برای اینکه ذکر خدا بزرگترین خیری است که ممکن است به یک انسان برسد، چون ذکر خدا کلید همه خیرات است، و نهی از فحشاء و منکرات نسبت به آن فایده‌ای جزئی است.

البته این احتمال هم هست که مراد از ذکر همان اذکار زبانی نماز باشد، ولی در این صورت باز هم جمله مذکور در معنای ترقی است، چون معنای آیه این می‌شود: نماز بخوان، تا تو را از فحشاء و منکر باز دارد، بلکه همان اذکاری که در نماز است و یا خود نماز، مهم‌تر از آن یاد داری است، چون



از سایر کارهایش مهم تر است. بعضی دیگر چنین گفته‌اند: درست است که نماز از فحشاء و منکرات نهی می‌کند، اما اینکه بنده خدا در هنگام رویا رویی با گناه به یاد خدا بیفتد که او را از آن گناه نهی کرده مهم تر است.

بعضی دیگر گفته‌اند: کلمه اکبر از معنای برتری عاری است، و با اینکه برای آن درست شده، در اینجا آن را افاده نمی‌کند، پس لازم نیست چیزی باشد که ذکر الله از آن مهم تر باشد، و از این قبیل افعال التفضیل ها در قرآن آمده، که معنای تفضیل و برتری را نمی‌دهد مانند آیه ما عند الله خیر من اللہو، آنچه نزد خدا است از لہو بهتر است، چون می‌دانیم لہو خوب نیست، تا آنچه نزد خدا است خوبتر باشد.

این‌ها اقوال و نظریه‌هایی است مختلف که ما از بحث پیرامون آنها خودداری نمودیم، چون اختصار را ترجیح دادیم، و دقت در آیه برای خواننده کافی است از بحث کردن ما، علاوه بر این خود خواننده می‌داند که بعضی از این وجوه تحکم و بیهوده حرف زدن است.

والله يعلم ما تصنعون یعنی خدای داد آنچه را که شما از خیر و شر انجام می‌دهید، و چون می‌داند بر شما لازم است که مراقب او باشید، و از او غافل نگردید، و بنابراین جمله مورد بحث مخصوصاً بنابر قول اول مردم را تحریک و تشویق بر مراقبت می‌کند. □



.....

ذکر خدا بزرگترین

خیری است که

ممکن است

به یک انسان

برسد، چون ذکر

خدا کلید همه

خیرات است، و

نهی از فحشاء و

منکرات نسبت به

آن فایده‌ای جزئی

است

بازداری مذکور یکی از آثار نیک ذکر است و به هر تقدیر کلمه ذکر الله بنابر هر دو احتمال، مصدری است که اضافه به مفعول خود شده، و آن چیزی که ذکر الله از آن بزرگتر است عبارت است از نهی از فحشاء و منکر.

۴ نظرات مفسران

مفسرین در معنای ذکر، و اینکه کلمه الله فاعل آن است، یا مفعول آن و این که مفضل علیه خاص است یا عام، یعنی ذکر خدا از همه اقسام نهی از فحشاء مهم تر است، یا بعضی از اقسام آن اقوال و نظریه‌هایی دیگر دارند. بعضی گفته‌اند: معنایش این است که: اینکه خدا به یاد بنده‌اش باشد، مهم تر از آن است که بنده به یاد خدا باشد، برای اینکه هر چند فرموده: فاذکرونی الذکر کم ولی در این معامله تنها بنده سود می‌برد.

بعضی دیگر گفته‌اند: معنایش این است که خدا به یاد بنده‌اش باشد مهم تر است از نماز بنده. بعضی دیگر گفته‌اند: معنایش این است که: خدا به یاد بنده‌اش باشد از هر چیزی مهم تر است. بعضی دیگر گفته‌اند: معنایش این است که ذکر کردن بنده، خدا را در نماز از سایر ارکان نماز مهمتر است. بعضی دیگر گفته‌اند: ذکر کردن بنده، خدا را در نماز مهمتر است از اینکه او را در خارج نماز ذکر کند. بعضی دیگر چنین معنا کرده‌اند: که ذکر کردن بنده، خدا را

نکاتی در باب اخلاق اداری

خدمت خالصانه

آیت الله حسین مطهری

یا اینکه در لیله المیت علی (ع) به جای پیامبر در بستر خوابید و آن حضرت را از خطر رها نید و زمینه هجرتش را فراهم کرد. این کار برای علی، ساده و کوچک است، چون شجاعت و دلیری علی (ع) فوق این کارهاست، اما همین عمل به اندازه‌ای ارزش پیدا می‌کند که آیه‌ای درباره‌اش نازل می‌شود. و مضمون این آیه بسیار بالا است: و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رثوف بالعباد. و از میان مردم مراد علی (ع) است کسی است که از جان خود در راه رضای خدای گذرد مانند شبی که علی (ع) به جای پیغمبر (ص) در بستر خوابید و خدا دوستدار چنین بندگان است.

تباهی اعمال

گاهی قضیه به عکس می‌شود، یعنی چه بسا کار خوبی از جهت مادی و تأثیرگذاری بسیار بزرگ و وسیع است ولی از آنجا که رنگ خلوص به خود نمی‌گیرد در نزد خداوند هیچ ارزشی ندارد و به بال مگسی نمی‌آرد. اگر خدای ناکرده عملی رنگ ریا و تظاهر داشته باشد، نه تنها باطل، که گناهی بس بزرگ و در حد کفر است.

در روایت آمده است که کسی را در صف محشر می‌آورند و به او می‌گویند: چه کاره بودی؟ جواب می‌دهد: من هفتاد سال برای رضای خدا درس دین می‌آموختم و از معصومین (ع) برای مردم حدیث می‌خواندم و آنان را موعظه می‌کردم و... خطاب می‌شود: درست است که هفتاد سال چنین کردی اما تنها برای خدا نبوده بلکه به خاطر این بود که به تو بگویند بارک الله! چه عالم خوبی است! و یا برای این بود که شهرتی پیدا کنی و برای خودت موقعیت اجتماعی کسب نمایی و...

اینجا است که انسان گیر می‌کند، چرا که کارهایش رنگ خلوص نداشته و یا توأم با تظاهر و ریا بوده است. از همین رودستور می‌رسد که او را به رو، به آتش بیندازد. چه سخت و دردناک است هفتاد سال خون جگر خوردن و عالم شدن و در فنون اسلامی متخصص گردیدن، و سرانجام هم در آتش سوختن.

در روایت دیگر آمده است. از شخصی می‌پرسند برای چنین روزی چه آورده‌ای؟ می‌گوید: به خط مقدم جبهه رفتم و با

کار اداریان خدمت به مردم و ساماندهی کار آنان است. این قشر عظیم و محترم همیشه در فکر آنند که گره‌ای از کار فرو بسته خلق خدا بگشایند. اما نکته این جاست که اگر بخواهند این کارها پرپرکت و جاویدان شود و در دنیا و آخرت به کارشان بیاید با اخلاص هم آغوش گردند. به همین مناسبت در این مطلب به این موضوع پرداخته می‌شود.

خلوص واژه‌ای است که همواره تقدس و نورانیت و نجات را به همراه دارد. در مقابل خلوص، ریا و تظاهر است که هرگاه این کلمه را تصور می‌کنید نامیمونی و ظلمت در ذهنتان تداعی می‌شود. نتیجه و معنای این دو واژه از حیث تأثیر در جامعه به اندازه‌ای بزرگ و وسیع است که حتی به لفظ خود نیز سرایت کرده و آن را مقدس و نامقدس نموده است.



وقتی به قرآن و روایت اهل بیت (ع) رجوع می‌کنیم، می‌بینیم که در مورد کسب خلوص و پرهیز از ریا و تظاهر تأکید فراوان شده است. قرآن کریم می‌فرماید: اگر می‌خواهی به مقام لقا و فنا برسی، اولین چیزی را که باید سرلوحه زندگی‌ات قرار دهی این است که به همه کارهایت رنگ خلوص بدهی. صبغه الله، و من احسن من الله صبغه. عمل، هرچه که کوچک باشد، اگر خلوص را به همراه خود داشته باشد ارزش پیدا می‌کند، حتی ارزشش از دنیا و آنچه در آن است بیشتر و بزرگ‌تر می‌شود.

امیرالمؤمنین (ع) انگشتی به فقیر داد که ارزش پولی چندانی نداشت، اما از آنجا که خالصانه بود به قدری اهمیت یافت که در قرآن آیه ولایت در خصوص این عمل نازل شد. انما ولیکم الله و رسوله والذین یؤمنون الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة وهم راکعون... ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند. همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

به اعتراف شیعه و سنی شأن نزول متجاوز از سیصد آیه در مورد علی (ع) است. اما این آیه از اهمیت بیشتری برخوردار است و برای شیعه محکم‌ترین دلیل است که بعد از پیامبر (ص) علی علیه السلام دارای ولایت مطلقه الهی است.

آری، در اثر خلوص، یک انگشت کم بها پرارزش می‌شود، تا آنجا که به آنچه در دنیا و آخرت است می‌آرد. یا یک ضربه شمشیر خالصانه از عبادت جن و انس بالاتر می‌شود چنان که پیامبر اکرم (ص) درباره علی (ع) می‌فرماید: ضربه علی یوم الخندق أفضل من عبادة الثقلین؛ ارزش عبادت ضربه علی (ع) در جنگ خندق که بر عمر بن عبدود وارد کرد از عبادت جن و انس بالاتر است.

یعنی از زمان خلقت آدم (ع) تا روز قیامت عبادت مردم بلکه جن و انس یک طرف، و ثواب آن ضربه شمشیر در طرف دیگر. علی (ع) در راه اسلام بسیار جنگید و شمشیرهای فراوانی زد و در همه آن نبردها اخلاص داشته است، اما آن ضربه‌اش استثنایی است.



شکسته و جز خدا هیچ چیز و هیچ کس در دلش نباشد باید به مقام اخلاص برسد، و در هر کاری فقط خدا را در نظر بگیرد.

عزیزان! بیایید خود را اصلاح کنیم. ریا و تظاهر را از خود دور سازیم. ریا دل را تاریک و عمل را باطل می سازد و انسان را از جامعه طرد می کند. هیچ کس انسان ریاکار و زبان باز را دوست ندارد. انسان ظاهر سازی می کوشد تا خود را بالا ببرد اما هم در میان مردم منفور می شود و هم از نظر خدا می افتد. رنگ خلوص، رنگ بسیار زیبایی است؛ بیایید کاری کنیم که همگی در زندگی به این رنگ، مزین باشیم. انسان می تواند به تمام کارهایش رنگ اخلاص و عبادت بدهد. با خوردن، آشامیدن، خوابیدن و... ثواب کسب کند. روایت داریم که اگر زنی سفره ای پهن کند، غذایی آماده نماید، ظرفی بشوید و... ثواب یک شهید در نامه عملش نوشته می شود.

هم چنین اگر مردی در خانه، همسرش را بیاری کند، با زحمت بازو پولی به دست آورده و زن و بچه اش را به رفاه و آسایش برساند ثواب شهید دارد؛ الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله؛ کارگری که برای اداره خانواده اش تلاش می کند، هم چون مجاهد فی سبیل الله است.

بدیهی است این همه اجر و ثواب، زمانی است که کار برای رضای خدا بوده و رنگ خلوص داشته باشد. کار اگر برای خدا باشد برای هر قطره آبی که در غسل جنابت ریخته می شود ملکی مأمور و برای او تا روز قیامت استغفار و طلب بخشش می کند. نقل می کنند که بعضی از بزرگان، مانند شهید، سید بن طاووس، کاشف الغطاء و... تمام کارهایشان یا واجب بوده، یا مستحب، حرام و مکروه و حتی مباح نداشته اند، چون به تمام کارهایشان رنگ عبادت و خلوص می دادند.

انسان الهی می خواهد تا خستگی را از تن دور کرده و آمادگی برای کار پیدا کند. می خورد تا نیرو بگیرد؛ حال اگر طلبه و محصل است برای تحصیلش، اگر اداری است برای راه انداختن کارهای ارباب رجوعش، و اگر کارگر است برای کار کردن و به حرکت درآوردن چرخ های اقتصاد جامعه و... شما هم می توانید فعالیت کنید، کاردان باشید، با مردم مدارا کنید، تامل کنید تا از کار مردم بگشایید، با اخلاق اسلامی برخورد کنید و سعی نمایید که همه این ها را برای خدا انجام دهید. □



.....

رنگ خلوص،

رنگ بسیار

زیبایی است؛

بیایید کاری

کنیم که همگی

در زندگی به

این رنگ، مزین

باشیم. انسان

می تواند به تمام

کارهایش رنگ

اخلاص و عبادت

بدهد. با خوردن،

آشامیدن،

خوابیدن و...

ثواب کسب کند

دشمن جنگیدم، از آنان کشتم و خود نیز آماده کشته شدن در راه خدا بودم و... خطاب می شود. بله، جبهه رفتی، در خط مقدم حضور پیدا کردی و حتی کشته هم شدی اما این عمل تو خالص نبود، بلکه برای این بود که به تو بگویند: بارک الله! آقا هم به جبهه رفت، چه شجاعتی دارد و چه خوب می جنگد! و... به مأموران الهی خطاب می شود: او را روانه آتش کنید، اگر چه در روز قیامت از آن انبیای الهی است و دومین مقام، مقام عالمان و دانشمندان دینی است و سومین مقام را شهدا دارند.

زمانی که در محشر، صف بسته می شود، شهدا مثل ماه می درخشند و همه را به خود جلب می کنند. اما این همه مقام، در صورتی است که عمل خالص باشد و گرنه جایگاه انسان در آتش است. باز هم در روایت می خوانیم روز قیامت شخصی را که عمرش را وقف مردم نموده و با زبان پول و قدم و قلم شبانه روز برای مردم کار کرده است، در محضر عدل الهی حاضر می کنند و از او می پرسند: چه کاره بودی؟ می گوید: خدمتگذار خدا بودم و اصلاً زندگی ام را صرف مردم کردم و خطاب می رسد: درست است که چنین بودی اما کارهایت برای خدا نبود، بلکه به خاطر این بود که شهرت و موقعیت اجتماعی کسب کنی و عملت ریادداشت. سرانجام دستور می رسد که او را هم داخل آتش کنید.

این مطلب نزد همه فقها مسلم است که ریا و تظاهر اگر در عمل عبادی باشد مثل نماز و روزه و... آن را باطل می کند و باید دوباره به جا آورده شود. و اگر عمل، عبادی نباشد و در صورت خالص نبودن پوچ و بی ارزش است.

قرآن کریم اهمیت زیادی به خلوص داده و می فرماید: و ما امرنا الا لیعبدا الله مخلصین له الذین؛ و امر نشدند مگر بر اینکه خدا را به خلوص کامل در دین پرستش کنند. فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملاً صالحاً و لا یشربک بعباده ربه احداً. پس هر کسی به لقاء پروردگار خود امید دارد باید به کارشایسته بپردازد و هیچ کس را در پرستش شریک نسازد.

□ خانه، خالی از غیر

آری، اگر کسی بخواهد به مقام لقاء پروردگار برسد؛ یعنی مقامی که خدا بر دل او حکومت داشته باشد، تمام بت ها را

و مصداق عینی این جایگاه بشوی. اگر در حال استعداد بماند یا در حال قوه بماند. در دنیا و آخرت کاری برای آدم صورت نخواهد داد.

از کجایم؟

اما سؤال دوم از کجایم. بهترین جوابی که به این سؤال داده شده در قرآن مجید است. چرا که قرآن مجید وحی است و هیچ کسی چون پروردگار عالم آگاه به انسان نیست. اگر از کسان دیگر بپرسید که مدعی علم و شناخت انسان هستند که ما از کجا آمدیم؟ می‌گویند: از لایلای عناصر طبیعت. یعنی شما دنیای دیگری نداشتید و به غیر از اینکه شروعتان از عناصر مرده بوده مبدأ دیگری نداشتید. اما قرآن مجید انسان را برمی‌گرداند به پروردگار عالم که مبدأ اصلی تو و شروع تو از پروردگار عالم بوده. ما مبدأمان پروردگار است و به این مبدأ هم باید برگردیم. حالا پروردگار ما که مبدأ ماست، صفاتش را در ساختن وجود ما به کار گرفته است.

به کجا آمده‌ام؟

حالا سؤال سوم. به کجا آمده‌ام. قلنا اهبطوا منها جميعاً فاما ياتينكم منى هدى. به جایی آمدم که اینجا ظرف طلوع هدایت الله است. یعنی ببینید دنیایی که در آن آمده‌ام چه ارزشی دارد که می‌گوید بروید روی زمین قطعاً چراغ هدایت من برای شما خواهد آمد. فمن تبع هداي فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون. زمینی که ما را فرستادند، دنیایی که ما را در آن آوردند از طرفی ظرف هدایت الله است. از طرفی ظرف خلافت عن الله است.

انی جاعل فی الارض نه فی السموات. من می‌خواهم در زمین برای خودم خلیفه قرار بدهم. اگر می‌خواست یک کره دیگر را انتخاب می‌کرد. یک آسمانی را، یا عرش را اگر نمونه آسمان‌ها باشد انتخاب می‌کرد. دنیایی که ما آمدیم ظرف خلافت است، ظرف عمل است «فانکم الیوم فی دار عمل ولا حساب» و ظرف آزمایش است. آزمایش یعنی انجام اموری که از طرف خدا به انسان ارائه می‌شود که با قواعد قرآنی و هدایت اهل بیت (علیهم‌السلام) آدم با آنها در حرکت رو به رومی شود و سرفراز بیرون می‌آید.

نهج البلاغه می‌گوید «ان الیوم المضمار» امروز شما در محل تمرین و آزمایش الهی هستید. «وغدا السباق» اما فردای قیامت میدان مسابقه است. «والسبقة الجنة والغایة النار» گوی مسابقه بهشت است و آن کسی هم که مسابقه را ندارد نهایتش دوزخ است.

یک جملات زیبایی هم در حکمت‌های نهج البلاغه است که دنیای واقعی را تعریف می‌کند. اما دنیای مضموم در آیات و روایات دنیایی است که منهای خدا و منهای توجه به حلال و حرام به دست می‌آید. اما دنیای خدا ساخت این است: «ان الدنیا دار صدق لمن صدق‌ها و دار عاقیه لمن فهم عنها» عاقبت یعنی سلامت همه جانبه. نه سلامت بدن. صحت جسم نه. «دار غنی لمن تزود منها و دار موعظه لمن اعطی بها مسجد احياء الله و مصلی ملائکه الله و مهبط وحی الله و متجر اولیاء الله اکتسبوا فیها الرحمة

تفسیر فراز نخست خطبه ۸۷ نهج البلاغه

خودشناسی

مقدمه خداشناسی است

حجت الاسلام و المسلمین حسین انصاریان

خطبه ۸۷ نهج البلاغه که یکی از غنی‌ترین خطبه‌های این اثر گرانبه است درباره صفات پرهیزکاران و فاسقان و آگاه‌سازی نسبت به موقعیت اهل بیت در میان مردم سخن می‌گوید. تفسیر این خطبه را ادامه می‌دهیم.



اولین جمله نورانی خطبه ۸۷ نهج البلاغه این است که

«ان من احب عبدا لله الیه عبدا اعانه الله علی نفسه.

محبوب‌ترین بندگان در پیشگاه خداوند بنده‌ای است که خداوند به تسلط بر نفسش او را یاری داده است.» اعانه خدا بر نفس انسان یک معنی‌اش اعانه بر خودشناسی است. که وقتی من لیاقت نشان دادم و خواستم از طریق عاقل و از طریق شنوایی

مسائل الهی و معارف حقه، از طریق تماشای اولیای خدا دیدم که عجب راهی است، عجب انسان‌هایی هستند، حالت خواسته برابرم پیش آمد. من هم دلم می‌خواهد اهل خدا بشوم و دلم می‌خواهد اهل حق بشوم. دلم می‌خواهد در زمره پاکان قرار بگیرم و واقعاً هم می‌خواهم. یعنی ذات خواسته من یک ذات علمی دارد. یک ذات حق دارد و پروردگار هم می‌بیند من گدای او هستم در این زمینه، او بخلی ندارد که به من عنایت کند. کمک می‌دهد برای اینکه خودم را بشناسم.

خودشناسی ریشه خودسازی است. این خیلی مهم است. یقیناً تا کسی خودش را نشناسد و موقعیت خودش را در این عالم درک نکند و نفهمد کیست محال است بتواند خودسازی بکند. انسانی که جاهل به خودش است چه چیزی را بسازد. جاهل به خودش است. نمی‌داند کیست. حالا برای اینکه خود را در ناحیه باطن و شخصیتم شناسم. نه در ناحیه شخص و جسم پنج سؤال مطرح است که باید پاسخ داده بشود. کیستم؟ یعنی دارای چه موقعیتی و چه جایگاهی در این عالم هستم؟ از کجایم. به کجا آمده‌ام و برای چه آمده‌ام و به کجا می‌روم؟ اگر ما این پنج سؤال را پاسخ صحیحش را دریافت کنیم تغییر همه جانبه در زندگی پیدا خواهد شد.

کیستم؟

کیستم دو تا جواب دارد. یک جوابش مربوط به دانشمندان بدن شناس است که ترکیب بدن را بگوید، برنامه‌های فیزیکی بدن را بگوید. برنامه‌های شیمیایی بدن را بگوید. رگ‌ها و اعصاب را بگوید. پوست و ناخن را بگوید و ساختمان ظاهر را. البته دنبال این جواب رفتن هم خیلی خوب است چرا که خود بدن و ظاهر بدن ساخت پروردگار مهربان عالم است. نفع این پاسخ این است که معرفت انسان را به پروردگار عالم بیشتر و صافتر و رقیق‌تر و لطیف‌تر می‌کند. یک جواب هم مربوط به دانش باطن است و مربوط به وحی است و مربوط به شرع است که آن عبارت از شخصیت انسان است که جواب می‌دهد تو مساوی با هیچ موجودی نیستی از نظر شخصیت، «و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفصیلاً» مساوی نیستی با موجودات زنده دیگر. حتی با موجودات ذوی العقول. تو یک جایگاه ویژه و خاصی داری که بالاترین جایگاه است. یعنی موجودی هستی بین خدا و بین ماسوی الله. یک چنین جایگاه با عظمتی را داری البته بالقوه و بالاستعداد. که این قوه و استعداد را باید به فعلیت برسانی



و فعل هم مضارع است یعنی این نماز از فحشا و منکرات شما را جلوگیری می‌کند. این عبادت که در دو مرحله هم صورت می‌پذیرد و در دو نوع مسئولیت. عبادت رب و خدمت به خلق که این راه رسیدن به تقواست.

گاهی هم می‌آیند از شما سؤال می‌کنند که برای چه ما را آفریدند؟ پروردگار عالم حکیم خواسته خاک را تبدیل به ظرفی بکند که این ظرف خلافت و هدایت در آنجا بگیرد. علم جا بگیرد. عمل جا بگیرد. عبادت جا بگیرد. به سؤال کننده بگوییم ساختن چنین ظرفی بد است؟ نمی‌تواند بگوید بد است بلکه به ساختنش قانع می‌شود. حالا اگر قانع نشد آدم می‌گوید برادر حالا که ما را ساختند اگر بخواهی از خدا بخواهی تو را به عدم برگرداند این دعا را مستجاب نمی‌کند. اگر بخواهی به خدا بگویی که مرا آزاد بگذار که هر کاری دلم می‌خواهد بکنم ولی در قیامت مرا جریمه نکن این را هم قبول نمی‌کند. پس راهی نمی‌ماند جز اینکه به خلقت خودم و عمل خدا راضی بشوم و با خدا هم بسازم. ساختن با خدا، عبادت او و خدمت به خلق اوست تادر دنیا و آخرت اهل نجات بشوم. یعنی راه را به روی اشکالات دیگر با این نوع برخورد می‌توانید ببینید.

۴. به کجای روم؟

آخرین سؤال به کجای روم که این را در جلد ششم و هفتم بحار بعد از آیات معاد قرآن یا در جلد دوم علم الیقین فیض کاشانی ببینید. بخصوص علم الیقین و جلد هشتم المحجه البیضاء فیض کاشانی که قیامت را برای ما این چند کتاب همراه با آیات قرآن کامل توضیح می‌دهند. کجای روییم؟ واتقوا الله واعلموا انکم الیه تحشرون قل ان الاولین والاخرین لمجموعون الی میقات يوم معلوم الیه مرجعکم جمیعاً وعد الله حقاً انه یدو الخلق ثم یعیده لیجزی الذین آمنوا و عملوا الصالحات بالقسط. تا پاداش عادلانه به کسانی که عمل صالح انجام دادند داده بشود. ما با پاسخ به این ۵ سؤال خود را شناختیم به کمک پروردگار چون تمام ابزار شناخت هم مال اوست. توفیق برای حرکت به سوی شناخت هم مال اوست. اصل شناخت هم فیض اوست، این می‌شود «اعانه الله علی نفسه». □



گاهی می‌آیند از شما سؤال می‌کنند که برای چه ما را آفریدند؟ پروردگار عالم حکیم خواسته خاک را تبدیل به ظرفی بکند که این ظرف خلافت و هدایت در آنجا بگیرد. علم جا بگیرد. عمل جا بگیرد. عبادت جا بگیرد. به سؤال کننده بگوییم ساختن چنین ظرفی بد است؟

و ربخوافی‌ها الجنة» دنیا بازار به دست آوردن رحمت خداست و دنیا بازار سودبری است. سودش هم بهشت است. این نظر امیرالمؤمنین راجع به دنیا است. البته اگر آدم خودش را شناخته باشد و اهل ایمان و اهل خدا هم باشد با دنیا اینطور برخورد می‌کند. یعنی دنیا برایش می‌شود خانه هدایت و محل خلافت و محل آزمایش و ظرف عمل، ظرف صدق، ظرف نماز، ظرف تجارت، ظرف کسب رحمت. این را عنایت کنید در حکمت‌های نهج البلاغه ببینید. مقدمه‌اش این است که یک کسی داشت دنیا را مذمت می‌کرد. امیرالمؤمنین (ع) در جواب او فرمود چه داری می‌گویی؟ علامه مجلسی دنیای مذموم را ترجمه به انحرافات خود آدم کرد. والا این در و دیوار و این نعمت‌ها این آسمان‌ها، این ماه و خورشید، این مجموعه دنیا است که همه هم آیات الله است. می‌گوید دنیای مذموم نوع برداشت انحرافی منحرفان است. دنیای صدام و معاویه دنیای مذموم است اما دنیای امیرالمؤمنین دنیای خلافت الله است. دنیای هدایت الله و دنیای ابتلاء و آزمایش است. دنیای عمل است.

۴. برای چه آمدم؟

حالا مرا آوردند در این محل پر ارزش. منی که جایگاهم بین خدا و بین موجودات است برای چه مرا آوردند؟ یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم والذین من قبلکم لعلکم تتقون. شما را آوردند برای عبادت و نتیجه این عبادت هم باید تقوا بشود. این لام «لعلکم» بیان فلسفه عبادت است و به معنای شاید هم نیست. لعل در جملات مثبت به معنای صد در صد و قطعی بودن است و شاید هم بر حضرت حق مناسب نیست. پروردگار در برنامه هایش تردیدی ندارد. لعلکم شما به مقام تقوا برسید. یعنی عبادت شما باید جنبه پاکسازی داشته باشد عبادت شما، شما را باید به تقوا رهنمون بشود. در قرآن مجید می‌خوانیم فان الصلاه تنهی عن الفحشاء والمنکر فاعل «تنهی» خود نماز است. پروردگار نیست. نمی‌گوید اگر شما نماز خوان باشید من شما را از فحشا و منکر حفظ می‌کنم. خود نماز باید نمازی باشد که تنهی عن الفحشاء والمنکر باشد. فاعل «تنهی» نماز است



همین دلیل می‌گوییم: کسی به کنه ذات خدا پی نمی‌برد و نه به کنه صفات خدا، بلکه معرفت مانسبت به ذات و صفات خداوند یک معرفت اجمالی است و نه تفصیلی، که از طریق شناخت اثار او حاصل می‌شود؛ از آثارش به علم و حکمت و قدرت و حیاتش پی می‌بریم.

امیرمؤمنان علی (ع) در یک تعبیر جالب و زیبا در خطبه اول نهج البلاغه می‌فرماید: «عقول و خردها را بر کنه صفاتش آگاه نساخت و (با این حال) آنها را از مقدار لازم معرفت و شناخت خود بر کنه صفاتش آگاه نساخت و (با این حال) آن‌ها را از مقدار لازم معرفت و شناخت خود باز نداشته است. هم اوست که نشانه‌های هستی، دل‌های منکران را به اقرار بر وجودش واداشته است. (آری) او بسیار برتر است از گفتار تشبیه کنندگان (آنها که او را به مخلوقاتش تشبیه می‌کنند) و منکران (آنها که یا ایمان به او ندارند و یا شناخت او را غیر ممکن می‌پندارند).»

❑ آفرینش بدون سابقه وجودی

آنگاه امام سجاده (ع) به سراغ آفرینش مخلوقات جهان می‌رود و می‌فرماید: «خداوند با قدرتش مخلوقات را آفرید بی آنکه این آفرینش سابقه‌ای داشته باشد و با مشیت خود به اختراع آنها پرداخت. اَبْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ اَبْتَدَاعاً، وَ اخْتَرَهُمْ عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعاً.» درباره اینکه تفاوت «ابتداع» که از ماده «بدع» است و «اختراع» که از ماده «خرع» است چیست؟ مفسران صحیفه نظرهای متفاوتی دارند. بعضی مانند مرحوم سید علی خان در ریاض السالکین هر دو را به یک معنا دانسته و بعضی دیگر معانی متفاوتی برای آن بیان کرده‌اند. آنچه نزدیک تر به نظر می‌رسد این است که «ابتداع» به معنای آفرینش بدون هیچ گونه مثال و مانند بدون سابقه، نه از نظر ماده و نه از نظر هیأت باشد، ولی «اختراع» آن است که ماده، سابقه داشته باشد اما هیأت آن بی سابقه باشد.

به تعبیر دیگر، ابتداع در مورد ایجاد نخستین است که نه ماده‌ای وجود داشته و نه هیأتی و اختراع در مورد ایجادهای پی در پی بعد از آن است که مواد را خداوند پیوسته تغییر می‌دهد و از هیأتی به هیأت دیگر درمی‌آورد، همان گونه که قرآن کریم درباره مراحل جنین در شکم مادر می‌فرماید: «او شمارا در شکم مادرانتان در میان تاریکی‌های سه‌گانه پوسته شکم، رحم و کیسه جنین، آفرینشی بعد از آفرینش دیگری می‌بخشد.» تمام چیزهایی که انسان‌ها می‌سازند یا نقشی می‌کشند و یا ابداع و اختراعی دارند، همه آنها برگرفته از اموری است که مشاهده کرده‌اند و گاه چند مورد را به هم می‌آمیزند؛ مثلاً نقاش، سرگوسفند را با بدن شتر و دست و پای شیر همراه می‌کند و نقش تازه‌ای ایجاد می‌نماید، ولی در هر حال ابداعاتی است با سابقه. تنها خداوند لایزال است که اشیا را بدون مثال قبلی خلق می‌کند.

ابداعات او به گونه‌ای است که مثلاً انسان را آفرینشی پس از آفرینش دیگر در محیط رحم در ظلمات ثلاث (تاریکی‌های سه‌گانه حاصل از پوست شکم، پوسته رحم و کیسه‌ای که جنین در آن قرار دارد) ابداع می‌کند؛ نه

شرح دعای نخست صحیفه سجادیه

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

■ آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

امام سجاده (ع) در نخستین دعای صحیفه سجادیه ابتدا به حمد پروردگار پرداخته و بخشی از صفات او را شرح می‌دهد. آنگاه به آفرینش موجودات و انسان اشاره کرده و نعمت‌هایش را بر انسان یکی بعد از دیگری بر می‌شمرد و هر یک را با ثنای الهی همراه می‌سازد، به گونه‌ای که حدود بیست بار خدا را برای این نعمت‌های مختلف می‌ستاید و انسان را با نعمت‌های او آشنا می‌سازد. در این مطلب، منتخبی از تفسیر فراز دوم، سوم و چهارم دعای اول صحیفه را می‌خوانیم. ■

امام سجاده (ع) در انتهای فراز دوم نخستین دعا در صحیفه سجادیه می‌فرماید: «وَعَجَزْتَ عَنْ نَفْتِهِ اَوْهَامُ الْاَوْصَافِینَ. فهم و اندیشه توصیف کنندگان از وصف او عاجز و ناتوان است.» دلیل آن هم روشن است، زیرا یک موجود محدود از جمیع جهات، مانند انسان، چگونه می‌تواند به وجود نامحدودی همچون وجود خداوند پی ببرد و به



به گفته مرحوم
شهید مطهری آن
گیاه که حرکت
می کند جز عشق
او چیزی در سر
ندارد و آن سنگ
هم که می گوئیم
با قوه جاذبه به
سوی زمین پرتاب
می شود در واقع غیر
از اینکه ذات حق
را جستجو کند و
محبت او در ذات
اوست چیز دیگری
نیست

بعضی از شارحان، ضمیر «محبت» را ضمیر مفعولی گرفته اند، نه فاعلی، یعنی محبت بندگان به خدا و معتقدند که هر کس راهی را برمیگزیند، راهی به سوی محبت اوست، هر چند در تشخیص مصداق گرفتار اشتباه می شود. به گفته مرحوم شهید مطهری آن گیاه که حرکت می کند جز عشق او چیزی در سر ندارد و آن سنگ هم که می گوئیم با قوه جاذبه به سوی زمین پرتاب می شود در واقع غیر از اینکه ذات حق را جستجو کند و محبت او در ذات اوست چیز دیگری نیست. آنگاه آیاتی مانند «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْتَبِخْ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ...» معنای گسترده تری پیدای می کند.

ولی ظاهر عبارت این است که ضمیر «محبت» ضمیر فاعلی است، همان گونه که ضمیر «اراده» فاعلی است، یعنی اراده خداوند و محبت خداوند، مخلوقات را در مسیرشان به حرکت درآورده است. جمله «ثُمَّ سَلَكَ بِهِ هِمًّا... وَ بَعَثَهُمْ...» این تفاوت را دربر دارد که در جمله اول، منظور اموری است که از اختیار مایرون بوده و خداوند برای مآقرار داده است. مانند زمان و مکان تولد ما و ساختمان ویژه جسم و روح ما و امثال آن. ولی جمله دوم ناظر به امور اختیاری است که ما را به آن دعوت کرده، یعنی اطاعت او و امر و پرهیز از نواهی، زیرا در مفهوم «بَعَثَ» این معنا وجود دارد.

۱. جبر و اختیار

در اینجا این سؤال پیش می آید که آیا مفهوم جمله بالا مسأله جبر نیست؟ اگر بندگان از خود اراده ای ندارند که چیزی را که خدا مقدم داشته مؤخر سازند و چیزی را که مؤخر ساخته مقدم کنند و تغییری در مخلوقات الهی ایجاد نمایند، بنابراین اراده و اختیاری در آنها وجود ندارد. ولی جمله مذکور ناظر به امور غیر اختیاری در مسأله خلقت است، زیرا می دانیم که انسان، تنها اختیار افعال خود را دارد، نه امور دیگر، مانند خواصی که در موجودات، مانند آب و آتش، آفریده شده یا زمان و مکانی که برای خلقت او در نظر گرفته شده یا مقدار عمر و میزان توانایی های وجودش. اجباری بودن این امور، مسلم است و ارتباطی به مسأله جبر و اختیار که مربوط به اعمال انسان است ندارد.

حتی در مورد اعمال انسان نیز می توان گفت که آن هم به یک معنا اجباری است، یعنی خداوند الزاماً انسان را مختار قرار داده و صفت اختیار را خداوند به او داده است، نه اینکه خود او این صفت را برای خود پذیرفته باشد. او ملزم است که مختار باشد و بر اساس اختیار، اعمال خود را تنظیم کند و این مذهب جبر را نفی می کند.

به یقین، اعتقاد به جبر چیزی نیست که انبیا و اولیای الهی از آن دفاع کنند، زیرا اگر انسان ها در اعمالشان مجبور باشند، نه بعثت انبیا مفهومی خواهد داشت، نه نزول کتاب های آسمانی، نه حساب روز قیامت و نه ثواب و عقاب و تشویق نیکوکاران و مجازات بدکاران هیچ کدام مفهومی نخواهد داشت. ضمائری که در جمله های بالا آمده است می تواند به انسان ها برگردد، چون ضمیر عاقل است و ممکن است به تمام مخلوقات برگردد، زیرا گاهی از ضمیر عاقل به معنای عام نیز استفاده می شود. □

همچون نقاشان که برای کشیدن صورت ساده ای باید از نور کافی برخوردار باشند. امروز، با بسیاری از مخلوقات الهی کاملاً آشنا هستیم، ولی از ابداع آن بی خبریم.

اگر قبل از آفرینش آب به ما می گفتند: خدا می خواهد چیزی بیافریند که نه رنگ دارد و نه بو و نه طعم و نه جنبه غذایی دارد و بدون کالری است، در عین حال حیات همه موجودات به آن وابسته است و بدون آن حتی یک روز نمی توانند زنده بمانند، به آسانی در زمین فرو می رود، با تغییر شکل در آسمان ها پرواز می کند و به سرعت از جایی به جای دیگر حرکت می نماید و به ما سلامتی و طراوت و نشاط می دهد و شکل ثابتی نیز ندارد، یعنی می تواند به هر شکلی درآید. هیچ کس نمی تواند چنین چیزی را تصور و باور کند، اما خداوند آب را آفرید و همه این ویژگی ها را در آن مشاهده کردیم.

و اگر قبل از آفرینش نور گفته می شد خداوند موجودی ابداع می کند که نه رنگ دارد و نه بو و نه طعم، بلکه وزن هم ندارد، از بسیاری از موانع مانند آب و هوا عبور می کند، در اعماق دریاها فرو می رود، در یک چشم برهم زدن از شرق کره خاکی به غرب، و از شمال آن به جنوب می رود؛ نه جنبه غذایی دارد، نه جزء بدن انسان می شود و در عین حال سرچشمه حیات همه موجودات است و بدون آن زندگی ممکن نیست. قطعاً تصور چنین چیزی غیر ممکن بود، ولی بعد از آفرینش نور، دیدیم همه آنها در آن وجود دارد.

۱. مقام ربوبیت

آنگاه امام سجاد (ع) به مرحله دوم برنامه های خلقت اشاره کرده و حرکت موجودات را طبق برنامه منظم و مرتبی ترسیم می کند و تدبیر الهی را در جهان روشن می سازد، می فرماید: «ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِزَادَتِهِ، وَ بَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ، لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَ لَهُمْ إِلَيْهِ، وَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَقَدُّمًا إِلَيْهِ مَا أَخَّرَهُمْ عَنْهُ». آنگاه آنها را در مسیر اراده نافذ خود به حرکت درآورد و در طریق محبت خویش برانگیخت، به گونه ای که نه توان تأخیر از آنچه آنها را مقدم داشته دارند و نه توان پیشی گرفتن بر آنچه آن ها را مؤخر داشته است. این همان مقام ربوبیت پروردگار و حاکمیت او بر جهان هستی است که در وصف رب العالمین خلاصه شده است. قابل توجه این که در جمله اول اشاره به حرکت موجودات در مسیر اراده خداوند می کند و در جمله دوم در مسیر محبت.

تعبیر به اراده الهی که همان علم و قدرت او نسبت به نظام احسن عالم آفرینش است مفهوم عامی دارد که تعبیر به «سبیل محبت» آن را به شکل خاصی مجسم می کند. به تعبیر دیگر، اراده خداوند آمیخته با محبت اوست و این محبت الهی است که عالم آفرینش را ابداع فرموده و موجودات را از نقص به کمال پیش می برد.

و نیز به تعبیر دیگر، عشق است که چرخ های جهان را به گردش درمی آورد و عشق خداوند به بندگان همان رحمت و اسعه اوست که یکی از آثار آن عشق بندگان به خداوند می باشد.

داستان جنگ خندق

پیشنهاد ایرانی مکریهودی

سید محمد صوفی

آیه دهم سوره احزاب اشاراتی به ماجرای جنگ خندق دارد. در این آیه خداوند می‌فرماید: «یا ایها الذین امنوا اذکروا نعمه الله علیکم اذ جائتکم جنود فارسنا علیهم ریحا و جنودا لم تروها... ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به یاد آرید نعمت خدا را بر خود آنگاه که (در جنگ احزاب) لشکریانی به شما رو آوردند، پس بر آنها بادی (سرد و تند وزید) و سپاهیانی (از فرشتگان) که شما آنها را ندیدید فرستادیم...» این جنگ از جنبه‌های مختلفی مانند پیشنهاد سلمان فارسی، همدستی قبیله‌های مختلف علیه اسلام، نبرد علی(ع)، امداد غیبی و... جایگاه ویژه‌ای در تاریخ اسلام دارد. در مطلب زیر داستان این نبرد را مرور می‌کنیم.

قریش تصمیم گرفته است درخت توحید را از ریشه درآورد. بت پرستان مکه آماده شده‌اند به هر قیمتی از محمد(ص) و یاران او اثری باقی نگذارند و به دنبال این تصمیم، اقداماتی کرده‌اند. ولی اقدامات گذشته آنها که به صورت جنگ‌های بدو واحد بوده است، آنها را به مقصد اصلی نرسانیده است. اگر چه از جنگ احد، قریشیان خوشحال برگشتند، ولی باز هم عقده قلبی آنها باز نگردید. زیرا هنوز پایگاه اسلام به جای خود باقی است و محمد و یارانش به روش خود ادامه می‌دهند. چند تن از یهودیان مدینه از جمله حنی بن اخطب به مکه آمدند و با سران قریش ملاقات و مذاکراتی انجام دادند. یهودیان اظهار داشتند: باید یک اقدام همه جانبه برای ریشه‌کن ساختن اسلام انجام دهیم که در آن از قبائل مختلف عرب کمک بگیریم و ما یهودیان هم آنچه قدرت داریم در این راه بکار می‌اندازیم. ابوسفیان و سایر اشراف قریش از این پیشنهاد استقبال کردند و آمادگی خود را اعلام داشتند.

سپس یهودیان نزد طایفه غطفان رفتند و با آنها نیز در این باره مذاکره و موافقت آنان را هم جلب نمودند. چند روز به تهیه مقدمات گذشت و آنگاه سپاهی عظیم بالغ بر ده هزار جنگجو، به فرماندهی ابوسفیان از مکه حرکت کرد. در بین راه هم گروهی از قبائل مختلف عرب به آنها پیوستند و مانند سیلی بنیان‌کن، به جانب مدینه سرازیر شدند. خبر حرکت سپاه مکه به رسول اکرم(ص) رسید و با یاران خود در این مورد به مشورت و تبادل نظر پرداخت. سلمان فارسی اظهار داشت: در کشور ما معمول است که چون سپاهی عظیم به ما حمله کند، دورتادور شهر را خندق حفر می‌کنیم که دشمن نتواند از همه جانب ما را مورد حمله قرار دهد. پیامبر اسلام(ص) این نظر را پسندید و مسلمانان به رهبری آن حضرت حفر خندق را آغاز کردند.

پاره کردن پیمان

سپاه قریش موقعی به حدود مدینه رسید که مسلمانان از کار خندق فراغت یافته و مانعی بزرگ در سر راه دشمن به وجود آورده بودند. مکیان از دیدن خندق دچار حیرت شدند. زیرا این کار در بین عرب سابقه نداشت. جنگجویان قریش، در نظر داشتند بدون پیاده شدن در مدینه کار مسلمانان را یکسره کنند و برگردند. ولی در این حال خود را ناچار دیدند که

خیمه‌ها برپا کنند و مدینه را محاصره نمایند. حنی بن اخطب، دیگر باره فعالیت خود را آغاز کرد و برای ملاقات کعب بن اسد فرمانروای یهودیان بنی قریظه، به پای قلعه آنها آمد. ولی کعب از پذیرفتن و ملاقات او امتناع نمود. حنی بن اخطب دست بردار نبود و با هر نیرنگی بود، کعب را راضی کرد که چند لحظه با او ملاقات نماید. در این ملاقات، حنی بن اخطب گفت: برای تو عزت دنیا را آورده‌ام. کعب گفت: به خدا قسم که تو ذلت و خواری دنیا را آورده‌ای.

گفت: اینک قبائل نیرومند قریش و غطفان با عزمی راسخ آمده‌اند که از اینجا باز نگردند تا کار محمد و یارانش را خاتمه دهند. حال موقع آن است که تو هم با ما هماهنگ شوی و ما را در این راه کمک کنی. کعب گفت: ما از محمد(ص) جز وفا و نیکی چیزی ندیده‌ایم. ما را به حال خود بگذار و بیرون شو. اما حنی بن اخطب، به قدری افسون و افسانه به گوش او خواند تا موافقتش را جلب نمود و عهدنامه عدم تعرضی را که بارسول خدا(ص) امضاء کرده بودند، پاره کرد.

این خبر، یعنی خبر پیمان شکنی یهود بنی قریظه در این موقع حساس، بروخامت اوضاع مدینه افزود و مسلمانان راسخت نگران ساخت. زیرا این مطلب از دوسوی حائز اهمیت بود. یکی آنکه نیروی قابل ملاحظه‌ای بر تعداد دشمنان می‌افزود و دیگر آنکه زحماتی که مسلمین در حفر خندق متحمل شده بودند، بی اثر می‌شد و دشمن می‌توانست از طریق اراضی و قلاع بنی قریظه به آسانی وارد مدینه شود.

همه حق، همه کفر

روزهای محاصره به طول انجامید. سپاهیان مکه احساس خستگی کردند و از اینکه تاکنون نتیجه‌ای به دست نیامده افسرده خاطر شدند. یکی از روزها عمرو بن عبدود همراه منبه بن عثمان و نوفل بن عبدالله بر اسب‌های خود نشست و از یکی از نقاط خندق، که عرضش کمتر بود با یک پرش اسب، خود را به اردوگاه مسلمین نزدیک ساختند. عمرو که سوابقش در میدان‌های جنگ بسی درخشان و

گاه در میدان جنگ، حریف تو، سه خواهش کند، اگر بتوانی هر سه و گرنه یک خواهش او را برآوری. عمرو گفت: چنین بوده است.

سه پیشنهاد

سپس علی (ع) فرمود: اینک من از تو سه خواهش دارم و روی پیمان خودت، باید حداقل به یکی از آن سه عمل کنی. گفت: کدام است سه حاجت تو؟ فرمود: اول آنکه دست از شرک و بت پرستی برداری و راه توحید و یکتا پرستی را برگزینی. محمد (ص) را پیامبر حق بدانی و در میان جامعه مسلمین با عزت و سعادت زندگی کنی.

گفت: اجابت این خواهش برای من غیر ممکن است. دومی را بگو. گفت: دوم آنکه از جنگ با ما بگذاری و از راهی که آمده‌ای برگردی. ما را با این اعراب خونخوار به حال خود بگذاری. اگر محمد (ص) بر حق نباشد، عرب‌ها کار او را فیصله می‌دهند و مسئولیت جنگ با او هم از شما برداشته خواهد شد.

عمرو گفت: این پیشنهاد، عاقلانه و قابل پذیرش است. ولی متأسفانه برای من، در این موقع امکان پذیر نیست. زیرا زن و مرد مکه مرا هنگام حرکت به یکدیگر نشان می‌دادند و می‌گفتند: فارس لیل به جنگ محمد می‌رود. اینک اگر برگردم سیل ملامت و سرزنش از همه جانب به سوی من روان خواهد شد. بگو پیشنهاد سومت چیست؟

علی (ع) گفت: سومین خواهش من آن است که پیاده شوی تا با یکدیگر بجنگیم. زیرا من پیاده هستم. عمرو با یک جستن، از اسب پیاده شد و در حالی که از قوت قلب و صراحت لهجه علی (ع) خشمگین بود، به سوی او شتافت و شمشیر خود را بر سرش فرود آورد. این ضربت آنچنان سهمگین بود که سپراز هم درید و مقداری از سر علی (ع) را شکافت.

علی (ع) بدون فوت وقت، زخم سر خود را برق آسا بست و پیش از آنکه فرصت حمله مجدد به عمرو داده شود، با یک ضربه شمشیر پاهای او را قطع کرد. تنه سنگین عمرو با شدت بر زمین افتاد. گرد و غباری غلیظ آن نقطه میدان را فرا گرفت. به طوری که هیچیک از دو حریف دیده نمی‌شدند. آنچه اکثریت مردم احتمال می‌دادند، پیروزی عمرو و کشته شدن علی (ع) بود.

سکوتی پر حیرت بر دو سپاه مسلط گشته و همه در انتظار نتیجه جنگ بودند. لحظه‌ای به این صورت گذشت. ولی ناگهان ندای الله اکبر در دشت و بیابان طنین انداخت. این ندا، ندای علی بود. نسیم ملایمی وزید. گرد و خاک را به یک سو کشاند. وضع میدان روشن شد. علی (ع) با فتح و پیروزی، در حالی که سر بریده عمرو را به دست داشت و قطرات خون از شمشیرش به خاک می‌افتاد، به سوی پیامبر اسلام (ص) آمد.

رسول خدا (ص) فرمود: ضربت علی در روز خندق گرانیهاتر است از عبادت جن و انس تا روز قیامت و این گفتار مبالغه نیست. زیرا اگر فداکاری علی در آن روز نبود، اساس اسلام به دست عمرو بن عبدود و سربازان احزاب، ویران می‌شد و اثری از خدا پرستی باقی نمی‌ماند.



.....

خبر حرکت سپاه

مکه به رسول

اکرم (ص) رسید

و با یاران خود

در این مورد به

مشورت و تبادل

نظر پرداخت.

سلمان فارسی

اظهار داشت: در

کشور ما معمول

است که چون

سپاهی عظیم به

ما حمله کند،

دور تا دور شهر

را خندق حفر

می‌کنیم که دشمن

نتواند از همه

جانب ما را مورد

حمله قرار دهد.

پیامبر اسلام (ص)

این نظر را پسندید

و مسلمانان به

رهبری آن حضرت

خندق را آغاز

کردند

بانگ شجاعتش سراسر منطقه عربستان را فرا گرفته بود، فریاد زد: کیست که به میدان من آید و با من زورآزمایی کند؟ نفس در سینه مسلمانان بند آمده و همه سر به زیر افکنده بودند.

رسول خدا (ص) خطاب به مسلمانان کرد و فرمود: کیست که به مبارزه با این بت پرست اقدام کند؟ در آن حال که سکوت مرگباری بر مردم حکومت می‌کرد و از هیچ جا صدایی شنیده نمی‌شد، یک صدا، آری فقط یک صدا از حنجره پاک و معصوم علی (ع)، به ندای رسول الله (ص)، جواب مثبت گفت، و اظهار داشت: یا رسول الله! من به میدان می‌روم! هنوز رسول اکرم (ص) با میدان رفتن علی (ع) موافقت نکرده بود، که مجدداً بانگ عمر بن عبدود از میان میدان شنیده شد که می‌گفت: من از بس مبارز طلبیدم، صدایم گرفت. چرا کسی جواب نمی‌گوید؟ ای پیروان محمد! مگر شما معتقد نیستید که اگر کشته شوید به بهشت می‌روید و اگر کسی را بکشید، مقتول شما در دوزخ خواهد بود؟ آیا هیچ یک از شما میل بهشت ندارید؟ دیگر باره علی (ع) از جا برخاست و گفت: ای رسول خدا (ص) جز من کسی مرد میدان او نیست. پیامبر اسلام (ص) موافقت فرمود و عمامه خود را بر سر علی بست و زره خود را بر او پوشانید و به او را به سوی میدان فرستاد و در عقبش دعا کرد و پیروزی او را از خداوند درخواست نمود.

علی (ع) با قدم‌های محکم به سوی میدان شتافت و خود را به عمرو بن عبدود رسانید و به این بیان عربده‌های مستانه او را پاسخ داد: آرام باش که اینک جوابگوی تو بدون کوچکترین عجز به سوی تو آمد. پاسخ دهنده تو فردی با ایمان و بصیر است و پاداش خود را از خداوند می‌خواهد. من امیدوارم که به زودی کنار نعشت زنان نوحه‌گر بنشانم. با ضربتی که آوازه و داستان‌ش در روزگارها باقی بماند.

رسول اسلام (ص) که از دور ناظر رو برو شدن علی (ع) و عمرو بود به یارانش چنین فرمود: اینک عالی‌ترین مظاهر ایمان - علی (ع) - با خطرناکترین جرثومه‌های شرک و بی‌ایمانی - عمرو بن عبدود - در برابر هم قرار گرفتند. عمرو که هرگز باور نمی‌کرد جوانی به این سن و سال جرئت میدان او را داشته باشد، با حیرت پرسید: کیستی ای جوان از خود گذشته؟ فرمود: من علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم هستم. عمرو که با شنیدن نام علی، خاطرات جنگ بدر و شجاعت بی‌نظیر او را به نظر آورده بود، گفتاری دوستانه آغاز کرد که شاید بدین وسیله از جنگ با علی (ع) و چنگ مرگ نجات یابد. لذا با لحنی خودمانی اظهار داشت: برادرزاده! واقعاً حیف است مانند تو جوانی به دست من به خاک و خون افتد، من هیچگاه دوستی با پدرت ابی طالب را فراموش نمی‌کنم. صلاح در این است که تو بجای خودت بازگردی تا کسی دیگر به میدان من آید.

علی (ع) تبسمی کرد و گفت: ولی مرا حیف نمی‌آید که فارس لیل به دست من از پای درآید و با شمشیر من به خاک و خون افتد. دیگر آنکه این سخنان را کنار بگذار و راجع به موضوع خودمان صحبت کن. من شنیده‌ام که وقتی دست به پرده کعبه زده بودی، با خدای خود پیمان کردی که هر

تدبیر رسول خدا

کشته شدن عمرو، پشت نیروی قریش را درهم شکست. منبه بن عثمان و نوفل بن عبدالله که همراه عمرو از خندق جسته بودند، با دیدن پیکر خونین او پا به فرار گذاشتند. نوفل هنگام فرار در خندق افتاد و مسلمانان به او سنگ می‌زدند و آخر کار او هم با شمشیر علی (ع) کشته شد.

شبی از شب‌ها که هنوز قوای دشمن، مدینه را در محاصره داشت و مسلمانان سخت‌ترین حالات را می‌گذراندند، مردی به نام نعیم بن مسعود از طایفه غطفان به حضور رسول اکرم (ص) شرفیاب شد و اظهار داشت: یا رسول الله! من اسلام اختیار کرده‌ام ولی هیچکس از مسلمانی من اطلاع ندارد. اینک من در اختیار شما می‌م‌روم. به هر چه فرمان دهی، اطاعت می‌کنم. رسول خدا (ص) فرمود: برو و در خفا به اسلام خدمت کن و در صورتی که بتوانی بین دشمنان تفرقه انداز. نعیم خدا حافظی کرد و یکسره به کنار قلعه بنی قریظه آمد. حلقه در را به صدا درآورد و پس از لحظه‌ای به درون قلعه راه یافت و با کعب بن اسد، رئیس بنی قریظه به مذاکره پرداخت و در خلال سخنانش چنین گفت: شما سوابق دوستی مرا با خودتان می‌دانید و من در چنین لحظات حساس که خطری عظیم شما را تهدید می‌کند، وظیفه خود دانستم که مطالبی را گوش‌زدتان کنم.

سپاه قریش و نیروی غطفان که اینک مدینه را محاصره کرده‌اند و شما هم با آنها هماهنگ شده‌اید، هیچیک ساکن این منطقه نیستید. چه غالب شوند و چه مغلوب، به وطن خود باز می‌گردند. ولی شما... آری شما با محمد همسایه و ساکن این سرزمین هستید. به من بگوئید: اگر قریش شکست خوردند و رفتند، تکلیف شما چه می‌شود و شما با محمد چه خواهید کرد؟ شما با کدام تضمین با قریش پیوسته‌اید؟ آیا قریش تعهدی به شما سپرده است که تنهایتان نگذارد و به دست دشمنان نسپارد؟

من معتقدم شما برای اطمینان از عواقب کار، چند تن از رجال و اشراف قریش و غطفان را بگیرید و به عنوان گروگان در قلعه خود نگهدارید. تا در صورت بروز حوادث نامطلوب، آن‌ها مجبور به یاری شما باشند. این سخنان را نعیم با حرارتی زائد الوصف و لحنی کاملاً صمیمانه ادا کرد و اثری عمیق در یهودیان نمود. آنها مثل اینکه از خواب گرانی بیدار شده باشند، از راهنمایی‌های نعیم تشکر کردند و تصمیم گرفتند به آن عمل کنند.

نعیم پس از آن به سوی سپاه قریش آمد و ملاقاتی با رجال و اشراف مکه به عمل آورد. در این ملاقات به ابوسفیان و سایر سران سپاه چنین گفت: آقایان! من از دوستان شما هستم. گزارش خیلی مهم و محرمانه‌ای به دست آورده‌ام که لازم بود فوراً شما را مطلع سازم. بدیهی است که شما هم در حفظ این راز بزرگ و پنهان نگاهداشتن آن کوتاهی نخواهید کرد.

شنیده‌ام که یهودیان بنی قریظه از پیمان شکنی خود پشیمان شده‌اند و برای جبران این لغزش، با محمد تماس گرفته و گفته‌اند: ما از کار خود شرم‌مده‌ایم و در مقابل حاضریم چند تن از رجال قریش را به عنوان گروگان



رسول خدا (ص)

فرمود: ضربت

علی در روز

خندق گرانبهار

است از عبادت

جن و انس تا روز

قیامت و این گفتار

مبالغه نیست.

زیرا اگر فداکاری

علی در آن روز

نبود، اساس

اسلام به دست

عمرو بن عبدود و

سربازان احزاب،

ویران می‌شد و

اثری از خداپرستی

باقی نمی‌ماند

بگیریم و تسلیم شما کنیم و آنگاه به اتفاق شما، با قریشیان بجنگیم. محمد (ص) هم به این پیشنهاد راضی شده و یهودیان به اجرای این نقشه مصمم هستند. اینک وظیفه شما است که اگر یهود، از شما گروگان خواستند، از اقدام به این کار خودداری ننمائید. سپس نعیم بارجال قریش خدا حافظی کرد و به دیدار سران قبیله غطفان شتافت. در آنجا هم پس از شرح دوستی و وفاداری و خویشاوندی خود با آنان، بیاناتی مانند آنچه با قریش گفته بود در میان نهاد و آنها را از خیانت یهود، سخت بیمناک و هراسان نمود.

آغاز اختلاف

روز بعد که روز شنبه بود، قریش هیأتی را به ریاست عکرمة ابی جهل نزد یهودیان فرستادند و پیغام دادند که توقف ما در این بیابان به طول انجامید، حیوانات ما هلاک شدند و بیش از این جای درنگ نیست. همین امروز آماده باشید که کار را یکسره کنیم. یهودیان اظهار داشتند: امروز روز شنبه است و ما روز شنبه به هیچ کاری اقدام نمی‌کنیم. به علاوه ما اساساً شرکت در جنگ نخواهیم کرد، تا شما چند تن از بزرگان خودتان را به ما گروگان بدهید، تا ما در این جنگ به کمک شما بشتابیم.

این سخن یهود، راستی گفتار نعیم بن مسعود را بر قریش آشکار ساخت و آنها گفتند: یک نفر را هم به شما نخواهیم داد. یهودیان هم از امتناع قریش در سپردن گروگان به پیش‌بینی نعیم آفرین گفتند و دانستند او درست گفته است و به این ترتیب اختلاف میان دو نیروی ضد اسلامی افتاد و در نتیجه مقدار قابل ملاحظه‌ای از قدرت خصم، کاسته شد. آن روز گذشت، جنگی هم واقع نشد و شب فرار رسید. از ابتدای شب، هوارو به سردی گذاشت و باد هم وزیدن گرفت. رفته رفته هوا به قدری سرد شد که قریش در خیمه‌ها آتش افروختند. باد هم بر شدت خود افزود تا حدی که خیمه‌ها را از جا کند. طناب‌ها پاره شد، آتش‌ها را پراکنده ساخت و زندگی قریش را برهم زد.

در آن شب رسول اکرم (ص) مرتباً در پیشگاه خداوند به راز و نیاز مشغول بود و برای دفع شر قریش از حق تعالی استمداد می‌کرد. حدیقه بن یمان می‌گوید: به دستور پیامبر اسلام (ص) در آن دل شب، برای کسب خبر، به سپاه قریش آمدم و خود را به خیمه ابوسفیان رساندم.

وضع عجیبی بود. همه از سرمای لرزیدند. خیمه‌ها به هم ریخته و همه آشفته بودند. ابوسفیان به اطرافیان‌ش گفت: می‌بینید. حیوانات ما تلف شدند. بنی قریظه با ما مخالفت کردند. این باد سرد خودمان را هم خواهد کشت. من معتقدم مانند ما در اینجا مصلحت نیست. اینک من آماده بازگشت به مکه‌ام. این سخن گفت و بر شتر خود نشست و به راه افتاد. سایرین هم به متابعت او، شبانه کوچ کردند و مدینه از محاصره نظامی که مسلمانان را به جان آورده بود، نجات یافت. صبح روز بعد، از سپاه نیرومند قریش، کسی در اطراف مدینه دیده نمی‌شد. مسلمین با چهره‌های خندان و دل‌های شادمان، رفت و آمد می‌کردند و شهر مدینه وضع عادی خود را باز یافته بود. □



بخش فرهنگ و هنر این شماره با گفتگو درباره فیلم «شب‌ی که ماه کامل شد» آغاز می‌شود. در این مصاحبه کارگردان فیلم درخصوص جنبه‌های مختلف آن توضیح می‌دهد و در کنار آن نقد کوتاهی هم درباره این اثر منتشر شده است. گزارشی درباره خالق شخصیت «حنظله» و معرفی چهار کتاب «دویدن تا مردی که جلوتر است»، «کت ولیعهدی»، «دل‌تنگ نباش» و «اوسنه گوهرشاد» مطلب‌های بعدی این بخش را تشکیل می‌دهند. در ادامه فیلم‌ها و کتاب‌هایی را که به دخالت انگلیس در امور کشورمان پرداخته‌اند معرفی کرده‌ایم و سپس گفتگویی با نویسنده کتاب عروسی «لاکچری» را منتشر کرده‌ایم. مقاله‌ای درخصوص اهمیت مطالعه و یادداشتی درباره ویژگی کتاب‌های صوتی مطالب بعدی این بخش هستند.

«فرهنگ و هنر»



روایت وحشتناک مسخ

ایستادگی علیه استعمار

غوطه‌وری در واژه‌ها

گفتگو با کارگردان «شبی که ماه کامل شد»

روایت وحشتناک مسخ

نرگس آبیاری از سال ۱۳۹۱ که اولین فیلمش «اشیا از آنچه فکر می‌کنید به شما نزدیک‌ترند» را ساخت تا امروز در مدتی در حدود نیم دهه راهی را طی کرده که برای برخی کارگردانان ممکن است سال‌ها طول بکشد. او با فیلم دومش «شیار ۱۴۳» توجه‌ها را به خود جلب کرد و موفقیت بزرگی را به ویژه نزد منتقدان تجربه کرد اما جایزه داخلی بزرگی را برایش به ارمغان نیاورد. اما فیلم آخرش «شبی که ماه کامل شد» بر خلاف فیلم‌های قبلی هم جوایز متعددی برای او به ارمغان آورد. آبیاری در «شبی که ماه کامل شد» توانسته از زاویه تأثیرگذار به ماجرای گروهک تروریستی جندالله و سرکرده‌اش عبدالمالک ریگی، نزدیک شود و تصویری باورپذیر از سوژه‌اش ارائه کند. «اندیشه پویا» در مصاحبه پیش رو در مورد این فیلم و جنبه‌های مختلفش با نرگس آبیاری به گفتگو نشست است که گزیده‌ای از آن را می‌خوانیم. ■

بله تمام اتفاقات مهم این فیلم واقعی است و مافقط در جزئیات دخل و تصرف کرده‌ایم. من در روند تحقیقات اطلاعات زیاد و جذابی در مورد جندالله، عبدالمالک و عبدالحمید به دست آوردم ولی سعی کردم برآیند منطقی این اطلاعات را در فیلم‌نامه استفاده کنم. من مطمئن نیستم که عبدالحمید واقعاً شعر هم می‌گفته یا نه. می‌دانستم عاشق پیشه بوده ولی شاعری یا نوازندگی طبل را خودم به شخصیتش اضافه کردم اما تمام چیزهایی که از عبدالمالک می‌بینید مال فیلم‌هایی است که دیده بودم. آن سکانسی را که عبدالمالک بین اعضا جندالله سخنرانی می‌کند و آخرش گریه می‌کند در فیلم‌هایی که به من داده بودند دیده بودم. برخی به خشونت فیلم انتقاد کردند ولی خشونت عبدالمالک خیلی بیش‌تر از این چیزی است که در فیلم می‌بینید من در فیلم فقط عملیات تاسوکی را آورده‌ام ولی خشونت‌هایی که ما از طریق رسانه‌ها مدام با آن روبه‌رو هستیم خیلی بیش‌تر از این‌هاست. این خشونت‌ها را مدام رسانه‌ها به خورد ما می‌دهند بی‌اینکه آن را تحلیل کنند حالا ما لاقلاً در فیلم یک روند دراماتیک را دنبال می‌کنیم و سرآخر هم نتیجه‌گیری داریم.

شما به فیلم‌های بازجویی عبدالمالک یا جزئیات پرونده‌ها هم دسترسی داشتید؟

نه! فقط یکسری فیلم از مصاحبه با ریگی را دیدم و فیلم‌های دیگری از پرس تی وی و یک جای دیگر در اختیار ما گذاشتند در مجموع بیش‌تر این فیلم‌ها در دسترس عموم هست. یکسری فیلم دیدیم که در مورد چند گروه مشابه در پاکستان بود و دیدنش واقعاً دردناک بود یا فیلمی دیدیم که چطور جندالله وارد یک پاسگاه می‌شود و در کمال خونسردی وارد خوابگاه سربازان می‌شود و سربازها را از خواب بیدار می‌کند و به جای دیگری می‌بردشان. بعدها من استفاده‌هایی از اینها در فیلمم کردم. مثلاً در فیلم‌هایی که از ریگی دیده بودیم می‌دیدیم که سعید پسر پنج - شش ساله فائزه، همه جا کنار ریگی است. در آن فیلم‌ها در مورد گروه‌های پاکستانی هم دیده بودم که مثلاً بچه‌های کوچک را مجبور می‌کنند مخبرین و خائنان را جلو بچه‌های دیگر ببرند. از ترکیب این دو صحنه آن صحنه را ساختم که عبدالمالک خمپاره را به دست سعید می‌دهد که در خمپاره اندازه جاگذاری کند.

به نظر شما «شبی که ماه کامل شد» یک عاشقانه است یا یک تریلر تروریستی؟

به نظر من فیلمی با یک تم انسانی است. مرکز توجه من در فیلم مسخ شدن عبدالحمید توسط ایدئولوژی برادرش است.

مثلاً سرنوشت ساز بازیگری فیلم شما شامل فرشته صدرعرفایی، هوتن شکیبا و آرمین رحیمیان است ولی الناز شاکردوست نقطه ضعف تیم بازیگری شماست. چه چیزی او را خاص می‌کرد برای سپردن این نقش؟

با شما موافق نیستم. الناز شاکردوست چهره زیبایی داشت

خانم آبیاری! شما جایی گفته بودید قبل از اینکه طرح فیلم‌نامه شبی که ماه کامل شد به شما پیشنهاد شود اساساً به پرداختن به مسئله رادیکالیسم مذهبی علاقه پیدا کرده بودید و سفرهایی به کمپ‌های نگهداری از آوارگان سوری در آلمان کرده بودید. این مسئله برای شما به عنوان یک فیلمساز فی‌نفسه چه جذابیت دراماتیکی داشت؟

نگاه رادیکال در هر معنایی برای من دغدغه بود. نه فقط سلفی‌ها که در مسیحیت و یهودیت و حتی بودیسم هم نگاه افراطی سابقه دارد و وجود دارد. هر جایی که ایدئولوژی و قدرت در کنار هم قرار می‌گیرند به هر حال افراطی‌گری به شکلی دیده می‌شود. بر اساس همان سفرهایی که به آنها اشاره کردید من طرح‌هایی هم نوشتم که خیلی جذاب هستند ولی این فیلم‌ها چون به شخصیت‌های غیرایرانی می‌پرداخت احتمالاً برای مخاطب ایرانی جذابیتی نداشت. این بود که این سوژه برای من موقعیت خوبی فراهم می‌کرد که به موضوع مورد علاقه‌ام بپردازم.

ظاهر آقبل از طرح «شبی که ماه کامل شد» طرح دیگری به شما پیشنهاد شده بود که محوریتش بر دستگیری عبدالمالک ریگی بود و شما این طرح را نپذیرفته بودید دلیلش چه بود؟

این طرح وجود داشت ولی به من پیشنهاد نشده بود. صرفاً در جاهایی مطرح بود که چنین فیلمی ساخته شود. اگر هم به من پیشنهاد می‌شد قطعاً نمی‌پذیرفتم چون برایم جذابیتی نداشت. این قدر مستقیم سراغ یک موضوع رفتن اساساً روش و سبک من نیست. طرح «شبی که ماه کامل شد» برای من جذاب بود چون از نگاه یک خانواده به موضوع نزدیک می‌شدیم و یک ماجرای عاشقانه و انسانی، محور فیلم بود. این بود که طرح «شبی که ماه کامل شد» را برای من جذاب می‌کرد و اتفاقاً وقتی شما از این زاویه حتی به یک موضوع امنیتی نزدیک می‌شوید ابعاد مختلف آن را بهتر می‌بینید و از روش پرداخت مستقیم به موضوع تأثیرگذارتر است.

چقدر در نوشتن فیلم‌نامه به واقعیت وفادار بوده‌اید و چقدر در واقعیت دست برده‌اید؟ تمام نقاط عطف فیلم‌نامه مستند هستند؟ مثلاً حمله نیروهای امنیتی به آن بیمارستان در کویت برای نجات فائزه یا تلاش آن تک‌تیرانداز برای زدن عبدالمالک در پیتزا فروشی واقعاً اتفاق افتاده است؟

یک عاشقانه ناآرام

■ کیوان کثیریان

«فیلم تازه نرگس آبیاری یک عاشقانه است در دل خشونت افراطی. یک داستان پرتنش از یک ماجرای ملتهب معاصر. نقد کوتاه زیر درباره این فیلم، برگرفته از سایت سینما سینما به قلم کیوان کثیریان است.

آبیاری قصه‌اش را روان روایت می‌کند و توانسته به لحنی متناسب با ماهیت قصه دست یابد. فیلم پر از جزئیات مفید است، غافلگیری‌ها و تعلیق‌های حساب شده دارد، اطلاعات را سرصبر و به موقع منتقل می‌کند و با وجود زمان طولانی، ریتم مناسبی دارد و خسته‌کننده نیست.

پرداختن به ماجرای واقعی عبدالمالک ریگی و نزدیک شدن به فضای حاکم بر گروه تکفیری‌ها جسورانه است، طرفه آنکه فیلم تا حد زیادی از خطر گرفتار شدن به دام شعارزدگی و یکسونگری جان سالم به دربرده است.

شاید ورودی داستان اولیه و حکایت شکل‌گیری رابطه زن و مرد اصلی نیاز به پرداخت جزئی‌نگرانه‌تری داشت تا شکل رابطه این دو که در ادامه داستان، بسیار به کار می‌آید، از سطح فاصله بگیرد و باورپذیرتر باشد.

صحنه‌های درگیری و نبرد مسلحانه فیلم گرچه خوب و پرکشش از آب درآمده، ولی می‌توانست با جزئیات افزون‌تر و مکث بیشتر روی وجه اکشن ماجرا به نمایش درآید، چرا که درک خشونت بی‌منطق و افراطی تکفیری‌ها و قدرت بالای نظامی این گروه، پرداخت دقیق‌تری می‌طلبد.

شخصیت پردازی و تغییر تدریجی کاراکترها در گذر قصه، در غالب موارد، به درستی طراحی شده و باورکردنی از آب درآمده. ورود قصه به موقعیت بحرانی هم نرم و تدریجی اتفاق افتاده است.

بازی فرشته صدرعرفایی و هوتن شکیبا ستودنی است و آبیاری هم نشان داد در کارگردانی، به مرز پختگی رسیده و فرصت خوبی برای نمایش توانایی‌هایش یافته است. این بهترین فیلم اوست و می‌شود امیدوار بود کارگردانی مسلط و قابل اتکا به سینمای ایران اضافه شده است. □

برای نقشی که من می‌خواستم و چهره‌اش کمی بدوی و وحشی هم بود که باز برای این نقش لازم بود. من می‌خواستم یک دختر جنوب شهری بسازم و این نقش انگ‌الناز بود. بازی‌اش هم خیلی به اندازه بود در این فیلم. فرشته صدرعرفایی، هوتن شکیبا و آرمین رحیمیان به دلیل گرم و لهجه‌شان مجال بیشتری برای نمایش کارشان داشتند و شاید همین باعث شده بازی‌شان بیشتر پسندیده شود اما من از کارالناز در این فیلم خیلی راضی بودم. او قرار بود یک دختر جنوب شهری از یک خانواده معتدل مذهبی را بسازد که ساخته است. شاید این واکنش شما به دلیل پیشینه الناز شاکردوست در فیلم‌های سینمایی بدنه باشد. فکرمی‌کنم تماشاگر عام هم وقتی ببیند بازیگری مثل الناز شاکردوست چقدر تلاش کرده تا نقش متفاوتی را ایفا کند، جذب فیلم شود. بازی الناز در سکانس آخر به نظرم درخشان بود و در کل فیلم، بازی‌اش به اندازه بود و این هنر بزرگی است برای بازیگر که به جای ترک تازی، به اندازه بازی کند. مهران احمدی هم در نفس همین طور بود. حتی اگر در همین فیلم هم فرشته صدرعرفایی و نقش غمناز نبود احتمالاً نقش شب‌نم مقدمی هم بیش‌تر به چشم می‌آمد.

حساسیتی روی فیلم اعمال نشد؟

چرا در آن صحنه‌ای که برادر کوچک عبدالحمید در درگیری با نیروهای امنیتی کشته می‌شود به ما گفته شد بهتر است چنین صحنه‌ای در فیلم نباشد ولی نمی‌شد این را حذف کنیم، چون کشته شدن برادر عبدالحمید نقش مهمی در افراطی شدن او داشت.

از فیلم اول تان تا امروز کارنامه خیلی متنوعی داشته‌اید و هر فیلم تان دنیا کاملاً متفاوتی با فیلم قبلی بوده است طوری که حالا نمی‌شود گفت فیلم بعدی نرگس آبیاری چه جور فیلمی است. خودتان آینده کاریتان را چگونه می‌بینید؟

خب حالا دیگر سیم‌رغ کارگردانی جشنواره فیلم فجر را گرفته‌ام و دلم می‌خواهد فیلم بعدی ام فیلمی بسیار شخصی‌تر باشد. برایم مهم نیست که فیلم بعدی ام خیلی آوانگارد باشد و خیلی هم مخاطب پسند نباشد. ممکن است عده‌ای از این حرف من نگران شوند ولی شاید الان وقتش باشد فیلمی خیلی دلی‌تر بسازم و به مناسبات اقتصادی سینما فکر نکنم چون فکر می‌کنم از دل این کارهاست که سینمای من جلو می‌رود و پیشرفت می‌کند. □



PALESTINE



آشنایی با کاریکاتوریست مبارز، شهید ناجی سلیم العلی طنز تلخ حنظله

ناجی سلیم العلی که با خلق شخصیت‌های کاریکاتوری از جمله «حنظله» به جنگ با صهیونیست‌ها پرداخت، در نهایت در پرونده جنایتی مشکوک هدف ترور واقع شد. به گزارش «مهر» درست ۳۲ سال پیش در چنین روزهایی وقتی مردم لندن از لا به لای خیابان‌ها و کوچه‌های خاکستری و بی روح لندن مشغول رفت و آمد بودند، ناگهان صفیر گلوله‌ای همه چیز را تغییر داد و عابران را برای یک لحظه متوقف کرد. گزارش زیر به مناسبت سالروز شهادت ناجی سلیم العلی خالق «حنظله» تهیه شده است.



شباهت ناجی و حنظله

در مورد سرنوشتی که برای حنظله به عنوان یک شخصیت خلق شده ناجی سلیم می‌گوید او سنی مذهب است و بعد از ۱۰ سالگی مجبور به ترک فلسطین شده است. در آثار ناجی سلیم حنظله همیشه پابره‌نه و با پیراهن ژنده به تصویر کشیده می‌شد و در کاریکاتورهای در حال سنگ‌پرانی یا شعارنویسی است. ناجی سلیم به این دلیل او را پشت به همگان به تصویر می‌کشید که حنظله از اقدامات جامعه بین المللی برای آزادی فلسطین ناامید است و با همه آنها تازمان تحقق آرمانش قهر کرده است. او به نوعی نظاره‌گر تمام جنایات صهیونیست‌ها و مظلومیت مردم فلسطین است و به صورت سمبلیک مقاومت فلسطینی‌ها را نشان می‌دهد.

شهید مرتضی‌آوینی درباره ناجی العلی و خلق شخصیت حنظله این گونه نوشت: «حنظله مظهر یک حضور سمبلیک است، شاهد همه مصائبی که بر ملت او می‌رود. حنظله شاید خود ناجی العلی باشد، پسری یک دنده و لوج و پابره‌نه، با شانه‌هایی آویزان و دست‌هایی گره خورده از پشت.»

آنچه که شهید آوینی در مورد ناجی سلیم اشاره می‌کند نکته درستی است چرا که این هنرمند فلسطینی در سال ۱۹۳۷ متولد شد و در نهایت بعد از اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸ به همراه خانواده‌اش به جنوب لبنان مهاجرت کرد و در اردوگاه عین الحلو ساکن شد. این اتفاق در ۱۰ سالگی زندگی ناجی سلیم افتاد و بعد از آن هم به دلیل فعالیت‌های صهیونیست ستیزانه بازداشت شد. او بسیاری از اوقات خود را در زندان سپری کرد و طرح‌های خود را روی دیوارهای زندان رژیم صهیونیستی می‌کشید. ارتش لبنان نیز چندین باروی را بازداشت کرد.

مردی میانسال که از پشت سر گلوله به او اصابت کرده بود شاید برای خیلی از عابران فرد مهمی نبود، هرچند شلیک گلوله به این شکل نمی‌توانست عجیب نباشد. اما در عالم سیاست چهره فردی از روی زمین محو شده بود که برای بسیاری اهمیت داشت.



«ناجی سلیم العلی» کاریکاتوریست همان فردی بود که در میانه راه رسیدن به دفتر روزنامه «القبس» کویت (در منطقه نایتزبریج لندن) هدف گلوله قرار گرفت. بعد از شلیک ناجی سلیم ۳۸ روز در شرایط ناگوار قرار داشت و در نهایت بر اثر جراحات وارده از دنیا رفت. البته فلسطینیان معتقدند او «شهید» شد، چرا که فعالیت حرفه‌ای ناجی سلیم با اسم مستعار «علی الادهمی» در مطبوعات همواره به نفع مردم مظلوم این سرزمین بوده است.

در پی قتل ناجی سلیم هیچکس مجرم شناخته نشد، شاهدان هم به درستی آنچه در صحنه جنایت اتفاق افتاد را شرح ندادند با این حال بعد از گذشت ۳۰ سال پلیس لندن باز به سراغ افرادی رفته است که ممکن است قصدشان را برای شهادت دادن در مورد این پرونده تغییر داده باشند، اما مردم فلسطین باور دارند که این جنایت کار سرویس امنیتی رژیم صهیونیستی (موساد) باشد.

شهید راه حق

ناجی سلیم یک «شهید» است. هرچند گزاره‌ای که فلسطینیان به آن باور وای بسا یقین دارند اثبات نشده است. اما نگاهی به فعالیت حرفه‌ای ناجی سلیم در مطبوعات به عنوان کاریکاتوریست این گزاره را اثبات می‌کند. اصلی‌ترین شهرت ناجی سلیم خلق شخصیتی کارتونی با عنوان «حنظله» بود که به عنوان نماد مصور مردم فلسطین و نشانگر سرنوشت تلخ اهالی این سرزمین شناخته شد. حنظله به معنی سیب تلخ است و تصویری که ناجی سلیم او را حنظله نامید کودکی ۱۰ ساله فلسطینی بود که اولین بار در روزنامه کویتی «السیاسه» به تصویر کشیده شد و از سال ۱۹۷۳ ناجی سلیم او را پشت به بیننده و با داستان قلاب شده در پشت سر ترسیم کرده است که قامت آن کمی خمیده به نظر می‌رسد.



۱ رد پای موساد

در مورد قاتل این کاریکاتوریست معروف عرب گفته می‌شود فردی به اسم «اسمائیل سوآن» در ۲۸ سالگی مرتکب جنایت شده است، در سوابق وی آمده است سوآن متولد بیت المقدس و عضو سازمان آزادی بخش فلسطین بوده است. با این حال سازمان فوق ارتباط خود را با این پرونده جنایت رد کرد. سوآن هم در بازجویی‌ها به این نکته اشاره کرد که جاسوسی دوجانبه بوده است که برای سرویس اطلاعاتی «موساد» کار می‌کرده است.

اهمیت این ماجرا تا آنجا بود که پس از اعتراف سوآن، «مارگارت تاچر»، نخست وزیر وقت انگلستان دفتر سرویس اطلاعاتی اسرائیل در لندن در قصر سبز در منطقه کنزینگتون لندن را تعطیل کرد و سه دیپلمات ارشد اسرائیلی را از انگلستان بیرون کرد که یکی از این سه دیپلمات وابسته فرهنگی سفارت اسرائیل در لندن بود.

۲ ناجی زنده است

ناجی سلیم العلی در نهایت در قبرستان «بروک وود» به خاک سپرده شد و پس از شهادتش به پاسداشت نام او مرکز فرهنگی در شهر بیروت با عنوان «مرکز فرهنگی ناجی العلی» ایجاد شد، روزنامه «السفر» نیز مسابقه کاریکاتوری به نام وی برگزار کرد. یکی از فرزندان او به اسم «خالد» هم سلسله کاریکاتورهایی از پدرش را در چند کتاب جمع‌آوری کرد؛ کتاب‌هایی که بسیاری از آنها به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی و... ترجمه شده‌اند. □



۳ خط‌های شماتت کننده

شخصیت حنظل امروز در کشورهای انگلیسی زبان معروف است و مردمان این کشورها ترجیح می‌دهند او را «هندلا» خطاب کنند. اما ناجی سلیم علاوه بر خلق شخصیت حنظل که امروز دیگر جهانی شده است، ۴۰ هزار کاریکاتور مختلف تا قبل از اینکه توسط عوامل ناشناس در ۲۹ جولای ۱۹۸۷ ترور شود به یادگار گذاشت که در آنها رژیم‌های عربی و اسرائیل را مورد شماتت قرار داد.

وی همچنین کاریکاتورهای جنجالی دیگری را به نمایش کشید که از جمله آنها می‌توان به کاریکاتورهایش در خصوص سران فلسطینی سازشکار و سران عرب اشاره کرد که در ناز و نعمت و عیش زندگی می‌کردند و به مسأله فلسطین خیانت می‌کردند. ناجی علی همچنین کاریکاتور یک شخصیت سرباز اسرائیلی «دماغ دراز» را نیز به تصویر کشید به گونه‌ای که وی در مقابل سنگ‌های پرتاب شده از سوی فلسطینیان، دست پاچه شده است.

ناجی شخصیت‌های اصلی دیگری را هم در کاریکاتورهای خود داشت که از جمله آنها می‌توان به شخصیت زن فلسطینی اشاره کرد که ناجی او را در بسیاری از کاریکاتورهایش فاطمه معرفی می‌کرد.

شخصیت فاطمه در کاریکاتورهای ناجی شخصیتی بود که سازش نمی‌کرد و رویاهایش در قبال مسأله فلسطین و راهکارهای حل این مسأله کاملاً واضح و شفاف بود. ناجی همسر فاطمه را نیز به گونه‌ای تصویر کرده بود که برخی مواضع شکننده بود.

شخصیت فاطمه

در کاریکاتورهای

ناجی شخصیتی

بود که سازش

نمی‌کرد و

رویاهایش در

قبال مسأله

فلسطین و

راهکارهای حل

این مسأله کاملاً

واضح و شفاف

بود. ناجی همسر

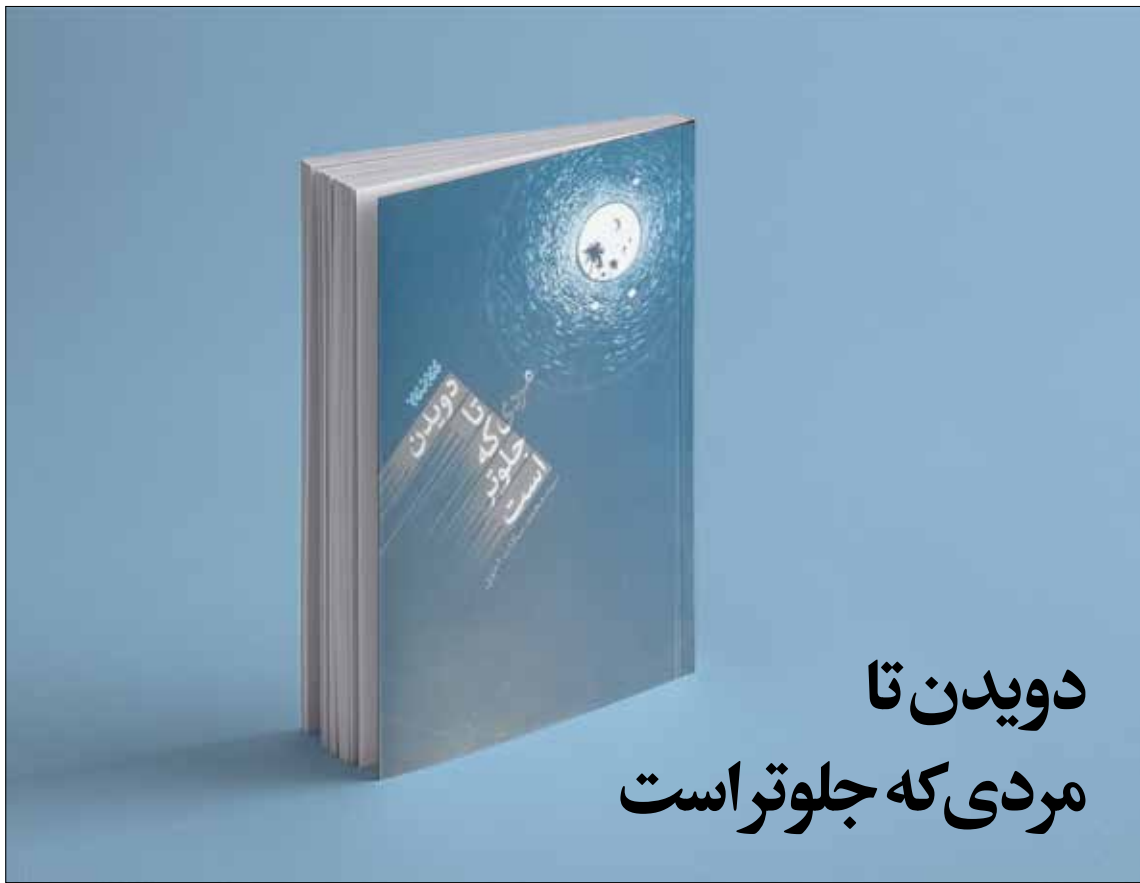
فاطمه را نیز به

گونه‌ای تصویر

کرده بود که برخی

مواضع شکننده

بود



دویدن تا مردی که جلوتر است

صفحه خوب، به ترکیبی عالی و چینی مناسب همان فضا دست یافته است.

با آنکه کتاب از نظر فرمی، واجد ویژگی‌های فراوانی است اما نباید از یاد برد مفهوم تاریخی که درون متن است، چیزی فراتر از معنا به آن می‌افزاید. چیزی که هیچ کارشناس و متخصص فرمالیستی قادر به توضیح آن نیست.

طرح جلد کتاب نیز یکی دیگر از ویژگی‌های مهم کتاب است. با توجه به فاصله زمانی ما با اتفاقات آن روز، یکی از بهترین فرم‌ها برای منعکس کردن فضای آن دوران در فضای حال، استفاده از فضاها و نمادین است. ماه درخشانی که در کنج سمت راست، روی جلد قرار دارد، مفهومی چندبعدی است. از یک سو نشان دهنده بزرگی و بلندی شخصیت امام علی (ع) است. از سوی دیگر، هنگامی که در جزئیات آن دایره درخشان خیره می‌شویم، نخل‌های زیادی را می‌بینیم که خود دو جنبه مهم دارد. از یک سو ارجاع به مکان داستان دارد و از سوی دیگر، تلاش‌های امیرمؤمنان در پایدار ماندن اسلام در روزهای بعد از رحلت پیامبر و خصوصاً ماجرای سقیفه است. در وجهی دیگر، آن ماه درخشان، چاهی است که پیشوای پرهیزگاران در روزهای اندوه و تنهایی خود، بر سر آن چاه می‌رفت و از ظلمی که بر او و همسر و سیره پیامبرش شد، سخن می‌گفت.

در واقع، این ما هستیم که افتاده در چاه تاریک دنیا، مولایمان را می‌بینیم که جلوتر از ما ایستاده است، دست به سمت ما دراز کرده است و می‌خواهد ما را از دنیای مادی به جهان بالاتر بکشاند. رمان «دویدن تا مردی که جلوتر است» به نویسندگی سید محمد سادات اخوی، توسط نشر کتابستان معرفت منتشر شده است. □

«رمان و داستان نوشتن درباره تاریخ قدمتی به اندازه خود تاریخ دارد؛ خصوصاً رمان‌هایی که درباره وقایع تاریخی-دینی نگاشته شده‌اند. با این همه و علی‌رغم وجود منابع فراوان و دسترسی آسان به آنها نوشتن درباره تاریخ راه رفتن روی لبه شمشیری تیز است. «دویدن تا مردی که جلوتر است» را باید یکی از شجاعانه‌ترین آثاری دانست که درباره وقایع پیش و پس از رحلت جانشوز پیامبر نگاشته شده است. سید محمد سادات اخوی در رمان خود، بی‌آنکه بخواهد مسئله وحدت را پایمال اهداف داستانی خود کند، با اتکا به منابع تاریخی دست اول و همین‌طور چیرگی و تسلطش بر نوشتن، داستانی خلق کرده است تا از اتفاقات آن روزها بگوید.

این‌گونه نوشتن ویژگی کوچکی نیست. در فضای امروز که پراز فتنه‌های فراوان است سخن حق را گفتن ولو آنکه به مذاق برخی خوش نیاید کار راحتی نیست. این راه باید اضافه کرد که نویسنده صرفاً به توصیف و روایت یک واقعه تاریخی نپرداخته است. بلکه به مرحله‌ای فراتر رفته است. همان‌گونه که ارسطو درباره هنر و مفهوم پالایش سخن گفته است، «دویدن تا مردی که جلوتر است» در پی پالودن روح و ذهن مخاطب از تیرگی‌ها و غبار آن روزهاست. این میسر نمی‌شود مگر با ماجرای قصه محور تا مخاطب به خوبی درگیر آن شود.

روی دیگر شجاعت رمان «دویدن تا مردی که جلوتر است» در بیان شجاعت‌های مردی است که جهان ویژگی‌های او را به سختی باور می‌کند. این ناباوری نه تنها به صورت مفهومی در داستان خلق شده بلکه به خوبی در فرم ماجرا نیز در هم تنیده شده است. آنجا که سلما، معشوق تیهان، با بهت و حیرت فراوان، هنگام شنیدن فضایل امام علی (ع) علی‌رغم شناختی که از پسرعموی پیامبر دارد، باز هم در پی توجیه این سخنان است و آن را تعریف یک پسرعمو از پسرعموی دیگرش می‌داند.

شخصیت پیشوای پرهیزگاران آن قدر عظیم و والا است که پس از پانزده قرن، هنگام سخن گفتن از ویژگی‌هایش، مخاطب را در حیرتی فراوان فرو می‌برد. دقیقاً همان‌گونه که موسوی گرمارودی در ستایشش گفت: «پیش از او، هرگز هیچ اقیانوسی عمود نایستاده بود.»

زبان شیرین و پراحساس نویسنده در رمانش نیز یکی دیگر از عوامل جذب مخاطب به این کتاب است. گرچه سلیقه نگارنده بیشتر به مسئله قصه‌گویی است و از احساسات گرای فراوان در متن چندان استقبال نمی‌کند اما با این همه، زبان نویسنده پاکی خود را حفظ کرده است و مخاطب را درگیر خود کرده است. مخصوصاً فصل افتتاحیه که با یک طراحی

که نماینده قدرت است، از نامزدی منصرف می‌شود؛ ولی رضوان بندری نماینده قشری می‌شود که تسلیم را نمی‌پذیرند و همچنان مقاومت می‌کند. در نهایت رأی‌گیری انجام می‌شود و بار دیگر موضوع وحدت به میان می‌آید؛ نقطه‌ای که افجه‌ای فقط بایک رای نماینده می‌شود.

۴ جان

جان داستان آشنایی راوی و پسر آمریکایی در شهر اهواز است. راوی که دوست دارد با پسری خارجی به نام پیت آشنا شود، رفتاری خشونت‌آمیز از وی می‌بیند. پیت سگش را به جان راوی می‌اندازد. در این داستان به خوبی خشونت روانی به نمایش گذاشته است؛ خشونتی که شاید برخاسته از نژادپرستی و برتری پیت به زعم خودش باشد.

۴ سمندر

این داستان و داستان بعدی، «صدای بهار»، از جنس همان داستان‌هایی است که به نظر می‌رسد خواننده در لابه‌لای داستان رها شده است. شروع و پایانی دارد که خواننده را سردرگم می‌کند و به نظر می‌رسد هیچ‌یک از فاکتورها و انسجامی که در سه داستان قبل به چشم می‌خورد، در این دو داستان وجود ندارد. «سمندر» روایتگر داستان فردی است که به دنبال یک خیز بلند است؛ اما در سلولی که از طرف دوستش در آن گرفتار شده و کاری از پیش نمی‌برد. رفاقتی که به خاطر اعتمادی بیجا شکل گرفته و در نهایت به زندانی شدن او می‌انجامد.

۴ صدای بهار

این داستان روایتگر مشتی‌یادالله باغبانی است که آمدنش حکایت از آمدن بهار دارد. در این داستان پرش چهارساله زمان را می‌بینیم، جزئیات به فراموشی سپرده شده است و در نهایت، پسری نوجوان را می‌بینیم که با آمدن بهار، با سردادن شعار «مرگ بر شاه»، سر بازی خوشش را می‌ریزد. در اینجا آمدن بهار و شهادت، پیوندی عمیق با یکدیگر می‌خورند؛ اما نویسنده در القای این مفهوم موفق عمل نکرده است و فقط راوی خاطره‌ای گنگ است.

۴ کت ولیعهدی

چاشنی طنز و فانتزی در این داستان بسیار به چشم می‌خورد. این داستانی فردی است به نام رضا که از سوی پدرش، «ولیعهد رضا» نام گرفته است. داستان تا جایی پیش می‌رود که راوی خود را در ظاهر و باطن شبیه ولیعهد می‌کند و حتی در خیالاتش با او شیرینی خامه‌ای می‌خورد. داستان «کت ولیعهدی» از شوق مردمان و کودکانی می‌گوید که شهر را آذین بسته و دانش‌آموزان مدرسه با لباس‌هایی نوبه پیشوا و ولیعهد می‌روند؛ اما در نهایت پس از ساعت‌ها انتظار در گرمای طاقت‌فرسا، با منظره‌ای غیرمنتظره روبه‌رو می‌شوند. ولیعهد آن‌ها را قابل ندانست که از هلی‌کوپتر پایین بیاید و در کنارشان باشد و فقط به دست تکان دادن از هلی‌کوپتر اکتفا کرد. □



کت ولیعهدی

■ مهدیس میرزایی اعتمادی

« رفیع افتخار متولد ۱۳۳۹ در تهران و کارشناس ارشد کشاورزی است. او تألیف و ترجمه برای نوجوانان را از سال ۱۳۶۹ آغاز کرده است. کت ولیعهدی، آخرین اثر او در حوزه انقلاب، برای رده سنی کودک و نوجوان نوشته شده است که بارگه‌های طنز و با موضوع انقلاب اسلامی به وقایع و داستان‌های دوره پیش و بعد از سال ۱۳۵۷ می‌پردازد. «پسر عموها»، «آزادی»، «جان»، «سمندر»، «صدای بهار» و «کت ولیعهدی» نام داستان‌های کوتاه کتاب است.

۴ پسر عموها

«پسر عموها» داستان وحید و پسر عموهایش فرشید، فرشاد و فرید است که ضمن شعارنویسی، در تظاهرات ضد نظام هم شرکت می‌کنند. در این داستان، دو خانواده با دو سیستم تربیتی کاملاً متفاوت به تصویر کشیده می‌شوند. یکی نماینده قدرتی است که گرچه به دنبال ایجاد رعب و وحشت است تا قدرت رو به زوال خود را حفظ نماید، کاری از پیش نمی‌برد. خانواده دیگر نماینده افرادی است که هنوز اعتماد لازم را برای تغییر در نظام حاکم نپذیرفته‌اند. راوی و پسر عموهایش نیز نماینده افراد انقلابی جامعه‌اند. اما در نهایت هر دو به یک نقطه، یعنی وحدت و شرکت در تظاهرات می‌رسند.

۴ آزادی

آزادی داستان انتخاباتی است که نتیجه‌اش از پیش تعیین شده و قرار است افجه‌ای که پدری ارتشی دارد، به عنوان نماینده دانش‌آموزی حزب رستاخیز معرفی شود؛ اما راوی و دانش‌آموزی به نام محمود رضوان بندری، این نمایش فرمالیته را بر نمی‌تابند و برخلاف میل آقای حجابیان، ناظم دبیرستان، به عنوان کاندید خود را معرفی می‌کنند. در اینجا تقابل سه ضلع قدرت، مقاومت و تسلیم شدن به خوبی دیده می‌شود. راوی از ترس حجابیان



دلتنگ نباش

احمد محمدی

برای امرار معاش، سیلی خوردن در امر به معروف و نهی از منکر، مقید بودن به نماز اول وقت، احترام به والدین و ... شخصیت این جوان ۲۶ ساله را برای مخاطب به خوبی آشنا می‌کند.

روایت حضور در سوریه روی دور تند

«دلتنگ نباش» روایتی تقریباً چهار ساله از روزهای پیش از شهادت روح‌الله است و مخاطب، تصویر روشنی از خردسالی و نوجوانی او را نمی‌بیند. همچنین، احتمالاً به دلایل امنیتی و البته تسلط کم‌تر روی اصلی (زینب فروتن، همسر شهید) حضور در سوریه و دفاع از حرم، با دور تند روایت شده است. «دلتنگ نباش» را باید در زمره آثار یادداشت که روایت فتح (ناشر کتاب) پیش‌تر با عنوان «نیمه پنهان ماه» منتشر کرده است. با این تفاوت که آن سلسله کتاب‌ها، روایت همسران سرداران و شهدای شاخص جنگ تحمیلی بود و این کتاب، مثل ۱۳ کتاب دیگر «مدافعان حرم» روایت همسر شهیدی از سوریه.

در روایت خانوادگی باقی نمایم

نکته پایانی اینکه هر چند ضرورت نگارش و نشر این کتاب‌ها، مسلم است، اما ناشرانی چون روایت فتح نباید کار را تمام شده بدانند و مستندنگاری از حماسه‌های مدافعان حرم در جریان مقابله با دشمنان تکفیری و سلفی را فراموش کنند که اگر چنین باشد، زندگی مدافعان حرم در عرصه و حیطه مناسبات شخصی و خانوادگی باقی می‌ماند. رهبرانقلاب درباره این اثر نوشته‌اند: «بسمه تعالی. سلام و رضوان خدا بر شهید عزیز روح‌الله قربانی. از همسر شهید باید تشکر شود به خاطر فرستادن این کتاب و از ایشان و خانم مولایی به خاطر تدوین این اثر. ۲۸/۹/۹۷» □

«دلتنگ نباش» صدها قصه دارد، اما رمان و داستان نیست که آدم‌ها و موقعیت‌هایشان را بجوایی و نیایی. روح‌الله قربانی، یک جوان ۲۶ ساله است که در دانشگاه امام حسین (ع) تمام دوره‌های سخت و طاقت‌سوز آمادگی جسمانی برای حضور در جنگ‌های دشوار و پیچیده را دیده و عاقبت در دفاع از حرم اهل بیت (ع) در شهر حلب سوریه به شهادت می‌رسد، اما مسیری که او را به افتخار شهادت رسانده، در کتاب به خوبی ترسیم شده است. روح‌الله، نشانه‌ها و اشاره‌هایی در این شهر دارد که دست یافتنی و در مسیر روزانه همه ما هستند. او، برخاسته از حیاتی است که یک عالم عارف زاهد پرنفوذ، افکار هزاران تن از جوانان مؤمن و انقلابی را رهبری کرده است. شیفتگی روح‌الله نسبت به حاج آقامجتبی تهرانی و البته بیزاری‌اش از «آقا جون بازی» های رایج در فضا‌های مذهبی، همچنین دلبستگی‌اش به محیط معنوی مسجد امام حسین (ع) و پیش‌نمازش، حاج آقا لواسانی، او را یک جوان مسجدی. حیاتی بار آورده که اهل افراط و تفریط نیست. هر چند زینب، همسر شهید روح‌الله قربانی، راوی اصلی کتاب است و نشانه‌گذاری‌ها در جغرافیای تهران، محصول ذهن پویا و دقیق اوست، اما انس و رابطه قلبی روح‌الله با حاج آقامجتبی و دیگر قهرمانانش، ما را از جا می‌خیزاند که پی‌کشف این قهرمان‌ها برویم و موقعیت‌های معرفی شده در کتاب را ببینیم؛ شاید اعتبار هم‌نفسی با صاحبان انفاس قدسی را درک کنیم.

خط طلایی

«دلتنگ نباش» که تمام شد، صبح علی‌الطلوع به جاده کوتاه بین تهران تا بهشت زهرا زدم و با مداد جمعه سر مزار روح‌الله بودم. سنگی کشیده و مرمرین بر زیارتگاهش بود و همان تصویری که روی جلد کتاب هست، روی مزار آن نازنین نقش بسته بود. سنگ مزار روح‌الله یک نکته جالب هم داشت که نشان می‌داد این جوان، چقدر به مادری که در ۱۵ سالگی از دست داده، دل بسته بوده است؛ دلبستگی‌هایی که زینب فروتن در جابه‌جای کتاب، آن را روایت کرده است. پایین مزار با خط طلایی نوشته: «مزار مادر شهید، مریم‌السادات میرزایی، قطعه ۲۳۱، ردیف ۴۶، شماره ۱۲».

«دلتنگ نباش» سرشار از حس‌های خوب در حوزه روابط خانوادگی و شخصی و ملامال از نکته‌ها و جزئی‌نگری‌ها در حریم رفاقت و دوستی است که مجموعه این‌ها، سلوک فردی و اجتماعی شهید روح‌الله قربانی را می‌سازند. نمونه این‌ها، انداختن سفره جداگانه در مهمانی شام منزل دوستان روح‌الله است. سخت‌کوشی و سختی‌پذیری، کار کردن با موتورسیکلت



اوسنه گوهرشاد

که او شخصیت هایش را سوار کالسکه زمان کرده تا برود و صرفاً ببیند از نزدیک که آنجا چه پیش آمد. او نمی خواهد در تاریخ دست ببرد. نمی خواهد چیزی را تغییر بدهد. کار او، نظارت است و از همین رو خلاف آن سریال کارش به قضاوت تاریخ نمی افتد چندان. حالا مدتی است حنای این حرف ها رنگی ندارد اما کدام اهل حرفه ای در ادبیات جهان است که نداند مسیر جهانی شدن ادبیات یک سرزمین از غنای ادبیات بومی آنجا می گذرد. آن ها چه کار دارند که ما چگونه بوطیقای داستان نویسی آنها را کپی کرده ایم یا این کپی کاری ما از چه کیفیتی برخوردار بوده است؟ آن ها طبعاً می خواهند ببینند ما چه گفتمانی توانسته ایم به این ادبیات بیفزاییم؟

سعید تشکری از آنهاست که این حقیقت را به خوبی دریافته است. او همواره از جغرافیای خراسان می نویسد. حسام آبنوس گفتگویی با او در خبرگزاری فارس صورت داده که در بخشی از این گفتگوی مفصل، بحث به همین جاها می کشد. تشکری می گوید: «بعید می دانم نویسندگانی با خُلق و خوی من، خارج از جغرافیای هویتی و معرفتی خود، اصلاً بتوانند ایمن بمانند. نام مشهد یک تمدن عظیم است. زیستن در این شهر، به مفهوم یک توریست، هرگز نمی تواند جایی در زمان نویسی داشته باشد. این دوم نویسی و نه بومی نویسی، این اقلیم گرایی؛ یعنی ادامه داشتن در تمدن سازی هویت. سرمشق ساده ما، زندگی همه نویسندگان تابعی از جغرافیاست. تاریخ لاف می زند، تیتیر می دهد، اما جغرافیا بدل این لاف است. فرهنگ با جغرافیا می آید و نویسنده کنشگر، این چندصدایی را می نویسد. این همان بوطیقای گم شده ماست. آرمان شهر و ایران شهر، دو مدخل روایت داستان و زمان هستند؛ اما قبلش تربیت است، بعدش کنش». □

چندی پیش سالروز آغاز تحصن مردم مشهد در مسجد گوهرشاد بود. ما یاد زمانی افتادیم که اخیراً خوانده بودیم؛ زمانی که دقیقاً ناظر بر وقایع آن روز است و سعید تشکری نمایشنامه نویس و اهل ادبیات داستانی آن را یک ماه پیش منتشر کرده است. «اوسنه گوهرشاد». راستی اگر شما هم مثل ما که نمی دانستیم، نمی دانید «اوسنه» یعنی چه، باید بگوییم «اوسنه» در گویش خراسانی همان «افسانه» است. ما با به پستوهای افسانه ای بیایید که سعید تشکری همراه با زنی از قرن نهم هجری آن را ساخته است.

□ کالسکه زمان به جای ماشین زمان

رمان «اوسنه گوهرشاد» با اینکه به تازگی منتشر شده اما می توان آن را مهم ترین اثر هنر و ادبیات داستانی ایران درباره این واقعه تاریخی در نظر آورد. ماجرای رمان، براساس سفرهای معروف ادبیات داستانی جهان با ماشین زمان است. اینجا اما سعید تشکری، شخصیت اول رمانش را که مثل خودش داستان نویسی است، سوار این بار ماشین که نه کالسکه زمان می کند و به هرات پنج قرن پیش می برد تا او را در سفر گوهرشاد بیگم به ۵۰۰ سال بعد همراهی کند.

اما چرا نویسنده رمان «اوسنه گوهرشاد» کاراکتر رمانش را سوار کالسکه می کند و به هرات پنج قرن پیش می برد تا با گوهرشاد بیگم به مشهد بیایند؟ آن ها قرار است طول پنج قرن را طی کنند تا از قرن نهم قمری به سال ۱۳۱۴ شمسی بیایند. یعنی مستقیم برسند سر وقت تحصن مردم مشهد در مسجدی که حالا به نام گوهرشاد مزین شده است. او در واقع قرار است پانصد سال جلوتر بیاید تا ببیند رضا پهلوی چطور مردمی را که در مسجد او متحصن شده اند، به گلوله می بندد.

تا اینجا جای کار شاید ماجرای این رمان شما را یاد مینی سریال آمریکایی «۱۱،۲۲،۶۳» انداخته باشد؛ مینی سریالی که چند سال پیش براساس رمان استیون کینگ با همین نام ساخته شد و ماجرای مردی را روایت می کرد که در طول تاریخ سفر می کرد تا برسد به روزی که جان اف کندی در تگزاس ترور شد. او می خواست از ترور کندی جلوگیری کند چون به او گفته بودند اگر کندی زنده بماند، تاریخ به شکل انسانی تری تغییر می کند و مثلاً بنا به سیاست هایی که از کندی سراغ داشته ایم احتمالاً دیگر آمریکا به ویتنام حمله نمی کند. حالا نمی گوییم که چنین اتفاقی می افتد و اگر می افتد آمریکای امروز چه تغییری در این رمان و سریال می کند تا اگر ندیده اید، داستان را لو نداده باشیم. اما ماجرای کاری که سعید تشکری در رمان «اوسنه گوهرشاد» کرده، با «۱۱،۲۲،۶۳» فرق دارد و مهم ترین فرقش هم این است



۱ دلیران تنگستان

یکی از قدیمی‌ترین و جدی‌ترین تولیدات هنری که مستقیماً به دشمنی انگلستان با کشورمان و حضورشان در خلیج فارس می‌پردازد، سریال «دلیران تنگستان» است. این مجموعه در اوایل دهه ۱۳۵۰ از تلویزیون پخش شد. مجموعه تلویزیونی دلیران تنگستان برداشتی آزاد از کتاب «دلیران تنگستانی» نوشته محمد حسین رکن‌زاده آدمیت بود. انگلستان به بهانه محاصره هرات، به جنوب ایران حمله می‌کند و «احمد تنگستانی» به همراه ۳۰۰ نفر دلاور در قلعه‌ای ویران، از ایران دفاع می‌کند. سریال دلیران تنگستان در چهارده قسمت در طول دو سال ساخته شد و گروهی ۵۰۰ نفری به کارگردانی شهناز در منطقه تنگستان بوشهر شامل اهرم، چغادک، تنگک، بندر سیراف (طاهری)، ده سولقان، شیراز و تهران و ده کمپ به طریق ۱۶ میلیمتری آن را فیلمبرداری کردند.



۲ در چشم باد

«در چشم باد» یکی از مجموعه‌های موفق سیما به کارگردانی مسعود جعفری جوزانی است. این سریال تاریخی وقایع سیاسی و اجتماعی سه دوره از تاریخ در سال‌های ۱۳۰۰، ۱۳۲۰ و ۱۳۶۰ را بررسی می‌کند: دوره اول پایان دوره قاجار و دوره پهلوی، دوره دوم جنگ جهانی دوم و دوره سوم دوره زمانی خاصی در بعد از انقلاب اسلامی ایران (فتح خرمشهر) را دربرمی‌گیرد. در این سریال فاخر، به بخش‌هایی از تاریخ ایران اشاره می‌شود که انگلستان به بهانه‌های مختلف در آن دخالت کرده است. حمله متفقین و اشغال ایران، تبعید رضاشاه و جایگزین کردن محمد رضا به عنوان شاه ایران و... به خوبی در این سریال به تصویر کشیده شده است.

معرفی فیلم‌ها و کتاب‌هایی که به دخالت انگلیس در ایران پرداخته‌اند

ایستادگی علیه استعمار

خلیج فارس و سرزمین عزیزمان ایران در طول تاریخ همواره با تعرض و دخالت انگلستان مواجه بوده است. یکی از جدیدترین نمونه‌های آن توقیف نفتکش ایرانی و سپس واکنش دلیرانه ایران به آن است. «صبح نو» به بهانه دخالت‌های تاریخی انگلستان، فیلم‌ها، سریال‌ها و کتاب‌هایی را بررسی کرده که با این حال و هوا تولید شده‌اند.

« انگلستان رکورددار استعمار، دخالت و اختلاف‌افکنی در دنیاست. تاریخ این کشور با استعمار عجین شده و اگر فقط صد سال اخیر را بررسی کنید، متوجه خواهید شد که این کشور در چه تعداد از کشورها با عناوین مختلف دخالت کرده است. البته، انگلستان در بین کشورهای مختلف دنیا، همواره نگاه ویژه‌ای به کشورمان داشته است. این توجه علل مختلفی از قبیل، موقعیت ژئوپلیتیک، سرزمین پهناور، اتصال به دو دریای مهم خزر و خلیج فارس، انرژی فراوان، تأثیرگذاری بر ملل مسلمان و... داشته است. اگر تاریخ سراسر پر آشوب ایران را مرور کنیم، خواهیم دید که انگلیسی‌ها در دوره‌های مختلف انواع دخالت‌ها را بر ما روا داشته‌اند. سعی در تجزیه مناطقی از ایران با حمایت آقاخان کرمانی، رهبر فرقه اسماعیلیه، دریافت امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی، تأسیس تلگراف، تأسیس خط آهن، استخراج معادن و فلزات و سنگ‌های گرانبه و آثار باستانی، کشتیرانی در کارون و استخراج انواع فرآورده‌های دریایی در دوره ناصرالدین‌شاه، جداسازی افغانستان از ایران به واسطه معاهده پاریس، سیطره بر صنعت نفت ایران، دامن زدن به شورش‌های محلی در گرگان، اصفهان و کاشان برای دست برداشتن محمدشاه از هرات، حمایت از فرقه گمراه بابیت، تشکیل لژ فراماسونی در ایران، تقسیم ایران به سه منطقه و تصرف قسمت وسیعی از خاک ایران در قراردادهای ۱۹۰۵ و ۱۹۱۵، تحمیل قرارداد ننگین ۱۹۱۹ که براساس آن ایران رسماً مستعمره انگلیس معرفی شد، روی کار آوردن پهلوی، حمایت تسلیحاتی از صدام در جنگ تحمیلی، دخالت در انتخابات سیاسی، نقش آفرینی در جاسوسی از مراکز حساس و عملیات‌های تروریستی و... تنها بخشی از خیانت‌های دولت خبیث انگلستان است. حالا و همزمان با آخرین خیانت انگلیسی‌ها علیه ایران در موضوع توقیف نفتکش ایرانی که به عکس‌العمل قاطع کشورمان در برابر آن منجر شد، بد نیست برخی آثار فرهنگی - هنری مرتبط با این موضوع را بررسی کنیم. همان‌طور که گفته شد، دخالت‌های انگلیس در ایران به ده‌ها مورد و چه بسا بیشتر می‌رسد؛ اما متأسفانه تا به امروز، فیلمسازان چندانی در حوزه سینما و تلویزیون به سراغ این خیانت‌ها نرفته‌اند. تنها چند فیلم و سریال در این زمینه ساخته شده که در ادامه، آن‌ها را مرور می‌کنیم.

۴ جنگ نفتکش‌ها

البته در بین همین چند فیلم و سریال باید «جنگ نفتکش‌ها» را هم در نظر بگیریم. این فیلم به طور مستقیم ارتباطی با انگلستان ندارد؛ اما تصویری جدی از مقاومت ایرانیان در خلیج فارس در مقابل دشمنان دارد. محمد بزرگ نیا در سال ۱۳۷۲ این فیلم را ساخت. زمان جنگ ایران و عراق است و دامنه جنگ به خلیج فارس نیز کشیده شده و کشتی‌های نفتکش ایرانی با حمله دشمن روبه‌رو می‌شوند. در این میان، ناخدایی جوان تصمیم می‌گیرد با کشتی نفتکش از تنگه هرمز عبور کند.



۴ دشت‌های سوزان

مؤلف کتاب «دشت‌های سوزان» صادق کریمیار است. در سال ۱۳۹۰، کتاب نیستان این اثر را منتشر کرده است. پرداختن به مسائل و دقایقی از رویدادهای دوره‌ای از تاریخ ایران که درباره وقایعی از جنگ جهانی اول و حضور کشورهای بیگانه در ایران است، همراه با نگاهی به دوران حکومت ناصرالدین شاه در لابه‌لای عباراتی که از حال و هوای قصه‌ای دور نمی‌شوند، از جوه تأثیرگذار این کتاب به شمار می‌آیند. افزون بر این، تمرکز بر نقش و حضور کشورهای انگلیس و آلمان بر وقایع آن دوره از تاریخ ایران، یکی از نقاط تمرکز کریمیار بر این رمان است.



• نویسنده: صادق کریمیار
• انتشارات: نیستان

۴ برجاده‌های آبی سرخ

نادر ابراهیمی کتاب «برجاده‌های آبی سرخ» را نوشته و در سال ۱۳۹۵، نشر روزبهان آن را چاپ کرده است. داستان بلند «برجاده‌های آبی سرخ» حکایت جوانمردی و رشادت دلاورمرد جنوبی گمنامی است به نام «میرمهنای دوغابی» که خواب و آرامش را در حدود یک دهه از استعمارگران هلندی، انگلیسی، پرتغالی و عثمانی ربود. نویسنده، زنده‌یاد نادر ابراهیمی، با پانزده سال مطالعه درباره زندگی این مبارز جنوبی وطن‌خواه به خوبی از عهده شناسایی و معرفی نهضت مقاومت وطن‌پرستانه میرمهنای دوغابی برآمده است.



• نویسنده: نادر ابراهیمی
• انتشارات: روزبهان

۴ برادر انگلستان

«برادر انگلستان» اثر علیرضا قزوه را انتشارات سوره مهر در سال ۱۳۹۶ منتشر کرده است. این رمان نخستین رمان قزوه است که انتشارات سوره مهر چاپ آن را برعهده است. «برادر انگلستان» وقایع پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را روایت می‌کند و تا روزهای پس از انقلاب نیز ادامه می‌یابد و خواننده را وارد حال و هوای داستان می‌کند. شایان ذکر است در ایام نمایشگاه کتاب تهران، می‌خواستند رمان را از غرفه سوره جمع‌آوری کنند؛ زیرا گمان می‌کردند نویسنده می‌خواهد به رییس جمهوری کنایه بزند! □



• نویسنده: علیرضا قزوه
• انتشارات: سوره مهر

۴ عمارت فرنگی

دیگر مجموعه تلویزیونی که در این گزارش جای می‌گیرد، «عمارت فرنگی» به کارگردانی محمدرضا ورزی است. عمارت فرنگی در سال ۱۳۸۸ روی آنتن شبکه دو سیما رفت. خط اصلی داستان این سریال، اتفاقات دوران سلطنت رضاشاه از سال ۱۲۹۶ تا ۱۳۲۰ را روایت می‌کند. داستان سریال عمارت فرنگی با امضای قرارداد ۱۹۱۹ آغاز می‌شود که وثوق‌الدوله آن را به سرانجام می‌رساند؛ اما آیت‌الله سیدحسن مدرس به شدت با آن مخالفت می‌کند و این مخالفت باعث به وجود آمدن موجی از اعتراض‌هایی می‌شود؛ اعتراض‌هایی که وثوق‌الدوله را به لغو قرارداد وادار می‌کند. در این سریال، به طور مستقیم مسائل تاریخی ما با انگلستان مرور می‌شود. یکی از نکات جالب عمارت فرنگی اشاره به شخصیت مهم اردشیر ریپورتر است. اردشیر ریپورتر، رییس سازمان مخفی اطلاعات بریتانیا در ایران بود.



۴ یتیم‌خانه ایران

ابوالقاسم طالبی یکی از معدود فیلمسازان ایرانی است که صراحتاً به مسأله دخالت‌های انگلستان در کشورمان پرداخته است. او «یتیم‌خانه ایران» را در سال ۱۳۹۳ ساخت. در آغاز جنگ جهانی اول که تمامی جهان درگیر جنگ ناخواسته و بی‌رحمانه‌ای بودند، ایران اعلام بی‌طرفی می‌کند و از سال ۱۲۹۵، سه سال کشور دچار کمبود مواد غذایی می‌شود که به قحطی بزرگ معروف است. در این قحطی بی‌نظیر که عامل اصلی اش دولت انگلستان بود، حدود ۹ میلیون نفر از مردم ایران جان خود را از دست دادند؛ یعنی فقط در موردی خاص، چند میلیون زن و بچه بی‌گناه ایرانی به واسطه اقدامات دولت بریتانیا کشته شدند.

در دو داستان اول کتاب روایت‌هایی بدیع و بکر از مواجهه اسلام و یهود آورده‌اید. اما این مضمون در داستان‌های بعدی جای خود را به موضوعات دیگری می‌دهد. **تمایل ندارید ادامه این داستان‌های کوتاه را در قالب داستانی بلند یا رمان روایت کنید؟**

یکی، دو سوژه دیگر در فضای داستانی بلند دارم اما به قول معروف آنها را در آب نمک گذاشتم. اینکه چه زمانی بنشینم پای آنها و شروع کنم به نوشتن، هنوز مشخص نیست. چون در گذشته محله‌هایی داشتیم به نام محله «یهودی‌ها» و اتفاقات ریزودرشتی در آنجا افتاده است. کسی هم متأسفانه به آنها نپرداخته و این موضوع مغفول مانده است. من آن را در فضای این دو داستان کوتاه آورده‌ام که البته جای پرداخت بسیار بیشتری دارد. به نظرم باید روزی این اتفاق بیفتد که چنین مضمونی در فضای رمان مطرح شود.

ما در پس زمینه عمده آثار شما، با روایتی از فضای بومی یزد مواجهیم. بخشی‌اش به این دلیل است که یزد محیط زیست شماست اما نمی‌توان همه آن را به این دلیل ارجاع داد، آن هم برای داستان نویسی که مشخصه اصلی کارش تخیل است. **دلیل این تمرد در استفاده از فضای بومی یزد چیست؟**

یک دلایل همان چیزی است که گفتید. من بچه یزد هستم و در این زیست بوم زندگی می‌کنم. دلیل دیگر این است که وقتی مخاطب اثری را می‌خواند دوست دارد حین خواندن فضاهای جدیدی را تجربه کند. متأسفانه جو پایتخت و فضای رسانه‌ای‌اش به شکلی بوده است که خیلی از نویسندگان شهرستانی وقتی می‌خواستند روایتی را داشته باشند، باز هم در فضای کلانشهر و تهران سیر می‌کردند. به نظرم الان مخاطب فضاهای بومی و سنتی را بیشتر می‌پسندد. در کارهای قبلی‌ام که فضای یزد را روایت می‌کرد، خیلی‌ها از آن استقبال کردند. به همین خاطر بیشتر تمرد دارم فضای یزد را در داستان‌های خودم تصویر کنم. در کنار همه اینها، علاقه و تعصبی که به شهر خودمان داریم، در آثارم نادیدنی نیست.

در جهان ادبیات داستانی، خیلی‌ها داستان کوتاه را مقدمه و پلی به جهان داستانی بلند و رمان می‌دانند. در واقع هویت مستقل و معینی برای داستان کوتاه قائل نیستند. در عرصه فیلمسازی هم همین نسبت برای فیلم کوتاه و فیلم داستانی بلند وجود دارد. اما با وجود «عروسی لاکچری» که بعد از چاپ رمان و آثار مستند داستانی به انتشار رسیده است، به نظر می‌رسد شما نظر متفاوتی دارید. این چنین است؟

فضای داستان کوتاه مستقل است و کارکرد مخصوص به خودش را دارد. فضای داستان بلند هم همین‌طور. داستان کوتاه نسبت به خاطره و داستان بلند یک وجه هنری‌تری دارد و قشر نخبه‌تری سراغ آن می‌آید. من دغدغه داشتم فقط مخاطبم را عامه مردم قرار ندهم، بلکه داستان‌خوان‌های

گفتگو با نویسنده «عروسی لاکچری»

قصه‌هایی دور از پایتخت

■ محسن شهپیرزادی

نام محمدعلی جعفری بیش از هر زمانی با «قصه دلبری» بر سر زبان‌ها افتاد. اگرچه این کتاب در فضای خاطره‌نگاری روایت شده است اما خاستگاه جعفری جای دیگری بود. او را می‌توان قبل از هر عنوانی، داستان‌نویس نامید که پیش از این «شغل شریف» و «خانه مغایرت» را به عنوان آثار برجسته داستانی خود وارد بازار نشر کرده بود. پس از «قصه دلبری»، «عمار حلب» و «سربلند» که در فضای خاطره‌نگاری روایت شده‌اند، جعفری بار دیگر سراغ ادبیات داستانی و داستان کوتاه رفته است. «عروسی لاکچری» که به همت انتشارات شهید کاظمی منتشر شده، در نمایشگاه کتاب تهران مورد اقبال قرار گرفت و به همین مناسبت «وطن امروز» با این نویسنده جوان به گفتگو پرداخته است که منتخبی از آن را تقدیم می‌کنیم. ■

« شما در آثار قبلی‌تان از فضای داستانی به سمت مستندنگاری رفته بودید و کارهایتان با مضمون مدافعان حرم مورد توجه مخاطبان قرار گرفت. اکنون بار دیگر و بعد از «شغل شریف» به فضای داستان کوتاه بازگشته‌اید. چه چیزی شما را به داستان کوتاه و «عروسی لاکچری» کشاند؟

من هنوز دلم بیشتر با داستان و رمان است. از سر رفاقت‌مان با شهید محمدخانی به سمت کار مستند شهید رفتیم و یک جورهایی خدا همین‌طور پشت سرهم برایم در این فضا کارهایی را ردیف کرد و موجب شد در این فضا بمانم. در حال حاضر در فضای نوشتن نه کاملاً مستند را کنار گذاشته‌ام و نه داستان و رمان را. می‌خواهم هردو را با هم داشته باشم.

برخلاف آثار داستان کوتاه قبلی شما که کل کتاب نخ تسبیح مشترکی داشت، این بار شاهد چنین مضامین مشترکی نیستیم. یعنی اگر در «شغل شریف» همه داستان‌های کوتاه با وجود مستقل بودن با مضمون خانواده روایت می‌شد، این بار شاهد داستان‌هایی با مضامین و فضا و تاریخ متفاوتی هستیم.

من هر از گاهی بنا برد دغدغه و مشغولیت ذهنی‌ام در حوزه‌های مختلف یک داستان می‌نوشتم. این چند داستان را خیلی دوست می‌داشتم و گفتم خوب است در قالب یک کتاب منتشر شود.



کوه پس کوچه های یزد

«عروسی لاکچری» شامل پنج داستان کوتاه با زمینه مذهبی است که هر کدام موضوع جداگانه‌ای دارد. این داستان‌ها در فضای بومی یزد و در کوچه پس کوچه‌های آن رخ می‌دهد. کتاب «عروسی لاکچری» در سال ۱۳۹۸ در ۸۰ صفحه توسط انتشاراتی شهید کاظمی منتشر شده است. محمد علی جعفری نویسنده جوان یزدی متولد ۱۳۶۶ است و پیش از این کتاب‌هایی در حوزه زندگینامه داستانی شهدا و بزرگان نوشته است.

محمد علی جعفری نویسنده کتاب «عروسی لاکچری» درباره این اثر می‌گوید: شخصیت‌های داستان‌ها یزدی و روایتگر برخی از رسم و رسومات یزدی‌ها بوده که در بستر این شهر رخ داده است. برای روایت داستان‌ها یزد را انتخاب کردم زیرا خودم یزدی هستم و دوست دارم از طریق داستان فضای یزد را به مخاطب نشان دهم.

جعفری که نوشتن داستان‌های این کتاب را از پنج سال گذشته آغاز کرده است، می‌گوید: در کنار کارم هر سوژه‌ای که به نظر می‌آید آن را به صورت داستان می‌نوشتم و بعد از اینکه دیدم این داستان‌ها قابلیت کتاب شدن دارد، به فکر آن اقدام تحت عنوان «عروسی لاکچری» که عنوان یکی از داستان‌های کتاب نیز هست، آن را منتشر کنم.

جعفری در مورد بهترین نوشته خود معتقد است: قصه دلبری که خاطرات شهید محمدخانی از زبان همسر شهید روایت شده است، بهترین اثری بوده که بنده نوشتم و مورد استقبال ویژه مخاطبان قرار گرفته است. من با دغدغه فرهنگی وارد وادی نویسندگی شدم و بیشتر آثارم با زمینه مذهبی و فرهنگی بوده اما با نگاهی آثار خود را می‌نویسم که همه اقشار جامعه بتوانند با آن مانوس و ارتباط داشته باشند. □

حرفه‌ای نیز مخاطب من باشند. به همین خاطر آن فضا را کنار نگذاشتم و از آن دور نشدم. همچنین در فضای داستان، وقتی بنا داشته باشید پیام و پایان بندی هدفمندی روایت کنید، اثر داستان کوتاه از فضای مستند و مستقیم‌گویی بیشتر است. به همین دلایلی که گفتم از جمله وجه هنری، اثرگذاری بیشتر و مخاطب حرفه‌ای‌تر، به نظر می‌رسد داستان کوتاه گونه مناسبی در فضای داستانی است، بی‌آنکه آن را پل یا مقدمه داستان بلند بدانیم.

دلیل کم‌کاری نویسندگان متعهد در این حوزه را چه می‌دانید؟

متأسفانه در فضای ما و بین دوستان ما داستان خوانی و رمان خوانی خیلی رواج ندارد. صدا البته که در سال‌های اخیر رونق بسیار خوبی پیدا کرده است اما همچنان بسیاری با آکاره نسبت به رمان و قصه مواجه می‌شوند، چرا که معتقدند چرا ما باید در جهان تخیلات یک نویسنده دخیل شویم؟ این پیش زمینه فکری موجب می‌شود که کمتر سراغ داستان و رمان بروند. بعضی از مخاطبان وقتی عروسی لاکچری را خوانند آن را با قصه دلبری مقایسه می‌کنند. در حالی که اصلاً وجه مشترکی میان این دو وجود ندارد که بخواهند با هم مقایسه شوند. این به همان مساله بازمی‌گردد که مخاطب‌های ما خیلی داستان خوان حرفه‌ای نیست. تمایل مخاطب مذهبی به داستان خوانی بسیار بیشتر شده است اما تا حد مطلوب و به نسبت نخبگان جامعه هنوز فاصله است.

آیا کار جدیدی در دست انتشار دارید؟

دو اثر داریم. یکی اش درباره زندگی شهید حدادیان و دیگری سفرنامه سوریه است که مربوط به سفر سال ۹۶ بنده به این کشور است. اثر دیگری هم در دست چاپ است که در فضای رمان روایت می‌شود که الآن نمی‌توانم جزئیاتی از آن را بیان کنم. □

اهمیت مطالعه در چیست؟

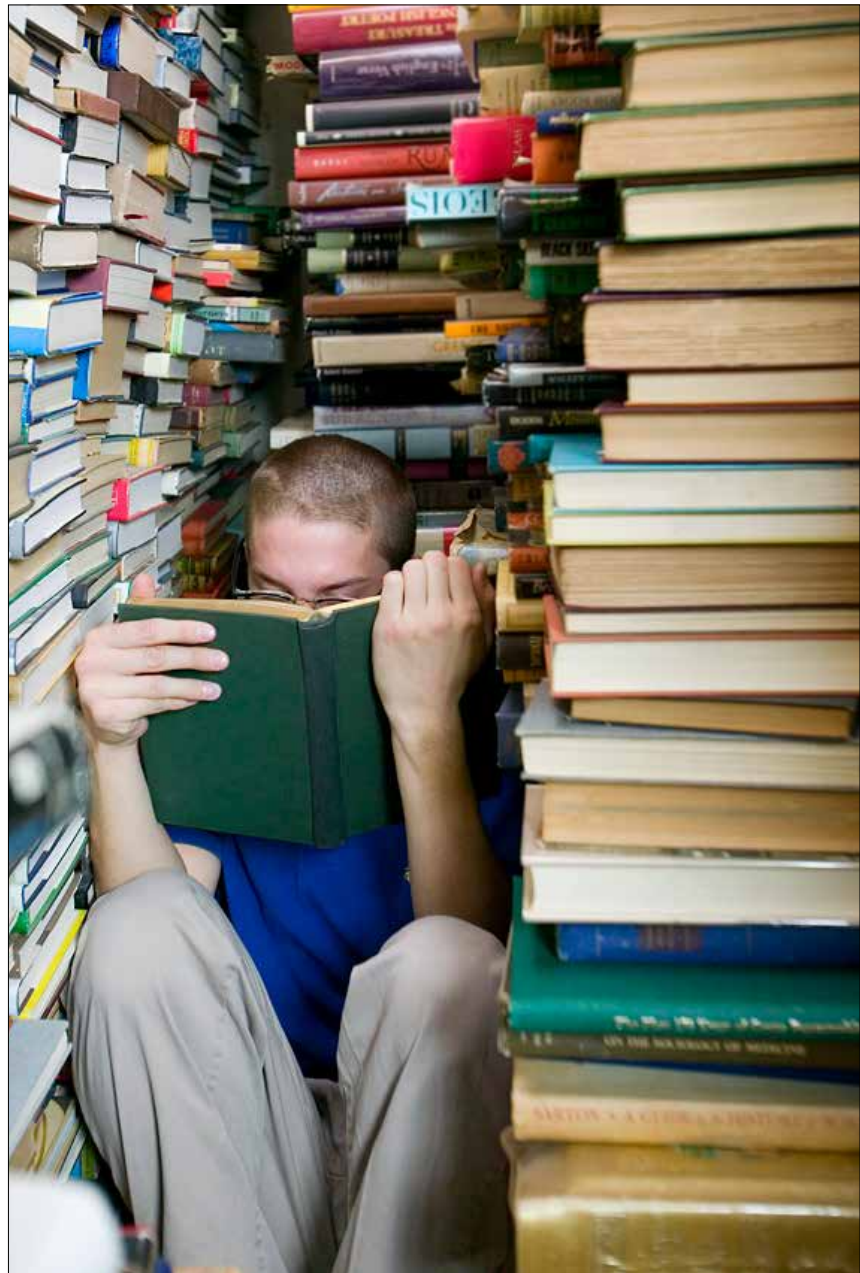
غوطه‌وری در واژه‌ها

رولف دوبلی ترجمه علی حاتمیان



« پس از مدتی سر وقت کتابخانه و کتاب‌هایمان که می‌رویم اکثرشان دیگر با هم تفاوت زیادی نمی‌کنند، چون تقریباً چیز زیادی از آنها یادمان نمی‌آید؛ محتوای هر کتاب صرفاً به صورتی مبهم و آشفته از ذهن ما عبور می‌کند. در چنین مواقعی ابتدا پیریشان می‌شویم که مشکل از حافظه ضعیف خودمان است یا شاید کتاب‌ها تأثیر اندکی بر ما داشته‌اند. اما وقتی می‌فهمیم بسیاری از دوستانمان هم همین تجربه را دارند کمی احساس آسودگی می‌کنیم. اگر محتوای کتاب‌ها تا بدین حد کم به خاطر می‌مانند، اساساً اهمیت مطالعه در چیست؟ رولف دوبلی، نویسنده کتاب «هنر شفاف اندیشیدن»، پیشنهادهایی دارد. بگذارید با یک مثال ساده مسئله را توضیح دهم. هر بلیت قطار چند سفره در سوئیس شش بخش جداگانه دارد. پیش از آغاز سفر، شما کارت خود را در یک دستگاه نارنجی رنگ قرار می‌دهید که تاریخ و زمان سفر را روی آن درج می‌کند و بخش کوچکی از گوشه سمت چپ کارت را برمی‌دارد. زمانی که هر شش بخش کارت مورد استفاده قرار گیرد، اعتبار بلیت به پایان رسیده و بلیت بی‌ارزش به شمار می‌رود.

به همین ترتیب، برای خواندن کتاب‌ها نیز بلیتی را با پنجاه بخش متفاوت در نظر بگیرید. درست به شیوه بلیت‌های قطار، در اینجا نیز پیش از هر بار خواندن کتاب، باید یکی از این بخش‌ها را ثبت کنید؛ اما برخلاف بلیت چند سفری، این تنها بلیت شما خواهد بود و نمی‌توانید در صورت تمایل یکی دیگر تهیه کنید. زمانی که اعتبار این بلیت به اتمام رسد، شما قادر به باز کردن هیچ کتاب دیگری نخواهید بود و با وجود اینکه در سیستم حمل نقل، امکان فرار از بایچه ثبت بلیت وجود دارد، در اینجا هیچ تقلبی ممکن نیست. شاید پرسید که تنها پنجاه کتاب برای تمام عمر؟ این موضوع احتمالاً برای بسیاری افراد اهمیت چندانی ندارد، اما برای شما که در حال خواندن این مقاله هستید، چشم‌انداز





وحشتناکی است. چطور ممکن است حتی فردی نیمه متمدن زندگی خود را با این تعداد محدود کتاب به سربرد؟

۱ | ابرهای آشفته

کتابخانه خصوصی من شامل سه هزار کتاب است که تقریباً یک سوم آن‌ها خوانده شده‌اند، یک سوم از آنها نیمه خوانده مانده‌اند و یک سوم دیگر نیز اساس دست نخورده هستند. کتاب‌های جدیدی نیز هر سال به طور مرتب به این تعداد اضافه می‌شوند، آن‌ها را دسته‌بندی می‌کنم و خود را از شر برخی خلاص می‌سازم. کتابخانه من در مقایسه با فردی چون اومبرتو اکوبا کتابخانه‌ای به بزرگی سی هزار کتاب، نمونه‌ای پیش‌پاافتاده محسوب می‌شود. با این حال و علی‌رغم تعداد محدود کتاب‌ها، محتوای آنها صرفاً به صورتی مبهم به یادمانده است. در واقع وقتی به جلد آنها نگاه می‌کنم، نوشته‌های هر کتاب به صورت ابری گذرا و آشفته از ذهنم می‌گذرد که با احساسات مبهمی آمیخته‌اند. گاه صحنه‌ای از کتابی در نظر من مجسم می‌شود و گاهی نیز جمله‌ای همچون قایقی پارویی و روان در مه، به آرامی می‌آید و ناپدید می‌شود.

به ندرت می‌توانم یک کتاب را به اختصار جمع‌بندی کنم. برخی از کتاب‌ها در قفسه هستند که نمی‌توانم با اطمینان بگویم که آیا تا به حال آنها را خوانده‌ام یا نه. این کتاب‌ها را باید باز کنم و صفحات علامت‌گذاری شده و یادداشت‌های پراکنده در حاشیه کتاب را جستجو کنم. در چنین لحظاتی نمی‌دانم حافظه ضعیف من خجالت‌آورتر است یا کتاب‌هایی که آشکارا تأثیر اندکی بر من نهاده‌اند. البته زمانی که از رویارویی بسیاری از دوستانم با تجربه‌ای مشابه آگاهی یافتم تا حدودی احساس آسودگی کردم. این وضعیت نه تنها در خصوص کتاب‌ها، بلکه درباره مقالات، گزارش‌ها، پژوهش‌ها و متون ادبی نیز صدق می‌کند که زمانی با لذت خوانده شده‌اند، اما اغلب آنها به نحو شرم‌آوری به سختی به یاد آورده می‌شوند.

۱ | لذت خواندن

حال پرسش اینجاست که اگر محتوای کتاب‌ها تا بدین حد کم به خاطر می‌مانند، اساساً اهمیت مطالعه در چیست؟ تردیدی نیست که مطالعه لذتی زودگذر را به دنبال خواهد داشت؛ اما این لذت زودگذر را می‌توان از خوردن یک شیرینی لذیذ هم به دست آورد، بی‌آنکه از آن انتظار داشته باشیم تا شخصیت ما را شکل دهد. به راستی چرا اثر کتاب‌ها مدت کوتاهی با ما می‌ماند؟ دلیل این امر را باید در نادرستی شیوه خواندن کتاب جستجو کرد. کتاب خوانی ما به حد کافی گزیده و دقیق نیست. ما به خود اجازه می‌دهیم که در میان متون مختلف سرگردان شویم و به جای آموزش شیوه یافتن شکار ارزشمند و کمیاب، آزادانه به هرسو گردش کنیم. در واقع مهم‌ترین وارزشمندترین منبع خود را برای چیزهایی که سزاوار آن نیستند، به هدر می‌دهیم.

امروز من به گونه‌ای سراسر متفاوت با سالیان پیش کتاب می‌خوانم. بی‌تردید میزان کتاب خواندنم با گذشته یکسان است، اما اینک کتاب‌های کمتر و بهتری را می‌خوانم و هریک را نیز دو بار مطالعه می‌کنم. در واقع به شدت گزیده‌خوان شده‌ام و تنها با کمتر از ده دقیقه، درباره خواندن یا نخواندن هر کتاب تصمیم می‌گیرم. تصویر بلیت چند سفری در این سخت‌گیری مریاری می‌کند. از خود می‌پرسم آیا کتابی که من در دست دارم ارزش قربانی کردن یکی از بخش‌های بلیت را دارد؟ پاسخ در موارد اندکی مثبت است. کتاب‌هایی که خوانده می‌شوند هم بر اساس اصول معین شده، بلافاصله مورد بازخوانی قرار می‌گیرند.

۱ | نت‌های تکراری

به راستی چرا نباید هر کتاب را دو بار خواند؟ در موسیقی ما هر قطعه را بارها و بارها گوش می‌دهیم. نوازندگان نیز به خوبی می‌دانند که نواختن استادانه یک قطعه تنها پس از بازخوانی چندباره آن و تمرکز کامل میسر می‌گردد، آن هم پیش از اینکه نوازنده با عجله در پی قطعه دیگری باشد. چرا نباید با کتاب‌ها نیز همین گونه رفتار کرد؟ تأثیر دومین مطالعه کتاب، صرفاً دو برابر نخستین بار نیست، بلکه بسیار بیشتر است. من بر اساس تجربه شخصی، آن را بیش از ده بار بیشتر از اولین خوانش کتاب مؤثر می‌دانم. به این صورت که اگر بعد از خواندن اول ۳ درصد از کتاب را به یاد می‌آورم، پس از دومین نوبت، میزان یادآوری به ۳۰ درصد می‌رسد.

این نکته مرا بارها و بارها متعجب ساخته است که وقتی به آرامی و با تمرکز مطالعه می‌کنیم تا چه حد دومین مطالعه را خوانشی جدید می‌یابیم و درکی عمیق‌تر از نتایج چنین خواندنی به دست می‌آوریم.

هنگامی که داستانیسکی در ۱۸۶۷ به تابلو «جسم درگذشته مسیح در آرامگاه» در شهر بال نگاه کرد، چنان مسحور نقاشی شد که همسرش به ناچار پس از نیم ساعت او را از مقابل تصویر کنار کشید. جالب آنکه او دو سال بعد از این زمان همچنان می‌توانست نقاشی را در زمان خود به تفصیل شرح دهد. آیا عکسی فوری یا یک گوشی آیفون قادر است چنین تأثیری داشته باشد؟ احتمالاً پاسخ منفی است، زیرا نویسنده بزرگ باید خود را در نقاشی غرق کند تا بتواند در آینده به نحوی سازنده از آن در آثار خویش بهره‌گیرد. واژه کلیدی در اینجا غوطه‌وری است که درست در نقطه مقابل موج‌سواری قرار می‌گیرد.

اجازه دهید بحث را با اشاره به چهار نکته به پایان برم. نخست درباره اثر بخشی که تا حدود زیادی امری فنی به نظر می‌رسد. آیا دوری کتاب‌ها کاری درست است؟ پاسخ مثبت است. این نوع مطالعه بر سودمندی و برخورد غیر احساساتی متمرکز است. اجازه دهید احساسات را برای فعالیت‌های دیگر نگاه داریم. فکر می‌کنم اگر کتاب، به دلیل فقر محتوا یا خواندن نادرست، اثری در مغز باقی نگذارد، زمان را هدر داده‌ایم. در واقع به لحاظ کیفی، کتاب با خوردن شیرینی لذیذ یا پرواز بر فراز کوه تفاوتی بنیادین دارد. □

به راستی چرا
نباید هر کتاب
را دو بار خواند؟
در موسیقی
ما هر قطعه را
بارها و بارها
گوش می‌دهیم.
نوازندگان نیز
به خوبی می‌دانند
که نواختن
استادانه یک
قطعه تنها پس از
بازخوانی چندباره
آن و تمرکز کامل
میسر می‌گردد، آن
هم پیش از اینکه
نوازنده با عجله
در پی قطعه
دیگری باشد. چرا
نباید با کتاب‌ها
نیز همین گونه
رفتار کرد؟



کدام بهتر است؟ کتاب کاغذی یا صوتی؟

■ یگانه سهرابی

چشم مادر خواندن یک کتاب، پس رونده است. این یعنی پس از اتمام یک جمله باز می‌گردد و دوباره آن را بررسی می‌کند. این کار آنقدر سریع اتفاق می‌افتد که ما حتی متوجه آن نمی‌شویم.

دومین عامل، سرنخ‌هایی است که کتاب فیزیکی به ما ارائه می‌دهد و کتاب صوتی ما را از آن محروم می‌کند. ما در کتاب فیزیکی با فهرست بندی، عنوان و موارد خارج از بحث و پرانتزها مواجه هستیم. تمامی این موارد می‌توانند به شکل گیری بهتر ساختار مطلب کمک کنند؛ در صورتی که در کتاب صوتی از این موارد محروم هستیم.

کتاب‌های الکترونیکی پدیده‌های جالبی هستند، شما قصد دارید دوباره به روش سنتی کتاب خواندن دامن بزنید، اما همچنان نمی‌خواهید از تکنولوژی عقب بمانید، در نتیجه از کتاب‌های الکترونیکی استفاده می‌کنید. یکی از تحقیقاتی که اخیراً توسط دانشمندان انجام شد، ثابت کرد کسانی که کتاب‌های فیزیکی و چاپی می‌خوانند، می‌توانند جزئیات بیشتری را نسبت به کسانی که از کتاب الکترونیکی استفاده می‌کنند به یاد بیاورند.

اگرچه استفاده کنندگان از کتاب‌های الکترونیکی سرعت خواندن بیشتری دارند، اما نمی‌توانند به خوبی گروه کتاب‌های چاپی ترتیب وقایع را به خاطر بیاورند. کاربران کتاب‌های الکترونیکی ادعای بیشتری در آگاهی نسبت به اطلاعات کلی و جزئی کتاب دارند، اما اصولاً در آزمون‌ها موفق نیستند.

اگرچه که با وجود تمام این ضرها و فواید، نمی‌توان کتاب‌های الکترونیکی، چاپی و صوتی را دسته بندی کرد، هر کدام از آنها جایگاه خاص خودشان را دارند. اگر شما قصد دارید که در میان تحرک بدنی اندکی از اطلاعات فلان فیلسوف را فرا بگیرید، پس کتاب صوتی بهترین روش برای این کار است. اما اگر می‌خواهید یک مطلب کاملاً جدید و البته غامض و سخت را یاد بگیرید، بهتر است در زمان سفر کنید و به قبل از انقلاب برگردید و از کتاب‌های چاپی استفاده کنید. مطمئنم که از میزان عمق یادگیری خودتان غافلگیر خواهید شد! □

« دانشمندان ثابت کرده‌اند که ساختار و بستر یادگیری می‌تواند نقش بسیار زیادی در سرعت و عمق یادگیری داشته باشد. مثلاً نوع کتاب شما اعم از فیزیکی یا الکترونیکی یا حتی کتاب صوتی می‌تواند در این زمینه تأثیرگذار باشد.

باور عامه مردم این است که وقتی یک درس یا یک مهارت را سریع یاد می‌گیریم، پس این یعنی باهوش هستیم. اما اگر روند یادگیری ما در یک عرصه خاص کند باشد، پس آنچنان هم باهوش نیستیم و نظرات جالبی را راجع به خودمان نخواهیم شنید. اما دانشمندان ثابت کرده‌اند که ساختار و بستر یادگیری می‌تواند نقش بسیار زیادی در سرعت و عمق یادگیری داشته باشد. مثلاً نوع کتاب شما اعم از فیزیکی یا الکترونیکی و یا حتی کتاب صوتی می‌تواند تأثیرگذار باشد.

استفاده از انواع کتاب صوتی فواید بسیار زیادی دارند. شما می‌توانید در هر جا و مکانی به آنها گوش دهید، حتی در ماشین یا روی تردمیل. به علاوه، درخت کمتری هم برای تولیدشان قطع می‌شود. همچنین اکثر علاقمندان می‌توانند از روان بودن زبان فارسی در کتاب صوتی لذت ببرند. اما با توجه به تحقیقاتی که اخیراً توسط دانشمندان انجام شده، کتاب صوتی فقط به درد پر کردن اوقات می‌خورد! اگر قرار است یک مهارت مهم را فرا بگیرید، قطعاً باید از یک کتاب فیزیکی استفاده کنید.

در یکی از تحقیقاتی که چند سال پیش انجام شد، ۴۸ دانشجو به دو گروه تقسیم شدند. گروه اول به یک فایل صوتی راجع به یک مقاله روانشناسی کودک گوش فرا دادند. گروه دوم، آن را به صورت فیزیکی در اختیار داشتند. هر دوی آنها زمان و حواس پرتی‌های مشابهی را در هنگام یادگیری تجربه کردند. اما نمره آنها در امتحانی که از مقاله گرفته شد، متفاوت بود! گروه کتاب فیزیکی ۸۱ درصد درست، گروه کتاب صوتی ۵۹ درصد درست.

آیا می‌دانید فرق میان ۸۱ و ۵۹ درصد چقدر است؟ این تفاوت به اندازه تفاوت میان نمره ۱۸ و ۱۰ است، پس آن را دست کم نگیرید. حال به این سؤال بپردازیم که چرا خواندن یا گوش دادن به یک مطلب، روی میزان یادگیری آن تأثیر دارد؟

دانشگاه ویلینگهام توضیح می‌دهد که دو عامل مهم در این ماجرا دخیل هستند. اولین مورد این است که خوانش ما کندتر از گوش دادن ماست. نکته مثبت این کار اینجاست که کند بودن می‌تواند به دریافت عمیق تر اطلاعات جدید کمک کند. حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از حرکات



همزمان با دهه کرامت به همت نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر مراسمی برای تجلیل از چهره‌های شاخص یاریگر مردم سیلزده با عنوان «تکریم کریمان» برگزار شد. در صفحات نسخت این بخش نگاهی به این رویداد مبارک داشته‌ایم و در ادامه گزارش و خبرهایی از دفاتر استانی نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر در اراک، خراسان جنوبی، قم، خراسان شمالی، تهران و ایلام را برای شما انتخاب کرده‌ایم. گزارش سفر به استان اردبیل و معارفه مسئول جدید دفتر نمایندگی ولی فقیه در این استان و گزارش شرکت در جشنواره شهدای امدادگر استان گیلان دیگر مطالب این بخش را تشکیل می‌دهد.

« هلال



کرامت مرد، دین اوست

پیروز نهایی ملت ایران است

همه بخش‌ها در جهت حرکت در مسیر بیانیه گام دوم تلاش کنند

ولی فقیه در جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران برپا می‌کنیم چرا که از وظایف ذاتی جمعیت هلال احمر تقدیر خدمات بدون منت مردم و تشویق ایشان به اکرام، خیرخواهی و انفاق است.

وی افزود: حوزه نمایندگی ولی فقیه برای تجلیل از فعالانی که در حادثه سیل اخیر اقدام و فعالیتی کریمانه انجام دادند ستادی را تشکیل داد و با همفکری و مشارکت سازمان داوطلبان و جوانان و اداره کل روابط عمومی جمعیت هلال احمر و هم‌چنین کسانی که در بیرون از جمعیت مشغول خدمت‌رسانی هستند، تعدادی از افرادی که می‌توانستند عنوان کریمان را در اختیار داشته باشند شناسایی که از این جمع پنج نفر معرفی و تقدیر می‌شوند.

معاون فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر افزود: منظور از کریمان در آیین تکریم افرادی هستند که فعالیتی متفاوت از دیگران انجام دادند. در حادثه سیل اخیر، بسیاری از افراد حضور داشتند و خدمات خالصانه‌ای ارائه کردند، اما عده‌ای بودند که خدمتشان ویژه‌تر بود و البته کسانی که خدماتشان به صورت مادی بود و البته بسیار اهمیت داشت را در این ارزیابی قرار ندادیم چرا که آن‌ها خیرینی هستند که معمولاً توسط سازمان داوطلبان مورد تکریم قرار می‌گیرند و ما ویژگی کمک مادی را از شاخص‌های انتخاب کریمان حذف کردیم. غیر از این، ویژگی مهمی که مورد نظر بوده، این که فعالیتشان نافع باشد، یعنی کاری که در سیل کردند نفع ویژه‌ای برای عده زیادی داشته باشد و نمایشی هم نباشد. تعدادی از دوستان با این ملاک انتخاب شدند، اما افراد زیادی بودند که می‌توانستند در این دایره قرار بگیرند ولی به هر حال بضاعت و توان ما در انتخاب همین تعداد بود و امیدواریم که این جریان، قدمی برای ترویج روحیه کرامت در جامعه باشد، همان‌طور که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: کرامت، ویژگی منحصر به فردی است که اگر در افراد تقویت شود، زمینه شکل‌گیری فضائل اخلاقی را پدید می‌آورد.

دکتر احمدوند در ادامه تصریح کرد: مهم‌ترین عنصر معنوی امتداد تمدن ایران تاکنون، وجود روحیه کریمانه در مردم ایران است. هر زمان این روحیه تقویت شده، اتفاقات ارزشمندی در کشور رقم خورده است.

در این مراسم که به همت معاونت فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر برگزار شد، از پنج تن از کریمان نمونه حامد هادیان خبرنگاری که در بحرانی‌ترین شرایط با کم‌ترین امکانات، سیل را روایت می‌کرد، حاج محسن احمدیان طلبه‌ای که تا کمر در آب رفته و هموطن ترکمن را روی دوشش جابه‌جا نمود، حاج محمد صدارت طلبه‌ای که به همراه گروهی از جوانان، بیش از پانزده هزار درخت انجیر را از خشک شدن قطعی نجات داد، محمد خامه‌یار خادم و فعال فرهنگی با سابقه‌ای که از سال‌ها قبل، مدیریت سیل مهریانی هموطنان ایرانی را بر عهده داشته و روح الله خسروی که با به تصویر کشیدن قابی بی‌نظیر از پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران، تصویر امید و استقامت ایرانیان را ماندگار کرد، تقدیر به عمل آمد. □



نخستین آیین تکریم کریمان برگزار شد کرامت مرد، دین اوست

نخستین آیین تکریم کریمان به مناسبت ولادت امام رضا (علیه السلام) و دهه کرامت با حضور حجت الاسلام و المسلمین معزی، معاونین، مدیران و همکاران جمعیت هلال احمر در سالن همایش‌های معاونت توانبخشی با قدردانی از پنج تن از کریمان برگزار شد. □

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر، حجت الاسلام والمسلمین معزی، در سخنانی با تبریک جشن میلاد هشتمین ستاره پر فروغ خاندان عصمت و طهارت با اشاره به فرموده پیامبر اکرم (ص)، گفت: کرامت مرد، دین اوست؛ آنچه که ما از این پنج نفر که نمونه‌ای از امت کریم ایران هستند دیدیم و شنیدیم، واقعاً دین و آیین‌شان بود. چنین صفات و کارهای ارزشمندی، همه و همه از آموزه‌های اهل بیت (ع) است که آنان پایه‌های کرم هستند و ائمه هدی، تجلی حضرت حق در میان انسان‌ها هستند. ما انسان‌های معمولی اگر می‌خواهیم خدا را مشاهده کنیم، باید صفاتش را در ایشان ببینیم. امامان ما رفتارشان و عاداتشان نیکی کردن است و طبیعت و منش ایشان کرامت است.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با اشاره به اینکه کرامت، اصلی از ۱۲ اصل فتوت و جوانمردی است، خاطر نشان کرد: بهشتیان اهل کرم هستند و برای اینکه بتوانیم کارنامه درخشان و آبرومندی در قیامت داشته باشیم، راهی جز کریمانه زندگی کردن نداریم. وی خطاب به مدعوین حاضر در نخستین آیین تکریم کریمان با اشاره به ضرورت توجه و اهتمام به حمایت و همیاری ادامه داد: ما باید تمام نیرو و همتان را بسیج کنیم تا با کرامت با انسان‌ها رفتار کنیم. کریم کسی است که می‌بخشد و منت نمی‌گذارد؛ خوشحال می‌شود دیگری بهره‌بردار او و تماشا کند؛ کرامت یعنی اینکه دستان را فقط به سوی خداوند بی‌نیاز دراز کنیم و در برابر لثیمان و شیطان استقامت بورزیم.

زمینه شکل‌گیری فضائل

در بخش دیگری از این مراسم دکتر یاسر احمدوند معاون فرهنگی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر ضمن تبریک میلاد سراسر نور علی بن موسی الرضا (ع)، درباره آیین تکریم کریمان گفت: امسال در روز میلاد هشتمین اختر تابناک امامت و ولایت حضرت امام رضا (ع)، نخستین آیین تکریم کریمان را به همت حوزه نمایندگی



به نمایندگی از همه کریمان

محمد مهدی بیگلری

یکی خم شدن و نردبان آرامش شدن را به اُبهت لباس و درجه نظامی اش ترجیح داد. یکی دیگر که معجزه وار تازه از دل آتش در آمده بود و روحش از حادثه قبلی شعله ور بود، کوتاه نیامد و آتش عشق نشانند بر دل ها.

آن یکی دو پا نداشت اما سراز پا نشناخت برای پادرمیانی میان سیل و خانه ها.

کودکی با دست های کوچکش کیسه های بزرگ تراز خودش را پرازش می کرد برای سیل بند.

خانم پرستار که خانه خودش را هم آب برده بود، در خانه بهداشت به امداد مشغول بود. او کاغذ های «امید» پرینت می گرفت و به درو دیوار شهر می چسباند که رویش نوشته بود: همشهری غصه نخور، خدا بزرگه.

یک خانواده روستایی سیل زده در آن وضعیت بحرانی، بسته های کمک را به بالگرد امداد و نجات برگرداند و اصرار کرد که این کمک ها را به روستای کناری برسانید آنها بیشتر نیاز دارند.

در این خیل خدمت، بعضی ها بودند که ثروتمند نبودند ولی سخاوتمند بودند. همه چیز برای آنها مهیا بود که توقع یاری داشته باشند. آنها حق داشتند مطالبه گر باشند و کمک گرفتن را حق خود بدانند. اما کمک کردند و در میان آنان نوجوانی بود که خرج روزانه اش را از تمیز و برق کردن کفش های مردم تهران در می آورد و تنها یک عکس بایلباس های آغشته به واکس در کنار صندوق جمع آوری کمک های مردمی از او به یادگار مانده و روایت داوطلب هلال احمر که او درآمد یک روزش را به صندوق انداخت.

و زیاد بودند کسانی که حتی یک عکس هم از آنان نمانده است یا نخواستند که بماند. و آنان حتما کریم اند و جایشان در جشن کریمان خالی بود. □

گلستان غرق در آب بود و مرد قایقران در تردد امداد. سگی در دور دست توجهش را جلب کرد که بر بلندی خشکی کوچکی در میانه سیل گرفتار شده بود. مسیرش را کج کرد و مقداری غذا برایش گذاشت. به همراهش گفت این بنده خدا می ترسد و نمی شود با خودمان ببریمش. من هر روز برای او غذای آورم. . . .

گرچه از آقا عیسی جز یک عکس و یک روایت چند خطی از همراهش بیشتر نیافتیم و نتوانستیم در جشن کریمان از او تقدیر کنیم اما مگر کرامت انسانی جز این است؟ و مگر زندگی همین نیست؟

از این کریمان در ما جاری سیل امسال کم نبودند. و ما در فرصت کوتاهی که داشتیم تلاش کردیم از چند نفری از آنها دعوت کنیم تا به نمایندگی از همه کریمان در نخستین آیین تکریم کریمان شرکت کنند و چند ساعتی در حد بضاعت، قدردان قدم هایشان و پذیرای اندیشه شان باشیم. همه پرس و جوها و نشانی گرفتن هایمان البته به نتیجه نرسید اما پنج عزیزی که به همراه همراهان شان آمدند حق مطلب را ادا کردند.

چند سالی است که دهه کرامت به شکلی ویژه گرامی داشته می شود و جمعیت هلال احمر که موضوعش انسان و هدفش حفظ کرامت انسانی است، امسال بر آن شد به بهانه جاری شدن سیل و روانه شدن همت و محبت مردم، این نسبت انسانی را و این تجلی کرامت را عیان کند و قدر بداند. و به یاری خدا هر ساله این آیین را برگزار کند.

این جلوه گری های کریمانه البته نه به نیت دیده شدن است و نه از برای مزد و تقدیر. چرا که کریم کسی است که بی منت خدمت می کند و بی درخواست. بیشتر از حد بضاعتش مایه می گذارد و همتش بلند است. موانع و سختی ها براو اثر نمی گذارند اما او حضورش و عملش مفید و موثر است. او خردمند است و بی غرض و در تشخیص اولویت ها ماهر. درگیر حاشیه ها نمی شود و به اصول اخلاقی پایبند. مسئله اش حل مسئله است نه دامن زدن به آن. رعایت عزت و کرامت انسان برای او اصل است و سخاوتمندی و بخشندگی صفت او.

حادثه ها و نیازها، توجهی از سمت خدا هستند و کریمان این را خوب می دانند و در این معرکه هر کس به گونه ای ظهور کرد و صورتی متفاوت داشت.

با کریمان کارها دشوار نیست

« معتكف باغ‌های فراموش شده

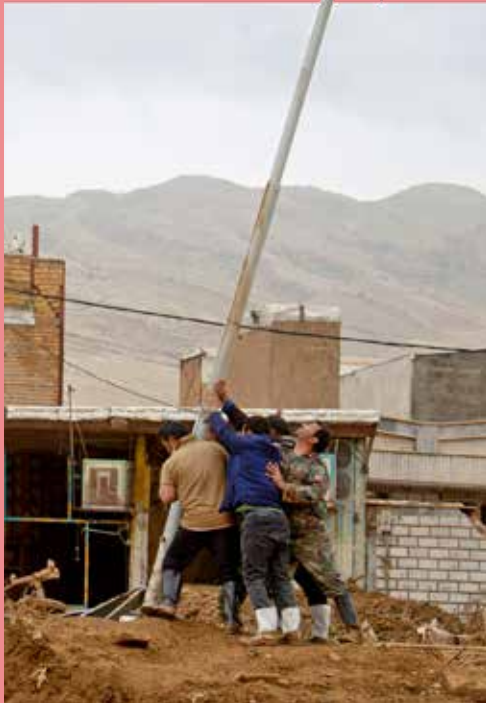
باغ‌ها فراموش شده بودند و مزرعه‌ها روبه زوال و همه آن‌هایی که دست‌اندرکار سیل بودند و دست به کارخانه‌های گل گرفته، دست از درخت‌های انجیر شسته بودند. اما کریمان رزق‌اندیش، شدند ناجی رزق مردم و رفتند سراغ باغ‌ها؛ که نجات رزق انسان، نجات انسان است و باغ‌های انجیر، محلی رزق مردم. حاج آقا صدقات و دوست همراهش حسین تیموری، ۵۰ روز معتكف انجیرستان‌ها شدند و نزدیک به هزار ناجی دیگر به آن‌ها پیوستند. و آن موقع بود که زندگی در خانه‌های مردم شهر جاری شد. حاج آقا زندگیتان پر از رزق و روزی باشد!

« معتمد مردم

هر جا حادثه‌ای، تن ایران را لرزانده و گزندگی به انسان‌ها رسانده، او حاضر بوده؛ او و همه مردمی که به او اعتماد دارند. از منجیل و رودبار تا گلستان و لرستان و خوزستان. معتمد و هم‌دل مردم که باشی، دیگر همه خیالشان راحت است که حضور تو، حضور کاملی از کریمان است. حتی در آن شرایط بحرانی، عقد و عروسی و جهیزیه نوعروس و دامادها را هم فراموش نمی‌کنی. حاج آقا محمد خامه یاری‌ای از آن آدم‌هاست. حاج آقا نشان داد در این سال‌ها سازمان‌دهی حکیمانه‌ای برای سیل‌مهریانی مردم در بحران‌ها تدارک دیده است. کارش و کار همه کریمانی که کنارش بودند و هستند کار بزرگی بود. این را خیلی از مدیران درگیر در حادثه اخیر تایید کردند. خدا قوت حاج آقا.

« چشم مردم

می‌شود از گل و لای و خرابی‌ها عکس گرفت و یا کریمانه به چهره افتادگان و یاری‌گران خیره شد. او دومی را انتخاب کرد و شد چشم مردم. نگاهش به نگاه آدم‌های معمولی‌ای گره خورد که به قول خودش در بحران‌ها قهرمان هستند و بعد دوباره همان آدم معمولی، مثل همه ما. کار بزرگ او و دوست نویسنده‌اش روایت این آدم‌ها بود برای دیگران. اما عکاس جوان قصه ما ایستاد و درنگ کرد. با دوربین‌اش عکسی برایمان گرفت که ایران از آن، جان گرفت. او به قامت پابر جای پرچم ایران فکر می‌کرد و توانست قابی را شکار کند که از پانفتاد نفر فریاد بزند. چه لحظه‌ای روئیت کردی! روح الله خسروی نژاد!



« روح‌الله خسروی نژاد:



اینجا که در عکس می‌بینید میدان روبه‌روی شهرداری پلدختر است. شهر بعد از وقوع سیل و ویرانی‌هایی که به بار آمده به هشت منطقه تقسیم شده و هر کدام از نهادها و دستگاه‌ها هم اداره یکی از این مناطق را بر عهده دارند. این منطقه تحت اداره نیروهای ارتش بود. ظاهراً پرچم بر اثر باد و باران و سیل کج شده بود. وقتی با دوست نویسنده‌ام این صحنه را دیدم به افرادی که در آن صحنه حاضر بودند پیشنهاد کردم با کمک یکدیگر، میله پرچم را صاف کنند. البته آن‌ها خودشان پای پرچم بودند. درخواست کردم که پرچم را صاف کنند. خودم هم در فاصله دورتری ایستادم که متوجه نشوند. تعدادی از اهالی جمع شدند و پرچم را صاف کردند. مادر میان بحران سیل، هشتگی به نام آدم‌های بحران درست کرده‌ایم و روی آن کار می‌کنیم. این پروژه کاملاً شخصی است و توضیح یک خطی آن می‌شود اینکه خبر بد وقوع سیل را همه دارند و شنیده‌اند اما یک اتفاق مهم دیگر هم افتاده و این‌که در بطن این حادثه تعدادی از انسان‌های قهرمان پدید آمده‌اند که از بطن مردم عادی هستند. این‌ها تلاش می‌کنند بر سیل غلبه کرده و از دل بحران، مدار زندگی را به حالت سابق آن برگردانند. هدف اصلی من از این پروژه همین قهرمان‌ها هستند. قهرمان‌هایی که از همین مردم عادی هستند و باید برجسته شده و بیشتر دیده شوند.

حامد هادیان:



از همان روزهای اول سیل خوزستان که شنیدم در یکی از روستاها مردم سیل زده در واگن‌های راه آهن زندگی می‌کنند، تصمیم گرفتم بروم آنجا. همراه یک عکاس و فیلمبردار راه افتادیم. دو روز طول کشید تا به روستای قطاری بامدژ برسیم. ریل قطار بین رودخانه دزو و کرخه است و به دلیل ارتفاع تنها جایی است که زیر آب نرفته. نیروهای سپاه توی این روزها بیشتر از هزار نفر جابه جا کرده بودند و هر روز به روستاهای در محاصره آب غذا می‌رساندند. حتی گاومیش و مرغ و خروس مردم را هم با قایق می‌آوردند. قبل از اینکه ما برسیم یکی از روستایی‌ها آمده بود سر فرمانده فریاد زده بود که «امکانات نداریم. پس شما چه کاری کنید؟» فرمانده گفته بود: «چیزی دست من نیست. ولی اگر آرام می‌شوی بیابن تو گوش من.» مرد هم به نشانه صلح و رفاقت غروب قلیانش را آورد آنجا پیش فرمانده کشید. ما که رسیدیم چشم‌های فرمانده از خستگی کاسه خون بود. روزهای اول حسابی فحش و کتک خورده بودند. ولی می‌گفتند اینها را توی مصاحبه نمی‌گوییم. نوروز در حال رفتن بود و هنوز توی چادر سپاه بودیم. یک پیرمرد محلی برای سپاهی‌ها ماهی آورد. معلوم نبود سپاهی‌ها مراقب مردم‌اند یا برعکس. بحران مرز بین آدم‌ها را برمی‌دارد.

زبان مردم و راوی رنج‌ها

خیلی زود خودش را رساند به جایی که همه چیز غرق آب بود. شد زبان مردم و راوی رنج‌ها؛ کریمانه روایت کرد و مراقب بود با روایتش، بحران را بحرانی‌تر نکند. اما خط قرمزش مردم بود، مردمی که مشکلاتشان باید دیده و خوانده بشود و فراموش نشوند. حتی وقتی که دیگر سیل، تیتزرسانه‌ها نیست. آدم‌هایی مثل حامد، وقتی قرار است پای یک کاری باشند هیچ مانعی نمی‌تواند منصرفشان کند. این جماعت لنگ ابزار نمی‌مانند و هر جور که شده گلیمشان را از آب بیرون می‌کشند. قدم‌های همیشه ثابت و استوار، حامد هادیان!

کرامت در کرامت:

وقتی یاری و نجات دیگری، قید و بند نداشته باشد؛ وقتی همه توجه و اراده امدادگر فقط به کمک کردن معطوف باشد و حفظ کرامت انسان، کرامت در کرامت ضرب می‌شود. آن وقت است که کوچه‌ها و خانه‌های شهر را آب گرفته تو تا کمربندی در آب و فقط به این فکر می‌کنی که کدام بنده خدا به کمکت احتیاج دارد. یا علی می‌گویی و کمک می‌کنی و از دین و مذهبش نمی‌پرسی. شاید حاج محسن فکرش را هم نمی‌کرد وقتی آن هموطن ترکمن را روی دوش‌اش می‌نشاند که همراه بشوند و از آب بگذرند و در چه کار بزرگی می‌کند. حاج محسن احمدیان تو کریمی، همین و تمام!

محسن احمدیان:



ما در اولین روزی که در مناطق سیل زده حاضر شدیم، در بازدیدی که داشتیم یک فرد به سمت ما آمد و از ما کمک خواست، ما برای همین موضوع در مناطق سیل زده حاضر شدیم. وقتی برای کمک به خانواده آن فرد رفتیم، من در مسجد یا حوزه علمیه فاروق اعظم مردی سالمند را دیدم که گرفتار سیل شده بود، یک شلوار بادی هم بر تن داشت و از چهره و پوشش هم مشخص بود که از روحانیون اهل سنت است. حالا یا ائمه جماعات یا استاد حوزه علمیه دقیق نمی‌دانم تا دیدمش گفتم: «شیخ بیاروی دوش من» قبول نمی‌کرد اصرار داشت دستش را بگیرم اما توان پایین آمدن و حرکت در سیلاب را نداشت. همسرش همراهش بود. بعد از فراهم سازی شرایط عبور همسرش از آب، شیخ را روی دوشم گذاشتم و به یک محل امن انتقال دادم. اگر در فیلم هم دیده باشید و ملاحظه کنید، شیخ تا چه میزان مهربانه با ما برخورد می‌کند؛ پایان ما چرا هم مثل همیشه روبوسی و قدر دانی بود. باور کنید من از فیلم گرفتن خبر نداشتم. دوستانی بودند که عکس می‌گرفتند و عکس‌ها را هم منتشر کردند. در چنین شرایطی همیشه خبرنگاران و عکاسان بسیاری فعال هستند و برخی از مردم هم دوست دارند این تصاویر را ثبت کنند. اما من در طول مسیر فقط به یک موضوع فکر می‌کردم؛ اینکه توانستم به اندازه‌ای در زمینه وحدت شیعه و اهل تسنن که مورد تأیید رهبرانقلاب است، قدم بردارم. □





محمد صدارت

در گفتگو با «مهر و ماه» از نجات
باغات بایکوت شده گفت

عملیات نجات انجیرستان

در زمینه باغات کمکی نکرده بودند. مادری یکی از روستاها ماندیم و در فضای مجازی فراخوان دادیم و تصویری کردیم که مثل دفعه قبل ۷۰-۸۰ نفر اعلام آمادگی کنند اما ۹۵ نفر اعلام آمادگی کردند و آمدند سفر دو روزه ما پنجاه روز طول کشید. از این تعداد ۶۸ نفر طلبه بودند و جالب است بدانید جانباز، امام جمعه، مدافع حرم، استاد دانشگاه، دانشجو و کارمند هم داشتیم. مردم این روستاها و مناطق ارادت خاصی به روحانیت دارند. آنها در ابتدای حضور مسجد روستا را برای اسکان گروه‌های جهادی در اختیار قرار دادند و تا حد امکان نیز کمک‌رسانی و پشتیبانی کردند.

البته در این میان هلال احمر، بسیج، جهاد سازندگی و سایر نهادها به ما کمک کردند. ما از برخی از این نهادها مانند جهاد کشاورزی، آستان قدس رضوی، استانداری اردبیل و گروه‌های جهادی مردمی در زمینه تجهیزات و ماشین‌آلات کمک گرفتیم و گل و لای باغات را خالی کردیم. البته دور درخت‌ها را نیروی انسانی خالی می‌کرد که به درخت‌ها آسیب نرسد. به لطف خدا ۱۵۸۰ اصله درخت انجیر را نجات دادیم. به جز کمک به باغات کمک‌های جانبی هم داشتیم مانند تعمیر پمپ‌های آب موتورها، سیم‌کشی برق خانه‌ها و دیگر مسایل فنی.

با پاکسازی باغات روحیه یاس و ناامیدی در بین مردم از بین رفت. ابتدا به ما می‌گفتند این اقدامات بی‌نتیجه است و اگر اطراف درختان هم از گل پاکسازی شود مسئله آبیاری و پاکسازی کامل باقی خواهد ماند، اما ما کار را پیش بردیم و خوشبختانه سه کارشناسی که به منطقه آمدند کار ما را تأیید کردند و گفتند درختان نجات یافته‌اند. □

حجت‌الاسلام محمد صدارت امام جماعت مسجد امام حسن مجتبی (ع) در محله بریانک تهران است که با همت فعالان مجازی اولویت را در بحران درست تشخیص داد به احیای باغات بایکوت شده انجیر لریستان و نجات رزق مردم سیل‌زده شتافت. او در گفتگو با خبرنگار «مهر و ماه» ضمن سپاس از اقدام نهاد نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به سبب اهتمام به موضوع کریمان، خواستار توجه ویژه نهادهای مسئول به تداوم کمک‌ها به مردم آسیب دیده شد. او در این گفتگو شرح کوتاهی از داستان حضور خودش و دوستانش در معمولان را برای ما بازگو کرد که در ادامه می‌خوانید: ■

«هیأت محبان حضرت زهرا (س) که یکسال و نیم از تاسیس آن می‌گذرد در فضای مجازی به عنوان هیأت توثیقی‌ها شناخته می‌شود. در تهران جمع می‌شویم و در همدان و مشهد شعبه داریم. در اواخر سال گذشته به نتیجه رسیدیم این هیأت در مناطق محروم فعالیت اجتماعی داشته باشد و کار جهادی بکنیم. همان زمان حادثه سیل پیش آمد و موجب شد در فروردین ماه برای کمک به مردم در پلدختر به آنجا برویم. فراخوان دادیم که روز ۱۸ فروردین ثبت نام داریم. و پیراوان هشتاد نفر از فعالان مجازی از ده استان در تهران جمع شدند. شبی که می‌خواستیم به سمت پلدختر حرکت کنیم گفتند که این منطقه از نیروی جهادی اشباع شده و نیرو به اندازه کافی هست. بنابراین ما به سمت خوزستان رفتیم. از ۱۸ تا ۲۸ فروردین در شمال اهواز مستقر شدیم و خدمت کردیم. وقتی از آنجا برگشتیم چون قصد نخست ما رفتن به پلدختر بود و یک سری اقلام هم از طرف فعالان مجازی برای آن شهر جمع کرده بودیم اوایل اردیبهشت برای بردن کمک‌های مردم به پلدختر رفتیم. در پلدختر که اقلام را تحویل دادیم در مسیر برگشت، روستاهایی در محدوده پلدختر تا معمولان را دیدم که نیروهای جهادی خانه‌هایشان را از گل و لای خالی کرده بودند اما باغات میوه تخلیه نشده بود. از سی سانت تا سه متر ارتفاع گل و لای در باغات به چشم می‌خورد. وضعیت خیلی بدی بود و باغات در حال از بین رفتن بودند. آنجا قطب انجیر سیاه کشور و به انجیرستان معروف است. و اوخر ماه شعبان بود و نیروهای جهادی به سمت شهرهایشان برمی‌گشتند و نهادها هم



محمد خامه یار در گفتگو با «مهر و ماه» از قرارگاه کمک های مردمی گفت

کرامت انسانی را در کمک رسانی رعایت کردیم

هدایایی مانند فرش یا پتو تحویل دهیم. تخلیه گل ولای چند روستا را برعهده داشتیم.

به مساجدی که در لرستان و گلستان و خوزستان آسیب دیدند کمک می کنیم. در لرستان ۵ مسجد را علاوه بر پاکسازی، مفروش کردیم. مسجد امیرالمومنین پلدختر را که هفتصد متر زیرزمینش را در ارتفاع سه و نیم متر آب گرفته بود خالی کردیم.

بزرگترین جشن در نیمه رمضان را در مسجد اعظم پلدختر و شب بعد در معمولان برگزار کردیم. در این مراسم ده هزار غذا توزیع کردیم. با همکاری دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم کار فرهنگی مشترک در رمضان انجام دادیم و به اعزام مبلغان حوزوی کمک کردیم. تفاهم نامه هم با جاهای مختلف مانند حوزه و اداره کل تبلیغات داشتیم و به اندازه نیاز شهر، طلبه اعزام کردیم. حدود ۸۰۰ طلبه که بیش از ۵۰۰ نفر آنها غیربومی بودند.

تلاش کردیم و کمک مردمی از عراق، هند و کویت را جذب کردیم. کمک مسلمانان هند را با حمایت حجت الاسلام والمسلمین مهدوی پور نماینده رهبر معظم انقلاب در هندوستان، جذب کردیم. ایشان بازدید از مناطق سیل زده داشتند. از محل این کمک ها بازسازی دو مدرسه را با اعتباری در حدود یک میلیارد و دویست میلیون تومان یکی مدرسه دخترانه زینبیه و دیگری دخترانه شهید کاییدی را به سرانجام می رسانیم و پایان شهریور مراسم افتتاح مدارس را خواهیم داشت. روزی چهل نفر دارند برای اتمام بازسازی این دو مدرسه کار می کنند. برای ساخت دو مدرسه دو کلاس دیگر نیز اعلام آمادگی کردیم.

حضور ما یکساله هست و در کنار مردم هستیم. هم بازسازی و هم حمایت خواهیم کرد. در این کمک رسانی، مردم شهرهای دیگر از سمنان، ملایر، تهران، فریدن اصفهان، اردکان، شیراز به ما پیوستند و از حمایت حوزه علمیه و مدیر آن و تولیت آستان حضرت معصومه (س) سپاسگزاریم. □

محمد خامه یار که چهره شناخته شده ای در بین فعالان اجتماعی و خیرین مردمی است در بسیاری از امور فرهنگی و اجتماعی نیز مشارکتی فعالانه دارد. او در همایش «تکریم کریمان» از طرف نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به عنوان یکی از کریمان انتخاب شد. او در گفتگو با خبرنگار ما ضمن روایت داستان شکل گیری قرارگاه کمک های مردمی، از کلیه نهادها به ویژه هلال احمر در فرهنگ سازی کمک به هموعان قدردانی کرد و برنامه هایی مانند همایش «تکریم کریمان» را اقدام مناسبی در ترویج این روحیه دانست. روایت محمد خامه یار از ماجرای قرارگاه کمک های مردمی در سیل استان لرستان را بخوانید: □

در سیل گلستان ما با کمک دوستان هم فکریه مردم این منطقه کمک خانه به خانه کردیم. اما با اتفاقی که در سیل استان لرستان افتاد به این صرافت افتادیم که نیاز است قرارگاه کمک های مردمی قم را ایجاد کنیم. در پلدختر بیش از صد هزار پرس غذای گرم به اهالی دادیم و نزدیک به ۲۱ روز پخت داشتیم. در بعضی روستاها که راه های ارتباطی مسدود شده بود با بالگرد ارتش غذاها را توزیع می کردیم. فرماندهان ارتش همکاری کردند و ۸ روز بالگرد آنها در اختیار ما بود.

در جذب کمک های مردمی نزدیک به ۵ میلیارد کمک غیر نقدی جمع کردیم و هر شب کمک ها را به صورت بسته بندی در خانه ها توزیع می کردیم. همان شعار هلال احمر را که حفظ کرامت و عزت انسان ها است، رعایت کردیم. البته تحقیق هم می کردیم و جایی که مشکلات بیشتری بود کمک نقدی انجام دادیم.

حدود ۶ هزار بسته غذایی در پلدختر را در منازل توزیع کردیم. لوازم خانگی مثل یخچال، کولر، ماشین لباسشویی، فرش، اجاق گاز و... هدیه دادیم. برای شناسایی نیازمندان به بنیاد برکت و ستاد اجرایی فرمان امام هم کمک کردیم. در توزیع آذوقه ها سعی کردیم به نیازمندان در هر جا که باشند کمک کنیم و حتی در کمپ هلال احمر در نزدیکی روستای دره زرد که بیش از چهل چادر نشین دارد و ۴۳ خانه روستا ویران شده حضور یافتیم. بالغ بر ۵ میلیون تومان کارت هدیه به نیازمندان اعطا کردیم. ۷۰ خانه را بازسازی کردیم و این مسیر را ادامه خواهیم داد.

هم مراسم عروسی برپا کردیم، هم جهیزیه دادیم و هم برای نو عروسان که خانه از دست داده بودند خانه تهیه کردیم. حدود ۱۵ جهیزیه هم به نو عروسان اهدا شد. جالب است بدانید روز سوم حادثه اولین مراسم ازدواج را برگزار کردیم.

ما در ساختمان ارشاد مستقر بودیم و با کمک ۲۵ نیروی جهادی که در اختیار قرارگاه بود، حدود هزار خانه را از گل و لای پاکسازی کردیم. بعد از پاکسازی هم سعی کردیم خانه ها را با

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در هلال احمر استان مرکزی تشریح کرد

خدمات خالصانه طلاب در مناطق سیل زده

■ سیده پریا میرطالی



از آنجایی که به سختی می شد او را پیدا کرد و این روزها بیشتر از قبل مشغله داشت، بعد از نماز جماعت روبروی نمازخانه به انتظارش ایستادم، قدم زنان به سمت اتاقش می رفت که مقابلش آمده و خواهش کردم چند دقیقه ای وقت بدهد تا گزارشی کوتاه از عملکردشان در مناطق سیل زده استان لرستان بگیریم و او هم مثل همیشه با لبخند قبول کرد و دقایقی مهمان اتاق پراز مهر و صفایش شدیم.

حجت الاسلام والمسلمین سید رضا میرهاشمی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان مرکزی، از جمله کسانی است که از روزها و ساعت های اولیه حادثه سیل نیمه اول فروردین ماه سال جاری، با تمام توان خود به کمک سیل زدگان استان لرستان شتافت. او عملکردش طی روزهای استقرار در مناطق سیل زده را این چنین تشریح کرد: با ابلاغ نماینده مقام معظم رهبری در جمعیت هلال احمر، از روز سیزدهم فروردین ماه سال جاری در استان لرستان شهرستان پلدختر حضور یافتیم و به محض ورود، یک ارزیابی کلی و بازدید از مناطق سیل زده به عمل آمد، شب آن روز جلسه ای با آیت الله میرعبادی؛ نماینده مقام معظم رهبری در استان لرستان، مسئولین گروه های جهادی طلاب و نماینده ویژه رئیس تشکل های دینی سازمان تبلیغات اسلامی کشور برگزار شد که معاون سازمان تبلیغات اسلامی کشور طی این جلسه مسئولیت سازماندهی، گروه بندی، برنامه ریزی و هماهنگی روحانیون و طلاب کل کشور را که به استان لرستان جهت ارائه خدمات بشردوستانه اعزام می شوند، به اینجانب واگذار کردند.

همه جانکار مردم

در ابتدا با توجه به تبلیغات سوئی که علیه طلاب شده بود مردم توقع نداشتند که طلبه ها این چنین فعالیت هایی را انجام دهند و بدون در نظر گرفتن جایگاه و شأن های ظاهری دست به کار شده و خالصانه فعالیت کنند ولی با حضورشان اثبات کردند که از هر خدمتی که بتوانند بی منت به مردم ارائه شود، دریغ نمی ورزند و همه جادار کنار مردم و با مردم هستند و دغدغه مندانه و دلسوزانه حضور دارند و تلاش در تسکین آلام دردمندان می کنند.

آنجا نه تنها طلبه ها بلکه همه امداد رسانیان و هر کس به نوعی و به هر روشی که توانستند شأنیت ها را کنار گذاشته و دیگر رئیس و زیر دست در آنجا هیچ معنایی نداشت، برای مثال حضور رئیس حوزه علمیه در مناطق سیل زده را داشتیم که از همان دقایق اولیه اعزامشان با به تن کردن لباس مقدس هلال احمر، آغاز به کار کردند.

بلافاصله با همکاری سایر ارگان های خدمت رسان و امدادی در مناطق سیل زده موبک ها، ایستگاه های خدمت رسانی و... دایر شد و شروع به پختن غذاهای گرم کردند که هر کدام از این موبک ها شروع به پختن بیش از ۳۰۰ غذا در هر وعده غذایی کردند و از لحاظ غذایی هیچ دغدغه ای وجود نداشت.

جویای اتفاق جالبی که نظر او را به خود جلب کرده بود شدم و پاسخ داد: روز اولی که اعزام شدیم، دو نفر را دیدیم

اتحاد



چهار روز اول در پلدختر، دو روز در منطقه بابازید و دو روز منطقه ملاوی بودیم که طلاب فرش می شستند، دو روز چم مهر و یک روز هم معمولان بودیم و از نخستین روز فعالیت در این مناطق روزانه بیش از ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ نفر از طلاب کل کشور اعزام می شدند که بعد از پذیرش، ساماندهی، تقسیم وظایف و... فعالیت خود را در

منطقه مربوطه شروع و بدون در نظر گرفتن پست، شأن و جایگاه با خلوص نیت و بدون هیچ منتی هر کاری که از دست آنان بر می آمد، انجام می دادند.

اکثر منازل به خصوص خانه های همکف و زیرزمین ها پراز گل و لای بود و بی تردید برای بیرون ریختن آن ها به غیر از اتحاد خود مردم، هیچ کسی نمی توانست این کار را بکند، لذا طلاب و دیگر امداد رسانی که در منطقه حضور داشتند در قالب گروه های جهادی به صورت شبانه روزی به مدت یک هفته در مناطق مختلف، به پاکسازی منازل پرداختند و پس از آن چندین گروه جهت شستن فرش ها و وسایل منازلی که پراز گل شده بودند هماهنگ گردیم و پس از پاکسازی کامل منازل با توجه به شروع اعیاد شعبانیه، مقرر شد فعالیت های فرهنگی طلاب که به نوعی وظیفه ذاتی آنها بود، شروع و هر کس بنا بر تخصص خود در زمینه های مختلف با حضور در مساجد، پارک ها، خیابان ها و... به فعالیت خود می پرداختند که با استقبال خوبی از سوی مردم و مسئولین نیز رو به روشد.

از کانون طلاب جمعیت هلال احمر استان مرکزی نیز بیش از ۴۰۰ تن از طلاب در قالب تیم های جهادی در مناطق مختلف سیل زده مستقر و همانند دیگر عزیزان، خالصانه به انجام فعالیت بشردوستانه پرداختند و از هیچ خدمتی طی این مدت، دریغ نکردند.



برنامه ریزی های منسجم، برای بازسازی منازلی که به کلی تخریب شده دست به کار شوند تا مردم هر چه سریع تر به زندگی عادی خود بازگردند.

اعتقاد داریم مردم خوب ایران چه در دوران دفاع مقدس و چه در حوادث گوناگون در زلزله های بم، ورزقان، رودبار، کرمانشاه و چه امروز در سیل استان لرستان، خوزستان و گلستان یاریگر، همدل و دلسوز بوده اند و به هر شکلی که بتوانند به کمک مردم آسیب دیده می شتابند و تلاش همکاران و داوطلبان در جمعیت هلال احمر هم این است که امانتدار خوبی باشند و همه اقلام اهدایی حتی مواردی که اصلاً ضروری و مورد نیاز مردم نیست به دست سیل زدگان خواهد رسید.

در پایان از همه کسانی که خالصانه پای کار بودند و ظواهر را برای اینکه در خدمت مردم باشند کنار گذاشتند و دلسوزانه کار کردند، از همه روحانیون، هلال احمر، سپاه، ارتش و... همچنین مردم صمیمانه تشکر و قدرانی می کنیم و امیدواریم که مورد رضایت خداوند متعال قرار گرفته باشد و از خداوند منان خواهیم توفیق مشارکت در این طرح حمایتی بشردوستانه را به همه ما عنایت فرماید، سزاوار نیست به عنوان یک مسلمان و شیعه امیرالمؤمنین (ع)، ما از امکانات و آرامش برخوردار باشیم و هموطنان عزیز ما گرفتار سیل و حوادث باشند و باید در حد توان کمک و یاری نمائیم. □



اگر اراده و نیت درست باشد همه کاری می توان انجام داد و به همین منظور خدا نیز امکانات و عنایت خود را فراهم خواهد کرد

که برای انجام کارهای خدماتی آمده بودند، از آنها پرسیدم، آیا جایی برای ماندن دارید؟ گفتند ما همه چیز به همراه داریم، آن ها حتی تغذیه خود را آورده بودند که نیازی به اقلام اهدایی سیل زدگان نداشته باشند، کنجکاو شده و از آنها پرسیدیم شغلتان چیست؟ از کجا آمده اید؟ جواب دادند هر دو چوپان هستیم و از اصفهان به هزینه خودمان آمده ایم، از پاسخشان به حیرت آمده و به فکر فرو رفتیم، این گونه موارد بسیار زیاد بود و بایدین آنها اشتیاق خدمت در مردم دو چندان می گردید.

۴ اراده و نیت

حجت الاسلام والمسلمین میرهاشمی در رابطه با امکاناتی که در اختیار داشتند، اظهار داشت: تنها امکانات ما نیروهایی بود که به همراه داشتیم و با هماهنگی هلال احمر و نهادهای مختلف خدمت رسان عمل می کردیم و من فکر می کنم اگر اراده و نیت درست باشد همه کاری می توان انجام داد و به همین منظور خدا نیز امکانات و عنایت خود را فراهم خواهد کرد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان مرکزی با اشاره به کمکی که سیل زدگان بیشتر از هر چیزی نیاز دارند، بیان داشت: تاکنون اقلام اولیه تاحدودی به دست مردم سیل زده رسیده و اکنون برای بازسازی منازلشان به حمایت نقدی بیشتری نیاز دارند و باید مسئولین با



❏ تشکیل بانک ایده

ایجاد بانک ایده پس از آن مطرح شد که هلال احمر و رخدادهایی که در آن حضور دارد را به معدن سوژه تشبیه کردند و بر ضرورت استخراج سوژه‌ها از این معدن تاکید شد. باید کارگروهی تشکیل شود که فقط روی سوژه‌ها و ایده‌ها کار کند. در واقع بانک ایده خلق می‌شود که بتواند خوراک مناسبی را در اختیار نویسندگان و داستان نویسان قرار دهد. اقدام معاونت فرهنگی برای پرداختن به این امر مهم، قابل تقدیر و ستایش است. هلال احمر باید از سوژه‌های انسانی مراقبت کند و اجازه ندهد این سرمایه‌ها گمنام بمانند.

البته در مورد شیوه‌های مختلف سوژه‌یابی و نوع کشف موقعیت‌ها، بحث و روش‌های مختلفی پیشنهاد شد و ضمن تایید ضرورت ایجاد بانک ایده، خلق اثر ماندگار منوط به کشف موقعیت و سوژه توسط نویسنده عنوان شد.

❏ حضور در صحنه

در حوادث و اتفاقات مهم و فراگیر، حضور یک نویسنده در تیم اعزامی هلال احمر می‌تواند پیشنهاد خوبی باشد. فرقی نمی‌کند در قالب داستان باشد، روایت یا تک‌نگاری؛ حضور نویسنده در موقعیت، بسیار مهم است تا مطالب مطابق واقعیت باشد و بتواند حس لحظه را در کوتاه‌ترین و بهترین حالت ممکن منتقل کند. حضور او باعث می‌شود حق مطلب در مورد سوژه‌ها ادا شود. اولین چیزی که در حوادث، حادثه دیدگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یاس و افسردگی است که به کمک قصه و داستان نباید اجازه دهیم این یاس و افسردگی عمیق ولایه دار شود.

❏ روایت پیشینی و آینده‌نگرانه

به اهمیت روایت‌های پیشینی و به نوعی آینده‌نگرانه هم توجه شد. مشکل رایج در این فضا ساختن ایده‌ها و پرداختن به سوژه‌ها بعد از وقوع حادثه است؛ در حالی که ممکن است اثرگذاری مورد نظر را نداشته باشد. اگر ما به قبل از حادثه توجه کنیم و به گونه‌ای به سوژه‌ها بپردازیم که ذهن و روان مخاطب را برانگیزد، می‌توانیم در ضمیر ناخودآگاه و متعاقباً روی رفتار وی تأثیر بگذاریم و این اتفاق قطعاً همراهی او را به همراه خواهد داشت. پس باید به سمتی برویم که پیش از وقوع حوادث، ماجرا را ببینیم و آمادگی ذهنی و فرهنگی ایجاد کنیم.

گزارش نشست هم‌اندیشی داستان نویسان در جمعیت هلال احمر

ادبیات داستانی و خدمت به انسان

چندی پیش جمعی از داستان نویسان و اهالی ادبیات داستانی کشور در نشست هم‌اندیشی «امداد و ادبیات» که به دعوت معاونت فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر برگزار شد شرکت کرده و درباره ظرفیت‌های ادبیات داستانی و نسبت آن با اهداف و برنامه‌های بشردوستانه این جمعیت گفتگو کردند. مجید قیصری، علی اصغر عزتی پاک، محمدرضا شرفی خبوشان، ابراهیم اکبری دیزگاه، امیر خداوردی، مهدی کفاش، میثم امیری، مهدی کرد فیروزجایی، محمداقلم خانی، مجید استیری، یاسر احمدوند، محمد مهدی بیگلری و خانم عبدالحسینی در این جلسه که با حضور نماینده ولی فقیه در هلال احمر تشکیل شد حضور داشتند. گزیده‌ای از اظهارنظرها، دغدغه‌ها و پیشنهادهایی که در این نشست مطرح شد را در ادامه می‌خوانید. ■

❏ همسویی امداد و ادبیات

از جمله مواردی که برگزارکنندگان و نویسندگان حاضر در این نشست بر آن تاکید و اتفاق نظر داشتند اشتراک افق و همسویی ادبیات با ماهیت، اهداف و برنامه‌های نهاد مردمی جمعیت هلال احمر با حوزه ادبیات و به خصوص داستان بود. چنانچه اشاره شد اهداف چهارگانه و اصول هفت‌گانه جمعیت هلال احمر همان ادبیات است و این بسیار ارزشمند و قابل تأمل است. این نشان می‌دهد که اهالی ادبیات چقدر نزدیک اند به فعالیت‌های نهادی چون جمعیت هلال احمر و جادارد که این ارتباط بیشتر و گفتگوها عمیق‌تر شود.

برای این که بتوانیم موضوع و مطلب مهمی را در کوتاه مدت و سریع در جامعه فراگیر کنیم، باید دست به دامن فیلم شویم اما آن چیزی که عمیق و ماندگار است، قصه و داستان است. همواره در هلال احمر صحبت از نیکویی‌ها، اخلاقیات و فضیلت هاست. وقتی می‌گوییم جمعیت هلال احمر، در واقع به قشرهای متفاوت و تعداد زیادی از مردم اشاره می‌شود. حال باید نویسنده بتواند این خدمات و فضایل را به گونه‌ای به جامعه بشناساند تا این روحیه‌ی ایثار و فداکاری فراگیرتر شود. باور این که مردم چگونه می‌توانند در کنار هم و با همراهی یکدیگر، با همکاری نهاد بزرگی همچون هلال احمر مشکلی را برطرف کنند، بسیار ارزشمند است. بهترین مدلی که می‌تواند این هدف را به سرانجام برساند، رمان و داستان است.



۴ کانون نویسندگان

با توجه به ضرورت‌هایی که در این جلسه عنوان شد، حجت‌الاسلام و المسلمین معزی پیشنهاد عضویت نویسندگان و اهالی فرهنگ را در جمعیت هلال احمر دادند. همان‌طور که پزشکان داوطلب، طلاب داوطلب و معلمان داوطلب در جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران داریم، می‌توان از نویسندگان نیز دعوت به عمل آورد که عضو افتخاری و داوطلب هلال احمر شوند. ایجاد گروه نویسندگان داوطلب که دغدغه دینی و انقلابی دارند، پیشنهاد قابل بررسی است که می‌تواند سرمنشا خیر و برکت شود.

همچنین مطرح شد هلال احمر در این سال‌ها از دید عقل عملی به خوبی عمل کرده است. حال اگر گروه نویسندگان را تشکیل دهیم، ایشان می‌توانند عقل نظری امدادگری هلال احمر باشند.

در این راستا دعوت از اهل فکر و اندیشه پیشنهاد شد. اهمیت دادن به تأمل و فکر و اندیشه باید در اولویت امور باشد. ایشان باید ما را در رساندن به فهم مشترک در مورد مفاهیم و واژه‌ها کمک کنند. این که یاری‌گری به چه معناست؛ بی‌طرفی و بی‌غرضی یعنی چه و کرامت انسانی دقیقاً به چه مفهومی اشاره دارد؟

۴ خدمت به انسانیت دستمایه ارزشمندی

برای ادبیات داستانی است

دستگاه‌ها و نهاد‌های مختلف در حوزه انسان و انسانیت ورود کرده‌اند. هلال احمر نیز با توجه به ظرفیت عظیم خود این فرصت را قدر می‌داند که به انسان و انسانیت خدمت کند و این دستمایه خوبی برای ادبیات داستانی است.

حجت‌الاسلام و المسلمین معزی، نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر نیز در این جلسه با اشاره به جریان روشنفکری قبل از انقلاب که معتقد بودند مسلمانان توانایی و استعدادی برای شکوفایی ندارند، جریان فرهنگی و ادبی پیش از انقلاب را بررسی و وضعیت کنونی را تبیین کردند. چهل سال از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران گذشته و خیلی از توفیقات، به دست آمده است که متأسفانه عده‌ای توان و طاقت باورش را ندارند. بعضی‌ها معتقد بودند که مذهب‌یون و مسلمانان توان انجام کاری را ندارند. این گروه حرف‌ها و آرمان‌های خود را به وسیله ابزار هنر و ادبیات همچون قصه، داستان، رمان و شعر به مردم منتقل می‌کردند. در آن زمان مذهب‌یون نقش کم‌رنگی در حوزه ادبیات داشتند و اکثر نویسندگان افراد پشت‌کرده به دین بودند. اما بعد از انقلاب ادب و شعری بزرگی به بهترین شکل ظاهر شدند و آثارشان در جامعه غوغایی به پا کرد. این مسئله نشان داد که مذهب‌ها نیز می‌توانند. اما نکته‌ای که هرگز نباید فراموش کنیم این است که همیشه اندازه خودمان را حفظ کنیم و باور غلط در ما شکل نگیرد. خودباوری خوب است اما به همان اندازه، عُجب و غرور برای انسان آفت است. کار کنیم؛ تلاش کنیم و زحمت بکشیم اما خودمان را بی‌اندازه بزرگ بینیم.

الحمدلله بعد از انقلاب رشد خوبی در حوزه ادبیات رخ داده

که بلاشک یکی از مهم‌ترین دلایل این رشد، توجهات بی‌بدیل مقام معظم رهبری بوده است.

۴ شناساندن هلال احمر به دوستداران خدمت

در ابتدای این نشست یاسر احمدوند معاون فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، ضمن اشاره به هدف از برگزاری این گونه نشست‌ها گفت: یکی از مهم‌ترین اهداف این گرهمایی‌ها، شناساندن هلال احمر و وظایف آن به جامعه، مخصوصاً با ابزار فرهنگ و هنر است و اهالی هنر و ادبیات باید به نحوی درگیر مسئله هلال احمر شوند و به همکاری با این نهاد بشردوست بشتابند. زمینه‌های بسیاری برای همکاری وجود دارد.

این نهاد عمومی قدمت ۱۰۰ ساله دارد و موقوفات آن بسیار قابل توجه است. جمعیت هلال احمر از قبل از انقلاب تاکنون خدمات فراوانی را به مردم ارائه کرده است و بسیاری از امور عام‌المنفعه در کشور را هلال احمر انجام می‌دهد.

احمدوند اصول هفت‌گانه و اهداف چهارگانه جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ را برشمرد و توضیح داد: حادثه سیل اخیر، ضرورت همکاری‌های دو جانبه فرهنگی و هنری را بیشتر به نشان داد. ما کشوری پر حادثه هستیم اما متأسفانه توجه ویژه‌ای به این موضوع نشده است. دوستان هنرمند باید ذهنشان درگیر ماجرا شود؛ به شیوه‌ای که باید به درجه‌ای از کیفیت برسیم که آثار ما اثرگذاری ویژه‌ای داشته باشد؛ کم‌اینکه در این سیل، الحمدلله خیلی از دوستان حضور داشتند که از هنر خود در راه خدا و خدمت به مردم سیل زده استفاده کردند. □



هلال احمر در این سال‌ها از دید عقل عملی به خوبی عمل کرده است. حال اگر گروه نویسندگان را تشکیل دهیم، ایشان می‌توانند عقل نظری امدادگری هلال احمر باشند

و معنوی همچون حضرت امام خمینی (ره) رخ داد و این کشور آزاد شد و حاکمیت دین در این مملکت اسلامی برقرار گردید و اگر امروز از ما سؤال شود که این نعمت الهی در اختیار شما قرار گرفت و در قبال مسئولیت خود چه کردید امیدوارم که همه ما بتوانیم در پیشگاه الهی پاسخگو باشیم.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره خدمات جمعیت هلال احمر در حادثه سیل اخیر افزود: در فروردین ماه امسال ۲۷ استان کشور تحت تأثیر جریان سیل بودند و جمعیت هلال احمر مثل همیشه و بهتر از قبل در صحنه حاضر بود و با اطلاع رسانی و فعالیت خوب جمعیت، مردم خیر و نیکوکار ایران اسلامی در چنین شرایط سخت اقتصادی و با وجود همه سختی ها و تحریم ها بیش از ۲ هزار میلیارد ریال به سیل زدگان کمک کردند و در ماه مبارک رمضان اخیر مردم شریف و روزه دار ایران، روزی یک میلیارد تومان به مردم آسیب دیده و سیل زده تقدیم کردند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی تأکید کرد: شک نکنید که کشور از همه فشارها به زودی عبور خواهد کرد و آن چیزی که باقی می ماند اتحاد، همدلی، پیشرفت و وحدت روز افزون است.

وی با اشاره به اینکه مسئولیت اول ما در حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر رشد معرفت دینی و اخلاق اسلامی است یادآور شد: نه تنها حدود ۸ هزار فرزند همکاران جمعیت بلکه جمعیت میلیونی داوطلبین و به خصوص سازمان جوانان که با مخاطب و اعضای جوان و پویا فعالیت می کند باید از این موهبت برخوردار شوند چرا که بر اساس تأکید مقام معظم رهبری (مدظله العالی) عنصر اصلی و پیش برنده گام دوم انقلاب اسلامی ایران جوانان هستند و هلال احمر نه فقط در سیل و زلزله و در راه ماندگی بلکه باید در خدمت رسانی به مردم نیازمند پیش رو باشد.

در پایان این جلسه از خدمات حجت الاسلام والمسلمین واعظی مسئول سابق دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر اردبیل قدردانی و حجت الاسلام والمسلمین فاطمی نیا به عنوان مسئول دفتر حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اردبیل منصوب گردید.

در این جلسه علاوه بر مدیران و کارکنان جمعیت هلال احمر اردبیل، مدیران دستگاه های اجرایی و نیروهای مسلح و انتظامی استان، نمایندگانی از جامعه روحانیت استان، معاونین نظارت و امور شرعی، فرهنگی و آموزشی و پژوهشی و مشاور نماینده ولی فقیه در هلال احمر و مدیر کل حوزه نمایندگی نیز حضور داشتند.

حکم انتصاب مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در

جمعیت هلال احمر استان اردبیل

حجت الاسلام والمسلمین سید علی فاطمی نیا، با حکم حجت الاسلام والمسلمین معزی نماینده ولی فقیه در هلال احمر، به سمت مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اردبیل منصوب شد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه، متن حکم به این شرح است:

حجت الاسلام والمسلمین معزی در مراسم معارفه مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان اردبیل:

پیروز نهایی ملت ایران است

حجت الاسلام والمسلمین معزی نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر در سفر به استان اردبیل ضمن معارفه مسئول دفتر جدید حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر این استان، در شورای اداری استان اردبیل حضور پیدا کرد و همچنین از پایگاه امداد و نجات جاده ای سرعین بازدید نمود. در مطلب پیش رو گزارشی از این سفر را می خوانیم. ■

مراسم معارفه مسئول دفتر جدید حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان اردبیل و تقدیر و تشکر از مسئول پیشین این دفتر، با حضور نماینده ولی فقیه در هلال احمر و هیئت همراه برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، حجت الاسلام والمسلمین معزی با اشاره به اینکه همه نهادها و دستگاه ها به نوبه خود مسئول هستند خاطر نشان کرد: همه یک هدف دارند که بتوانند حاکمیت خدا را در این کشور بیش از پیش مستقر کنند. در جنگ اقتصادی کنونی با تمام قدرتی که استکبار جهانی مصرف کرده است مسئولین باید برنامه های خود را دقیق تر به پیش ببرند. دشمنان ایران اسلامی در تحلیل و محاسبات خود دچار اشتباهی بزرگ شدند چرا که ملت ایران را به درستی درک نکرده اند.

نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر با اشاره به اقدامات دشمنان بر علیه ملت ایران افزود: گمان می کردند که با تحریم می توانند مردم ایران را سراسیمه و عصبانی کنند اما این ملت بزرگ، وحدت، اتحاد، مقاومت و ایستادگی بیشتری از خود به نمایش گذاشتند. دشمنان نظام از ۸ سال دفاع مقدس درس نگرفتند. در آن زمان از نظر امکانات گوناگون چه از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، نظامی و سیاسی با امروز قابل قیاس نبودیم و صدام مأموریت داشت تا انقلاب اسلامی را از پای درآورد اما مردم با هشت سال مقاومت و ایستادگی، جلوی زیاده خواهی دشمنان را گرفتند و امروز هم در برابر حمله های دشمنان، پیروز نهایی ملت ایران است و هویت ملت ایران، مقاومت و ایستادگی ولو با وجود همه مشکلات است.

حجت الاسلام والمسلمین معزی ضمن اشاره به اینکه انسان تنها موجود مسئول در جهان هستی است یادآور شد: هیچ موجودی در این جهان مورد سؤال قرار نمی گیرد اما در روز قیامت از ما پرسیده می شود که با نعمت های فراوان حضرت خداوند در دنیا چه کردیم آیا استفاده درست و صحیح داشتیم یا کفران نعمت کردیم.

وی خاطر نشان کرد: بی شک ملت ایران در نیم قرن اخیر عزتمند شد و موفق گردید کشورمان را از سلطه جهان و قدرت های استکباری نجات دهد و این اتفاق با هدایت یک انسان الهی



شکوه‌مند اسلامی ایران کشیدند تا امروز این نظام مقدس سرفراز و سربلند در دنیا باقی بماند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با اشاره به سبک زندگی شیوه تلاش در راه خدا افزود: ما باید یک بازنگری در زندگی خویش کنیم که برای این انقلاب چه کرده‌ایم و بدون شک کوچکترین کار نیک و بدی که انجام دهیم در نزد خدای متعال ثبت و ضبط می‌شود و این عمل را در روز قیامت خواهیم دید و باید بررسی کنیم چه کرده‌ایم.

وی در ابتدای سخنان خود با اشاره به روز هفتم تیرماه که روزی تاریخی در انقلاب اسلامی است، خاطرنشان کرد: در این روز شهادت ۷۲ تن از برترین انسان‌های انقلابی رقم خورد که امام امت حضرت امام خمینی رحمه الله علیه درباره ایشان می‌فرماید: تا آن جایی که من از این عزیزان شناخت داشتم، ایشان از ابرار بودند و این عزیزان امتحان خود را پس دادند. این بزرگواران از انقلابیون قبل از انقلاب اسلامی بودند که در شرایط بسیار سخت زمان طاغوت جنگیدند، برخی شکنجه شدند و تعدادی از یاران جان بر کف عزیزترین دارایی خود یعنی جان‌شان را تقدیم انقلاب و راه آن کردند.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر یادآور شد: فراموش نکنیم جمعیت هلال احمر یک مجموعه دولتی نیست، یک نهاد مردم محور و داوطلب محور است که تمام شئون در جمعیت هلال احمر باید به این مسئله توجه ویژه داشته باشند که اساس کار در هلال احمر حضور و نقش مردم است.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در ادامه با اشاره به ضرورت بهره‌مندی بیشتر از ظرفیت داوطلبان در هلال احمر افزود: تلاشی که ما باید انجام دهیم این است که شرایط را به گونه‌ای مهیا کنیم که این تعداد داوطلبین و حضور آنان در جمعیت دائمی باشد. ثبت نام و تعداد داوطلبین یک عدد است اما حضور ایشان در صحنه مهم‌تر از عدد است حفظ و اشتیاق داوطلبین یکی از نکات مهمی است که در جمعیت هلال احمر باید مورد توجه قرار بگیرد زمانی

برادر ارجمند حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدعلی فاطمی نیا

نظر به مسئولیت‌های خطیر و نقش مؤثر و حساس حوزه نمایندگی ولی فقیه در تحقق بخشیدن به اهداف مقدس جمعیت و ضرورت انجام وظایف و مأموریت‌های محوله در اجرای منویات حضرت امام خمینی (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، با توجه به تجارب مؤثر و مفید جنابعالی، به موجب این حکم به سمت مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اردبیل منصوب می‌شوید.

اهم وظایف آن نمایندگی، گسترش معارف و فرهنگ اسلامی و تحکیم پایه‌های اعتقادی، معنوی و اخلاقی مدیران، کارکنان، جوانان، امدادگران و داوطلبان جمعیت، تقویت ارزش‌های اسلامی و انقلابی و نظارت بر امور و تلاش در جهت رعایت موازین شرعی در سطح جمعیت استان می‌باشد. امید است با استعانت از خداوند متعال و تحت عنایات حضرت بقیه الله الاعظم (عج) و تلاش و کوشش مضاعف با هماهنگی کامل حوزه نمایندگی ولی فقیه در مرکز و همکاری متقابل با مسئولین جمعیت استان در انجام وظایف و مسئولیت‌های محوله موفق و مؤید باشید.

عبدالحسین معزی
نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر

تهران - خیابان ولی عصر ۱۳۱، پلاک ۱۳۱، دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اردبیل، شماره ۱۳۴۲ - ساختمان ملج، صندوق پستی: ۵۸۵۷۵-۴۴۴۵، کد پستی: ۵۸۵۷۵۱۳۴۲۱
تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۶۶۶۶۶، فکس: ۸۸۶۶۶۶۶۶، وبسایت: www.hla.ir، پست الکترونیک: hla@hla.ir

۱ حضور در شورای اداری استان

نماینده ولی فقیه در هلال احمر با حضور در شورای اداری جمعیت هلال احمر استان در سخنانی، با تبیین دستاوردهای نظام اسلامی به بیان اهمیت حفظ و حراست از این دستاوردها اشاره کرد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی افزود: آنچه که در اختیار ما قرار گرفته است ثمره خون شهدای انقلاب مقدس اسلامی و مجاهدت و ایستادگی امام راحل و مقام معظم رهبری ایران است که باید با روش‌های مختلف از این دستاورد مراقبت و حفاظت کرد. توصیه می‌کنم برای آگاهی از این تلاش‌ها دو کتاب با عناوین «الف لام خمینی» درباره زندگی امام راحل تا زمان پیروزی انقلاب و «شرح اسم» به چاپ رسیده که در آن به زندگی مقام معظم رهبری مدظله العالی تا پیروزی انقلاب اشاره شده است. این دو کتاب و از این دست کتاب‌ها که به زندگی و تلاش بزرگان انقلاب، شهدا و ایثارگران می‌پردازد که به ما نشان می‌دهد که چه رنج‌ها و سختی‌هایی که ایشان و دوستانشان از دوران آغاز مبارزات تا پیروزی انقلاب

فراموش نکنیم
هلال احمر یک
مجموعه دولتی
نیست، یک
نهاد مردم محور
و داوطلب محور
است که همه
باید توجه داشته
باشند، اساس
کار در هلال احمر
حضور و نقش
مردم است



هلال احمر بوده و در سامانه ثبت نام کردند. وی با اشاره به اینکه در سال گذشته ۲۱ هزار و ۳۰۰ نفر از جمعیت استان اردبیل در دوره‌های آموزشی جمعیت هلال احمر شرکت کرده‌اند، افزود: این افراد در دوره‌های مختلف همگانی و تخصصی شرکت کرده‌اند. وی افزود: در سیل اخیر مردم این استان ۴۶۰ میلیون تومان کمک نقدی و ۲۲۴ میلیون کمک غیرنقدی در اختیار جمعیت هلال احمر قرار داده بودند تا به مردم سیل زده کمک کنیم. معبودی افزود: حضور داوطلبان و نوع دوستی آنها سبب شده است که جمعیت هلال احمر استان اردبیل همیشه جزء اولین اکیپ‌های امدادی در حوادث باشد.

۱ بازدید از پایگاه امداد و نجات جاده‌ای سرعین

نماینده ولی فقیه در هلال احمر که به منظور شرکت در شورای اداری این جمعیت در استان اردبیل و همچنین تکریم و معارفه مسئول جدید دفتر نمایندگی ولی فقیه در این استان به اردبیل سفر کرده بود با حضور در پایگاه امداد و نجات جاده‌ای سرعین (یادمان شهدای امدادگر) از این پایگاه بازدید و با امدادگران حاضر در آن ملاقات کرد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، حجت الاسلام والمسلمین معزی در دیدار صمیمانه با امدادگران این پایگاه ضمن تقدیر و تشکر از امدادگران خدمت و زحماتش این پایگاه در سخنانی فرصت خدمت در هلال احمر را نعمت و عطیه الهی برشمرد و افزود: امدادگران جمعیت هلال احمر با خدمت بی منت و مؤثر خود به آسیب دیدگان و رنج دیدگان، موجبات جلب رضایت خداوند را فراهم می‌کنند. در انتهای این دیدار که مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان اردبیل نیز حضور داشت نماینده ولی فقیه در دفتر یادبود این پایگاه، از تلاش‌های امدادگران تقدیر کرد. در این بازدید حجت الاسلام والمسلمین ذاکری معاون نظارت و امور شرعی، دکتر احمدوند معاون فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی و عبدالمجید معزی مشاور نماینده ولی فقیه در هلال احمر و مدیر کل حوزه نمایندگی نیز حضور داشتند. □



یکی از
دغدغه‌های
مهم مقام معظم
رهبری آسیب‌های
اجتماعی
است مانند
اعتیاد، حاشیه
نشینی شهرها،
آسیب‌های
خانوادگی،
طلاق، رفتارهای
ضد اخلاقی و...
که باید مورد تاکید
و توجه ویژه تمام
مسئولین از جمله
هلال احمر
قرار گیرد

این اتفاق می‌افتد که مسئله غیردولتی بودن و مردم محور بودن این نهاد به همه داوطلبین اثبات شود و در همین زمینه این تحرک، پویایی و اشتیاق باید روز به روز پررنگ‌تر شود و در همین زمینه سازمان جوانان یکی از عظیم‌ترین سرمایه‌های هلال احمر است که باید با برنامه ریزی‌های صورت گرفته به درستی هدایت شود.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در ادامه صحبت‌های خود با اشاره به تلاش‌های صورت گرفته در عرصه‌های گوناگون در حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در استان اردبیل خاطر نشان کرد: خوشبختانه مسئله نماز در استان اردبیل مورد توجه ویژه قرار گرفته است و جمعیت هلال احمر هم با برپایی دوازده نماز جماعت از دستگاه‌های نمونه استان بوده است. مسئله دیگر احسان و نیکی است که مجموعه تلاش‌های همکاران هیئت مدیره، معاونین و مردم استان اردبیل به خوبی نشان می‌دهد که نسبت به حوادث و سوانح بی تفاوت نیستند.

وی در همین زمینه به مسئله اساسی آسیب‌های اجتماعی اشاره کرد و افزود: یکی از دغدغه‌های مهم مقام معظم رهبری آسیب‌های اجتماعی است مانند اعتیاد، حاشیه نشینی شهرها، آسیب‌های خانوادگی، طلاق، رفتارهای ضد اخلاقی و... که باید مورد تاکید و توجه ویژه تمام مسئولین از جمله هلال احمر قرار گیرد.

در ابتدای این جلسه که با حضور مدیران هلال احمر در استان برگزار شد مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان اردبیل نیز در سخنانی به ارائه گزارش از نحوه فعالیت‌های هلال احمر این استان پرداخت. مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان اردبیل در این جلسه گفت: استان اردبیل ۱۱ شهرستان دارد که در ۱۰ شهرستان شعبه هلال احمر وجود دارد و یک شهرستان هم به تازگی ایجاد شده است و در آینده در این شهرستان هم شعبه ایجاد می‌کنیم.

رامین معبودی ادامه داد: جمعیت هلال احمر استان اردبیل ۱۸۲ نفر پرسنل دارد اما از بین جمعیت یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفری استان، حدود ۵۰ هزار نفر عضو جمعیت

توانمندسازی کانون‌های طلاب در خراسان جنوبی

« مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خراسان جنوبی از برنامه‌ریزی برای توانمندسازی و آمادگی بیش از پیش اعضای کانون‌های طلاب این استان خبر داد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، حجت الاسلام والمسلمین درویشی در گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی این حوزه با اشاره به فعالیت ۱۶ کانون طلاب در استان خراسان جنوبی گفت: در تمام شعب شهرستان‌های استان، کانون‌های طلاب ایجاد و مشغول فعالیت هستند. وی با بیان اینکه بیش از هزار طلبه حوزه علمیه خراسان جنوبی در کانون‌های طلاب جمعیت هلال احمر عضو هستند، افزود: ارتقاء سطح آگاهی، علمی و امدادی این اعضا در دستور کار دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر و استان قرار دارد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر خراسان جنوبی به برگزاری دوره‌های متعدد آموزشی-توجیهی و ویژه کانون‌های طلاب استان اشاره و تصریح کرد: فراگیری آموزش امداد و کمک‌های اولیه در مقاطع مقدماتی و پیشرفته یکی از مهمترین این دوره‌هاست.

حجت الاسلام والمسلمین درویشی برگزاری مانور یک روزه پناه‌گیری و تخلیه اضطراری ویژه اعضای کانون‌های طلاب با حضور مسئولین و مربیان برتر استانی را از دیگر دوره‌های در نظر گرفته برای اعضای طلبه هلال احمر است و افزود: علاوه بر این در مقاطع مختلف سال با برنامه‌ریزی مدون، دوره آموزش‌های فرهنگی و احکام شرعی در حوادث و بلایای طبیعی نیز ویژه اعضای کانون‌های طلاب سراسر استان برگزار می‌شود.

استفاده از توان و ظرفیت طلاب عضو هلال احمر در مناسبات و برنامه‌های متنوع و بشردوستانه و مردمی نکته دیگری بود که حجت الاسلام والمسلمین درویشی به آن اشاره کرد و افزود: در همین زمینه اعضای طلاب هلال احمر با هماهنگی معاونت جوانان در تعطیلات نوروز و در کنار دیگر اعضای این نهاد عام المنفعه، به مسافرت و مردم‌ارائه خدمات می‌کنند.

وی ادامه داد: اعزام تیم طلاب عضو کانون‌های هلال احمر از حوزه علمیه به مناطق سیل زده در ابتدای امسال به منظور کمک به هموطنان مصیبت دیده و همچنین حضور در راهپیمایی عظیم اربعین حسینی به منظور ارائه خدمات به زائرین ابعاد الله الحسین علیه السلام بسترهای دیگر خدمت‌رسانی اعضای کانون‌های طلاب جمعیت هلال احمر است.

وی در پایان با ابراز خرسندی از حضور اعضای کانون‌های طلاب در فعالیت‌ها و برنامه‌های مختلف اجرایی از سوی هلال احمر، نقش مؤثر و تاثیرگذار آن‌ها را یادآور شد و بر تقویت این تنها به عنوان بسترهای مناسب خدمت‌رسانی به جامعه تأکید کرد. □



با ورود پرچم معطر حرم رضوی به
هلال احمر استان بوشهر

جشن زیر سایه خورشید برگزار شد

« آیین استقبال از خادمین حرم مطهر رضوی، کاروان زیر سایه خورشید و پرچم مطهر امام رضا(ع) در بوشهر، با حضور مدیرعامل و مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان، معاونین، کارکنان و اعضای خانواده جمعیت هلال احمر برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از تارنمای اطلاع‌رسانی هلال احمر بوشهر، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان در آیین استقبال از کاروان رضوی، ضمن تبریک دهه کرامت اظهار داشت: بارگاه ملکوتی و منور امام رضا(ع) محلی برای زنده شدن روح امید در دل انسان‌هاست و بسیاری از افراد وقتی رگه‌هایی از ناامیدی در دل‌هایشان ایجاد می‌شود خودشان را به حرم مطهر امام رضا می‌رسانند و نور امید در دلشان زنده می‌شود. بر این اساس هر کسی که تلاش می‌کند دل‌های مردم را به آن سرزمین نوری پیوند دهد قطعاً مأجور خواهد شد و اگر مادر این جا و در جمعیت هلال احمر استان چنین توفیقی پیدا کرده‌ایم به آن افتخار می‌کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین دشتی افزود: حرم امام رضا(ع) پناهگاه ماست و مردم ما به وجود این امام افتخار می‌کنند و این مکتب و اعتقاد که در طول سال‌های هتمادی بر جای مانده و باقی خواهد ماند و این هم در سایه برکت ایشان است. وی با تقدیر از حضور خامان حرم رضوی در جمعیت هلال احمر استان، خاطرنشان کرد: اهتزاز پرچم حرم رضوی و قرائت صلوات خاصه امام رضا(ع) و مداحی و بیان ویژگی‌های آن بزرگوار همواره روح بخش است.

در ادامه این مراسم نورانی سخنرانی و مدیحه‌سرایی در وصفان حضرت توسط خادمین حرم رضوی انجام پذیرفت و در پایان از طرف خادمین حرم رضوی به همه عزیزان هدایایی متبرک شده از آستان قدس رضوی اهدا شد. □



تجلی همبستگی

و دلدادگی



مشاور نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر کشور نیز در دیدار با آیت الله ابوالقاسم یعقوبی نماینده مقام معظم رهبری در استان خراسان شمالی گفت: جمعیت هلال احمر خراسان شمالی تجلی گاه همبستگی و دلدادگی است که سبب شده خدمت رسانی به مردم در آن به بهترین نحو انجام شود.

حجت الاسلام والمسلمین فقیهی تأکید کرد: در بازدیدهایی که طی سفر به خراسان شمالی داشتم چیزی جز نور، معرفت و معنویت ندیدم. وی افزود: رضایت افراد مختلف در جایگاه های گوناگون از جمعیت هلال احمر خراسان شمالی و تأکید بر حضور به موقع آن ها در بزنگاه های مختلف نشان از عملکرد مطلوب این جمعیت دارد که البته باید حفظ شده و روز به روز ارتقا یابد.

پادگان آماده ۱۰ هزار نفری



محسن نجات نیز در این دیدار ضمن تقدیر و تشکر از حمایت های نماینده ولی فقیه در خراسان شمالی از جمعیت هلال احمر استان و حضور جهادی ایشان در حوادث مختلف، وجود ایشان را سرمایه غنی برای استان دانست.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر خراسان شمالی گفت: جمعیت هلال احمر خراسان شمالی با ۱۰ هزار نیروی آماده به کار همچون پادگانی نظامی، آمادگی مواجهه با حوادث مختلف و امداد رسانی به مردم را دارد. وی تأکید کرد: رهبر معظم انقلاب تأکید بسیاری بر اداره امور به دست جوانان دارند که در این راستا تلاش می کنیم تا آنان به بهترین نحو استفاده کرده تا در رقم خوردن آینده ای درخشان که به دست جوانان اداره می شود گام موثری برداشته باشیم. □

نماینده ولی فقیه در استان خراسان شمالی:

کار هلال احمر با کرامت و احسان گره خورده است

نماینده ولی فقیه در خراسان شمالی گفت: جمعیت هلال احمر خراسان شمالی مجموعه ای فعال، پا در رکاب و جلوتر از همه دستگاه ها در امداد رسانی به مردم است. ■



به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از تارنمای روابط عمومی این جمعیت در خراسان شمالی، آیت الله ابوالقاسم یعقوبی در دیدار مشاور نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر کشور، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت استان و مدیر عامل هلال احمر خراسان شمالی گفت: کار شما در هلال احمر با کرامت، احسان و خدمت گره خورده است که نشان از اهمیت آن دارد.



وی با اشاره به تأکیدات رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب افزود: رهبر انقلاب در این بیانیه یکی از برکات انقلاب را شتاب مردم و افزایش چشمگیر مشارکت آن ها برای خدمت رسانی در موضوعات و حوادث احتمالی دانستند که مشابه فعالیت جمعیت هلال احمر است. آیت الله یعقوبی ضمن تقدیر از تلاش ها و زحمات جمعیت هلال احمر خراسان شمالی و مدیرعامل آن در استان افزود: جمعیت هلال احمر با جوانان گره خورده و باید قدر دان این سرمایه های ارزشمند باشید.

نماینده ولی فقیه در خراسان شمالی افزود: به فرموده رهبر معظم انقلاب، کشور را باید به دست جوانان بسپاریم، لذا تقویت حس نوع دوستی و خدمت رسانی در جوانان وظیفه ما به حساب می آید تا آنان را برای مسئولیت های آینده آماده و حمایت کنیم. وی خاطر نشان کرد: جمعیت هلال احمر خراسان شمالی در کنار تربیت نیروهای امدادی برای مواقع ضروری، همانند پادگانی آماده است که سربازانش ضمن آمادگی، دارای مهارت و تخصص هستند.



به همت دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان قم برپا شد

دوره آموزشی مربیان نماز سراسر کشور

دوره آموزشی مربیان نماز سراسر کشور به میزبانی هلال احمر قم با ادای احترام به مقام شهدای امدادگر برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از روابط عمومی این جمعیت در استان قم؛ حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی علامه مهری در آئین افتتاحیه، ضمن خیرمقدم گفت: این دوره زیر نظر استادان مرکز تخصصی نماز به مدت ۴ روز برگزار می شود و امید داریم به برکت وجود بانوی کرامت، مربیان از این آموزش ها بهره مندی حداکثر داشته باشند. وی با بیان اینکه پیشرفت جوامع بستگی به سه عامل دارد تصریح کرد: عامل نخست رهبران جامعه هستند که باید مدبر و شجاع و مدیر باشند و در صورتی که دارای این خصایص باشند قطعاً رشد و ترقی با آن جامعه همراه است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان قم در ادامه با اشاره به اینکه عامل دوم این مسیر نخبگان جامعه هستند افزود: نخبگان اگر خوب و با بصیرت و وحدت عمل کنند، پیشرفت در انتظار آن جامعه است و گروه سوم توده مردم هستند که آگاهی و بصیرت آن ها و پیروی از رهبری به صورت منسجم می تواند کامل کننده پیشرفت و تعالی آن جامعه شود.

حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی علامه مهری پیوند و وحدت بین این سه گروه برای ترقی جامعه را کلیدی عنوان کرد و گفت: مسجد به عنوان یک جامعه و امام جماعت آن به مثابه رهبر این جامعه و هیئت امنای مهم نخبگان هستند؛ اگر همه درست و باتدبیر و درایت عمل کنند جامعه مسجد هدایت شده و هر روز علاوه بر جمعیت آن بر تعالی و رشد آن افزوده می شود.

وی در پایان با تأکید بر اهمیت جذب جوانان و دعوت آنها به نماز ابراز امیدواری کرد: برگزاری این دوره موجب رونق و شور هر چه بیشتر نماز جماعت و درک حلاوت این فریضه واجب شود.

اهمیت و جایگاه نماز و بررسی آیات نماز، شیوه های دعوت به نماز و همچنین شیوه های جذاب سازی کلاس های نماز، روش های فرهنگ سازی نماز در محیط کار و مدیریت مسجد از مباحث این دوره آموزشی به شمار می رود که با حضور ۳۵ مربی از سراسر کشور در قم به مدت چهار روز برگزار شد.

یادآور می شود دوره کشوری تربیت مربی نماز به همت معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر و با همکاری دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر، به مدت ۱۲ ساعت در مرحله نخست حضوری و در مراحل بعدی غیر حضوری و از طریق پرتال آموزشی برگزار خواهد شد. □

در سفر مشاور

نماینده ولی فقیه در هلال احمر به
خراسان شمالی صورت گرفت

دیدار با اعضای کانون های طلاب جوانان و دانشجویی

مشاور نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر کشور به همراه مدیرعامل هلال احمر خراسان شمالی با اعضا و دبیران کانون های طلاب، جوانان و دانشجویی جمعیت هلال احمر استان دیدار و گفتگو کرد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از تارنمای روابط عمومی هلال احمر استان؛ حجت الاسلام والمسلمین فقیهی در این نشست صمیمی در خصوص اهمیت حضور جوانان در فعالیت های جمعیت هلال احمر مطالبی را بیان کرد. وی در همین ارتباط تصریح کرد: حضور شما در هلال احمر، توفیقی است که خداوند عنایت کرده تا از جوانی به مردم خدمت رسانی کرده و پا در عرصه ای مبارک بگذارید.

حجت الاسلام و المسلمین فقیهی گفت: در هلال احمر می توان خالصانه و صادقانه به مردم خدمت کرد و اکنون نیز نتیجه این خدمات صادقانه را می بینیم که مردم قدردان زحمات مجموعه هلال احمر بوده و هستند.

حجت الاسلام و المسلمین رضایی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر خراسان شمالی نیز در این نشست صمیمی بر فعال بودن کانون های طلاب در شهرستان های استان تأکید کرد.

وی همچنین افزود: در سال جاری تعدادی از اعضای کانون را پس از آموزش های لازم برای امداد رسانی به شهرستان های آق قلا، مانه و سملقان اعزام کردیم. مدیرعامل جمعیت هلال احمر خراسان شمالی نیز در این دیدار گفت: تلاش ما در فعالیت جوانان در قالب کانون های مختلف، کیفی سازی فعالیت هاست.

محسن نجات با بیان اینکه در حال ایجاد مؤلفه های توانمندسازی با بهره گیری از جوانان فعال در جمعیت هلال احمر استان هستیم افزود: هدف ما از ایجاد مؤلفه های توانمندسازی، کاهش خلاء انگیزشی است که متأسفانه در برخی مواقع در جوانان وجود دارد. وی ادامه داد: به همین منظور روسای شعب جمعیت هلال احمر در شهرستان های استان در حال اجرای برنامه های مختلف با حضور کانون های طلاب و جوانان برای پویایی هرچه بیشتر جوانان هستند. □



حجت الاسلام والمسلمین معزی
در جلسه شورای فرهنگی هلال احمر:

همه بخش ها در جهت حرکت در مسیر بیانیه گام دوم تلاش کنند

گرفت. نماز ستون دین و رکن اسلام است و نباید نماز را از ترس رئیس و دیگران اقامه نمود. نماز بخشنامه‌ای نیست و تبصره ندارد بلکه یک فریضه واجب الهی است که خیر و برکت آن اول به خود انسان می‌رسد، چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید شیعه را به نماز اول وقت می‌شناسیم.

در ابتدای این جلسه دکتر یاسر احمدوند، معاون فرهنگی و آموزشی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به تشریح فعالیت‌های فرهنگی صورت گرفته در جمعیت هلال احمر پرداخت. وی امضا و اجرای تفاهم‌نامه بین جمعیت هلال احمر و ستاد اقامه نماز کشور، تنظیم پیش نویس تفاهم‌نامه با ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، برگزاری دوره‌های مجازی دارالقرآن در ماه مبارک رمضان با عنوان تمرین زندگی بهتر با همکاری موسسه نورالمجتبی در سراسر کشور، پیگیری موضوع قانون طلاب و هم چنین دست‌نامه شرایط ائمه جماعات و برپایی نماز جماعت در استان‌ها را از جمله این فعالیت‌ها برشمرد.

وی همچنین ضمن اشاره به فعالیت‌های فرهنگی جمعیت هلال احمر به خصوص در ایام دهه کرامت از طرح تکریم کریمان خبر داد و گفت: در این برنامه از کسانی که در حادثه سیل اخیر، حمایت‌های لازم و انسان دوستانه از مردم سیل زده داشته‌اند تجلیل به عمل می‌آوریم.

سی و پنجمین جلسه شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر به ریاست حجت الاسلام والمسلمین معزی با حضور دبیرکل جمعیت هلال احمر و دیگر اعضا در سالن جلسات حوزه نمایندگی ولی فقیه برگزار شد.



به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، حجت الاسلام والمسلمین معزی در این جلسه با تأکید بر مسئولیت همگانی دستگاه‌ها نسبت به بیانیه مهم و ارزشمند مقام معظم رهبری با عنوان گام دوم انقلاب، یادآور شد: هلال احمر به دلیل حضور گسترده جوانان ایرانی، وظیفه‌ای مضاعف برعهده دارد که پاسدار انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن و رهنمودهای ارزشمند مقام معظم رهبری باشد.

در ادامه جلسه، برنامه‌های ستاد اقامه نماز جمعیت هلال احمر مورد بررسی قرار گرفت. نماینده مقام معظم رهبری در هلال احمر در همین ارتباط با اشاره به مسئله حیاتی نماز و تأثیر بی‌حد و اندازه این پدیده الهی در زندگی تک‌تک انسان‌ها خاطرنشان کرد: خداوند متعال در قرآن فرموده‌اند: مؤمنان کسانی هستند که اگر قدرت یافتند نماز را برپا می‌کنند و در پرتو نماز، تعالی در ابعاد مختلف پدید می‌آید. نماز، انسان را از بدی‌ها و زشتی‌ها باز می‌دارد. یاد خدا را در دل نگه می‌دارد و موجب رشد و ترقی می‌شود. این مسئله برای نظام و حاکمیت اسلامی آن چنان مهم است که نهاد و ستادی به نام ستاد اقامه نماز در کشور تشکیل و تاسیس شده است که این خود بر اهمیت این موضوع تأکید دارد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در ادامه تصریح کرد: شاید عده‌ای به فلسفه و عمق نماز پی نبرده باشند، ولی مگر می‌شود آثاری نظیر و بی‌انتهای فردی و اجتماعی نماز را نادیده

برگزاری جلسه هم اندیشی دبیران کانون های طلاب استان مرکزی

«مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت
هلال احمر استان مرکزی از برگزاری اولین
جلسه هم اندیشی دبیران کانون های طلاب این
جمعیت خبر داد.



به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی
فقیه در هلال احمر به نقل از تارنمای اطلاع رسانی این
جمعیت در استان مرکزی اولین جلسه هم اندیشی دبیران کانون های طلاب
جمعیت هلال احمر استان در تیرماه با حضور مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر، معاون حوزه های علمیه استان و معاونین امور جوانان و
آموزش و پژوهش این جمعیت در منطقه پنجلی شازند برگزار شد.

در این جلسه مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان طی
سخنانی گفت: با وجود تازه تأسیس بودن کانون های طلاب با برنامه ریزی
خوب این عزیزان، شاهد فعالیت های مناسب و مؤثری در سطح کانون ها
هستیم و اوج حضور و مشارکت روحانیون در حادثه سیل اخیر بوده است.

حجت الاسلام و المسلمین میرهاشمی افزود: بیش از ۴۸۰ روحانی از این کانون ها
در خدمت رسانی به هموطنان سیل زده کشورمان حضور داشتند که این مهم،
نتیجه انسجام خوب و علاقه به کار خیر این کانون ها در فعالیت های فرهنگی و
بشر دوستی است.

حجت الاسلام و المسلمین جعفری معاون حوزه های علمیه استان هم در این
نشست گفت: با توجه به تنظیم تفاهم نامه های موجود بین جمعیت هلال احمر
و حوزه های علمیه استان مرکزی، هیچ گونه ممانعتی برای فعالیت در خصوص
اقدامات اعضای کانون طلاب هلال احمر در سطح استان وجود نداشته و تمام
تلاش خود را جهت همکاری و مساعدت با این کانون ها به کار خواهیم گرفت.

سپس معاون امور جوانان جمعیت هلال احمر استان مرکزی بیان داشت:
فعالیت های متعدد و بسیار خوبی در کانون های طلاب صورت گرفته که ضمن
قدردانی از مشارکت خوب این عزیزان، پیشنهاد می شود جهت انعکاس مناسب
اخبار فعالیت های این کانون ها، یک نفر را به عنوان رابط خبری به هلال احمر
معرفی کنند.

اشارتی تصریح کرد: با توجه به برگزاری انتخابات مجمع استانی دبیران جوانان
و دانشجویی، پیشنهاد می شود این انتخابات به صورت ابتکاری در کانون های
طلاب نیز برای اولین بار در کشور صورت گیرد.

وی خاطرنشان کرد: هدف از برگزاری این انتخابات و تشکیل مجمع استانی کانون
طلاب، حضور دبیر مجمع استانی کانون های طلاب در کنار دیگر دبیران مجمع
در برنامه های جوانان، حضور فعال یک نماینده رسمی در مراسم ها، جلسات،
نشست ها و... در راستای همکاری و تعامل بیشتر و بهتر این دواگان است.

معاون امور جوانان جمعیت هلال احمر استان مرکزی بیان داشت: استان مرکزی
دارای ۱۵ مرکز حوزه علمیه برادران است که سال گذشته در تمامی این حوزه ها
انتخابات دبیر کانون برگزار و با حضور حجت الاسلام و المسلمین معزی نماینده
مقام معظم رهبری در هلال احمر افتتاح و به فعالیت خود را آغاز کردند. در پایان،
دبیران کانون های طلاب شعب جمعیت هلال احمر به ارائه نظرات، پیشنهادها و
فعالیت های خود پرداختند. □



دکتر پیروی دبیرکل جمعیت هلال احمر هم در این جلسه
در سخنانی با اشاره به اهمیت اقامه نماز و توجه به فرایض
دینی خواستار توجه بیش از پیش مدیران و مسئولان این
نهاد نسبت به مسائل فرهنگی به ویژه اقامه نماز شد.

رئیس سازمان جوانان هم در سخنانی به بیان
آسیب شناسی وضعیت جوانان در هلال احمر با توجه به
راهبردهای بیانیه گام دوم پرداخت. اکبری معاون سازمان
داوطلبان نیز برنامه های این سازمان را برای تحقق اهداف
بیانیه گام دوم ارایه کرد. مدیرکل روابط عمومی و ارتباطات
مردمی و فرمانده مرکز مقاومت بسیج هلال احمر نیز در این
جلسه در سخنانی ضمن تشریح فعالیت های مجموعه
تحت مدیریت خود در خصوص اجرای برنامه های
فرهنگی، خواستار رفع موانع اجرای بهترین برنامه ها
شدند.

شایان ذکر است دبیرکل جمعیت هلال احمر، معاونین حوزه
نماینده ولی فقیه، روسای سازمان های امداد و نجات،
داوطلبان و جوانان، معاون پشتیبانی، فرمانده مرکز مقاوت
بسیج و مدیرکل حوزه نمایندگی از اعضای حقوقی این شورا
هستند. تدوین و یکپارچه سازی شرایط و ظرفیت های
جمعیت در قبال بیانیه گام دوم و نیز تجهیز حداقل
بیست باب نمازخانه در کشور از مصوبات سی و پنجمین
جلسه شورای فرهنگی هلال احمر بود. □



حجت الاسلام والمسلمین معزی
در کنگره شهدای امدادگر گیلان:

جوانان انقلابی ایران را حفظ کردند

مدیران، پرسنل و جوانان این جمعیت به ایراد سخن پرداخت در ابتدای سخنرانی خود با اشاره به اینکه دنیا تصور نمی‌کرد در پایان قرن بیستم، بار دیگر اسلام رخ نمایی کند و در ایران انقلاب شود خاطر نشان کرد: رژیم شاهنشاهی نه تنها نفت کشور بلکه تمام حیثیت، عظمت و تاریخ ایران را در اختیار استکبار جهانی قرار داده بود. روزی در این کشور ۴۰ هزار مستشار آمریکایی زندگی می‌کردند و همه چیز در اختیار آنان بود و کسی بدون اجازه آمریکایی‌ها نمی‌توانست تصمیم بگیرد. شرق و غرب، تمام نیروی خود را صرف نابودی اسلام در ایران و باقی ماندن طاغوتیان بر سر کار کردند، اما خداوند متعال امام بزرگ را ذخیره داشت تا قیام کند و پس از تحمل درد، رنج، شکنجه و مرارت‌های زیاد و از دست دادن تعداد زیادی از یاران خود، بالاخره انقلاب اسلامی متولد شد.

وی با بیان اینکه تحریم و تهدید برای امروز نبوده، نیست و نخواهد بود افزود: از همان زمان پیروزی انقلاب اسلامی تحریم‌ها و تهدیدها شروع شد، دشمنی‌ها از آغاز پیروزی انقلاب شکل گرفت و تمام ترفندهایی که برای فروپاشی یک انقلاب و یک نظام کافی می‌باشد در مورد ایران به کار گرفته شد، تا اینکه جنگ شروع شد. صدام با این توهم که ایران در عرض چند روز از پا می‌آید و نابود می‌شود به امید از پا در آوردن مردم ایران و فروپاشی انقلاب اسلامی به سمت ایران روانه شد و جنگ را با تمام امکانات آغاز کردند. صدام همه چیز داشت و ایران بدون هیچ امکاناتی تنها بود، اما جنگ از یک تهدید بزرگ به یک فرصت عظیم تبدیل شد و بسیاری از نعمات امروز ایران بزرگ اسلامی را پایه ریزی کرد. این فرزندان اسلام بودند که پای انقلاب ایستادند و این ایثار و ایستادگی چنان مهم و تاثیرگذار است که رهبر معظم انقلاب اسلامی همواره احترام به شهدا و خانواده شهدا را از مهم‌ترین کارها دانستند.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر افزود: سال گذشته چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی را جشن گرفتیم. آنان تصمیم داشتند بیست و دوم بهمن ماه ۹۷ در خیابان‌های

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در سفر به استان گیلان علاوه بر سخنرانی در یادواره شهدای امدادگر استان گیلان، با نماینده ولی فقیه در این استان و امام جمعه رشت دیدار و گفتگو کرد. در این سفر حجت الاسلام والمسلمین ذاکری معاون نظارت و امور شرعی، یاسر احمدوند معاون فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی، عبدالمجید معزی مشاور نماینده ولی فقیه در هلال احمر و مدیرکل حوزه نمایندگی و همچنین پورساداتیان مشاور رئیس جمعیت هلال احمر در امور ایثارگران نیز حجت الاسلام والمسلمین معزی را همراهی نمودند. در مطلب زیر، گزارشی از این سفر را می‌خوانید. ■

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر که به منظور شرکت و سخنرانی در یادواره شهدای امدادگر هلال احمر گیلان به این استان سفر کرده بود در بدو ورود به شهر رشت با حضور در گلزار شهدای این شهر، به مقام بلند و شامخ شهدای احترام کرد. حجت الاسلام والمسلمین معزی پس از استقبال مسئولین استانی و جمعیت هلال احمر در فرودگاه رشت و با حضور در گلزار شهدا در سخنانی جایگاه شهدا را والا دانست و تکریم و تعظیم مقام شهدا و خانواده آنان را وظیفه‌ای همگانی بر شمرد که برعهده آحاد جامعه بالاخص مسئولین قرار دارد.

وی هدف اصلی خود از سفر به استان گیلان را شرکت در یادواره شهدای هلال احمر استان و تکریم و بزرگداشت نام و یاد آنان دانست و گفت: بنا به فرموده مقام معظم رهبری (مدظله العالی) امروز زنده نگاه داشتن نام و یاد شهدا کمتر از شهادت نیست و همه باید بدانیم که امنیت و آرامش امروز ما مدیون ایستادگی و رشادت شهدا، صبر و استقامت بی بدیل خانواده این عزیزان است.

نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر با تأکید بر نقش اثرگذار خانواده‌های شهدا در حرکت فرزندان خود به سوی مسیر حق و حقیقت گفت: برگزاری گرامیداشت همایش و کنگره پاسداشت جانفشانی‌ها و دلاوری‌های شهیدان می‌تواند قدمی کوچک در جهت تجلیل از مقام رفیع آنان باشد.

۱ فرزندان اسلام

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با حضور در سالن شهدای امدادگر جمعیت هلال احمر استان گیلان در سخنانی به تشریح ابعاد مقاومت ملت مسلمان ایران در برابر تهدیدهای دشمنان پرداخت و نقش شهدا و خانواده آنان در ایجاد این روحیه انقلابی را بی‌بدیل دانست.

حجت الاسلام والمسلمین معزی که در یادواره شهدای امدادگر استان گیلان و در جمع



.....

داشتند و این یک نکته متمایز کننده در طول دوران هشت سال دفاع مقدس بوده است،

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان گیلان همچنین با اشاره به این که جمعیت هلال احمر وظیفه آموزش و اعزام امدادگران را به جبهه‌های حق علیه باطل بر عهده داشته است افزود: در کنار این اقدام، توزیع کمک‌های مردمی در همراه با سایر مسئولیت‌ها، بخشی از ۱۴ وظیفه عمده جمعیت هلال احمر در آن زمان محسوب می‌شد. امروز باید از هر فرصتی برای زنده نگاه داشتن نام، یاد و خاطرات شهدا استفاده کنیم.

وی ضمن اشاره به ضرورت زنده نگاه داشتن یاد و خاطرات شهدای امدادگر جمعیت هلال احمر استان گیلان، افزود: امروز ما نیز باید از هر فرصتی استفاده کنیم تا از امدادگران جمعیت هلال احمر در طول هشت سال دفاع مقدس که از بهترین داشته‌های خود گذشتند تا امروز در امنیت و آرامش زندگی کنیم؛ یاد و خاطره آنان را برای مردم عزیزمان از جمله جوانان جمعیت هلال احمر زنده نگاه داریم. فعالیت‌های جمعیت هلال احمر در راستای اهداف و اعتقادات شهدای امدادگر می‌باشد.

ولی پوراهم فعالیت‌های جمعیت هلال احمر را در راستای اهداف شهدای امدادگر دفاع مقدس دانست و تصریح کرد: فعالیت‌های جمعیت هلال احمر با اهداف و اعتقادات شهدای امدادگر ما مغایرتی ندارد و ضرورت کار در جمعیت هلال احمر، ایثار، از خودگذشتگی، همدلی، دوستی و اعتقاد است که همه این موارد جمع می‌شود تا هر امدادگر و نجاتگر بتواند خدمات مورد نظر را به صورت داوطلبانه در شرایط بحرانی به مردم ارائه دهد.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان گیلان با اشاره به برگزاری یادواره شهدا و تأثیرات آن در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، اظهار کرد: از جمله اقداماتی که برای برگزاری یادواره شهدای امدادگر جمعیت هلال احمر استان انجام شد این بود که از چندین ماه قبل از برگزاری این یادواره با حضور پرسنل، داوطلبان و جوانان جمعیت هلال احمر استان گیلان، برنامه ریزی‌های لازم انجام گرفت، همچنین یک ماه قبل از برگزاری این یادواره در صدا و سیما، رسانه‌ها و فضای مجازی نسبت به نشر خاطرات و وصیت‌نامه‌های شهدای امدادگران جمعیت هلال احمر استان اقدامات لازم انجام شد که با توکل بر خداوند متعال نیز در نظر داریم به صورت مستمر در این زمینه با همکاری واحد روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان گیلان در فضای مجازی و محیطی اقداماتی را انجام دهیم که یاد و خاطره این عزیزان را زنده نگاه داریم و از جمله این اقدامات می‌توان به نام شهدای امدادگر در روی ساختمان‌های جمعیت هلال احمر، نزدیک به محل زادگاهشان در سراسر استان اشاره کرد که این امر باعث می‌شود امدادگران ما بیشتر از پیش نسبت به شناخت و وصیت‌های شهدای عزیزمان عمل کنند.

ولی پور با اشاره به اقدامات جمعیت هلال احمر استان گیلان در راستای زنده نگاه داشتن نام و یاد شهدای امدادگر تصریح کرد: در راستای فرهنگ ایثار و شهادت یک کتابچه ویژه

بنا به فرموده
مقام معظم رهبری
(مدظله العالی)
امروز زنده نگاه
داشتن نام و یاد
شهدا کم‌تر از
شهادت نیست و
همه باید بدانیم
که امنیت و
آرامش امروز ما
مدیون ایستادگی
و رشادت شهدا،
صبر و استقامت
بی بدیل خانواده
این عزیزان است

تهران رقص و پایکوبی کنند و برای این مسئله طراحی‌های شومی هم انجام داده بودند اما با رهبری هوشمندانه و امام گونه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، این ملت فداکار و مسلمان ایران بودند که در ۲۲ بهمن ماه سال گذشته ۴۰ سال سال بالندگی خود را جشن گرفتند. امروز پس از ۴۰ سال استکبار جهانی گمان می‌کند که می‌تواند در برابر این مردم بایستد غافل از اینکه این ملت بزرگ و مقاوم تحت رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) و در کنار هم هستند. اختلاف سلیقه وجود دارد، نظرهای گوناگون هست؛ اما ملت بزرگ ایران در حفظ انقلاب اسلامی و سرزمین خود هم قسم هستند. دشمنان این مرز و بوم به غلط تصورشان این است که اگر مردم ایران را تحت فشار قرار دهیم آنان دست از مقاومت برخواهند داشت.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با اشاره به اینکه دشمنان قسم خورده این انقلاب در دنیای امروز با شگردهای تبلیغاتی در فضای مجازی علیه حکومت و نظام اسلامی شایعه پراکنی می‌کنند خاطر نشان کرد: آنها می‌خواهند مقاومت مردم را سست کنند؛ اما با تکیه بر کلام بی‌نظیر قرآن کریم که اگر ایستادگی و مقاومت کنید در نهایت پیروزی از آن شماست و برای حفظ انقلاب و آرمان‌های آن در کنار هم می‌ایستیم.

وی در انتهای سخنان خود گفت: شهادت عزیزانمان برای کشور عزت آفرید، ایستادگی مردم برای ایران افتخار به ارمغان آورد و مقاومت ملت بزرگ و شهید پرور ایران برایمان کشوری سربلند به وجود آورد. ایران اسلامی در دنیا الگو شده است و ملت‌های آزاده از ایران و ملت آن درس‌های زیادی یاد گرفته‌اند. با تمام وجود به شهیدان احترام می‌گذاریم و قدر دان عشق و محبت بیکران خانواده مکرم و معزز شهدا هستیم.

۴ | ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

در این مراسم که با حضور آیت‌الله فلاحتی نماینده ولی فقیه در استان و مدیران و مسئولان استانی همراه بود، دکتر ولی پور مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان گیلان در سخنانی ضمن تقدیر از حضور نماینده ولی فقیه در هلال احمر در این یادواره گزارشی از چگونگی و فرایند برپایی یادواره ارائه کرد. وی با بیان اینکه این برنامه به منظور گرامیداشت شهدای امدادگر و مدافع حرم برگزار می‌شود گفت: ویژه برنامه‌های متعدد و متنوع فرهنگی نیز در این خصوص تولید و در صدا و سیما استان و شبکه‌های مجازی به نمایش گذاشته شده است.

مهدی ولی پور با اشاره به حضور اقدامات ارزشمند شهدای جمعیت هلال احمر در طول دوران هشت سال دفاع مقدس گفت: در طول دوران هشت سال دفاع مقدس همواره امدادگران جمعیت هلال احمر هم پای دیگر حوزه‌ها در کنار بسیج، سپاه و ارتش در دفاع از کشور عزیزمان به جبهه‌های جنگ اعزام می‌شدند و تفاوت آن‌ها با بقیه رزمندگان در این بود که در کنار دفاع از اعتقادات کشور، مسئولیت حفاظت از سلامت و جان هم سنگران خود را نیز به عهده



در دست چاپ داریم که وصایا و خاطرات شهدای جمعیت هلال احمر استان گیلان به رشته تحریر درآمده است.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان گیلان با اشاره به مسئولیت و وظایف جوانان، امدادگران جمعیت هلال احمر در قبال خون شهدا، خاطرنشان کرد: این که راه و سیره شهدای خود را مطالعه کنیم و تلاش نمائیم سبک زندگی آن عزیزان را در پیش بگیریم و شیوه آنان را که در آن زمان در نوع خود بی نظیر بود، بیاموزیم.

با توجه به اینکه امروز کشور ما با هجمه های فرهنگی و فضای مجازی روبرو است و اعتقادات مردم را درگیر خود کرده است این نیاز احساس می شود که روحیه ای که در شهدای دوران هشت سال دفاع مقدس وجود داشت در عصر امروز شامل حال همه ما بشود.

دیدار با نماینده ولی فقیه در استان گیلان

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر که برای شرکت در کنگره بزرگداشت شهدای هلال احمر در گیلان به این استان سفر کرده بود، با نماینده ولی فقیه در استان گیلان و امام جمعه رشت دیدار و گفتگو کرد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی، در ابتدای سخنان خود با قدردانی از اهتمام مسئولین استان گیلان در برگزاری همایش و یادواره های شهدا گفت: مردم گیلان همواره پیشتاز و پیشقدم در گسترش فرهنگ ایثار، مقاومت و ایستادگی در برابر استکبار جهانی هستند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی به وجود بیش از چهارصد و نود شهید امدادگر در جمعیت هلال احمر اشاره کرد و افزود: امیدواریم بتوانیم با برگزاری این گونه برنامه ها، فرهنگ شهادت، ایثار و شجاعت ملت ایران را گسترش دهیم.

نماینده ولی فقیه در استان گیلان و امام جمعه رشت نیز با ابراز خرسندی از این دیدار، هلال احمر را نهادی مردمی و خیریه دانست که به ارائه خدمات به جامعه می پردازد. آیت الله فلاحتی با تقدیر از فعالیت های گسترده اعضای جمعیت هلال احمر به برگزاری جلسات مشترک متعدد با این نهاد مردمی در استان گیلان اشاره کرد و گفت: هلال احمر در حوادثی چون زلزله رودبار و کرمانشاه حضور موثری داشت اما اوج این نمایش توانمندی و انساندوستی جمعیت هلال احمر در جریان امداد رسانی به سیل زدگان اخیر سراسر کشور نمایان شد.

نماینده ولی فقیه در استان گیلان با تاکید بر اعتماد جامعه به هلال احمر خاطرنشان کرد: یکی دیگر از فعالیت های ارزنده این نهاد عام المنفعه ترویج فرهنگ دینی و الهی از طریق زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان و الامقام این مجموعه است.

وی برگزاری یادواره شهدای امدادگران استان گیلان را فعالیت ارزشمند دانست و تصریح کرد: با اجرای چنین فعالیت هایی فرهنگ دینی و آیین مقدس اسلام زنده نگه داشته می شود. در ابتدای این دیدار مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان گیلان نیز با بیان اینکه این یادواره به منظور گرامیداشت هفته ۱۸ شهید امدادگر دوران دفاع مقدس و مدافع حرم

برگزاری می شود گفت: ویژه برنامه های متعدد فرهنگی نیز در این خصوص تولید و در صدا و سیما استان و شبکه های مجازی برای دسترسی عموم به نمایش گذاشته شده است.

نشست با جوانان

وامدادگران منتخب هلال احمر گیلان

نشست صمیمانه نماینده مقام معظم رهبری در جمعیت هلال احمر با اعضاء شورای مدیران، جوانان و امدادگران منتخب جمعیت هلال احمر استان گیلان برگزار شد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در ابتدای این نشست ضمن تشکر از امدادگران و نجاتگران جمعیت هلال احمر بیان کرد: امدادگران، نجاتگران، داوطلبان و خیرین همواره در کمک رسانی در بلایای طبیعی حضور مؤثر و فعال داشته اند و در کاهش درد و رنج مردم تلاش واز خودگذشتگی به جا گذاشته اند و با عزت و احترام به ساحت انسان های نیازمند تلاش و کوشش کرده اند.

نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر با اشاره به اینکه جوانان سرمایه اصلی جمعیت هلال احمر هستند، اظهار کرد: جوانان ما با روحیه توانمند، شجاع و پیروز در هشت سال دفاع مقدس حضور یافتند که امروز وظیفه داریم یاد آنان را گرامی بداریم.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با تاکید بر گام دوم انقلاب اسلامی اذعان داشت: یکی از اهداف و اقدامات اصلی نمایندگان ولی فقیه در استان ها باید شناخت، تبیین و حرکت در مسیر گام دوم انقلاب اسلامی باشد که مورد تاکید مقام معظم رهبری است.

وی با اشاره به دستاوردهای انقلاب اسلامی افزود: چهل سال از انقلاب اسلامی گذشته است و با افتخار می گوئیم که زیر استعمار هیچ کشوری نبوده ایم و این یک عزت برای انقلاب اسلامی محسوب می شود. نماینده مقام معظم رهبری در هلال احمر با اشاره به موضوعیت برجام اظهار کرد: امروز می توانیم بگوئیم برجام را شما شکستید ولی ما نسبت به مسائل برجام تجدید نظر نمی کنیم و آنچه را که اراده ملت ایران است محقق خواهیم کرد.

وی با تاکید بر سفارش مقام معظم رهبری در خصوص مطالعه کردن جوانان گفت: جوانان باید وقت خود را برای مطالعه بگذارند و انقلاب و مباحث آن را بشناسند که متأسفانه امروزه فضای مجازی جای مطالعه را برای مردم گرفته است و به نوعی فضای مجازی ذهن انسان ها را مورد استثمار خود قرار داده است.

نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر با اشاره به تهیه و انتشار دو نشریه اختصاصی حوزه نمایندگی ولی فقیه، خاطرنشان کرد: دو نشریه اختصاصی با عناوین مهر و ماه و زاد نشریات تخصصی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر است و در مهر و ماه تلاش شد که مبانی دینی با تفکر هلالی گنجانده شود و ماهنامه زاد نشریه ویژه طلاب و روحانیون جمعیت هلال احمر است که به مباحث آشنایی با سیره ائمه اطهار (ع) می پردازد. □

نماینده ولی
فقیه در استان
گیلان با تاکید
بر اعتماد جامعه
به هلال احمر
خاطرنشان کرد:
یکی دیگر از
فعالیت های
ارزنده این نهاد
عام المنفعه ترویج
فرهنگ دینی و
الهی از طریق
زنده نگه داشتن
یاد و خاطره
شهیدان و الامقام
این مجموعه
است

با هدف گره زدن روحیه ایثار و اخلاص رزمندگان سال های دفاع مقدس با شرایط کنونی در نسل جدید برگزار شود. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر گیلان با تأکید بر بهره گیری از سیره و منش شهدا در زندگی و همچنین زنده نگه داشتن یاد و خاطره آنان برای حفظ روحیه جهاد و فداکاری در جامعه افزود: برای به تصویر کشیدن این مهم در این یادواره نیز تلاش های بسیاری انجام شد که بحمدالله مورد استقبال مسئولین و خانواده این شهیدان والا مقام قرار گرفت.

حجت الاسلام والمسلمین چهری با اشاره به حضور نماینده ولی فقیه در استان گیلان، مسئولین استانی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این یادواره ادامه داد: هجده مستند فاخر یک ساعته حاصل این یادواره ارزشمند در جمعیت هلال احمر گیلان است که به دلیل بهره گیری از امکانات و عوامل ساخت حرفه ای با رایزنی های انجام شده در صدا و سیما استان اکران خواهد شد.

وی در جمع بندی این بخش از مطالب خود، ساخت تولید محتوای چند رسانه ای را فرصتی مناسب برای جایگزینی این تولیدات در برابر چاپ کتابچه دانست و تصریح کرد: در جوامع امروز و به واسطه تغییر رویکرد جامعه در زمینه دریافت اطلاعات، مستندات تصویری تأثیرات گسترده تری را خواهند داشت.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان گیلان یکی دیگر از دستاوردهای این یادواره را دیدار با همه خانواده های شهدای امدادگر استان گیلان دانست و خاطر نشان کرد: برگزاری مراسم تجلیل از مقام شامخ شهیدان فرصتی به وجود آورد که از نزدیک با خانواده های گرامی آنان دیدار کرده و از صبوری و فداکاری آنان در طول هشت سال جنگ تحمیلی تقدیر کنیم.

وی همچنین نامگذاری ساختمان های اداری جمعیت هلال احمر استان گیلان به نام یکی از شهدای امدادگر و همچنین نصب نام و تمثال آنان را از دیگر اقدامات همپای برگزاری این یادواره در گیلان دانست و اضافه کرد: در همه برنامه ها و اقدامات صورت گرفته حضور نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر راهگشا و سبب ایجاد روحیه مضاعف در بین کارکنان و اعضای این نهاد مردمی بود.

حجت الاسلام والمسلمین چهری به دیگر برنامه های در نظر انجام شده در سفر دو روزه نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر اشاره کرد و افزود: دیدار حجت الاسلام والمسلمین معزی با نماینده ولی فقیه در استان گیلان و امام جمعه رشت و همچنین نشست صمیمانه با جوانان و اعضای هلال احمر استان نیز از برنامه های به یاد ماندنی این سفر دو روزه بود.

وی در پایان با ابراز خرسندی از فرصت حضور نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر در بین جوانان و کارکنان هلال احمر استان گیلان گفت: اعضای این نهاد خیریه ضمن بهره گیری از رهنمودهای ایشان توانسته اند به صورت رودررو به بیان دغدغه ها و مشکلات خود نیز بپردازند. □



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در هلال احمر استان گیلان خبر داد

تولید ۱۸ مستند از زندگی شهدای امدادگر

چندی پیش استان گیلان میزبان نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر بود. سفری که به منظور شرکت در یادواره شهدای جمعیت هلال احمر این استان انجام شد. در همین خصوص پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر گفتگویی با حجت الاسلام والمسلمین چهری مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان گیلان ترتیب داده است.



حجت الاسلام والمسلمین چهری در این گفتگو با اشاره به برنامه ریزی شش ماهه برای برگزاری این یادواره گفت: در زمستان سال گذشته پس از دیدار با نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر و استفاده از رهنمودهای ایشان برای تجلیل از مقام رفیع شهیدان، کمیته های مختلف برگزاری این یادواره ایجاد و تمامی همکاران برای برپایی هر چه باشکوه تر آن، شش ماه تلاش و کوشش کردند. وی ادامه داد: در همان ابتدای اقدامات مرتبط با برگزاری یادواره تلاش بر این بود تا این آیین



نماینده ولی فقیه
در هلال احمر در جمع
مسئولان برگزاری حج:

ایران در مناسک حج الگو است

حج از تکالیف نادری است که خداوند متعال در آن ابعاد مختلفی را قرار داده است که هم زندگی فردی و هم سلوک اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد و هم در تن و جان ما اثر می گذارد. حجاج در کنار هم به صورت امتی واحد جمع می شوند و به تعبیر پیامبر عظیم الشان اسلام (ص)، آنها می توانند تمام شریعت و دین را به نمایش بگذارند و اسلام را در حج می توان مشاهده کرد و حج، شریعت است و حضرت علی (ع) می فرمایند حج پرچم اسلام است، امام باقر (ع) حج را یکی از ارکانی که اسلام بر آن بنا گذاشته شده تعبیر می کنند، در جای دیگری امیرالمؤمنین علی (ع) حج را تقویت کننده دین خدا، بیعت با امام و شفاعت می دانند یا امام باقر (ع) که حاجی و عمره گزار را مهمانان خدا معرفی می کنند.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال به مسئولیت حکومت اسلامی در حج هم اشاره کرد و تأکید نمود: حکام اسلامی در برابر حج مسئول هستند و اگر خانه خدا خالی از مسلمانان باشد، حکام اسلامی باید حمایت کنند تا به حج مشرف شوند و باید زمینه را به گونه ای فراهم کنند تا حج گزاران بهترین حج را انجام دهند و به همین دلیل در طول ۴۰ سال حکومت جمهوری اسلامی ایران، در سخت ترین شرایط از جمله هشت سال دفاع مقدس، دوران تحریم ها و امروز که در شرایط جنگ اقتصادی قرار داریم، مناسک حج فراموش نشده است و به سفارش امام خمینی (ره) و تأکید مقام

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر گفت: خدا را شاکریم در این سال ها به همت همه ارگان ها از جمله هلال احمر دغدغه سلامت و امنیت حجاج رفع شده و ما در هلال احمر که مهم ترین مسئولیتیمان کاهش آلام و درد و رنج مردم است، این کمک را بی منت انجام می دهیم. ■

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، حجت الاسلام والمسلمین معزی با حضور در همایش تیم های بهداشتی و درمانی مرکز پزشکی حج و زیارت جمعیت هلال احمر در حج سال ۱۳۹۸ که در سالن اجتماعات سازمان حج و زیارت برگزار شد در سخنانی به تبیین اهمیت و جایگاه حج در اسلام به عنوان یکی از مهمترین فرایض دینی پرداخت.

نماینده ولی فقیه با ابراز خرسندی از حضور در جمع افرادی که در آستانه یک سفر بسیار مهم قرار دارند، با توصیف این سفر الهی، معنوی و به دور از ابعاد مادی، جسمانی و نفسانی گفت: سفر حج با دیگر سفرها تفاوت ذاتی دارد. سفری برای نزدیک شدن به خداوند تبارک و تعالی به منظور پاک شدن از همه آلودگی های نفسانی و شیطانی که بسیار عظیم، بزرگ و بی نظیر است. حجت الاسلام والمسلمین معزی به نقل بیانی از یکی از بزرگ ترین فقها و نوابغ قرن سیزدهم مبنی بر این که حج از بزرگترین شعائر اسلام و برترین عبادتی است که بندگان را به خداوند نزدیک می کند افزود: این حج و عبادت یک ریاضت نفسانی، طاعت مالی، عبادت بدنی، طاعت قولی، عبادت فعلی و وجودی است و باید اعمالی را انجام داد و اعمالی را هم ترک کرد. حج اسرار و فوایدی دارد که اسرارش را نمی توان اندازه گیری کرد و بالاتر از حج مقبول، عبادتی وجود ندارد و در این عمل عبادی همه چیز اعم از نماز، روزه، جهاد و... بروز و ظهور دارد. وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)،

دوره آموزش مجازی دارالقرآن جمعیت هلال احمر



از سوی معاونت فرهنگی حوزه
نماینده ولی فقیه در هلال احمر صورت گرفت

انتشار محتوای دوره آموزشی زندگی بهتر

«معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر اعلام کرد با توجه به استقبال همکاران علاقه مند به محتوای آموزشی دوره تمرین زندگی بهتر، فایل های تفکیک شده دروس حفظ زبان، صله رحم، گذشت و بردباری، معاشرت با عموم مردم در دسترس قرار گرفت. معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر اعلام کرد: با توجه به استقبال همکاران علاقه مند به محتوای آموزشی دوره تمرین زندگی بهتر، فایل های تفکیک شده دروس حفظ زبان، صله رحم، گذشت و بردباری، معاشرت با عموم مردم و در دسترس قرار گرفت. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر، این دوره های آموزشی توسط معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه با همکاری موسسه نورالمجتبی (ع) برگزار شد. محتوا و فیلم های آموزشی این دوره ها شامل بخش معاشرت با مردم در پنج قسمت با تدریس حجت الاسلام والمسلمین دکتر رفیعی، بخش حفظ زبان در هفت قسمت، بخش صله رحم در چهار قسمت و بخش گذشت در چهار قسمت با تدریس حجت الاسلام والمسلمین حسینی قمی از گالری فیلم پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر قابل دریافت و بهره برداری است. □



معظم رهبری (مدظله العالی) و علیرغم مشکلات موجود در روابط ایران و عربستان، باز مسئولان دو کشور مذاکره کردند تا حج مردم انجام شود، چرا که این فریضه بزرگ نباید تعطیل گردد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی به الگوسازی ایران اسلامی در مناسک حج و به طور نمونه خدمات ارزشمند پزشکی پرداخت و گفت: هشت بیمارستان و درمانگاه و بیش از ۵۰۰ پزشک، پیراپزشک و پرستار در خدمت بیش از ۸۶ هزار حج گزار ایرانی قرار دارند و ایران اسلامی، حج را به گونه ای ساماندهی کرده که اقشار گوناگون بتوانند از آن استفاده کنند و این مدیریت در جهان کم نظیر و ساماندهی جمهوری اسلامی ایران از جمله در خصوص امکانات رفاهی، آموزش معارف دینی و... الگویی برای دیگر کشورهای مسلمان در ابعاد مختلف است.

وی افزود: خدا را شاکریم که در این سال ها به همت همه ارگان ها از جمله هلال احمر، دغدغه سلامت و امنیت حجاج رفع شده و مادر هلال احمر که مهم ترین مسئولیتشان کاهش آلام و درد و رنج مردم است، این کمک را بی منت انجام می دهیم و البته این خدمات باید در نهایت احترام به حجاج مکرم ارائه شود و احساس آرامش و امنیت را فراهم نماید.

نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر در پایان از تمامی کارگزاران و خادمان به ضیوف الرحمان به ویژه کادر درمانی و بهداشتی هلال احمر تقدیر و تشکر کرد. □



نماینده ولی فقیه در
هلال احمر در دیدار با
مسئولین کانون‌های
طلاب استان تهران:

طلبه باید ملجأ مردم باشد

عظیم الشان ما فقط مرجع مردم نبودند، بلکه ملجاء و پناهگاه آنان هم بودند. اگر طلبه تنها غم خود و درس و کارهای شخصی خود را داشته باشد، نمی‌تواند آن گونه که شایسته و بایسته است مفید واقع شود و الحمدالله صفت پسندیده بین مردم بودن سال‌هاست در حوزه رواج یافته و طلبه‌ها در جوانی در سرما و گرما به روستاها و مناطق محروم رفته و به آلام آن‌ها رسیدگی می‌کنند.

نماینده رهبر معظم انقلاب به موضوع سیل اخیر در کشور هم اشاره کرد و افزود: جریان سیل امسال و حضور ۶ هزار طلبه در مناطق سیل زده که پا به پای مردم سیل زده ایستادند که مصداق عینی این مهم است که نشانه‌های ارزشمندی قلمداد می‌گردد و باید در ابعاد محتوایی و آموزشی در کانون طلاب توجه و اهتمام داشت.

وی در پایان سخنان خود برای همه طلاب در امر خدمت‌رسانی و رسیدگی به درد و رنج مردم نیازمند، آرزوی توفیق روزافزون کرد.

در این جلسه که دکتر احمدوند معاون فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه و حجت الاسلام والمسلمین سلطانی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان تهران نیز حضور داشتند، مسئولین کانون‌های طلاب شهرستان‌های تهران به بیان دیدگاه‌ها، مشکلات و پیشنهادها پرداختند.

محسن آذر نژاد مسئول کانون طلاب حوزه علمیه پاکدشت، حسین شاهنده از مدرسه امام خمینی تهران (ازگل)، علیرضا بابایی مسئول کانون طلاب حوزه علمیه حاج آقا مجتهدی و

نماینده ولی فقیه در هلال احمر در دیدار با مسئولان کانون‌های طلاب استان تهران، با اشاره به اینکه وظیفه ذاتی هلال احمر خدمت‌رسانی به مردم شریف و عزیز ایران است، خاطرنشان کرد: تبلور هلال احمر در جامعه براساس آن است که کار خیر و نیکی انجام دهد، از درد و رنج مددجویان بکاهد و دست واسطی بین انسان‌های توانمند و انسان‌های نیازمند باشد. ■

حجت الاسلام والمسلمین معزی در این دیدار با اشاره به اینکه مدرسانان و داوطلبین جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در دردهای سنی مختلف مشغول خدمت‌رسانی هستند، افزود: از نوگلان و غنچه‌های خردسال که هنوز قدم به مدرسه نگذاشته‌اند گرفته تا نوجوانان و جوانان برومند در کنار بزرگ‌ترها در این نهاد عظیم و خدمت‌گزار، گرفتن دست هم وطن را وظیفه خود می‌دانند.

وی خاطرنشان کرد: هلال احمر بعدی دارد به نام سازمان جوانان که در آن حدود یک میلیون داوطلب در کانون‌های مختلف عضویت دارند. کانون دانش‌آموزی که حدود ۵۰ درصد جمعیت سازمان جوانان را به خود اختصاص داده است و کانون‌های دانشجویی، طلاب، آزاد و عشایر هم کانون‌های دیگر سازمان جوانان را تشکیل می‌دهند و به طور خاص در تشکیل کانون طلاب مدت زمان زیادی بر روی این پیشنهاد هم فکری شد و سرانجام این اتفاق مبارک رقم خورد و کانون طلاب سازمان جوانان متولد شد و البته در همان مدتی که سایر کانون‌ها رنگ و بوی رسمیت به خود نگرفته بودند، کانون طلاب ایجاد شده بود.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با اشاره به اینکه عده‌ای معتقدند طلبه باید بیشتر به درس و مسائل حوزوی متمرکز باشد، یادآور شد: البته حضور طلاب در کانون نباید لطمه‌ای به دروس حوزوی و طلبگی آنان وارد نماید، اما طلبه برای این که در طلبگی به نقاط عالی برسد و مرجع و هادی مردم در امور روزمره زندگی باشد، باید درد و رنج مردم را لمس کرده تا به خوبی از پس این خدمت الهی برآید. همان‌طور که پیامبران و ائمه نیز صرفاً در محل عبادت حضور نداشتند بلکه در میان مردم و جامعه حضور داشتند. همان‌گونه که مراجع

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در هلال احمر استان ایلام خبر داد

فعالیت هشت کانون طلاب در استان ایلام

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر
استان ایلام از فعالیت هشت کانون طلاب در
جمعیت هلال احمر این استان خبر داد.



به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر، حجت الاسلام والمسلمین الیاسی در گفتگو با این پایگاه با اشاره به وجود هشت کانون طلاب در حوزه های علمیه شهرستان ها و مرکز استان ایلام، به فعالیت های مؤثر و کارآمد اعضای این کانون ها اشاره کرد و افزود: فعالیت کانون های طلاب در هلال احمر استان ایلام با جدیت دنبال می شود و در سیل اخیر استان های ایلام و لرستان، اعضای کانون طلاب جمعیت هلال احمر با حضور در کنار سیل زدگان عزیز به ارائه خدمات انسان دوستانه پرداخته و نقش مهمی در تسریع بازگشت زندگی عادی مردم و ارائه خدمات ایفا کردند.

وی با بیان اینکه بیش از ۴۰۰ طلبه خواهر و برادر در این حوزه ها مشغول فعالیت هستند خاطر نشان کرد: یکی دیگر از فعالیت های اعضای کانون های طلاب جمعیت هلال احمر، حضور در جمع سایر اعضای این نهاد مردمی در اردوها و فعالیت های مختلف به عنوان مبلغین دینی است که توانسته به ارتقاء سطح فرهنگ دینی و اعتقادی و همچنین ایجاد حس صمیمیت و همدلی در بین اعضا کمک مؤثری داشته باشد.

حجت الاسلام والمسلمین الیاسی در ادامه به برگزاری دوره های آموزشی و مقدماتی امداد و کمک های اولیه برای اعضای کانون های طلاب جمعیت هلال احمر استان ایلام اشاره و تصریح کرد: دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان ایلام به منظور آماده سازی هرچه بیشتر طلاب برای مواجهه و حضور در حوادث طبیعی و غیر طبیعی، برنامه آموزش های امدادی و کمک های اولیه را در دستور کار قرار داده است، لیکن برگزاری این دوره های آموزشی در کانون های طلاب نیازمند هماهنگی بیشتر با حوزه های علمیه است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر ایلام در پایان بر تقویت کانون های طلاب و توانمند سازی آنان برای ارائه خدمات عام المنفعه در مواقع لزوم تأکید کرد. □



حجت الاسلام مکصوصی از حوزه علمیه دماوند، در سخنانی ضمن تقدیر و تشکر از برپایی این جلسه، نبود امکانات لازم جهت فعالیت کانون ها، لزوم برنامه ریزی بهتر برای انجام امور و ارتباط بیشتر جمعیت هلال احمر با حوزه های علمیه را از مهم ترین مسائل کانون ها دانستند.

حجت الاسلام مهدوی خواه معاون امور طلاب حوزه های علمیه تهران نیز در این جلسه با تأکید بر آموزش بیش از پیش طلاب و تجهیز کانون ها، ارتباط مستمر و مؤثر جمعیت هلال احمر با حوزه های علمیه را در پیشبرد اهداف این نهاد مردمی مؤثر دانست.

در ادامه دکتر احمدوند معاون فرهنگی و آموزشی حوزه نمایندگی ولی فقیه، با ابراز خرسندی از فعالیت های مؤثر و رو به رشد کانون ها، طلاب حوزه های علمیه را از گروه های مرجع و پیشرو در امر گره گشایی از کار مردم برشمرد و افزود: امروز باید توجه داشت که در کنار تقویت بعد ساختاری کانون های طلاب، از بعد ماهیتی و محتوا نباید غافل بود و همواره باید به هدف اصلی و عالی تشکیل چنین کانون هایی توجه نمود و در دوره جدید، بر آموزش طلاب و ارتقای شیوه های ارتباطی متمرکز خواهیم شد.

حجت الاسلام والمسلمین سلطانی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان تهران نیز با بیان اینکه فعالیت های کانون طلاب در استان تهران رو به رشد خواهد بود، از برنامه ریزی مجموعه جمعیت هلال احمر استان در جهت افزایش کمی و کیفی کانون های طلاب به ویژه کانون های طلاب خواهران خبر داد. □

« کتاب دعبل و زلفا تألیف مظفر سالاری است. این اثر روایتی عاشقانه از آشنایی و زندگی پرفراز و نشیب دعبل خزاعی، شاعر اهل بیت (ع) و همسر سازش ناپذیرش زلفا را روایت می‌کند. در این کتاب، مقاطعی از زندگی دعبل در زمان امام موسی کاظم (ع) و امام رضا (ع) به صورت داستانی کنکاش شده است؛ عشق میان او و زلفا بستری جذاب برای ماجراهای فراوان این رمان است که تلاش دارد بر اساس داده‌های تاریخی به بازسازی و بازآفرینی ماجراها و حوادث بپردازد. رمان «دعبل و زلفا» سرگذشت دعبل است که زبانی تیز و صریح در حق‌گویی دارد. او در سفری، به عشق زلفا که کنیزی شیعه است و سیرت و صورتی زیبا دارد، گرفتار می‌شود. برای رسیدن به او تلاش فراوانی می‌کند و حتی در عشقش از نماز دور می‌شود و به شراب روی می‌آورد و اشعاری عاشقانه می‌سراید. این اشعار باعث می‌شود تا به قصر موصلی و هارون راه پیدا کند و با چنین افرادی هم‌نشین شود. در نهایت به وضع اسف‌باری دچار می‌شود و یکی از محبتان امام کاظم علیه السلام، ابن یقطین، او را نجات می‌دهد و زلفا را با لطایف الحیلی از چنگ موصلی بیرون کشیده و به ازدواج دعبل درمی‌آورد. زلفا دعبل را ترغیب می‌کند تا اشعاری در مظلومیت اهل بیت و افشاگری ظلم‌های حکومت وقت بسراید. دعبل مسیری روشن‌تر را طی می‌کند تا این‌که با بیماری چشمان همسرش مواجه می‌شود و به هم می‌ریزد. در نهایت چشمان زلفا به وسیله پیراهن امام رضا علیه السلام شفا می‌یابد. دعبل در این داستان با افراد زیادی از جمله ابن سیار مواجه است. ابن سیار طبیبی مادی‌گراست که دوست ندارد به هیچ وجه مؤمن شود. او نیز در این داستان با حادثه‌هایی مواجه می‌شود.

همکاران جمعیت هلال احمر در ستاد با مراجعه به معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه و دیگر همکاران در استان‌ها با مراجعه به دفاتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان‌ها ضمن ثبت نام، این کتاب را دریافت نمودند. مدت ارسال پاسخ‌ها تا بیستم تیرماه بود و مراسم قرعه‌کشی در جشن میلاد حضرت امام رضا (ع) برگزار و اسامی برندگان نهایی این مسابقه اعلام شد.

معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی ضمن اعلام جدول اسامی برگزیدگان اعلام کرد: برندگان مسابقه می‌توانند با مراجعه به معاونت فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه یا تماس با شماره ۸۵۶۳۲۴۰۰ نسبت به دریافت هدایای خود اقدام نمایند. □

مسابقه کتابخوانی
دعبل و زلفا
یک داستان عاشقانه در دل تاریخ

✱ برای شرکت در مسابقه و اطلاع از شرایط آن به معاونت فرهنگی مراجعه فرمایید
✱ مراسم قرعه‌کشی در جشن میلاد حضرت امام رضا (ع) برگزار خواهد شد

معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه

از سوی معاونت فرهنگی
حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر برگزار شد

مسابقه کتابخوانی «دعبل و زلفا»

مسابقه کتابخوانی از کتاب «دعبل و زلفا» به همت معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در سطح کشور برگزار شد. ■

برندگان شماره ۴۳



معصومه مختاری - ارومیه	۹۰۱۰۴۳۰ **۴
رقیه حسین زاده - ایلام	۹۰۱۵۲۷۹ **۸
اروجعلی یآوری - آذربایجان غربی	۹۰۱۳۹۸۹ **۰
مسعود شاملو - همدان	۹۰۳۳۱۰۰ **۸
ریحانه مهدوی - خراسان رضوی	۹۰۵۱۴۶۹ **۴
طاهره نجف زاده - قم	۹۰۵۹۱۲۹ **۰
صفرعلی نوروزی - اصفهان	۹۱۰۳۷۴۶ **۵
فاطمه سکاکی - قزوین	۹۱۰۹۵۸۸ **۶
سید محسن کبریایی - گرگان	۹۱۱۲۷۷۷ **۲
سید شمس الدین کریمی یوسفی - گیلان	۹۱۱۳۳۸۸ **۲
وحید کلاتی - گلستان	۹۱۱۷۵۳۶ **۶
عبدالمجید حسن نژاد - آذربایجان غربی	۹۱۲۰۵۷۴ **۶
ایرج صدیقی - تهران	۹۱۲۲۱۳۳ **۰
مهدی کاظمی - یزد	۹۱۲۳۴۶۵ **۵
اردشیر فقیه ملک مرزبان - البرز	۹۱۲۴۶۰۵ **۶
هادی صفری - تهران	۹۱۲۵۲۱۵ **۳
مهدی آشوری - قزوین	۹۱۲۶۸۲۸ **۰
صدیقه طبیبائی - قم	۹۱۲۶۵۱۴ **۸
محمد مهدی برات - تهران	۹۱۲۷۷۵۳ **۴
فیروز معصومی - قزوین	۹۱۲۸۸۲۳ **۹
منوچهر قاسمی - چهارمحال و بختیاری	۹۱۳۱۰۹۴ **۱
سید سعید غیوری - اصفهان	۹۱۳۱۳۱۱ **۶
احمد پور جهان نشاهی - کرمان	۹۱۳۱۴۳۴ **۱
عباسعلی استاد غلامی - یزد	۹۱۳۳۵۴۱ **۹
ملیحه سادات مزاری مقدم - خراسان جنوبی	۹۱۳۵۱۲۳ **۸
بهزاد سیوانی - همدان	۹۲۱۴۳۵۱ **۹
ناهیده رضایی - تبریز	۹۹۰۷۹۱۶ **۵
فیروز شیخی - تهران	۹۱۲۷۰۸۳ **۸
ندا کاظمی - جهرم	۹۹۰۰۴۶۳ **۵
رقیه سادات مزاری مقدم - خراسان جنوبی	۹۳۸۴۱۸۳ **۹
علی محمودی - هرمزگان	۹۳۹۱۸۵۴ **۷
علی زارع خفزی - فارس	۹۳۸۸۵۵۸ **۵
آیناز حاجی حسنی اصل - تبریز	۹۳۸۳۶۷۱ **۰
مرضیه بیربایی - لرستان	۹۲۱۰۱۷۷ **۲
محمد کردی - تهران	۹۲۱۲۷۵۸ **۵
فاضله جهانی - کردستان	۹۱۴۶۷۰۴ **۲
ولی تقی زاده - هشتروند	۹۱۴۶۷۰۴ **۵
صغری کریم پور - آذربایجان شرقی	۹۱۴۷۲۷۸ **۵
سیروس شرفی - کردستان	۹۱۴۵۴۹۵ **۴
فاطمه حسین زاده - خراسان رضوی	۹۱۵۵۳۳۸ **۹

برندگان شماره ۴۴



مهدیث زارع خفزی - فارس	۹۱۷۱۲۳۵ **۲
مهوش رضایی - فارس	۹۳۰۵۹۳۶ **۹
آذربهنائی - تهران	۹۱۲۱۳۴۲ **۶
روح الله رضایی - گیلان، املش	۹۱۱۲۴۱۱ **۲
شکوه غفرانی - خراسان جنوبی	۹۱۵۱۶۱۳ **۱
فرامرز عالی - آذربایجان شرقی	۹۱۴۳۲۴۵ **۵
محمد تقی محمدوند - آذربایجان شرقی	۹۱۴۴۱۱۰ **۳
هادی زارعی - ایلام	۹۱۸۳۴۳۵ **۹
زینت حسین پورده بزرگ - کهگیلویه و بویراحمد	۹۱۷۲۷۴۶ **۹
حجت الله هادی - خراسان رضوی	۹۰۳۲۷۹۲ **۲
مرضیه یونسی مقدم - گیلان	۹۳۵۷۹۲۱ **۹
خالد ویسی - کرمانشاه	۹۱۸۹۹۲۱ **۳
هما جهان کهن - کهگیلویه و بویراحمد	۹۱۷۳۱۸۴ **۳
دینا شاهی - استان اردبیل	۹۱۴۷۵۵۲ **۳
مرضیه شمس آبادی - خراسان رضوی	۹۱۵۹۷۲۳ **۰
زهرا ایزدجو - استان بوشهر	۹۱۷۹۶۱۵ **۶
حسن بلدی - استان اردبیل	۹۱۴۴۵۲۸ **۶
زینب عراقی نصرآبادی - خراسان رضوی	۹۱۵۶۴۹۸ **۹
رمضان رایگان - خراسان رضوی	۹۱۵۱۳۰۴ **۹
ناهید علیزاده - البرز	۹۳۵۱۶۸۶ **۵
فرحناز صفائی - کردستان	۹۰۵۰۳۱۰ **۱
احمدیان - تبریز	۹۱۴۴۰۶۲ **۲
احمد جاسمی - کردستان	۹۰۴۴۰۵۱ **۱
سکینه خلج - قم	۹۱۲۷۴۷۳ **۸
افسانه غلامی - فارس	۹۱۷۴۳۳۶ **۲
فلوراصدری - فارس	۹۱۶۶۷۱۱ **۹
کامبیز محمدی - کرمان	۹۱۳۹۴۱۰ **۰
حجت نصیری - اصفهان	۹۱۳۱۱۰۶ **۴
سید آرین کریمی یوسفی - گیلان	۹۰۵۵۴۸۴ **۳
صادق علیزادگان - آذربایجان غربی	۹۱۴۳۶۱۳ **۷
کیومرث گهر مهر - کرمانشاه	۹۳۳۵۳۴۴ **۷
پیام الفتی - کرمانشاه	۹۰۵۸۲۴۸ **۶
معصومه اصفهانی - خراسان رضوی	۹۱۵۵۱۹۴ **۵
محمد شهبازی - قزوین	۹۱۲۷۸۶۲ **۶
زارعیان - یزد	۹۱۳۲۷۴۸ **۹
حسین محمودی - یزد	۹۱۳۱۵۷۷ **۴
سید امیر محمد مسلمی - یاسوج	۹۱۷۹۴۲۰ **۳
علی حسینی - قم	۹۱۹۱۴۸۷ **۱
معصومه قنبری - مرکزی	۹۱۹۸۷۲۴ **۵
فیروز واعظ زاده - تهران	۹۱۹۴۷۶۰ **۹

علاقه مندان به شرکت در مسابقه پیامکی مهرماه می‌توانند با مطالعه سؤالات زیر، پاسخ آن را در بخش‌های مختلف مجله پیدا و به سامانه ۳۰۰۴۸۶۶۴۴ ارسال کنند.

پاسخ شما باید یک عدد ۸ رقمی باشد که هر رقم آن گزینه صحیح هر یک از سؤالات است. به‌طور مثال: در سؤال یک، پاسخ شماره ۲ صحیح است و در سؤال ۲ گزینه شماره ۴ و در سؤال ۳ گزینه شماره ۱ و... عدد گزینه ارسالی شما این خواهد بود: ۲۴۱۰۰۰

ضمناً همراه عدد‌های ارسالی، نام و نام خانوادگی خود، نام استان و محل خدمت‌تان را قید کنید.

به برگزیدگان جوایزی اهدا می‌شود.

زمان ارسال پیام تا ۱۵ شهریور

« مسابقه پیامکی مهرماه »

منظور امام و رهبر معظم انقلاب از «تقیه» چیست؟

- ۱) وحدت ۲) پرهیز از اختلاف ۳) اتحاد مسلمین ۴) پذیرش نظر مخالفان

اصطلاح «نوبهار جان و دل» کنایه از چیست؟

- ۱) حج ۲) نماز ۳) ماه رمضان ۴) عید غدیر

نویسنده کتاب «سفر به قبله» کیست؟

- ۱) رضا امیرخانی ۲) جلال آل احمد ۳) ابراهیم حسن بیگی ۴) هدایت الله بهبودی

«کلید همه خیرات» و «آخرین مرحله سعادت بشر» چیست؟

- ۱) یاد خدا ۲) نیکی به پدر و مادر ۳) انفاق ۴) اقامه نماز و روزه

چه کسی در جنگ احزاب پیشنهاد حفر خندق را داد؟

- ۱) ابوذر غفاری ۲) سلمان فارسی ۳) حضرت علی (ع) ۴) حضرت حمزه سیدالشهدا

کارگردان فیلم «شبی که ماه کامل شد» کیست؟

- ۱) ابراهیم حاتمی‌کیا ۲) پوران درخشنده ۳) مجید مجیدی ۴) نرگس آبیار

خالق شخصیت «حنظله» چه کسی است؟

- ۱) عرفان خالد ۲) سوری پنایا ۳) ناجی سلیم‌العلی ۴) سالم لیبی

توصیف موسوی گرمارودی که می‌گوید: «پیش از او هیچ اقیانوسی عمود نایستاده بود» درباره کیست؟

- ۱) حضرت علی (ع) ۲) پیامبر اکرم (ص) ۳) امام رضا (ع) ۴) حضرت زهرا (س)